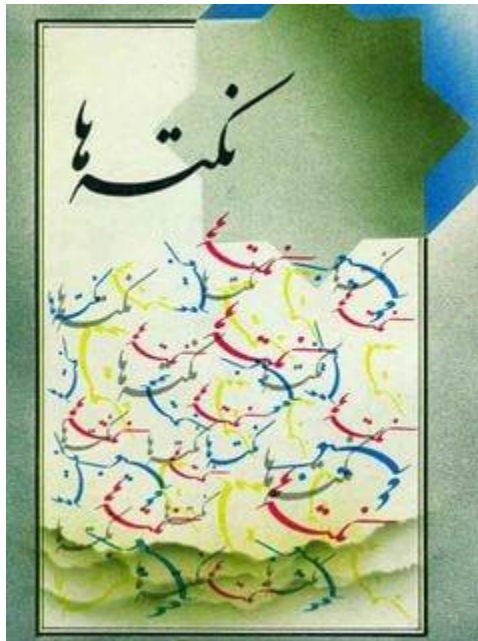


خطبه ها و نکته ها



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

در مدت نه سال (از سال 1384 تا 1393) که امام جمعه شهرهای
پلدختر، نورآباد لرستان، لاهیجان و حسن آباد فشافویه تهران بودم، برای خطبه اول هر هفته مطالبی
از معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام آماده و بیان می کردم.
تعدادی از این خطبه ها را در اینجا بصورت کتابی تالیف نمودم و در اختیار خوانندگان محترم
قرار می دهم.
رمضان المبارک سال 1402. کرمانشاه.

هل جزاء الاحسان الا الاحسان؟.....

آیا پاداش خوبی جز خوبی است؟

یکی از اداب معاشرت، این است که در مقابل نیکی و خوبی، باید خوبی نمائیم و خوبی را با بدی

جواب ندهیم!

این یک مسئله مهم و تاثیر گذار در جامعه است. اگر این بعنوان یک فرهنگ در جامعه اشاعه

پیدا کند تاثیرات بسیار مهمی در سعادت جامعه خواهد داشت.

اولین نیکوکار خداوند است که به همه ما نیکی و احسان کرده و باید جواب احسان او را با

احسان بدهیم نه با کفر و طغیان و گناه و مخالفت!

یکی از علما شنید عده ای از الواط شبها دور هم جمع شده و فسق و فجور میکنند. شبی به محفل

آنها رفت واز آنها پرسید شما چه مرام خوبی دارید؟ گفتند یک مرام ما آنست که اگر نان

و نمک کسی را خوردیم نمکدان نمی شکنیم و به او بدی نمی کنیم!عالم گفت اما من موردی

سراغ دارم که شما نان و نمکش را خورده اید و نمکدان را هم شکسته اید! آنها با تعجب پرسیدند

کی و کجا؟ فرمود شما بارها و بارها نعمتهای خدا را استفاده کرده اید و از خوان نعمت او خورده

اید واز رزق او استفاده نموده اید ولی نمکدان را شکسته و خیره سری نموده و معصیت می کنید!

سپس این عالم آنها را نصیحت کرد و موفق شد آنها را توبه دهد.

اگر ابن ملجم به این دستور قرآنی و عقلی عمل می کرد امام علی را شهید نمی کرد زیرا او مدتی مهمان حضرت بود و امام انواع نیکی ها به او کرده بود.

اگر لشکر عمر سعد به این آیه عمل می کردند هیچگاه امام حسین را نمی کشتند زیرا امام قبل از جنگ تعدادی از آنها را سیراب کرده واز تشنگی نجات داده بود.

اگر فرزندان به این آیه عمل کنند هیچگاه والدین خود را اذیت نمی کنند و سرما را دنیا با آنها درگیر نمی شوند.

اگر بدهکارها به این ادب عمل کنند دیگر لازم نیست در مقابل خوبی که به آنها کرده و به ایشان قرض داده اند از دادن قرض خود فرار نمایند!

یا کسی که ضامن ما شده حالا گرفتار شود و باید بدهی ما را او بدهد!

یا بکسی کمک می کنی در مقابل برای او دردسر ایجاد نمائیم!

یا نظام اسلامی، ما را از طاغوت و ظلم آن نجات داده و بما احسان نموده ما هم باید درمقابل

کمک کار نظام اسلامی و رهبر عزیزمان و دولت باشیم.

زن وشوهری در راه به کسی که ماشینشان خراب شده بود کمک کردند ولی او درمقابل با کمک دوستش به آنها هتک جرمّت نمود و...

چه عواملی باعث از بین رفتن برکات الهی می شود؟

ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم برکات من السماء والارض ولكن کذبوا فاخذناهم
بما کانوا یکسبون {اعراف 96}

خطبه اول:

چه عواملی باعث از بین رفتن برکات الهی می شود؟

1- گناه: علی (ع): اذا ظهرت الجنايات ارتفعت البرکات. هر وقت گناهان ظاهر شدند برکات می
روند... امام هادی (ع): ایاک والزنا فانه یمحق البرکه و یهلك الدین. پرهیز از زنا که برکت را
برده و دین را نابود می کند.

2- ترک امر بمعروف ونهی از منکر: {پیامبر: لایزال الناس بخیر ما امروا بالمعروف ونهوا عن
المنکر فاذا لم یفعلوا ذلک نزعنا منهم البرکات. تا زمانی مردم در خیر هستند که امر بمعروف و
نهی از منکر کنند ولی اگر نکردند برکات از آنها می رود

3- سبک شمردن نماز: پیامبر: کسی که نماز را سبک بشمارد خدا برکت را از عمر و رزقش
برمی دارد.

4- خیانت: پیامبر: ترفع البرکه من البیت اذا کانت فیه الخیانه. خانه ای که در آن خیانت باشد
برکت از آنجا می رود.

5- مال حرام: امام هادی (ع): مال حرام زیاد نمی شود و اگر زیاد هم شود برکتی در آن نیست.

6- اسراف: امام صادق (ع): ان مع الاسراف قله البرکه. برکت با اسراف کم می شود.

7- دوری از دانشمندان: پیامبر: زمانی بر مردم خواهد آمد که از عالم می گریزند همانطور که
گوسفند از گرگ می رمد. هرگاه چنین شد خداوند آنان را به سه چیز مبتلا می کند. برکت از
اموالشان می برد. حاکمی ستمگر را بر آنان مسلط می سازد. از دنیا بی ایمان خارج می شوند.

8- علم موزی برای ریا و دنیا: پیامبر: من تعلم العلم ریاء و سمعه یرید به الدنیا نزع الله برکتہ
وضیق علیه معیشه. هر که علم را برای خودنمایی و دنیا طلبی یاد بگیرد خدا برکت از او گرفته و
معیشتش را تنگ می کند.

- 9- ندادن حق مردم: پیامبر: من حبس عن اخيه المسلم شيئاً من حقه. حرم الله عليه برکه الرزق الا ان يتوب. هر که حق مومنی را ندهد خدا برکت رزق را بر او حرام می کند مگر توبه نماید.
- 10- فریکاری: پیامبر: من غش اخاه المسلم نزع الله عنه برکه رزقه. هر که نسبت به برادر مسلمانش تقلب کند خدا برکت از رزقش برمی دارد.
- 11- منع زکات: پیامبر: اذا منعوا الزکات منعت الارض برکتها من الزرع والثمار والمعادن کلها. اگر زکات ندهند زمین برکاتش را از زراعت و میوه ها و معادن مانع میشود.
- 12- قسم در معامله: ایاکم والحلف فانه... یمحق البرکه. پرهیزید از قسم که برکت را میبرد.

ماه مبارك رمضان

«يا ايها الذين آمنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلكم تتقون»

يعنی ای مؤمنین! روزه بر شما واجب است همانگونه که بر امتهای گذشته واجب بود شاید پرهیزکار شوید.

«شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان»

یعنی ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است. قرآن هدایت و برهان و تمیز حق و باطل است

یک مهمانی مخصوص

پادشاه جهان سالی یک بار به رعیت هاش به مدت یک ماه، مهمانی مخصوصی می دهد. مهمانها باید از اذان

صبح تا اذان مغرب منتظر افتادن سفره غذا بمانند. در این مدت مرتب از طرف پادشاه جهان به مهمانها هدیه ها

داده می شود. برای هر نفس زدن یک هدیه. برای خوابیدن یک هدیه. برای قرآن خواندن هدیه بزرگتر. برای نماز

خواندن هم یک هدیه. برای صله رحم و عیادت مریض و شرکت در مجلس علم و شرکت در کارهای خیر هر کدام

هدایای جداگانه داده می شود.

متأسفانه عده زیادی از رعیت ها بخاطر غفلت و جهل و نادانی و دشمنی با پادشاه جهان در این مهمانی شرکت نمی

کنند و از این هدایای بزرگ و ابدی بی نصیب می مانند. اکثر اینها کسانی هستند که زندگی چند روزه دنیا را بر

زندگی ابدی در بهشت و استفاده از هدایای خداوند، ترجیح می دهند. آنها مانند حیوانات می خورند و می چرند و

از نعمتهای پادشاه جهان استفاده می کنند ولی نمک خورده و نمکدان می شکنند و با پادشاه عالمیان دشمنی می

ورزند و او و نمایندگان او را انکار می کنند و گاه پارا از این فراتر گذاشته و نمایندگان او را اذیت و آزار نموده و می

کشند. در مقابل، پادشاه جهان به عده ای از آنها فرصت می دهد تا قبل از مردن خود را اصلاح کنند و دست از

دشمنی با او بردارند و عده ای دیگر را بخاطر اعمال بدشان و برای عبرت دیگران مجازات می کند.

عده ای از آن دسته ای که خدا به آنها مهلت می دهد بعد از مدتی توبه کرده و با پادشاه جهان آشتی می کنند

و همه ساله در مهمانی او شرکت می کنند و رعیت خوبی می شوند. ولی عده ای دیگر به لجاجت و انکار خود ادامه

داده تا عاقبت با این وضع از دنیا می روند. با آرزوی اینکه مهمان خوبی برای پادشاه جهان باشیم.

خداوند با وجوب روزه اراده فرموده تا نفس عبادت کنندگان تربیت و تهذیب شود. مسلمانان با روزه گرفتن، تمرین مبارزه با نفس می نمایند. باروزه به جنگ و کشمکش با شهوات و لذات افسار گسیخته می روند. «رسول خدا(ص): روزه عامل بازدارنده است پس هرگاه روزه گرفتید از امور جنسی خودداری کنید. فریاد و پرخاش نکنید. اگر کسی به شما دشنام داد یا به جنگش برخاست بگوید من روزه ام. من روزه ام.»

مساوات بین فقیر و غنی

امام صادق(ع): خدا روزه را برای ایجاد مساوات بین فقیر و پولدار واجب نمود زیرا پولدار هیچگاه دچار گرسنگی و بی پولی نمی شود تا بر فقیر رحم کند چون هر موقع گرسنه شود غذا برایش آماده است. پس خدا اراده کرد تا بین مخلوقاتش تساوی قرار دهد و پولدار هم مزه گرسنگی و درد را بچشد. تا بر فقیر و گرسنه رحم کند. چرا روزه در رمضان؟

امام رضا(ع): برای این روزه در رمضان واجب شد زیرا این ماه نزول قرآن است و شب قدر که افضل از هزار ماه است در این ماه قرار دارد. و برای این یک ماه روزه واجب شده زیرا همه می توانند یک ماه را روزه بگیرند.

وای بر روزه خوران

امام صادق(ع): کسی که یک روز از ماه رمضان را بخورد روح ایمان از او خارج می گردد.

عهد الهی با انسان درباره پیروی نکردن از شیطان

موضوع این خطبه درباره عهد الهی با انسان درباره پیروی نکردن از شیطان بوده است.

خداوند در چندجا با انسان عهد بست که با شیطان دشمنی کند و از او دوری نماید و پیروی نکند.

1- فطرت: خداوند فطرت همه انسانها را بر مبنای یکتاپرستی و نفی غیر خدا قرار داده و بر مبنای دشمنی با شیطان ساخته است.

2- عقل: خداوند عقل را که پیامبر باطنی است در انسان بودیعه گذاشته و عقل پیروی از شیطان را که باعث اخراج آدم و حوا از بهشت شد را رد می نماید

3- موقع هبوط آدم به زمین خداوند به فرزنداناش هشدار داد که مواظب شیطان باشید که همانطور که والدین شمارا بدبخت کرد شمارا بدبخت نکند.

4- هر پیامبری که مبعوث شد به انسانها هشدار می داد که مواظب دشمن قسم خورده خود که شیطان است باشید.

5- درعالم ذر که از همه انسانها تعهد گرفت تا غیر خدا را نپرستند.

چگونه با مردم رفت و آمد نماییم؟

انسان چون موجودی اجتماعی است همواره نیاز به معاشرت و رفت و آمد با دیگر انسانها را دارد و اگر بخواهند شخصی را شکنجه کنند کافی است که او را مدتی از تماس با مردم محروم نمایند همانطور که مجازات سامری که گوساله پرستی را در میان قوم موسی (ع) رواج داد این شد که مردم تا آخر عمرش با او حرف نزنند. اما باید معاشرت ما بر مبنای صحیح باشد تا باعث عزت و احترام ما شده و باعث تقویت ما گردد.

اصول معاشرت صحیح:

1- احترام به شخصیت دیگران

«امام ششم (ع): هر که مؤمنی را اکرام کند، گویا خدا را اکرام کرده است.» 428

2- خدمت به دیگران

«رسول خدا (ص): هر که به عده‌ای از مسلمانان خدمت کند، خداوند در بهشت به عدد آنها به او خدمتکار عطا فرماید.» 429

3- معاشرت با خوبان

«امام پنجم (ع): با کسی معاشرت کن که تو را می‌گریاند و خیر خواه توست! و با کسی که تو را می‌خنداند و فریب می‌دهد، معاشرت منما!» 430

4- دوری از معاشرت با کسانی که باعث سوء ظن مردم می‌شود.

«امام هفتم (ع): از مواضع تهمت و شک پرهیز و حتی 'در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی‌دانند که این زن مادر توست!» 431

5- هدیه به مؤمنین

«امام ششم (ع): هدیه بدهید تا دوستی ایجاد گردد. زیرا هدیه کینه هارا می‌برد.» 437

6- کمک و رفع احتیاج مسلمانان

«امام سجاد (ع): هر که حاجت مؤمنی را روا نماید، مثل اینست که حاجت خدا را روا کرده است! و بخاطر آن، خداوند صد حاجت از او را که راحت‌ترین آنها بهشت است، برای او روا می‌کند. و هر که غم

مؤمنی را بر طرف کند، خداوند در قیامت، بالاترین غم او را بر طرف می نماید. و هر که مظلومی را علیه ظالمی کمک کند، خداوند او را بر پل صراط، در جایی که قدمها بلغزد، یاری نماید. و هر که در کارهای مؤمنی تلاش کند بطوریکه او را خوشحال نماید، مثل آنست که رسول خدا (ص) را خوشحال نموده است. و هر که تشنه ای را سیراب کند، خداوند از رحیق مختوم (شراب بهشتی) او را سیراب نماید. و هر که گرسنه ای را سیر کند، خداوند به او از میوه های بهشتی بخوراند. و هر که عریانی را بپوشاند، خداوند او را از استبرق و حریر بهشتی بپوشاند. و هر که بر غیر عریانی، لباس بپوشاند، تا زمانی که آن لباس بر تن اوست، در ضمانت الهی قرار گیرد. و هر که مؤمنی را بر مرکب (وسیله نقلیه) خود سوار کند، روز قیامت خداوند او را بر شتری از شتران بهشت سوار نماید، بطوریکه ملائکه به او مباحات نمایند. و هر که میت مؤمنی را کفن کند، مثل این است که از روز ولادت تا مرگش بر او لباس پوشانده باشد. و هر که زنی را برای مؤمنی تزویج کند و آن مؤمن با همسرش در صلح و آرامش باشد، خداوند در قبر او را با صورت محبوبترین خانواده اش مأنوس نماید. و هر که به عیادت مریضی بود، ملائکه برای او دعا می کنند تا از عیادت برگردد و به او می گویند: بهشت بر تو گوارا باد!

و بخدا سوگند! روا کردن حاجت مؤمن نزد من از دو ماه روزه پشت سرهم، بصورت اعتکاف در ماههای حرام، محبوبتر است.» 447

.....

جایگاه دنیا در نزد قرآن و سنت

یکی از عوامل انحراف انسان، عدم شناخت درست از دنیا است.

قل متاع الدنيا قليل والاخره خير لمن اتقى {نساء 77}

بگو کالای دنیا کم است و آخرت برای ادم باتقوا بهتر است.

«در سوره فجر چهار مورد دنیا طلبی بعنوان مانع عبادت اشاره می کند:

كَلَّابِلٌ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ: شما یتیم را اکرام نمی کنید! وَلَا تَخَاضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ: یکدیگر را بر اطعام مستمندان

تشویق نمی کنید! وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا: و میراث وارث را جمع کرده می خورید! وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا: و مال

و ثروت را بسیار دوست دارید!»

«پیامبر (ص): اتمم در دنیا سه دسته اند: عده ای هستند که جمع آوری مال و ثروت را دوست

نداشته و به ضروریات راضی هستند. اینها ایمن می باشند.

دسته دوم از راه حلال مال و ثروت جمع کرده و جمع آوری مال را دوست دارند ولی با مالشان

صله رحم نمی کنند و به برادران دینی کمک نمی نمایند و برادران ایمانی را از حقشان منع

می کنند. اینها را اگر خدا بخواد عفو می کند و الا بر آنها حجت اقامه می نماید.

دسته سوم از حلال و حرام ثروت اندوزی می کنند. واجبات را نمی دهند و اگر خرج می کنند در

اسراف و تبذیر است. دنیا بر اینها حاکم است و روز قیامت به جهنم روانه میشوند

معاشرت 2

بسم الله الرحمن الرحيم - ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الى اهلها-----وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ «مائدة 2»

معاشرت در اسلام

7- حفظ اسرار دیگران و بر گرداندن امانتها به صاحبانشان

«رسول خدا(ص): کسیکه در امانت تخلف کند از مانیت. و کسیکه در خانواده و ثروت مسلمانی خیانت کند از مانیت.»

انواع امانت

1- در امانتداری فرق ندارد که امانت گرانقیمت باشد یا ارزان.

«شخصی با اصرار از یکی از عرفا درخواست یاد دادن اسم اعظم را می کرد و او قبول نمی نمود. تا اینکه مرد عارف در ظاهر قبول کرد و به او قول داد که بعد از مدتی اسم اعظم را به یاد دهد. روزی این عارف بسته کوچکی را به این شخص داد و گفت که این را ببر و به فلان شخص بده و سر بسته را باز نمما! آن مرد بسته را گرفت و بطرف مقصد براه افتاد. در راه با وسوسه شیطان سر بسته را باز کرد تا از محتویات آن مطلع شود. وقتی در بسته را گشود ناگاه موشی که در آن بود بیرون جست و فرار نمود. مرد وقتی این صحنه را دید با ناراحتی و عصبانیت نزد عارف برگشت و گفت: مقام من این قدر پست شده که باید بچه موشی را برای دیگری ببرم؟ عارف گفت: خواستم شما را بیازمایم که آیا می توانی امانتدار باشی؟ تو که نتوانستی در یک بسته امانتداری کنی چگونه می خواهی در باره اسم اعظم امانتداری نمایی.»

2- فرقی ندارد که امانت دهنده مسلمان باشد یا غیر مسلمان.

«امام پنجم(ع): بر شما باد به امانتداری نسبت به کسیکه بشما امانتی داده چه آدم خوبی باشد و چه بد باشد. پس اگر قاتل علی بن ابیطالب امانتی نزد من بگذارد من امانت او را در وقتش پس می دهم.»

3-فرقی ندارد که امانت مالی باشد یا ناموس باشد و یا سروراز دیگران باشد.

هشدار: بعضی از امانت‌ها را نباید قبول کرد تا از عواقب آن مصون شویم. در داستان عابد

اگر برصیصا هرگز اجازه نمی داد تا دختری جوان به خانه او که تنها زندگی می

کرد، بیاید، اینگونه بدبخت نمیشد.

همچنین باید امانت را به اهلش داد. اگر تاجر عاقل بود می فهمید که عبادت به تنهایی

باعث نجات انسان نمی شود. عبادت برصیصا بدور از تقوا و علم بود. اگر عبادتش واقعی و مورد

قبول خدا بود این چنین نمی شد. که در تاریخ مانند این صحنه ها برای مردان خدا بارها اتفاق

افتاد و به گناه آلوده نشدند.

از جمله آثار خیانت در امانت، از هم پاشیده شدن خانواده ها، شکست در امور مالی

و اقتصادی، از بین رفتن اعتماد و اطمینان به فرد خیانتکار و... است.

امام ششم: به طول رکوع و سجود افراد نگاه نکنید... بلکه آنان را با راستگویی و امانت داری

بیازمائید.

بعد از شهادت امام کاظم (ع)، یکی از وکلای حضرت در اموال خیانت کرد به این صورت که

اموال زیادی از خمس در نزد او بود و باید تحویل امام می داد وقتی امام هفتم شهید شد ا برای

اینکه اموال را برای خود بردارد و به امام رضاع ندهد، ادعا کرد که امام هفتم آخرین امام

است! و او امام عصر است که در کوه رضوی مکه پنهان است تا خدا اجازه ظهور دهد!

پیامبر: علامت منافق یکی این است که در امانت خیانت می کند.

رحمت الهی

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ

الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾

بگو ای بندگانم که زیاده بر خویشتن ستم روا داشته‌اید، از رحمت الهی نومید مباشید، چرا که خداوند همه گناهان را می‌بخشد، که او آمرزگار مهربان است (زمر ۵۳)

امام سجاد فرموده بهشت را به بهانه می دهند.

یعنی خدا می خواهد هرطور شده بندگانش به بهشت بروند. زیرا خدا ارحم الراحمین است.

گویند خدا اسماء زیبا و بزرگی دارد که بر رحمت و اسعه اش دلالت می کند. از جمله اسمهای پروردگار، ارحم الراحمین، غفار الذنوب، حنان، کاشف الکروب و غیره است. بهترین جا برای بیان اسمهای خداوند در مورد رحمانیتش یکی قرآن کریم و دیگری در دعای جوشن کبیر است.

در قرآن کریم که 114 سوره دارد همه سوره ها با جمله: بسم الله الرحمن الرحيم آغاز می شود. و سوره حمد هم که روزی ده بار در نمازها خوانده می شود در آیه دوم به رحمانیت و رحیمیت خدا اشاره می کند.

همچنین سوره ای بنام الرحمن در قرآن کریم وجود دارد و صدها بار خدا به رحمانیت خود اشاره کرده است.

توبه پذیری خدا از جمله جلوه رحمت الهی

إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره 37)

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره 173)

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر 53)

یکی از درهای رحمت خداوند رحیم، باز گذاشتن در توبه است. انسانهای گناهکار تا زنده هستند فرصت بازگشت و نجات خود را دارند. چه گناهان بزرگ و چه گناهان کوچک. چه برای

کسیکه گناهان کمتری انجام داده است. و چه کسیکه مدتهای زیادی را به گناه مشغول بوده است.

وقتی انسان توبه می کند، خدا از او راضی می شود بیشتر از خوشحالی کسیکه اثاثش را گم کرده سپس بعد از مدتی آنرا پیدا می کند.

«پیامبر (ص) فرمود: هر که یکسال قبل از مردنش توبه کند، توبه اش قبول است. سپس فرمود: یکسال زیاد است. کسیکه یکماه قبل از مردنش توبه کند، توبه اش قبول است. سپس فرمود یکماه زیاد است! اگر یک هفته بلکه یک روز و بلکه یکساعت قبل از مردنش توبه کند، توبه او پذیرفته می شود.»

«از امام صادق (ع) در معنای آیه: **لَيْسَ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُم الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْإِنَّ**.

پرسیدند. فرمود: این آیه از آن حالتی سخن می گوید که چشم انسان - از امور دنیا بسته - به امور آخرت باز می شود. در این هنگام است که دیگر توبه فایده ندارد.»
قبول شفاعت واسطه ها در قیامت

شفاعت یعنی: در پایان حساب و رسیدگی به اعمال در روز قیامت، وقتی نامه های اعمال را به دست راست و یا چپ می دهند، وعده ای بهشتی وعده ای جهنمی می شوند، به وساطت و شفاعت بعضیها که در نزد خداوند، قُرب و مقامی دارند، گروهی از جهنمیان، بخشیده می شوند و از رفتن به جهنم، نجات می یابند.

طه 109:

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُاَ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا.

یعنی: امروز شفاعت احدی سود ندارد، مگر کسیکه خدا به او اجازه داده و به سخن او راضی است.

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق، فرمود: بخدا سوگند! در آنروز، بما اجازه داده می شود و جواب می گوییم! سؤال شد: چه جوابی می دهید؟ فرمود: پروردگار را تمجید می کنیم. بر پیامبر (ص) لوات می فرستیم.

و از شیعیانمان شفاعت می کنیم و خدا، شفاعت ما را رد نمی کند.

امام پنجم (ع): بنده ای را بمدت هفتاد خریف که هر خریفی معادل هفتاد سال است، در جهنم عذاب می کنند. سپس آن شخص دعا می کند که: خدایا! بحق محمد و اهل بیتش، بمن رحم کن! خداوند به جبرئیل وحی می کند که: نزد بنده ام فرود آی و او را از جهنم بیرون بیاور! جبرئیل فرود می آید و آن شخص را در حالیکه بر صورت افتاده است، بیرون می آورد. خداوند به او می فرماید: چند مدت در آتش بودی؟ می گوید: نمی توانم مدت آنرا حساب کنم. خداوند می فرماید: بعزت و جلالم سوگند! اگر دعا نمی کردی، بودن تو را در آتش طولانی می کردم. ولی من بر خود حتم کرده ام که هر شخصی مرا بحق محمد و اهل بیتش، سوگند دهد، او را بیامرزم. و امروز تو را آمرزیدم.

قرار دادن ثوابهای بزرگ در مقابل کارهای ناچیز

رسول خدا (ص) فرمود: هر که برای نماز جماعت، بسوی مسجد برود، برای هر قدم، هفتاد هزار حسنه دارد. و اگر بر نماز جماعت، مداومت کند، خداوند، هفتاد هزار فرشته می فرستد تا در قبر از او عیادت کنند و در تنهایی قبر، مونس او باشند و تا روز قیامت، برایش استغفار کنند. 28

امام صادق (ع) فرمود: هر که چهار حج بجا آورد، هر گز فشار قبر نبیند! و چون بمیرد، خداوند حجهای او را در قبر مجسم کند که تا روز قیامت، نماز می خوانند و ثواب آن نمازها برای او باشد. 29

«علی (ع): جبرئیل به پیامبر گفت: هر که انگشتر را در دست راست نماید و منظورش متابعت از سنت تو باشد، اگر در قیامت او را متحیر بینم، دستش را بگیرم و بتو و علی (ع) برسانم.» 323

آثار تلاوت بعضی از سوره ها در قیامت

کسیکه سوره یونس را در هر دو یا سه ماه تلاوت کند، روز قیامت از مقربین است * کسیکه سوره هود را در هر جمعه قرائت نماید، در قیامت از زمره پیامبران بوده و خطایش پاک می شود. * کسیکه سوره یوسف را در هر روز یا هر شب، تلاوت کند، در قیامت، جمالش مثل یوسف بوده و دچار فزع اکبر نمی گردد. * کسیکه سوره رعد را تلاوت نماید، بدون حساب، وارد بهشت شده و اجازه شفاعت در مورد خانواده و دوستانش را به او می دهند * کسیکه سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند، شهید می میرد و در قیامت با شهداء محشور می شود * کسیکه بر تلاوت سوره مریم مداومت نماید، رو قیامت جزء اصحاب عیسی (ع) محشور شده و پادشاهی سلیمان را به او می دهند *

و همینطور سوره های دیگر.

ثواب زیارت مشهد

امام جواد(ع): کسیکه قبر پدرم را - در مشهد - زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در قیامت تا پایان حساب، منبری بموازات منبر رسول خدا(ص)، برای او قرار می دهند.

اثر علم

رسول خدا(ص): کسیکه یک مسئله یاد بگیرد، روز قیامت، هزار گردنبد از نور بر گردنش می گذارند. «بحار، ج 1»

خوف خدا

رسول خدا(ص): هر که برای خدا و از خوف خدا، گناه نکند، خدا او را در روز قیامت، راضی می نماید.

عصبانیت

پنجم(ع): کسیکه عصبانیت خود را کنترل کند، در حالیکه قدرت بر اعمال خشونت دارد، روز قیامت خداوند دلش را از اطمینان و ایمان پر نماید.

اذان

رسول خدا(ص): کسیکه 40 سال اذان بگوید، روز قیامت، عمل چهل صدیق را به او بدهند. کسیکه 20 سال اذان بگوید، در قیامت نورش باندازه نور آسمان است. کسیکه 10 سال اذان بگوید، با حضرت ابراهیم(ع) در یکجا می باشد. کسیکه 1 سال اذان بگوید، همه گناهانش آمرزیده می شود.

حفظ احادیث

کسیکه 40 حدیث دینی برای اُمّت حفظ کند، روز قیامت در زمره فقهاء و علماء خواهد بود.

همچنین پرده پوشی در مقابل هزاران گناهی که انسان ها در خفا انجام می دهند. از جلوه های رحمت الهی است.

فلولا فضل الله عليكم ورحمته لتنم من الخاسرين (بقره 64)

اگر فضل الهی شامل شما نمیشد شما ضرر می کردید.

ربك الغفور ذو الرحمة لو يؤاخذهم بما كسبوا لعجلّ لهم العذاب بل لهم موعد لن يجدوا من دونه مؤنلا (كهف 58)

و خدای تو بسیار آمرزنده و بی‌نهایت دارای کرم و رحمت است، اگر خواهد تا خلق را به کردارشان مؤاخذه کند همانا در عذابشان تعجیل و تسریع کند و لیکن برای (عذاب) آنان وقت معین (در عالم قیامت) مقرر است که از آن هرگز پناه و گریزگاهی نخواهند یافت

گناهان کبیره از زبان مبارک امام صادق (ع)

عمرو بن عبید خدمت امام صادق رفت و آیه ۳۲ سوره نجم را خواند: «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ إِلَّا لِلَّمِمْ أَنْ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ». یعنی مؤمنین آنان هستند که از گناه کبیره و فاحشه‌گری از گناه صغیره دوری می‌کنند که آمرزش خدا وسیع است.

سپس عمرو تا کلمه فواحش را خواند، ساکت شد. حضرت فرمود چرا ساکت شدی؟ عرض کرد دوست دارم گناهان کبیره را از قرآن بشناسم. امام فرمود: بلی ای عمرو! بزرگترین گناهان:

۱- شرک به خدا که فرمود: «وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ» مائده ۷۲ و فرمود «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» نساء ۴۸

۲- یأس و ناامیدی از رحمت خداوند که فرمود: «لَا يَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْاَقَوْمُ الْكَافِرُونَ» یوسف ۸۷

۳- ایمن بودن از مکر الهی که فرمود: «فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» اعراف ۹۹

۴- عاق والدین زیرا عاق را ستمکار و بدبخت خوانده است «جَبَّارًا شَقِيًّا» مریم ۳۲

۵- کشتن نفس مؤمن که فرمود: «مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا» نساء ۹۳

۶- نسبت دان زنا به زن پاکدامن که فرمود: «لَعَنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» نور ۲۳

۷- خوردن مال یتیم که فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» نساء ۱۰

۸- فرار از جهاد که فرمود: «وَمَنْ يُولِهِمْ يَوْمَئِذٍ ذُِبِّرْهُ إِلَّا مُحْتَرِفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُحْتَجِزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» انفال ۱۶

۹- خوردن مال ربا که فرمود: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» بقره ۲۷۵

۱۰- سحر و جادو که فرمود: «وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ» بقره ۱۰۲

۱۱- زنا و فاحشه‌گری که فرمود: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ إِثْمًا يِضَاعِفْ لَهُ الْعَذَابُ وَ يَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا» فرقان ۶۸

۱۲- سوگند دروغ که فرمود: «الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ» ۷۷

۱۳- کینه مؤمن در دل گرفتن: «وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» آل عمران ۱۶۱

۱۴- زکات ندان که فرمود: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» توبه ۳۴

۱۵- شهادت دروغ که فرمود: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» فرقان ۷۲

۱۶- مخفی کردن شهادت که فرمود: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ إِثْمٌ قَلْبُهُ» بقره ۲۸۳

۱۷- شرابخواری: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» بقره ۲۱۹

۱۸- قماربازی که فرمود: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» بقره ۲۱۹

۱۹- ترک عمدی نماز که رسول خدا (ص) فرمود: کسی که عمدا نماز نخواند از ذمه خدا و ذمه رسول خدا دور شده است.

۲۰- شکستن پیمان

۲۱- قطع رحم که فرمود: «لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» رعد ۲۵

چون سخن امام به اینجا رسید، عمرو در حالی که گریه می کرد بلند شد و گفت هلاک می شود کسی که به رأی خود بگوید و با شما در فضائل و علوم مشاجره و منازعه کند، و بیرون رفت. «تفسیر اثنی عشری ج ۱۲ ص ۳۴۳»
ای کاش عمرو می نشست تا امام صادق (ع) همه گناهان کبیره را برای او می گفت و به دست ما می رسید

درسهای از زندگی حضرت زهراء (س) است

یکی از درسها، **دوری از تجمل گرایی** و تشریفات و زر و زیور دنیاست.

علی می گوید روزی که زهرا را به زنی گرفتم، فرش ما پوست گوسفندی بود که شب بر روی آن می خوابیدیم و روز شتر آبکش خود را بر آن علف می خوراندیم.

این را مقایسه کنیم با تشریفات بعضی از زندگی ها. چقدر دعوها و اختلافات بر سر اینکه باید حتما این یخچال یا فرش یا ماشین لباسشویی و غیره از فلان مارک باشد، پیش می آید.

اینکه می بینیم روز بروز طلاق ها بیشتر می شود یک علت آن دوری از ساده زیستی و تشریفات است! لذا زهراى مرضیه با ۹ سال زندگی زناشویی خود، درسهای زیادی به ما شیعیان می دهد. البته حضرت فاطمه س از نظر مالی بعد از اهداء فدک به او سالی هشتاد هزار سکه طلا پول اجاره دستش می آمد ولی اینها خانواده ایثار بودند. او همه را در راه نیازمندان صرف می کرد.

نکته دیگر اینکه استفاده از وسایل وامکانات مجهز برای افراد متمکن و پولدار اشکالی ندارد ولی نباید وابستگی ایجاد شود. ائمه ما گاهی پول فراوانی در خانه داشتند و گاهی هیچ نداشتند و این فرقی در ایمان و حالات ایشان ایجاد نمی نمود.

مهریه حضرت 500 درهم یعنی 1250 گرم نقره که شاید 500 هزار تومان نباشد بود در حالی که عده ای از ما که خود را پیرو فاطمه اطهر می دانند از داماد **مهریه های کلان**، طلب می نمایند.

لباس فاطمه راضیه از جل شتر بود و چادرش کهنه ولی بعضی از دختران شیعه، تمام فکر و ذکرشان تجمل گرایی و خودنمایی است.

جوانی می گفت دختری را عقد کرده ام اما هر روز از من لباس و کفش و چیزهای دیگر می خواهد. فاطمه در مدت 9 سال چیزی از شوهرش نخواست. نه لباسی. نه کفشی. نه طلایی. اما بعضی از زنان شیعه، شوهرانشان را بیچاره کرده اند. بطوری که مرد هرچقدر کار می کند باز نمی تواند خواسته های زن را برآورده کند. **درس دیگر** صبر بر مشکلات زندگی است. صبر کلید موفقیت است لذا خداوند فاطمه را با صبر امتحان نمود و فاطمه در این امتحان سربلند بیرون آمد.

صبر بر مشکلات مالی. صبر بر مصیبت‌هایی که پیش می آید. صبر بر نبود شوهر و اعزام او به جبهه ها. صبر بر مشکلات بچه داری و تربیت کودکان.

اما ما این صبر را در خیلی از خانواده ها نمی بینیم. تا مشکلی پیش می آید به طلاق روی می آورند. چه آنهایی که بچه دارند و چندین سال زندگی کرده اند و چه آنهایی که ابتدای زندگی است. البته اگر قبل از عروسی، زن و مرد بفهمند که بهم نمی خورند و فاصله زیادی با هم دارند ایرادی ندارد که بهم بزنند. اگر چه با تحقیق قبل از ازدواج می توان درست تر عمل نمود.

توجه به فقرا نقش مهمی در عنایات الهی دارد. و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیم و اسیرا. اما ما بینیم عده ای از پیروان زهرا نه تنها به فقرا کمک نمی کنند بلکه نان را از گلوی فقرا می برند! همین محترکین. گرانفروشان. کم فروشان. میراث خواران. یتیم خواران. اینها که پیرو اهل بیت نیستند. وقتی در مدینه، گندم کمیاب می شود. انبار خانه امام صادق پر است. حضرت دستور می دهد همه گندم ها را بازار ببر و با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار بده! ولی ما عکس کار حضرت را انجام می دهیم. مسئله دیگر نحوه حضور زن در اجتماع است.

وقتی پیامبر می پرسد چه چیزی برای زن بهتر است؟ زهرای تقیه می فرماید کاری کند که نه او مردان نامحرم را ببیند و نه نامحرمان او را ببینند.

پیامبر این جواب را می پسندد. و از طرفی حضور زهرای محدثه در کارهای اجتماعی چون عیادت بیماران، برگزاری مراسم عزاداری برای شهدا، پرستاری در جبهه ها، سخنرانی در مسجد، دفاع از ولایت و غیره را می بینیم. و این نشان می دهد که تا زمانی که نیاز نیست زن از حضور در بازار و خیابان و کوچه ها و پارک ها خود داری کند. ولی اشکالی ندارد که زن در صحنه های مختلف ساسی مانند انتخابات، نماز جمعه و راهپیمایی یا صحنه های علمی مانند دانشگاه و حتی ورزشی با حفظ شئون یک زن مسلمان، حضور داشته باشد.

درس دیگر اهمیت دادن به فضائل اخلاقی و ایمان همسر است. قبل از علی، چند نفر از پولدارها به خواستگاری زهرای مبارکه آمدند ولی فاطمه قبول نکرد تا اینکه علی به خواستگاری آمد. علی که فقط یک زره و شمشیر داشت! علی به پیامبر گفت فاطمه را به ازدواج من در آورید! پیامبر فرمود قبل از تو اشخاصی به خواستگاری آمدند ولی فاطمه رضایت نداد و اظهار ناراحتی نمود. اما من خواسته تورا به او می گویم. پیامبر بلند شد و نزد زهرا رفت. فاطمه عبا پیامبر را در آورد و آب برای وضوی پیامبر حاضر کرد و پاهای حضرت را شست پیامبر به فاطمه فرمود فاطمه جان! فاطمه عرض کرد بله یا رسول الله! فرمود علی را می شناسی و مقام او را و فضل او را و اسلام او را می دانی. من از خدا خواسته ام تورا به بهترین فرد در نزد خدا شوهر دهد. تو چه می گویی؟ فاطمه ساکت ماند. و رو بر نگرداند و ناراحت نشد. پیامبر بلند شد و تکبیر گفت و فرمود سکوتش علامت رضایت است در این موقع جبرئیل نازل شد و گفت ای محمد! فاطمه را به ازدواج علی دریاور که خدا رضایت داد فاطمه را برای علی و علی را برای فاطمه. پیامبر عقد علی و فاطمه را خواند بعد دست علی را گرفت و نزد فاطمه آورد و فرمود خدایا! این دو نفر محبوبترین افراد من هستند توهم آنها را دوست بدار و در ذریه این دو برکت قرار بده و خودت از آنها محافظت فرما.

{روم / 30} فاقم وجهك للدين حنيفا فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله»

صبغه الله و من احسن من الله رنگ خدایی که از هر رنگی بهتراست بخودبگیرید.

ماه مبارک رمضان باعث می شود که افراد به فطرت الهی خود برگردند و از گناهان فاصله بگیرند و رنگ خدایی بخود بگیرند. که نتیجه آن رسیدن به تقوا است که فرمود روزه برای این واجب شده تا به تقوا برسید. و فقط افراد متقی نجات می یابند.

لذا تلاش کنیم که این حالت را حفظ نمائیم. بلکه تقوا را بیشتر کنیم.

یکی از عواملی که باعث می شود از تقوا دور شویم حرص و آزار است

امام صادق (ع) فرمود: هر که به معاش اندک خدا را ضی گردد خدا هم به عمل اندک او راضی شود.

علی (ع) فرمود: اگر از دنیا بقدر کفایت خواهی اندک و سبکتر چیز دنیا کفایت کند و اگر به قدر کفایت نخواهی هر چه در دنیاست کافیت نباشد.

پیامبر (ص) فرمود: هیچ توانگر و درویشی نیست جز اینکه فردای قیامت آرزو کند ای کاش در عالم دنیا بقدر قوت روزانه اکتفا کرده بودم.

رسول خدا (ص) توانگر آن نیست که با فراوانی مال آبروی خود را حفظ کند بلکه توانگر کسی است که نفسش بی نیاز باشد.

و همچنین فرمود: اگر آنچه نزد توست تو را کفایت می کند پس طلب نکن آنچه تو را به طغیان و می دارد.

در توراہ آمده: ای فرزند هر طور می خواهی بکن چون هر نوع عمل می کنی بهمان نحو هم پاداش می بینی هر کس به روزی کم خداوند راضی باشد خداوند هم عمل او را قبول می کند و هر کس به مال حلال کم قانع باشد خداوند رنج او را کم می کند و به کسب او برکت می دهد و آن شخص را از جزو بندگان فاجر خارج میکند.

از علی (ع) درباره تفسیر آیه :

((فلنحینه حیاة طیه))

بر هر مرد و زنی که شایسته انجام دهند زندگی زیبائی عنایت می کنیم.

سؤال کردند حضرت فرمود: زندگی زیبا قناعت است.

ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خير البريه

ایمان و عمل صالح تضمین کننده نجات انسان است. و از هر چیزی که باعث شود ایمان انسان به خطر بیافتد باید پرهیز نمود.

مسئله ایمان آنقدر مهم است که اگر شخصی سراسر زندگی خود را با دوری از گناهان بگذراند و هیچ خلافی مرتکب نشود و به کسی ظلم ننماید و همه قوانین بشری را رعایت کند و فرد خیری باشد ولی اعتقاد به خدا و قیامت نداشته باشد این شخص اهل جهنم است و بهشت بر او حرام است. زیرا ارزش هر شخصی به اعتقاد او و ایمان قلبی او بر می گردد. حال ما می بینیم که دشمنان اسلام هم ایمان مردم را هدف قرار داده اند. از یک طرف بهائیت را که بر بی دینی استوار است به انحاء مختلف تقویت می کنند. و بهائیان با تکیه سی دی و کتابهای گمراه کننده خودشان و با شیوه های دیگر قدم به قدم جلو می آیند.

از طرف دیگر شیطان پرستی را که بر اساس دشمنی با خداوند و دوستی شیطان استوار است ترویج می کنند. شیطان پرستی از اعتیاد برای جوانان ما خطرناک تر است. زیرا در این فرقه تمامی کارهایی که حرام است همانند اعمال نامشروع و خوردن نجاسات و حق الناس حلال و جایز است. در یک برنامه تلویزیونی در آمریکا یکی از روسای شیطان پرستها شروع به خوردن مدفوع و زباله نمود.

از سوئی دیگر بوسیله مزدوران قلم بدست خود با استفاده از نشریات و مطبوعات و مجلات در اعتقادات مسلمانان شبهه و شک وارد می نمایند. و مقدسات ما را مسخره می کنند و به حجاب حمله می نمایند.

همچنین بازی های رایانه ای علیه مسلمانان ساخته اند تا بر روی نوجوانان اثر منفی بگذارند. و از طرفی مسلمانانی بنام طالبان را بوجود آورده اند تا با اعمال ضد بشری و قرون وسطائی مردم را نسبت به دین اسلام بدبین کنند.

یریدون لیطفئو نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره المشركون

یکی از معجزات حفظ دین اسلام و انقلاب اسلامی ایران با این همه توطئه است.

ما وقتی که اخبار شبانه روز را دنبال می کنیم می بینیم که معنای آیه مذکور چقدر زیبا مصداق پیدا می کند.

این همه هجمه در طول شبانه روز به اسلام و انقلاب اسلامی صورت می گیرد ولی خداوند نور خودش را حفظ می کند

که همه اینها سرنخس در کشور شیطان بزرگ است. که البته تاکنون نه تنها موفق نشده اند بلکه خودشان هم در حال محو شدن هستند زیرا سخن خدا حق است که باطل محو خواهد شد.

البته باید همه مسلمانان هوشیار باشند و با ارتباط مداوم با مساجد و روحانیت و مطالعه فراوان مواظبت نمایند تا از این آسیب ها در امان باشند

مقامات معنوی امام خمینی

مقامات معنوی و فضائل اخلاقی امام راحل فراوان است. ایشان تالی تلو معصوم بودند و در انجام واجبات بسیار مقید بودند و مکروهات را هم انجام نمی دادند. و عبد صالح خدا و مطیع پروردگار عالمیان بودند لذا ما به قسمتی از دریای معنویات ایشان اشاره می کنیم.

الف: به نماز اول وقت مقید بودند بطوری که در بیمارستان در حالی که سرم به دست داشتند و یا در جلسات بسیار مهم مانند جلسه سران کشورهای اسلامی، وقتی موقع نماز می شد به نماز می پرداختند به تهجد و نماز شب مقید بودند که آیه الله خوانساری نقل می فرمودند وقتی در دارالشفاء بودند برای نماز شب به فیضیه آمده و یخ حوض را می شکستند و وضو می گرفتند و نماز می خواندند. وقتی مشغول نماز می شدند درو دیوار فیضیه با این سید چهل ساله هم ذکر و همراه می شدند.

یکی از یاران ایشان می گفت من چهل سال با امام بودم ندیدم هیچگاه نماز شبشان ترک شود.

ایشان دائم الذکر بودند حتی در حال قدم زدن تسبیح در دست گرفته و ذکر و زیارت می خواندند.

با اهل بیت ارتباط معنوی داشتند و در قم مرتب به حرم حضرت معصومه و در نجف به حرم امیرالمؤمنین (ع) می رفتند و یکساعت در آنجا می ماندند و زیارت جامعه و دیگر زیارتنامه هارا می خواندند.
روضة خوان ایشان در مناسبتها برای ایشان روضه می خواندند.

ب: در مسائل اخلاقی بسیار مواظب بودند مخصوصا در مورد غیبت بسیار مواظب بودند و به احدی اجازه غیبت در حضور خود نمی دادند.

همچنین در مورد اسراف بسیار حساس بودند بطوری که گاهی در حین جلسه ای متوجه می شدند لامپی روشن است خود خاموش می کردند یا به دیگران متذکر می شدند.

ج: امام همیشه از ریاست فراری بودند و هیچگاه برای ریاست قدم برداشتند. تا زمانی که آیه الله بروجردی زنده بودند امام قیام نکردند چون ایشان را پرچمدار می دانستند.

شخصی از امام درخواستی کرده بود. امام نپذیرفتند. او نوشته بود که من تلاش می کنم تا مردم را از تقلید شما منصرف کنم. امام در جواب نوشتند اگر یک همچو خدمتی به من بکنید از شما تا روز قیامت ممنون می شوم. چون بار من سبک می شود. بار مسئولیت من اگر مردم از تقلید من برگردند سبک می شود!

یکی از علماء تهران پیام داده بود که دور از شان مرجعیت است که مرتب و پشت سرهم اعلامیه می دهید! مقداری از اعلامیه هارا کم کنید! امام در جواب فرموده بود من نمی خواهم مرجع باشم. من می خواهم به وظیفه ام عمل کنم.

هنگامی که کمیته استقبال در صدد استقبال با شکوه و تشریفاتی از امام بودند فرمود مگر می خواهند کورس را وارد ایران کنند؟ یک طلبه ای از ایران خارج شده و همان طلبه به ایران باز می گردد. من می خواهم همراه امتم باشم و پایمال شوم.

د: امام به دنیا بسیار بی رغبت بودند و در کمال زهد و سادگی زندگی می کردند.

ایشان در نجف در یک منزل قدیمی استیجاری زندگی می کردند.

غذایشان ساده بود که در ماه رمضان با یک تخم مرغ و چای افطار می کردند و صبحانه هم پنیر و چای بود.

وقتی از ایشان سؤال می شد چه غذایی دوست دارید آماده کنیم فرمود راجع به ناهار و شام و غذا از من نپرسید و هرچه خواستید درست کنید من هم مانند شما هرچه بود می خورم.

ذ: اخلاص و توکل امام مثال زدنی است.

گاهی در حوادث سخت انقلاب بعضی از مسئولین دست و پای خود را گم می کردند و فکرشان به جایی نمی رسید امام با یک جمله به همه دلهره ها خاتمه می داد.

از جمله به امام خبر دادند که توطئه ای علیه ایشان انجام شده و بوسیله سحر و جادو می خواهند امام را از بین ببرند! امام خنده ای کردند و فرمودند من خود باطل سحرم!

در جریان اشغال لانه جاسوسی امریکا، افرادی می آمدند و می گفتند با امریکا نمی شود جنگید! امریکا در منطقه نیرو پیاده کرده! ناوگان چندم امریکا آمده! ولی امام با یک جمله جواب اینهارا داد امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند!

وقتی خرمشهر سقوط کرد و به امام اطلاع دادند. امام که می خواست نماز بخواند فرمود جنگ است گاهی شکست است و گاهی پیروزی!

قبل از انقلاب در ابتدای نهضت، شهید سعیدی به ایشان گفت گویا کسی با شما همراهی نمی کند و شما تنها هستید. امام فرمود اگر انس و جن یک طرف و من در طرف دیگر باشم از این حرکت و قیام دست بر نمی دارم. و: امام نسبت به خانواده خود بسیار مهربان بودند. هیچگاه به خانم خود دستوری ندادند. زن را کلفت و خدمتکار نمی دانستند. همیشه به فرزندانشان سفارش می کردند مراعات مادران را بکنید. وقتی همسرشان وارد اطاق می شدند امام بلند می شدند. تا همسر سر سفره نمی آمدند دست به غذا نمی زدند.

آثار وبرکات معنویت در جامعه

یکی از برکات حاکمیت معنویت در جامعه پاک شدن فضای جامعه از آلودگی های مختلف می باشد. زیرا نماز

ودیگر اعمال معنوی باعث می شود که شخص از این تاریکی ها خارج شود.

الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور

اینکه خدا مؤمنین را از تاریکی ها خارج می کند مراد تاریکی گناه و معصیت و آلودگی ها است. و آنها بوسیله ایمان و نماز و غیره می باشد.

در جای دیگر می فرماید:

هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور

خدا و ملائکه اش بر شما رحمت می فرستند تا از تاریکی ها خارج شوید. این عنایت خدا به مؤمنین است که در پایان آیه می فرماید وکان بالمؤمنین رحیما

همچنین معنویاتی چون نماز تنفر از گناه را در انسان ایجاد می کند. افراد مؤمن از گناه چه شرابخواری باشد چه قتل و جنایت باشد چه قمار و امثال باشد چه دزدی و چه گناهان جنسی حتی از ساز و آواز حرام هم متنفر می باشند

هفته گذشته بعد از نماز جمعه مادری به همراه دخترش به بنده مراجعه کرد و می گفت دخترم آنقدر از موسیقی متنفر است که وقتی همسایه ای عروسی دارد و ساز و آواز استفاده می کنند دست بر گوشهایش گذاشته و تلاش می کند تا صدای موسیقی را نشنود.

همچنین معنویات باعث می شود که انسان در مقابل منکرات و کارهای زشت واکسینه شود.

اقم الصلوه ان الصلوه تنهی عن الفحشاء والمنکر

افرادی که اهل نماز هستند و اهل مسجد می باشند امکان اینکه آلودگی پیدا کنند کم است. زیرا نماز مصونیت می دهد. و در جامعه ای که اکثرا اهل نماز هستند سلامتی از فحشاء در این جامعه موج می زند و دستگاه قضائی و نیروهای امنیتی هم کمتر گرفتار هستند.

ولی خدا نکند شهری اکثریتش با بی نمازها باشد. با بی دین ها باشد. آنجا معضلات و مفاصد موج می زند. ما نگاه می کنیم در کشور خودمان هر جا ناهنجاری اخلاقی است از بی نمازهاست. مجالس فساد و مواد مخدر در کجا تشکیل می شود؟ در منازل افراد بی دین.

ایجاد مزاحمت برای ناموس مردم و تشکیل باند فساد مال چه کسانی است؟ مال بی نمازهاست! در کشورهایی که بی دینی حاکم است این چنین است. باند فحشاء در امریکا گرفته اند که بزرگترین فرد این باد دهسالش بوده و رئیس باند یک دختر هفت ساله بوده!

«نیوت گنگریچ، رئیس اسبق مجلس نمایندگان امریکا:

ایالات متحده باید جهان را رهبری کند... اما با کشوری که در آن دوازده ساله ها باردار می شوند، پانزده ساله ها همدیگر رامی گشند، هفده ساله ها به ایدز مبتلا می شوند و هجده ساله ها دیپلم می گیرند بدون اینکه بتوانند بخوانند و بنویسند، هیچ کس را نمی شود رهبری کرد!»

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال در آمریکا رخ می دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده امریکایی است

و همین تعداد هم بچه ها را بدنیا می آورند بدون اینکه شوهر رسمی داشته باشند.

اینکه دین ما بر روی نماز و دیگر معنویات تاکید کرده برای این است که ما درست زندگی بکنیم. و گرفتار این ناهنجاریها نشویم. آبرویمان نرود و کانون خانواده از هم نپاشد.

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ ' وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ «238»

مواظب نمازها تان در شبانه روز باشید و مطیع پروردگار تان باشید.

«علامه طباطبایی: مرحوم قاضی استاد ما می فرمودند که اگر کسی نمازواجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیہ نرسد مرا لعن کند!»

درباره حیا

1- حیا از صفاتی است که خداوند آن را دوست دارد و از روز اول همراه آدمی بوده است. کسی که حیا دارد مورد لطف خدا قرار می گیرد و کسی که حیا ندارد از رحمت الهی محروم می گردد!

2== {در روایات از امام علی (ع) آمده است " جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت ای آدم، من مامور شده ام که ترا در انتخاب یکی از سه چیز مخیر سازم. پس یکی را برگزین و دو تا را واگذار. آدم گفت چیست آن سه چیز، گفت: عقل، حیا و دین.

آدم گفت عقل را برگزیدم. جبرئیل به حیا و دین گفت شما باز گردید و او را واگذارید. آن دو گفتند ای جبرئیل ما ماموریم هر کجا عقل باشد با او باشیم. گفت خود دانید و بالا رفت { شخصی از علی (ع) پرسید کدامیک از فصلهای سال را دوست دارید؟ فرمود بهار را زیرا در بهار پوششی زیبا روی همه چیز را می گیرد در حالی که در زمستان درختان بی پوشش و عریان هستند!

3- مبنای فرهنگ غرب بر اساس بی حیائی است و با اصطلاح حیا در غرب مرده است! مخصوص اینکه دختران را از نوجوانی بی حیا بار می آورند و اگر زنی بی حیا بود جامعه فاسد می شود. زیرا پیامبر فرمود: حیا ده جزء دارد که نه جزء در زنان است. پس اگر این نه جزء از بین رفت دیگر نباید امیدی به اصلاح جامعه داشته باشیم.

4- یقیناً دو دسته باعث بوجود آمدن بی حیائی در غرب شده اند. یکی دولتمردان کشورهای اروپائی و امریکائی.

یکی هم کلیسا و رؤسای مسیحیت.

و مقصران اصلی این دودسته هستند که متأسفانه این بی حیائی را در محدوده جغرافیائی کشورهای خود نگه نداشته و به کشورهای شرقی هم هجوم آورده اند و این سوغات بسیار زشت و مخرب را وارد آداب و فرهنگ کشورهای دیگر نموده اند.

چگونه حیا را حفظ نمائیم؟

اسلام برای حفظ حياء دختر و پسر، دستوراتی را صادر فرموده است از جمله:

- 1- تربیت خوب پدر و مادر
 - 2- شوخی نکردن دختر و پسر نامحرم باهم
 - 3- عدم اختلاط بین نامحرم
 - 4- پوشیدن لباسهای سنگین
 - 5- دوری از فیلمهای خارجی که اساس بی حیائی است.
 - 7- تنها نبودن زن و مرد نامحرم
 - 8- دوری از چشم چرانی و کنترل چشم
- همچنین در سوره نور می فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ».

در حدیث از پیامبر ص است که فرمود:

«لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّانَا فَالْعَيْنُ زَانَا النَّظَرِ»

«هر یک از اعضای فرزندان آدم حظ و بهره‌ای از زنا دارد که زنانی دو چشم نگاه کردن است».

خداوند در قرآن کریم، بندگانش را به پیمودن در مسیری که به ملاقات او منتهی می شود، دعوت کرده است. لذا می فرماید: انّ هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا

قرآن به شما تذکر می دهد پس هر که دوست دارد وسیله ای پیدا کند تا به خدا برسد.

همه اولیاء خدا در مسیر الی الله حرکت می کرده اند. همه عاقلان عالم، در این مسیر بوده اند.

پس می شود که انسان به وصال خدا برسد. با او رابطه محبت آمیز و عاشقانه برقرار کند. مشکلات خود را به او

بگوید. بر او تکیه کند. از او کمک بگیرد. از او راهنمایی بخواند. از او روزی بخواند. از او شفای مریضش را

درخواست کند. از او رفع و دفع غم و اندوهش را بطلبد.

و در نهایت او را ببیند. از علی (ع) پرسیدند: آیا خدا را دیده ای؟ گفت آیا چیزی را که نمی بینم عبادت می

کنم؟ ولی نمی توان خدا را با چشم مادی دید اما خدا را با حقیقت ایمان می توان درک نمود.

روایت شده که امام کاظم (ع) بیمار شد. پزشک یهودی بر بالینش آوردند. حضرت فرمود: کمی صبر کن من

دوستی دارم می خواهم با او مشورت کنم آنگاه رو از طیب برگردانیده بجانب قبله توجه نمود و این جملات را

فرمود: خدایا تو مرا بیمار کرده ای و تو نیز طیب منی بفضل خویش نظری به این بنده بیفکن و از شراب دوستی

و عشق خود مرا جا می ده و شیرینی مقام قربت را بر آن اضافه نما.

هنوز حضرت این جملات را تمام نکرده بود که اثر بهبودی در صورت مبارکش ظاهر شد و همان آن بکلی

مرض زائل گشت. طیب با تحیری عجیب می نگریست. بعد از مشاهده آن پیش آمد گفت ای سرور من اول

گمان کردم تو بیماری و من طیب! اکنون آشکار شد که من بیمارم و تو طیب از تو خواهش می کنم مرا معالجه

نمائی. حضرت اسلام را بر او عرضه داشت و او مسلمان شد.

*البته خیلی ها هستند که می گویند ما در مسیر الی الله هستیم. ما عاشق خدا هستیم. ما با خدا ارتباط معنوی

داریم. اما آیا می شود هر ادعائی را قبول کرد؟

خصوصیات عارفان حقیقی و سالکان الی الله چیست؟ یکی اینکه باید مشخص شود خدا چقدر برای ما مهم

است؟ امام صادق (ع) فرمود هر که می خواهد بداند چه منزلتی نزد خدا دارد نگاه کند که منزلت خدا نزد او

چقدر است؟ زیرا بنده به همان اندازه نزد خدا منزلت دارد که بنده برای خدا نزد خود منزلت قائل است.

دوم اینکه چقدر از شبها را بخاطر خدا بیدار مانده است؟ خدا به موسی ع وحی کرد آن کسی که گمان می کند محبت مرا در دل دارد ولی شبها تا به صبح می خوابد دروغ می گوید. مگر نه اینکه هر دوستی خلوت با دوستش را می خواهد؟ ای موسی! خشوع دل و خضوع اعضای بدن واشگک چشمانت را به من هدیه کن آنگاه مرا نزدیک خود خواهی یافت.

آری خدا به همه ما نزدیک است که فرمود: ونحن اقرب الیه من حبل الوريد {ق16} و فرمود
اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب {بقره 183} ولی ما هستیم که بخاطر حجابهای دنیا اورا با دل نمی بینیم.
باید همانند اولیاء خدا قسمتی از شب را به خدا اختصاص دهیم.

آن جوانی که شبها را به تلویزیون و فوتبال وامثال اینها می پردازد و بعد نماز صبحش را یا قضا می خواند یا با کسالت و لب طلائی! چگونه می تواند ادعا کند که من عارف هستم. متأسفانه اخیراً خیلی ها ادعای عرفان دارند. حتی در میان بعضی از خانمها. ولی باید به اعمال او دقت کنیم که آیا نشانه های عارف واقعی را دارد؟ یا می خواهد خودنمایی کند و مشهور شود؟

سوم اینکه عبادت آنها نه از ترس جهنم است نه به طمع بهشت. بلکه بخاطر محبت واقعی و بریدن از همه چیز و فقط دل بستن به خدا است.

در صحیفه ادریس است که خدا فرمود: خوشا آنان که از روی عشق مرا پرستیدند و مرا معبود و پروردگار خود گرفتند. برای خاطر من شبها نخواستند و روزها هم مجاهدت می نمودند.

یکی از شرایط سیر الی الله، کنترل زبان می باشد.

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا يصلح لكم اعمالکم ويغفر ذنوبکم.

ای اهل ایمان، متقی و خدا ترس باشید و همیشه به حق و صواب سخن گوید
تا اعمالتان درست شده و گناهانتان بخشیده شود.

کنترل زبان نقش مهمی در تهذیب نفس و تقرب الی الله دارد. پیامبر (ص) فرمود: ایمان درست نمی شود تا دل درست شود و دل درست نمی شود تا زبان درست شود.

هر روز تمامی اعضای بدن در مقابل زبان تعظیم و کرنش می کنند و می گویند از تو می خواهیم مواظب باشی! زیرا اگر تو درست سخن بگویی. ما هم سالم می مانیم و اگر تو ناروا سخن بگویی ما به دردسر می افتیم.
اگر بخواهیم به خدا برسیم تلاش کنیم که کنترل زبان خود را در دست داشته باشیم. هر حرفی را نزنیم. هر سخنی را نگوئیم.

اینکه می گویند سکوت فراوان علامت حکمت است زیرا صاحبش کمتر گرفتار می شود.
یک دروغ صاحبش را کیلومترها از خدا دور می کند. یک تهمت وافترا صاحبش را فرسخها از خدا دور می نماید. مخصوصا اگر تهمت به یک مؤمن محترمی باشد. علیه یکی از اولیاء خدا باشد.
در روایت است که اگر به مرد یا زن همسر دار تهمت ناروایی بزنند در قیامت هفتاد هزار فرشته با شلاق بر او می زنند تا داخل جهنم شود.

امام صادق (ع) می فرماید:

[اذا اتهم المومن اخاه انما الايمان من قلبه كما ينما الملح في الماء] اصول کافی ج 2 ص 361

وقتی که مومن به برادر دینی خود تهمت بزند ایمان در قلبش ذوب می شود همچنانکه نمک در آب حل می گردد

یکی از راههای کنترل زبان این است که اگر فرد فاسقی خبری را در مورد مؤمنین به شهادت تا تحقیق و بررسی نکرید قبول نکنید.

ولا تقف مایس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا

[اذا تلقونه بالستكم و تقولون بافواهم مایس لكم به علم و تحسبونه هینا و هو عند الله عظیم]. نور 15

به یاد آورید هنگامی که آن تهمت را از زبان یکدیگر می گرفتید و با دهان خود سخنی می گفتید که به آن یقین نداشتید و آن را مساله کوچکی می پنداشتید باین که در نزد خدا بزرگ است .

دوم اینکه هر چه را می دانید برای دیگران نقل نکنید.

رسول گرامی [ص] می فرماید:

[كفى بالمرء من الكذب ان يحدث بكل ما سمع] میزان الحکمه ج 8 ص 366

برای دروغ گفتن شخص همین بس که هر چه را شنیده بازگو کند.

امام صادق[ع] می فرماید:

[من قال فی مومن ماراته عیناه و سمعته اذناه فهو من الذین قال الله عزوجل ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه]...

هر کس از یک مومن لغزشی با چشم خود دید یا با گوش خود شنید و آن را پخش کرد از زمره کسانی است که خداوند درباره شان فرمود: تحقیقا برای اشخاصی که دوست دارند در بین مومنین اشاعه فحشاء کنند عذاب دردناکی است ...

سوم اینکه باید در نقل اخبار حرمت افراد حفظ شود. در جامعه اسلامی باید حریم و آبروی تک تک مسلمانان حفظ شود و حرمتها شکسته نشود پخش هر خبری که شخصیت مومنان را خرد می کند گناه و حرام است و فرقی هم نمی کند که محتوای اخبار تهمت و اشاعه فحشاء باشد یا غیبت و سوءظن و ...

ولولا اذا سمعتموه قلتهم ما یكون لنا ان نتکلم بهذا سبحانک هذا بهتان عظیم {نور.

چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید برای ما مجاز نیست بدان تکلم کنیم ؟ خداوند! تو منزهی و این تهمت بزرگی است رسول گرامی اسلام[ص] می فرماید:

[ان الله حرم من المسلم دمه و ماله وان یظن به ظن السوء]. تحف العقول

خداوند تجاوز به خون و مال مسلمان را حرام نموده و اجازه نداده که کسی به یک فرد مسلمان گمان بد ببرد.

در حدیث دیگری پیامبر اسلام[ص] می فرماید:

همه چیز مومن محترم است و باید حفظ شود: آبرو مال و خون .

پس باید تا به چیزی یقین نداریم آن را فاش نکنیم و هر خبری را برای دیگران نقل ننمائیم مگر اینکه مسئله مهمی باشد که باید برای مسئول مربوطه بگوئیم لاغیر.

اینها از موانع سیر الی الله است پس مواظب زبان باشیم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از مسافرتها با اصحابش در سرزمینی خالی و بی علف فرود آمدند. به هیزم و آتش احتیاج داشتند، فرمود: «هیزم جمع کنید.» عرض کردند: «یا رسول الله! ببینید این سرزمین چقدر خالی است! هیزمی دیده نمی شود.» فرمود: «در عین حال هر کس هر اندازه می تواند جمع کند.»

اصحاب روانه صحرا شدند، با دقت به روی زمین نگاه می کردند و اگر شاخه کوچکی می دیدند بر می داشتند. هر کس هر اندازه توانست ذره ذره جمع کرد و با خود آورد. همینکه همه افراد هر چه جمع کرده بودند روی هم ریختند، مقدار زیادی هیزم جمع شد.

در این وقت رسول اکرم فرمود: «گناهان کوچک هم مثل همین هیزمهای کوچک است، ابتدا به نظر نمی آید، ولی هر چیزی جوینده و تعقیب کننده ای دارد، همان طور که شما جستید و تعقیب کردید این قدر هیزم جمع شد، گناهان شما هم جمع و احصا می شود و یک روز می بینید از همان گناهان خرد که به چشم نمی آمد، انبوه عظیمی جمع شده است.» بحار الانوار، ج 11/ ص 115

مهدویت

موضوع خطبه اول درباره مهدویت است. آیات و روایات زیادی درباره وجود مقدس امام عصر (عج) داریم و از طرفی علماء سنی هم در باره این مسئله کتابها نوشته اند. فرق ما با اهل تسنن در این است که ما اعتقاد داریم حضرت در سال 255 در سامراء متولد شده و الان زنده است و امامت می کند ولی اهل تسنن می گویند هنوز وجود مقدس منجی متولد نشده ولی واقعیت دارد که حضرت ظهور می کند و جهان را از عدل پر می کند.

امام مهدی یک چهره بین المللی است

حضرت از یک جهت ایرانی است زیرا مادر امام سجاد ایرانی بوده و نامش شهربانو. از طرفی رومی است زیرا مادرش نرجس رومی بوده از یک طرف عرب است زیرا نسبش به هاشم می رسد.

از طرفی بنی اسرائیلی است زیرا بنی هاشم و بنی اسرائیل از نسل ابراهیم خلیل هستند.

وجود امام مهدی در پس پره غیبت از عجایب خلقت است. زیرا نوع زندگی حضرت در این مدت طولانی

و اینکه هیچ کسی باندازه او خدا را عبادت نکرده. هیچ کس باندازه او زاهد نبوده. هیچ کسی باندازه او بر حسین (ع) گریه نکرده. مسکن و ازدواج و دیگر مسائل جزئی حضرت را کسی جز خدا نمی داند. پیامبر که معمار اسلام بوده برای پر کردن خلا امام در زمان غیبت و آماده سازی و حفظ روحیه ولایت پذیری مردم طرحی در افکنده و آن طرح "انتظار فرج" است که فرمود "انتظار الفرج عبادہ"

ایرانیان و انتظار

وقتی از تفسیر آیه {و ان تتولوا يستبدل قوما غير کم ثم لا یكونوا امثالکم} محمد 38 اگر شما روی گردان شوید خداوند گروهی دیگر را جایگزین شما می کند، از پیامبر سوال شد. دست بر پای سلمان فارسی که نزدیک حضرت نشسته بود زد و فرمود به خدایی که جان من در دست اوست اگر ایمان در کهکشانها باشد مردانی از فارس به آن دست می یابند. در مجله تونسلی شناخت آمده است که: پیامبر (ص) ایرانیان را جهت رهبری امت اسلامی بر می گزیند.

جهانی سازی و انتظار

مستکبرین مدتی است که **جهانی سازی** را مطرح کرده اند یعنی همه کشورهای دنیا تحت سیطره مستقیم یا غیر مستقیم آنها باشند مخصوصا در زمینه فرهنگی و دینی. علامتهای جهانی سازی سازمان فائو- فیفا- یونسکو- تجارت جهانی - انرژی هسته ای- هواپیمائی جهانی - اینترنت- و غیره است.

در المپیک نزدیک به 3/5 میلیارد نفر فوتبال را تماشا می کنند و همه تابع یک قانون هستند قانون فیفا. اگر بازیکنی گل بزند و داور قبول نکند همه از داور تبعیت می کنند.

الان در دنیای سرمایه داری جهانی شدن یعنی آمریکائی شدن.
فوکویاما نظریه پرداز سرمایه داری پایان تاریخ را تثبیت و تبلیغ نظام لیبرال سرمایه داری می داند.
البته اسلام از همان ابتدای بعثت مسئله جهانی بودن دین اسلام را مطرح کرده است. یملا الارض
عدلا وقسطا بعد ما ملئت ظلما وجورا.

-ولایت فقیه و انتظار

ولایت فقیه که در حقیقت نیابت از حکومت امامت و ولایت حضرت مهدی است بدون اعتقاد به وجود امام
زمان عجب اعتباری ندارد.

واما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیهم {کشف الغمه ج 3 ص 101}

این اصل مطلق نظام اسلامی سدی در مقابل خباثت های دشمن علیه نظام ما می باشد

در طول دوران غیبت کبری با اعتقاد به مهدویت بود که مردم طبق دستور حضرت که امر کرده بود به فقهاء
مراجعه کنند پیروی از علما را وظیفه خود می دانستند در مسئله تحریم **تنباکو میرزای شیرازی** اعلام کرد که
استعمال تنباکو بمنزله جنگ با امام زمان است. دیدیم چگونه اقشار مختلف مردم حتی زنان سوگلی ناصرالدین
شاه از این فتوا تبعیت کردند
و شاه وانگلیس را بزانو درآوردند.
آسیب های مهدویت:

1-پیدایش گروه هایی مانند انجمن حجّیه که با اسم مهدویت وبا نام حضرت مخالف هرگونه قیام
علیه ستمکاران بودندوبا طاغوت سازش نمودند وبعد از انقلاب علیه امام امت موضع گیری نمودند.

2-باز کردن دکان و سرکیسه کردن مردم حتی فاسد کردن زنان و دختران شیعه بنام نیابت یا ارتباط
باحضرت

3-ساختن فرقه هایی چون بابیه با نام حضرت توسط دولت های استعماری

4-منفی جلوه دادن قیام حضرت که مثلا اگر امام ظهور کند دریای خون براه می افتد یا مردم به
عقب بر می گردند

5-ایجاد بحث های بی فایده مانند جزیره خضراء واینکه حضرت همسر دارد یا ندارد

6-ظهور افراد دروغگویی چون سید حسنی ورودر رو قرار دادن آنها با شیعیان وعلماء شیعه

7- ایجاد تردید و شک در وجود حضرت بوسیله روشنفکران بی دین در محیط های دانشگاهی یا نشر کتابها
و مقالات و امثال آن

سفارش به تقوا- رسول خدا(ص) فرمود: هر روزیکه خورشید سر از دریچه مشرق برآورد و هر شبیکه آفتاب چهره پیرده مغرب فرو کشد دو فرشته به امر خدای تعالی چهار جمله را میان خود رد و بدل می نمایند یکی می گوید: ای کاش این مردم آفریده نشده بودند. دیگری می گوید: اکنون که آفریده شده اند ای کاش می دانستند برای چه آفریده شده اند. دیگری می گوید: اکنون که نمی دانند برای چه منظوری آفریده شده اند ای کاش بدانچه عالمند عمل عمل کنند. آندیکر می گوید: اینک که بدانچه می دانند عمل نمی کنند ایکاش از گذشته خود توبه کنند.

امام صادق و گروهی از صوفی ها

سفیان ثوری⁽¹⁾ که در مدینه می زیست بر امام صادق وارد شد. امام را دید لباسی سپید و بسیار لطیف -

- پوشیده است. به عنوان اعتراض گفت: «این لباس سزاوار تو نیست. تو نمی بایست خود را به زیورهای دنیا

آلوده سازی. از تو انتظار می رود که زهد بورزی و تقوا داشته باشی و خود را از دنیا دور نگه داری.»

امام: «می خواهم سخنی به تو بگویم، خوب گوش کن که از برای دنیا و آخرت تو مفید است. اگر

راستی اشتباه کرده ای و حقیقت نظر دین اسلام را درباره این موضوع نمی دانی، سخن من برای تو بسیار

سودمند خواهد بود. اما اگر منظورت این است که در اسلام بدعتی بگذاری و حقایق را منحرف و وارونه

سازی، مطلب دیگری است و این سخنان به تو سودی نخواهد داد. ممکن است تو وضع ساده و فقیرانه رسول

خدا و صحابه آن حضرت را در آن زمان، پیش خود مجسم سازی و فکر کنی که یک نوع تکلیف و

وظیفه ای برای همه مسلمین تا روز قیامت هست که عین آن وضع را نمونه قرار دهند و همیشه فقیرانه زندگی

کنند. اما من به تو بگویم که رسول خدا در زمانی و محیطی بود که فقر و سختی و تنگدستی بر آن مستولی

بود. عموم مردم از داشتن لوازم اولیه زندگی محروم بودند. وضع خاص زندگی رسول اکرم و صحابه آن

حضرت مربوط به وضع عمومی آن روزگار بود. ولی اگر در عصری و روزگاری وسائل زندگی فراهم شد و

شرایط بهره‌برداری از موهبت‌های الهی موجود گشت، سزاوارترین مردم برای بهره‌بردن از آن نعمتها نیکان و صالحانند، نه فاسقان و بدکاران، مسلمانانند نه کافران.

سپس امام فرمود:

«تو چه چیز را در من عیب شمردی؟! به خدا قسم من در عین اینکه می‌بینی که از نعمتها و موهبت‌های الهی استفاده می‌کنم، از زمانی که به حد رشد و بلوغ رسیده‌ام، شب و روزی بر من نمی‌گذرد مگر آنکه مراقب هستم که اگر حقی در مالم پیدا شود فوراً آن را به موردش برسانم.»

سفیان نتوانست جواب منطق امام را بدهد، سرافکنده و شکست‌خورده بیرون رفت و به یاران و هم‌مسلمانان خود پیوست و ماجرا را گفت. آنها تصمیم گرفتند که دسته جمعی بیایند و با امام مباحثه کنند. جمعی به اتفاق آمدند و گفتند: «رفیق ما نتوانست خوب دلائل خودش را ذکر کند، اکنون ما آمده‌ایم با دلائل روشن خود تو را محکوم سازیم.»

امام: «دلیل‌های شما چیست؟ بیان کنید.» جمعیت: «دلیل‌های ما از قرآن است.» امام: «چه دلیلی بهتر از قرآن؟ بیان کنید، آماده شنیدنم.»

جمعیت: «ما دو آیه از قرآن را دلیل بر مدعای خودمان و درستی مسلکی که اتخاذ کرده‌ایم می‌آوریم و همین ما را کافی است. خداوند در قرآن کریم یک جا گروهی از صحابه را این طور ستایش می‌کند: **وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ**

«در عین اینکه خودشان در تنگدستی و زحمتند، دیگران را بر خویش مقدم می‌دارند. کسانی که از صفت بخل محفوظ بمانند، آنها را رستگاران.»⁽²⁾ در جای دیگر قرآن می‌گوید: **وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ**

حَبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

«در عین اینکه به غذا احتیاج و علاقه دارند، آن را به فقیر و یتیم و اسیر می خوراند.»⁽³⁾

همینکه سخنشان به اینجا رسید، یک نفر که در حاشیه مجلس نشسته بود و به سخنان آنها گوش می داد گفت: «آنچه من تاکنون فهمیده ام این است که شما خودتان هم به سخنان خود عقیده ندارید، شما این حرفها را وسیله قرار داده اید تا مردم را به مال خودشان بی علاقه کنید تا به شما بدهند و شما عوض آنها بهره مند شوید، لهذا عملاً دیده نشده که شما از غذاهای خوب احتراز و پرهیز داشته باشید.»

امام: «عجالتاً این حرفها را رها کنید، اینها فایده ندارد.» بعد رو به جمعیت کرد و فرمود: «اول بگویید آیا شما که به قرآن استدلال می کنید، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ قرآن را تمیز می دهید یا نه؟! هر کس از این امت که گمراه شد از همین راه گمراه شد که بدون اینکه اطلاع صحیحی از قرآن داشته باشد به آن تمسک کرد.»

جمعیت: «البته فی الجمله اطلاعاتی در این زمینه داریم ولی کاملاً نه.»

امام: «بدبختی شما هم از همین است. احادیث پیغمبر هم مثل آیات قرآن است، اطلاع و شناسایی کامل لازم دارد.»

«اما آیاتی که از قرآن خواندید: این آیات بر حرمت استفاده از نعمتهای الهی دلالت ندارد. این آیات مربوط به گذشت و بخشش و ایثار است. قومی را ستایش می کند که در وقت معینی دیگران را بر خودشان مقدم داشتند و مالی را که بر خودشان حلال بود به دیگران دادند، و اگر هم نمی دادند گناهی و خلافی مرتکب نشده بودند. خداوند به آنان امر نکرده بود که باید چنین کنند، و البته در آن وقت نهی هم نکرده بود که نکنند، آنان به حکم عاطفه و احسان، خود را در تنگدستی و مضیقه گذاشتند و به دیگران دادند. خداوند به آنان پاداش خواهد داد. پس این آیات با مدعای شما تطبیق نمی کند، زیرا شما مردم را منع می کنید و ملامت می نمایید بر اینکه مال خودشان و نعمتهایی که خداوند به آنها ارزانی داشته استفاده کنند.»

«آنها آن روز آن طور بذل و بخشش کردند، ولی بعد در این زمینه دستور کامل و جامعی از طرف خداوند رسید، حدود این کار را معین کرد. و البته این دستور که بعد رسید ناسخ عمل آنهاست، ما باید تابع این دستور باشیم نه تابع آن عمل.

«خداوند برای اصلاح حال مؤمنین و به واسطه رحمت خاص خویش، نهی کرد که شخص، خود و عائله خود را در مضیقه بگذارد و آنچه در کف دارد به دیگران بخشد، زیرا در میان عائله شخص، ضعیفان و خردسالان و پیران فرتوت پیدا می شوند که طاقت تحمل ندارند. اگر بنا شود که من گرده نانی که در اختیار دارم انفاق کنم، عائله من که عهده دار آنها هستم تلف خواهند شد. لہذا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که چند دانه خرما یا چند قرص نان یا چند دینار دارد و قصد انفاق آنها را دارد، در درجه اول بر پدر و مادر خود باید انفاق کند، و در درجه دوم خودش و زن و فرزندش، و در درجه سوم خویشاوندان و برادران مؤمنش، و در درجه چهارم خیرات و مبرات.» این چهارمی بعد از همه آنهاست. رسول خدا وقتی که شنید مردی از انصار مرده و کودکانش صغیری از او باقی مانده و او دارایی مختصر خود را در راه خدا داده است فرمود: «اگر قبلاً به من اطلاع داده بودید، نمی گذاشتم او را در قبرستان مسلمین دفن کنند. او کودکانی باقی می گذارد که دستشان پیش مردم دراز باشد!!» «پدرم امام باقر (ع) برای من نقل کرد که رسول خدا فرموده است: «همیشه در انفاقات خود از عائله خود شروع کنید، به ترتیب نزدیکی، که هر که نزدیکتر است مقدمتر است.»

«علاوه بر همه اینها، در نص قرآن مجید از روش و مسلک شما نهی می کند، آنجا که می فرماید:

والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلک قواماً {فرقان 67}

«متقین کسانی هستند که در مقام انفاق و بخشش نه تندروی می کنند و نه کندروی، راه اعتدال و میانه را پیش می گیرند.»

«در آیات زیادی از قرآن نهی می‌کند از اسراف و تند روی در بذل و بخشش، همان طور که از بخل و خساست نهی می‌کند. قرآن برای این کار حد وسط و میانه روی را تعیین کرده است، نه اینکه انسان هر چه دارد به دیگران بخشد و خودش تهیدست بماند، آنگاه دست به دعا بردارد که خدایا به من روزی بده. خداوند اینچنین دعایی را هرگز مستجاب نمی‌کند

. کسی که خداوند به او مال و ثروت فراوان داده و او با بذل و بخششهای زیاد آنها را از بین برده است و بعد دست به دعا برداشته که خدایا به من روزی بده. خداوند در جواب او می‌گوید:

«مگر من به تو روزی فراوان ندادم؟ چرا میانه روی نکردی؟!»

«مگر من دستور نداده بودم که در بخشش باید میانه روی کرد؟!»

«مگر من از بذل و بخششهای بی حساب نهی نکرده بودم؟»

: وَاءِنْ تَصْبُرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُكُمْ شَيْئاً اِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْلَمُونَ مُحِيطٌ

امام حسین (ع) در سال چهارم هجری در شهر مدینه مکرمه متولد شد نام مادر گرامی اش فاطمه زهرا سلام الله علیها و نام پدر پرفضیلتش علی بن ابی طالب (ع) بوده است

از امام رضا (ع) منقول است که : وقتی حسین (ع) متولد شد رسول خدا به اسماء فرمود: فرزندم حسین را بیاور. اسماء می گوید من حسین را در جامه سفیدی پیچیدم و به حضور پیامبر بردم. رسول خدا او را گرفت و در دامن خود نهاد و در گوش راست و اذان و در گوش چپ اقامه فرمود.

وقتی روز هفتم رسید حضرت فرمود حسینم را بیاورید. وقتی امام را به حضور پیامبر بردند رسول خدا گوسفند ابلقی را عقیقه کرد و یک ران آن را به قابله عطا فرمود پس دستور داد سر حسین (ع) را تراشیدند و به وزن موی سرش نقره تصدق داده و خلوق (نوعی عطر) بر سر آن بزرگوار مالید.

جبرئیل گهواره حسین (ع) را می گرداند

فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرماید: گاهی که حسین در گهواره بود و گریان می شد و من در خواب بودم می دیدم که کسی گهواره را تکان می دهد و حسینم آرام می شود از پیامبر سؤال کردم که آن شخص کیست؟ فرمود : برادرم جبرئیل است.

روایت شده که گاه رسول خدا (ص) حسین را می گرفت و سر او را بلند می کرد و آنگاه دهان مبارک خود را بر دهان حسین (ع) می گذاشت و می بوسید.

و باز روایت است که : بعد از ولادت امام حسین (ع) فاطمه زهرا سلام الله علیها مریض شدند به این علت پستانش خشک گردید لذا برای حسین (ع) دنبال دایه می گشت ولی کسی پیدا نکردند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) انگشت ابهام خود را در دهان حسن (ع) قرار داده و او انگشت جد خود را می مکید و خدا رزق و غذای حسین را در انگشت پیامبر قرار داده بود و تا مدت 40 روز این معجزه ادامه داشت.

و بدین ترتیب حسین(ع) در دامان پر کرامت و برکت رسول خدا(ص) و فاطمه زهرا سلام الله علیها و علی(ع) رشد و تربیت می یافت تا اینکه در سال دهم هجری همزمان با هفت سالگی امام حسین(ع) رسول خدا(ص) رحلت کردند.

بعد از رحلت رسول خدا(ص) و چندی بعد شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها، تربیت آن امام بر حق بدست علی بن ابی طالب(ع) انجام پذیرفت تا اینکه علی(ع) در سن 63 سالگی به شهادت رسید و در آن وقت عمر امام به 36 سال رسیده بود و مقام امامت به امام حسن(ع) برادر بزرگ خود منتقل شد تا اینکه امام حسن مجتبی(ع) پس از ده سال امامت در سن 48 سالگی به شهادت رسید و مقام امامت به حسین بن علی(ع) منتقل شد.

امامت و خصوصیات حسین بن علی(ع)

در سال 50 هجری قمری در حالیکه سالار شهیدان در سن 46 سالگی بودند مقام امامت به ایشان منتقل شد. چون از نظر شیعیان مقام امامت بسیار حساس حتی بالاتر از پیامبران(غیر از پیامبر اسلام) است، لذا باید از نظر اخلاقی امام در بالاترین درجه کمال بوده و از هر نقصو ضعفی و آلودگی به دور بوده و از خطا و گناه معصوم باشد.

لذا سالار شهیدان دارای همه این خصوصیات بوده اند که به بعضی از آنها اشاره می شود:

امام حسین بر سر سفره فقراء

یکروز امام حسین(ع) در گوچه می گذشتند که به عده ای از فقیر برخوردند، در حالیکه فقرا عباهای خود را بر روی زمین پهن نموده و نان خشکی در مقابل خود قرار داده و مشغول خوردن بودند.

وقتی چشم فقرا به امام حسین(ع) افتاد به حضرت تعارف کردند که با آنها هم غذا شود حضرت قبول کردند و از اسب پیاده شده فرمودند: خدا مردمان متکبر را دوست نمی دارد. و در کنار آنان قرار گرفته با آنها هم غذا شدند. پس از صرف غذا به آنها فرمود: همانطوریکه من دعوت شما را قبول کردم، شما هم دعوت مرا قبول کنید و به منزل من بیائید.

آنها قبول کرده و به منزل حضرت رفتند و حضرت دستور پذیرایی داد و پس از صرف غذا به هر کدام مبلغی پول داد و آنها را مرخص فرمودند.

اثر زخم بر پشت سالار شهیدان

در روز عاشورا اثر زخمی را بر پشت امام حسین(ع) دیدند و از امام سجاد(ع) علت آن را سؤال کردند: حضرت فرمود: این اثر طعام و غذاهایی است که حضرت بر پشت خود قرار داده به منزل مسکینان و فقراء و زنان بی سرپرست می بردند.

امام قرض اسامه را اداء می فرمایند

امام حسین(ع) به عیادت اسامه رفتند. اسامه که مریض بود می گفت: آره از اندوه و حزن من! حضرت فرمود: غم و اندو تو چیست؟

عرض کرد قرض من است که به شصت هزار درهم رسیده است.

حضرت فرمود: من آن را اداء می کنم.

اسامه گفت: می ترسم قبل از اداء قرضم بمیرم.

حضرت فرمود قبل از اینکه رحلت کنی من قرض تو را اداء می کنم و اداء کرد.

به امام حسین(ع) گفتند: یابن رسول الله برای چه اینقدر خوف و ترس شما از خدا زیاد است. فرمود: در روز

قیامت کسی در امان نخواهد بود مگر آن کس که در دنیا خائف و ترسان باشد.

دوستی حسین(ع) موجب آمرزش گناهان

ابوذر می گوید: پیامبر(ص) امام حسین را بوسید و فرمود: کسیکه حسین(ع) و ذریه ایشان را از روی اخلاص

دوست داشته باشد آتش جهنم به او نخواهد رید ولو اینکه گناهانش به عدد ریگهای بیابان باشد مگر اینکه گناهی

کند که او را از ایمان خارج نماید.

زیارت امام حسین معادل نود حج و عمره پیامبر

روزی پیامبر(ص) حسین را در دامان خود گرفته و او را می بوسید و می بوئید عایشه از این همه توجه پیامبر به

حسین در شگفت بود و سؤال کرد چرا شما این قدر به این کودک بوجه دارید. رسول خدا(ص) فرمود: وای بر

تو چگونه توجه به حسینم نکنم و او را دوست نداشته باشم و حال آنکه او میوه دل و نور چشم من است. بزودی

امت من حسینم را می کشند، کسی که بعد از شهادت او آن بزرگوار را زیارت کند خدا ثواب یک حج از

حجهای من را برای او خواهد نوشت.

عایشه گفت: یا رسول الله ثواب یک حج از حجهای شما؟ فرمود: آری بلکه ثواب دو حج از حجهای من.

عایشه گفت: ثواب دو حج از حجهای شما؟

فرمود: آری بلکه ثواب سه حج از حجهای من و همینطور رسول خدا (ص) ثواب زیارت حسنی را بالا می برد تا اینکه در آخر فرمود ثواب نود حج و عمره از حج و عمره مرا به زائر حسین می دهند.

روز قیامت همه چشمها گریانند غیر از گریه کننده بر حسین (ع)

پیامبر اسلام (ص) به فاطمه زهرا فرمودند: زنان امت من بر زنان اهل بیت من گریه می کنند و مردان ایشان بر مردان اهل بیت من گریه خواهند کرد و همه ساله دسته به دسته عزادار خواهند نمود.

موقعی که روز قیامت شود تو زنان و من مردان ایشان را شفاعت خواهیم کرد. هر کس در عزای حسینم گریه کند ما دست او را می گیریم و داخل بهشت می نمائیم.

ای فاطمه فردای قیامت هرچشمی گریان است مگر آن چشمی که در مصیبت حسین گریه کند آن چشم است که در آن روز به وسیله نعمت های بهشتی روشن و خوشحال گردد.

امام حسین (ع) فرموده باشد: من کشته اشک و گریه ام هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر اینکه گریه کند.

امام رضا (ع) به بریان بن شیب فرمود:

اگر خواستی شریک ثواب شهدای کربلا باشی و مانند کسانی باشی که با حسین (ع) شهید شدند هر وقت به یاد حسین (ع) و اصحابش افتادی بگو: یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما ای کاش من با آنها بودم تا به رستگاری بزرگ می رسیدم.

امام صادق (ع) به عبدالله بن سنان فرمود:

روزی عاشورا که شد لباس تمیز بپوش ، آستین ها را بالا بزن و سر و پا را برهنه کن و بعد از ظهر با کمی آب افطار کن که آن وقت کارزار آل محمد به آخرین مرحله رسید و بر خاک پاک کربلا هفده تن از بنی هاشم که روی زمین شبیه و نظیر نداشتند افتادند و اگر پیامبر اسلام (ص) زنده بود خود برای آنان عزاداری می نمود.

یکی از اوصاف مومنین **نترسیدن از غیر خداست** که این صفت جزو فضائل بوده و موصوف به شجاعت است. آورده اند که شجاعت فضیلتی است بین گستاخی و بزدلی و کسیکه از ترس و وقاحت بر کنار باشد از فضیلت شجاعت برخوردار است و به طور کلی قدرتهای روحی عامل اصلی تعالی انسان است و در صحنه زندگی هر کس روحیه ای نیرومندتر داشته باشد موفقیتش درخشانتر است. روایتی است که :

((ان الله يحب الشجاع))

خداوند آدم شجاع را دوست دارد. والبته مردم هم از آدم شجاع خوششان می آید. گفته اند یکی از مبارزان عرب پیر شده بود و با وجود ضعف پیری قوت دل داشت روزی می خواست که سوار شود دو نفر بازوی او گرفتند تا سوار شد. بی ادبی طعنه زد که از این شخص چه کار می آید در حالیکه دو نفر باید او را سوار کنند پس شجاعت او چه خواهد شد. آن پیر مرد سخن او را شنیده و گفت آری دو نفر باید که او را سوار کنند اما هزار نفر باید او را پائین آورند.

عظمت شجاعت امام علی (ع):

وقتی که حضرت علی (ع) به میارزه عمرو بن عبود رفت و او را کشت شخصی از حضرت سؤال کرد آیا نترسیدی که مبارزه چنین شخصی رفتی فرمود: چگونه از غیر خدا بترسد کسی که جز خدا احدی را به اندازه یک چشم بر هم زدن نپرستیده است.

شجاعت شهید سید حسین مدرس:

در باره مرحم شهید سید حسین مدرس نقل می کنند: روزی بمناسبت عید مردم دسته دسته به دیدار او می آمدند در این میان شخصی عینکی که ظاهر ا مأمور دولت بود آمد و به مدرس گفت: رضا خوان امر کرده اند که

مردم دو نفر دو نفر به دیدار شما بیایند مدرس با عصبانیت فرمود: بیخود کرده چنین دستوری داده و به خدمتکار خودشان دستور دادند او را از خانه بیرون نمودند.

نقل می کنند در زمان طاغوت روزی سید مصطفی خمینی در باغی نشسته بودند که سرهنگی بدون اجازه وارد باغ شده و قصد استفاده از باغ را داشت ولی سید مصطفی بلند شده و یقه سرهنگ را گرفته او را با زور از باغ بیرون نمود. در حالیکه زمان زورمندی این اشخاص نظامی بود.

شجاعت آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی: یکی از منافقین به ایشان زنگ می زند که می خواهیم شماراترور کنیم...

کت استیونس خواننده پاپ که نامش را یوسف اسلام گذاشته: بایک آیه قرآن همه ترسهایم از بین رفت والله ملک السموات والارض

امام راحل فرمودند من در تمام عمرم نترسیده ام

آری باید انسان فقط از خدا خوف و هراس داشته باشد و از غیر او نترسد در این صورت آزادتر و پاک تر و عزیزتر خواهد بود.

آن زمانی که روسیه ایران را تهدید به اشغال نمود مدرس در مجلس فرمود اگر قرار است نابود شویم چرا بادست خودمان. ما تسلیم نمی شویم..

در ایام دفاع مقدس مردم دنیا شجاعت جوانان ایرانی را دیدند که چگونه به طرف دشمن هجوم می بردند و از سدهای شکست ناپذیر آنها عبور می نمودند. دیدند که محمد حسین فهمیده ها چگونه خود را زیر تانک دشمن می افکنند و آنها را منهدم می نمایند. دیدند که یکی از رزمندگان پلدختر چگونه با دست خالی 13 نفر از دشمن را اسیر نمود.

ریشه شجاع در مومنین به ایمانشان برمی گردد و هر چه توکل و ایمان قویتر باشد شجاعت هم بیشتر است اگر چه در بعضی کفار هم شجاعت وجود دارد.

گویند چهار نفر برای ترور پیامبر به مدینه آمدند و دستگیر شدند. پیامبر دستور داد یا ایمان بیاورند یا کشته

شوند. چون ایمان نیاوردند سه نفرشان کشته شدند و یک نفر آزاد شد چون دارای فضائلی از جمله شجاعت

بود

اما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى فان الجنة هي الماوى.

و هر کس از حضور در پیشگاه عزّ ربوبیت بترسید و از هواى نفس دورى جست
بهشت جایگاه اوست

موضوع این خطبه درباره **خداترسی** است. یکی از دستگیره های نجات بخش انسان داشتن صفت خداترسی است.

ان الذين هم من خشيه ربهم مشفقون

والذين يوتون ما اتوا وقلوبهم وجله انهم الى ربهم راجعون

و پیامبر خدا فرمود: هر که خداشناس تر باشد خداترس تر خواهد بود.

امام علی به فرزندش وصیت کرد که تورا سفارش می کنم که درنهمان و آشکار از خدا ترسی. و فرمود که در قیامت
ندا دهند نزدیکترین افراد به خداوند خداترس ترین مردمان است. و فرمود که عالمترین مردم، خداترس ترین مردم
است.

اما مراد از ترس از خدا چیست؟ یک معنایش این است که خدا را همه جا حاضر ببینیم. امام صادق (ع):

طوری خدا را عبادت کن گویی خدا را می بینی و اگر خدا را نمی بینی بدان خداتورا می بیند. و اگر معتقد باشی
خداتورا نمی بیند کافر شده ای و اگر معتقد باشی خداتورا می بیند در مقابلش گناه بکنی او را پایین ترین بینندگان
قرار داده ای.

معنای دوم این است که باید انسان همواره بین خوف و رجاء بسربرد.

امام علی (ع) فرمود مومن شب وروز در خوف وهراس بسر می برد هر چند نیکو کار باشد.
 لقمان به پسرش گفت: از خدا چنان بتس که اگر عمل نیک انس و جن را نزد او ببری باز گمان کنی تو را عذاب می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناه همه انس و جن ببری باز گمان کنی تو را بیخشد.
 و پیامبر خدا فرمود اگر اندازه رحمت خدا را بدانید بر آن تکیه کرده و جز عمل کم نخواهید انجام داد و اگر اندازه خشم خدا را بدانید خواهید پنداشت که هرگز نجات نمی یابید.

سومین معنای خدا ترسی آنست که از عاقبت بد بترسد و هراسان باشد.

افرادی مانند ابلیس و قارون و بلعم و طلحه و زبیر و امثال اینها که اول خوب بودند ولی بعد عاقبت به شر شدند نشان می دهد که انسان همواره در معرض خطر است و باید مرتب با درک حضور خدا، از گناهان فاصله بگیرد.

آثار خدا ترسی:

- 1- همه اشیاء از او بترسند {امام صادق (ع) پیش منصور رفت و منصور می خواست آقارا بکشد...}
 و پیامبر خدا فرمود هر که از خدا بترسد همه چیز از او بترسند و هر که از خدا نترسد او از همه چیز بترسد.
- 2- ایمنی از ترس بزرگ قیامت
 و پیامبر خدا فرمود هر که گناهی به او عرضه شود و از ترس خدا از گناه دوری گزیند در قیامت ایمن بوده و آتش بر او حرام است.

ان الذین هم من خشیه ربهم مشفقون {مومنون}

« قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ »

سه معنا ذکر کردیم خدا ترسی یعنی از عاقبت بد بترسد. یعنی که خدا را همه جا حاضر ببینیم. یعنی که باید انسان همواره بین خوف و رجا بسربرد.

از دیگر معانی خدا ترسی آنست که عظمت خدا را متوجه و متذکر باشد. و آنقدر معرفت الهی نصیبش شود که خدا در چشمش عظیم و غیر خدا در چشمش حقیر باشد. در این صورت قدرتهای ظاهری و مادی در نزد او بی ارزش و قدرت را فقط در خدا می بیند.

ناصرالدین شاه و ملاهادی سبزواری

نقل شده که ملاهادی سبزواری در سبزواری بود که ناصرالدین شاه در سفر مشهد وارد سبزواری شد. گفت ملاهادی را نزد من بیاورید. وقتی نزد ملاهادی رفتند و مطلب را گفتند، روایتی برای ناصرالدین شاه نوشت که قال رسول الله (ص): إذا كان العلماء في باب الملوکِ بُئسَ العلماءُ وبُئسَ الملوکُ. وإذا كان الملوکُ في ابواب العلماءِ نِعَمَ العلماءُ ونِعَمَ الملوکُ. اگر عالم پیش شاه برود، هم عالم بد است و هم شاه! و اگر شاه نزد عالم برود، هم عالم خوب است و هم شاه! وقتی نامه را دست ناصرالدین شاه دادند، بعد از خواندن، روانه منزل ملاهادی شد. در زدند. پیرمردی قد بلند و ریش سفید در را باز کرد. شاه خیال کرد که نوکر ملا است. پرسید آقا هستند؟ فرمود خودم هستم. شاه وارد شد و نشست و مقداری صحبت کردند. ظهر که شد ملاهادی بیرون رفت. شاه خیال کرد آقا برای آوردن غذا رفته است. ولی مشخص شد که ملاهادی برای گرفتن وضو و ادای نماز رفته است. بعد از نماز ملا و شاه نشستند. نه بوی پلو می آمد نه بوی چلو! یک مرتبه خادم آقا آمد و یک ظرف فلزی دوغ و نمک و چند گرده نان خشک آورد. ناصرالدین شاه مقداری از نانها را بعنوان تبرک برداشت و هر چه کرد نان بی خورشت به مزاجش سازگار نشد!

موقع رفتن شاه گفت اجازه بدهید شهریه طلاب را من بدهم؟ ملاهادی فرمود: طلاب بدعادت می شوند. شما که همیشه زنده نیستی که شهریه آنها را بدهی! خوب است به همان مقدار کفایت کنند. شاه گفت: اجازه بدهید شمارا قاضی القضاات کنم؟ ملاهادی گفت: این دست شما نیست. شاه گفت پس بگذارید بشما کمکی بکنم؟ ملاهادی جواب داد: لاهو شیء فی الوجود الا الله. روزی من دست خداست و غیر خدا رازق نیست

همچنین شخص خدا ترس برای اینکه عظمت پروردگار در نظرش بیشتر شود باید به معجزات پیامبران و امامان توجه نماید. باید به عجایب خلقت متذکر گردد. باید به ضعف انسان ها حتی پادشاهان و قدرتمندان متوجه شود.

پنجمین معنای خدا ترسی آنست که در برخورد با گناه بیاد خدا افتاده و از گناه دوری نماید
اِنَّ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا عِذَّ مَسْهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوْا فَاِذَا هُمْ مُبْصِرُوْنَ {اعراف 201}

امام صادق (علیه السلام) فرمود: محکم ترین چیزی که خدا بر خلقش واجب کرده است زیاد یاد خدا بودن است. سپس حضرت فرمود: مراد من (سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر) نیست اگر چه اینها هم ذکر است و لكن منظور از یاد خدا بودن این است که زمانی که با حلالی و حرامی برخورد کرد یاد خدا بوده اگر طاعتی است به آن عمل کند و اگر معصیتی است از آن دوری کند.
یوسف پیامبر از گناه فرار می کرد و گناه بدنبال او بود.

ششمین معنا آنست که -بدنبال جلب رضایت الهی بوده و اگر همه مردم از او ناراضی باشند ولی خدا از او راضی باشد برای او خوشایند و مطلوب است. اللهم ورضاك والدار الاخره
او بدنبال این نیست که مردم از او تعریف کنند یا از او خوششان بیاید. بلکه تمام حواس و هوشش متوجه این است که همه اعمالش مطابق رضایت الهی باشد.

امام حسین ع: «کسیکه بدنبال رضای الهی است اگر چه مردم ناراحت شوند، خدا او را از مردم کفایت می کند و کسیکه برای رضای مردم، خدا را غضبناک می کند، خدا او را به مردم وا می گذارد!»

ان الذين آمنوا يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت {87/9/1}
خطبه اول:

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ»

قریب 400 آیه در مورد جهاد نازل شده است.

«الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عند الله و اولئك هم الفائزون»

یعنی آنان که ایمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند درجه بالایی در نزد خدا داشته و رستگارند.
درجه مجاهدین فی سبیل الله از همه بالاتر است.

یکی از واجبات جهاد در راه خداست. گاهی جهاد بصورت دفاع و حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است و گاهی بصورت حمله به مناطق کفرنشین است که این امر مربوط به امام معصوم و در زمان حضور امام معصوم (ع) تحقق می‌پذیرد ولی در زمان ما بصورت دفاع از کیان اسلام و مملکت اسلامی تبلور دارد. نمونه آن هشت سال دفاع مقدس بود که بسیاری از جوانان و پیران در این جهاد شرکت کردند و به فیض شهادت رسیده یا جانباز شدند و یا با جان و مال خود از دفاع اسلامی پشتیبانی نمودند.

اصطلاح «جهاد فی سبیل الله» بجای قتال و حرب و نزاع و مخاصمه اصطلاح پر معنایی برای مبارزات مسلمانان است. جهاد یعنی کوشش و تلاش. و این معنا شامل هم جنگ می‌شود و هم مبارزات دیگر را. و با سبیل الله ماهیت جهاد مشخص می‌شود که فرق سایر جنگها با جهاد مسلمانان در این است که هدف از جهاد مسلمین خداوند و است و لا غیر. ولی جنگهای دیگران بر اساس اهداف مادی و یا غیر مادی مثل میهن پرستی استوار می‌باشد.

استکبار جهانی برای اینکه مسلمانان در مقابل آنها تسلیم باشند قرآنی بنام قرآن قرن بیست و یکم منتشر کرده اند که همه آیات جهاد را حذف نموده اند. آنها می دانند تا مسلمانان سلاح در دست دارند و اعتقاد به جهاد مقدس دارند نمی توانند بر آنها پیروز شوند.

برای اینکه مسلمانان از همه تعلقات جدا شوند و با تمام وجودشان برای خدا بجنگند خدا با آنان معامله می کند:

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله و يقتلون وعداً عليه حقاً في التورات والانجيل و القرآن و من اوفى 'بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم»

براستی خدا از مؤمنان جان و اموالشان را خریده به این بها که بهشت برایشان باشد، در راه خدا بجنگید پس بکشند و کشته شوند. وعده ای راست است بر عهده او در تورات و انجیل و قرآن و چه کسی به عهد و قرار خویش از خدا فداکارتر است؟ بنابراین مژده گیرید و شاد باشید از معامله با خدا و این همان رستگاری عظیم است.

درس «صبر و پایداری» از درسهای مهم جهاد است:

«الصابرين في البأساء والضراء وحين البأس أولئك الذين صدقوا و أولئك هم المتقون»

آنانکه در سختی ها و ناراحتی ها و در جنگ صبور هستند راستگو بوده و باتقوا می باشند.

صبر در جهاد باعث می شود که هر یک مسلمان برابر ده کافر و با تخفیف برابر دو کافر قرار گیرد و پیروز شود:

«يا ايها النبي حرّض المؤمنين على القتال ان يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مأتين و ان يكن منكم مائة يغلبوا ألفاً من الذين كفروا بانهم قوم لا يفقهون. الان خفف الله عنكم و علم ان فيكم ضعفا فان يكن منكم مائة صابرة يغلبوا مأتين و اين يكن منكم ألف يغلبوا الفين باذن الله والله مع الصابرين»

ای پیامبر! مؤمنین را بر جهاد تحریک کن که اگر شما بیست تن صبور باشید بر دویست تن و اگر صد تن باشید، بر هزار کافر پیروز می شوید. زیرا کافران درک ندارند. الان خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعف است پس اگر شما صد نفر صابر باشید بر دویست کافر و اگر هزار نفر صابر باشید بر دوهزار کافر غلبه می یابید به اذن خدا و خدا با صابران است.

یعنی باید هر بسیجی برابر ده نفر از دشمن باشد یا حداقل برابر دویست نفر از دشمن باشد بشرط اینکه با استقامت و صبور بوده باشد.

در روایت است که پیامبر فرمود سه روز در جبهه نگهبانی دهم از شب قدر در مسجد مدینه
برایم با ارزش تر است.

و نماز با سلاح رزمی هفتصد برابر نماز بی سلاح است
ویکی از درهای بهشت مختص رزمندگان اسلام است

اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير (حج 38)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و
(البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست

در اسلام مجاهدین و قاعدین در جایگاه واحدی نیستند که مجاهدین در بالاترین جایگاه قرار دارند:

لايستوى القاعدون من المومنين غير اولى الضرر و المجاهدین فی سبیل الله باموالهم

وانفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم وانفسهم على القاعدین درجه و فضل الله

المجاهدین على القاعدین اجرا عظيما (نساء 95)

مؤمنان خانه نشین که زیان دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می کنند
یکسان نمی باشند خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می کنند به درجه ای بر خانه نشینان مزیت
بخشیده و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده و [لی] مجاهدان را بر خانه نشینان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده
است

ان النبی [ص] قال : فوق كل ذي بربر حتى يقتل في سبيل الله فاذا قتل في سبيل الله

فليس فوقه بر . 2

پیامبر اکرم [ص] فرموده است : بالاتراز هر نیکی نیکی ای است نا شخص در راه خدا به شهادت برسد

که آنگاه بالاتراز او نیکی ای نیست .

اینها نشانگر جایگاه رفیع جهاد و مبارزه در شریعت اسلام می باشد. اسلام همانند سایر ایان الهی نمی تواند از جنگ و درگیری به دور باشد زیرا مکتبی که داعیه جهانی داشته و رسالت خویش را برای همه انسانها در همه زمانها اعلام می دارد نمی تواند خالی از دشمن باشد. یک انقلاب فکری وقتی که با نظامهای غیر مشروع در تصادم باشد و منافع آنها را تهدید جدی کند قهراً معارضه و جنگ را سبب می گردد. روشن است اسلام در مقابل خودخواهان و معارضین ساکت ننشسته و کار قیصر را به قیصر وا نمی گذارد بلکه در مواقع لزوم و حساس در راه دفاع از ارزشها، زور و سلاح را نیز به کار می گیرد و بدین جهت جهاد در طول تاریخ اسلام باعث شوکت و سربلندی مسلمانان بوده و در سایه آن مظلومین و مستضعفین به نبرد برخاسته اند.

رسول خدا (ص) فرمود کسی که از خانه خود به قصد نگهبانی مرزها و یا برای جنگ و جهاد در راه خدا بیرون آید بر هر قدمی که برمی دارد هفتصد هزار حسنه داده می شود و هفتصد هزار گناه از او بخشیده می گردد و او در ضمان و بر عهده خدا خواهد بود به هر نحوی که بمیرد؛ چه با اجلش بمیرد و یا اینکه شهید شود و چنانچه برگردد بخشوده شده و پاک گشته و دعایش در پیشگاه خدا مستجاب خواهد بود.

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: مثل کسی که جهاد می کند در راه خدا مثل شخصی است که همواره با خضوع در حال نماز خواندن و روزه گرفتن است تا به خانه اش برگردد و فرمود کسی که از آستانه خانه اش برای جنگیدن در راه خدا قدم بیرون نهد خداوند ملکی را می فرستد تا همه گناهان را از پرونده اعمالش پاک کند.

رسول اکرم (ص) فرمود: تمام نیکیها و اعمال خوب بنی آدم را ملائکه ها می توانند ضبط و شمارش کنند مگر نیکیهای مجاهدین و جنگجویان در راه خدا که از آگاهی به مقدار ثواب آنها عاجزند.

از امام باقر از پدر بزرگوارش از پیغمبر اکرم (ص) فرمود: بهشت را دری است به نام باب المجاهدین که جهادگران در راه خدا به سمت آن حرکت می کنند و در گشوده می شود در حالی که اسلحه خود را بگردن آویخته اند و مردم در محشر جمعند و ملائکه به مجاهدین تهنیت و تبریک می گویند.

پیامبر در هنگام هجرت به مدینه به خانه او وارد شد. او از اصحاب پیامبر بوده است که بعد از رحلت پیغمبر در کنار علی (ع) در جنگهای جمل و صفین و نهروان حضور داشت. در جنگ صفین، او روزی بطرف لشکر معاویه رفت و هم‌اورد خواست و چون کسی حاضر نشد به صفوف دشمن حمله کرد و سینه لشکر را شکافت و به چادر فرماندهی معاویه رسید. معاویه فرار کرد و شامیان باو درگیر شدند و او به سلامت به لشکر علی (ع) برگشت. معاویه یاران خود را سرزنش کرد و گفت: یکی از یاران علی (ع) تا اینجا نفوذ کرد! مردی از لشکریان او گفت: همانطور که ابوایوب تا چادر تو آمد من هم به لشکر علی (ع) نفوذ می‌نمایم و تا چادر (ع) علی می‌روم. اما وقتی به لشکر علی (ع) حمله کرد، ابوایوب راه بر او بست و او را طی جنگی به هلاکت افکند!

عمر بن جموح

عمر با چهار فرزند رشیدش در جنگ اُحُد شرکت کرد. او که از ناحیه پای لنگ بود، وقتی به رسول خدا (ص) گفت که قصد شرکت در جنگ را دارد. حضرت فرمود خدا تو را معذور شمرده و تکلیفی متوجه تو نیست. اما او اصرار و التماس نمود تا عاقبت رسول خدا اجازه شرکت به او داد. عمرو موقع بیرون آمدن چنین گفت: خدایا توفیق بده در راه تو کشته شوم و بسوی خانه‌ام باز نگردم.

وقتی جنگ اُحُد شروع شد او با پای لنگ خود حمله می‌کرد و می‌گفت: آرزوی بهشت را دارم. یکی از پسرانش با او همراه بود و می‌جنگید. همچنین برادرش همراهش بود. عاقبت این پدر و برادر و پسر به شهادت رسیدند.

وقتی عمرو شهید شد، بعد از جنگ همسرش جسد او را بر شتری بست و خواست به مدینه ببرد ولی شتر بطرف مدینه نمی‌رفت ولی وقتی سر شتر را بطرف محل جنگ بر می‌گرداند شتر حرکت می‌نمود. او علت این مسئله را از رسول خدا (ص) پرسید. حضرت فرمود که وقتی عمرو به جنگ می‌آمد از خدا چه خواست؟ زن گفت شوهرم از خدا خواست که او را به خانه برنگرداند. رسول خدا (ص) فرمود دعای شوهرت مستجاب شد و خدا نمی‌خواهد این جنازه به خانه برگردد. او و پسر و برادر شوهرت را در همین جا ب خاک بسپار و بدان که این سه در سرای باقی نیز با هم خواهند بود. زن به گریه افتاد و از رسول خدا (ص) خواست که دعا کند تا او هم پیش آنها باشد.

با اینکه پدر حنظله، مشرک بوده و در جنگ اُحُد علیه رسول خدا(ص) شرکت کرده بود ولی خود حنظله مسلمان پاکی بود که در جنگ اُحُد با اینکه تازه داماد بود، در حالی که هنوز فرصت غسل جنابت را پیدا نکرده بود، شرکت نمود و به شهادت رسید. رسول خدا(ص) فرمود فرشتگان را دیدم که حنظله را غسل می دادند. لذا به نام «غسيل الملائكة» معروف شد. همچنین همسر حنظله، که زن پاکدامن و مؤمنی بود، دختر رئیس منافقان، عبدالله بن ابی سلول بود! پسر حنظله بنام عبدالله رهبری مردم را در مخالفت با یزید به عهده داشت و عاقبت به شهادت رسید.

ابودجانه

قبل از آغاز جنگ اُحُد رسول خدا(ص) شمشیری در دست گرفت و فرمود: کیست این شمشیر را بدست بگیرد و حق آن را ادا کند؟ عده ای برخاستند ولی رسول خدا(ص) از دادن شمشیر به آنان امتناع کرد. سپس ابودجانه برخاست و گفت: حق این شمشیر چیست؟ رسول خدا(ص) آن است که آن قدر با آن بجنگی تا خم شود.

ابودجانه گفت من حاضرم حق آن را ادا کنم. سپس دستمال سرخ رنگی که آن را «دستمال مرگ» می گفت: به سر بست و شمشیر گرفت. هر موقع ابودجانه این دستمال را به سر می بست، نشانه آن بود که تا جان در بدن دارد نبرد خواهد نمود.

زبیر گوید که من از اینکه رسول خدا(ص) شمشیر را به من نداد ناراحت شدم و تصمیم گرفتم تا ابودجانه را تعقیب کنم و شجاعتش را ببینم. من خود دیدم که او با هیچ قهرمانی از مشرکین روبرو نمی شد مگر اینکه او را از پای در می آورد.

علی (ع) نفس پیامبر (ص)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (مانده 67)

ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای، و خدا تو را از (شر) مردمان محفوظ خواهد داشت، (و دل قوی دار که) خدا کافران را (به هیچ راه موفقیته) راهنمایی نخواهد کرد.

یکی از دلایل اثبات ولایت علی بن ابی طالب (ع) و جانشینی علی (ع) برای پیامبر اعظم (ص) این بوده است
علی (ع) نفس و همانند پیامبر بوده است.

خدا در قرآن و پیامبر اعظم (ص) بارها و بارها در مناسبت‌های مختلف این مطلب مهم را به مردم اعلام

می کرده است.

از جمله این موارد، داستان مباحله می باشد که وقتی نصارای نجران با پیامبر بر سر حقانیت حضرتش بحث کرده و حاضر به قبول این حقیقت نشدند خداوند به پیامبرش دستور داد که با آنها مباحله کند یعنی در روز وساعت معینی برگزیدگان مسیحیان نجران و برگزیدگان پیامبر در محلی جمع شده و به هم نفرین کنند که هر که به هلاکت رسید او برباطل بوده است.

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (ال عمران 61)

پس هر کس با تو درباره عیسی در مقام مجادله برآید بعد از آنکه به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و شما فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند بخوانیم، سپس به مباحله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین کنیم) تا دروغگویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم
در این آیه شریفه دستور داده شده که پیامبر اعظم (ص) و علی (ع) که نفس پیامبر خوانده شده به همراه زهراء س و حسنین ع برای مباحله حرکت کنند

پیامبر با علی (ع) و زهراء (س) و حسنین (ع) برای مباحله حرکت کرد ولی مسیحیان پشیمان شده و مباحله ننمودند و به پرداخت جزیه راضی شدند. در کتاب احقاق الحق قاضی شوشتري نظر شصت نفر از علمای سنی را که گفته اند این آیه در شان اهل بیت (ع) است و مراد از انفسنا، علی است آورده است. "تفسیر نمونه ذیل آیه مباحله"

نتیجه ای که می خواهیم از این آیه شریفه بگیریم اینست که خداوند عز وجل اولین کسی است که جان علی (ع) را مانند جان پیامبرش خوانده است. و این کمال ارتباط و اتصال بین پیامبر و علی (ع) را نشان می دهد.

و می خواهد بگوید اگرچه ایندو، جسما دوجسم هستند ولی یک روح هستند در دوجسم. یعنی همه خصوصیات اخلاقی که پیامبر دارد در علی هست. ایمانی که پیامبر دارد. معرفتی که رسول دارد در علی (ع) هم هست. شایستگی خلیفه الهی که در پیامبر وجود دارد در علی (ع) هم هست. و برتری بر همه پیامبران که در پیامبر اعظم است در علی (ع) هم است که او به جز بر پیامبر اسلام، بر همه پیامبران برتری دارد. و سایر تشابهات را می توان بین ایندو نور الهی انجام داد.

حضرت صادق (ع) که فرمود مردی اعرابی به خدمت حضرت رسول (ص) مشرف شد و عرض کرد یا رسول الله! منزل من دور است از منزل تو و من مشتاق زیارت و دیدن تو می شوم می آیم به زیارت جناب تو و ملاقات تو برایم حاصل نمی شود و ملاقات می کنم علی بن ابیطالب (ع) را پس مرا آنوس می کند به حدیث و مواعظ خود و من برمی گردم با حال اندوه و حسرت بر ندیدن تو فرمود هر که زیارت کند علی را مرا زیارت کرده و هر که او را دوست دارد مرا دوست داشته و کسی که دشمن دارد او را مرا دشمن داشته است برسان این را به قوم خود از جانب من و هر که برود به زیارت او پس به تحقیق که به نزد من آمده و من جزا خواهم داد او را روز قیامت و جبرئیل و صالح المؤمنین

همچنین در آیه ولایت که خداوند می فرماید:

انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا...

در آیه فوق، پروردگار عالمیان، ولایت علی (ع) را همانند ولایت پیامبر و ولایت خود می داند.

که در روایت معراج هم وارد شده که در یکجا در آسمانها، که همه پیامبران یکجا جمع بودند. پیامبر اسلام از آنها پرسید به چه مبعوث شدید؟

همگی آنها جواب دادند به شهادت بر لا اله الا الله. و شهادت بر رسالت شما. و شهادت بر ولایت علی بن ابی طالب.

آیه شریفه:

«وبالوالدین احساناً» نساء 36

«به پدر و مادر نیکی کنید.»

پیامبر فرمود: برترین والدین و سزاوارترین والدین، محمد (ص) و علی (ع) هستند

غیر از آیات قرآن، پیامبر اعظم (ص) بارها و بارها این همانندی جان علی (ع) با جان خودش را به مردم اعلام می فرمود مثلاً:

ابلاغ سوره براءت توسط علی (ع) بعد از اینکه ابوبکر برای این امر اعزام شده بود نیز از این شواهد می باشد: در سال نهم سوره براءت نازل شد و پیامبر ابوبکر را امیرالحاج کرده و سوره را به او داد تا در ایام حج بر مشرکین قرائت نماید. ابوبکر مقداری از شهر دور شده بود که دستور خدا به پیامبر رسید که باید سوره براءت را خودت یا کسی که مثل خودت است بر مردم بخوانند. پیامبر علی را مأمور خواندن سوره کرد و علی (ع) خود را به ابوبکر رساند و سوره براءت را از او گرفت و به مکه رفت و با شجاعت تمام بر مشرکین در ایام حج قرائت فرمود. {میزان الحکمه}

در جنگ تبوک نیز فرصتی پیش آمد تا پیامبر بار دیگر همانندی علی (ع) با خود را به مردم اعلام نماید: پیامبر ص قرار شد علی (ع) را در شهر به عنوان جانشین خود بگذارد و به همراه لشکریان اسلام به جنگ رومیان برود.

علی (ع) از این مسئله نگران شد.

پیامبر (ص) وقتی نگرانی علی (ع) را از همراه نبودن با پیامبر در جنگ تبوک دید به او فرمود: در مدینه

باید یا من یا کسی که مانند من است یعنی تو ای علی، بماند و در اینجا بود که حدیث منزلت را

فرمود: {میزان الحکمه}

غدیر خم:

در حادثه عظیم غدیر خُم، پیامبر اعظم (ص) علی را همانند خود خواند و ولایت او را همانند ولایت

خود قرار داد.

روایت شده که پیامبر فرمود: هفت سال ملائکه بر من و بر علی (ع) صلوات فرستادند زیرا که در این مدت شهادت

لااله الا الله از احدی به آسمان برنخاست جز از من و علی (ع). "شبهای پیشاور"

و فرمود هر چه که من دانش بلام را به علی آموختم

پیامبر در روایتی فرمود خَلَقَ اللهُ اَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ نَوْرِ وَاحِدٍ. خداوند من و علی را از یک نور آفرید

قلب سلیم

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ اِلَّا مَنْ اَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾

موضوع قلب سلیم در چه انسان هایی وجود دارد؟

خداوند در قرآن فرموده روز قیامت روزی است که نه مال بدرد می خورد نه فرزندان فقط یک چیز بدرد آن روز می خورد و آن داشتن قلب سلیم است.

اما بدست آوردن قلب سلیم، نیاز به مجاهدت های فراوان دارد. باید از زشتیها و بدیها، دوری نمود و به خوبیها روی آورد.

باید دل را از هرگونه شک و شرک دور نمود.

باید دل را از حب دنیا خالی نمود.

باید در دل فقط محبت خدا را قرار داد

باید در مقابل مصیبت، صبر و در مقابل نعمتها شکور باشیم.

باید از صفات مذمومی چون شک چرانی و شهواترانی بیش از حد دوری نمود که رسول خدا

فرمود: نور حکمت، در کم خوری و گرسنگی می باشد و دوری از خدا در پر خوری و شکم های مملو از غذا است و نزدیکی به خدا در نیکی به فقرا و نزدیک شدن به آنان می باشد. انی وضعت العلم فی الجوع والناس یطلبونه فی الشبع فلم یجدوه ابدا.

یکی از کارهایی که باعث بدست آوردن قلب سلیم می شود، نیکی به فقرا و مساکین است.

یکی از دوستان یکی از عرفا و علما نقل می کند که زمانی من بیکار و درمانده و دارای مشکلات زیادی

بودم. حیران و سرگشته نزد آن عارف و عالم رفتم تا شاید راهی برای خلاص از گرفتاری پیدا کنم. وقتی نزد ایشان رفتم به من نگاهی کرد و گفت چرا تو کلت از خدا سلب شده؟ شیطان بر تو سرپوشی قرار داده که نمی توانی به خدا توجه کنی!

از این مطالب ایشان من منقلب شدم و توجه به خدا پیدا کردم. فرمودند تلاش کن که این حالت معنوی برایت باقی بماند.

بعد فرمود شخصی است که مریض است و باید دو خانواده را اداره کند. اگر می توانی برو قدری پارچه برای بچه ها و خانواده او تهیه کن و بیاور.

با اینکه بیکار بودم و از نظر مالی ناتوان رفتم و از مغازه یکی از دوستان قدیم که بزازی داشت ،مقداری پارچه نسیه خریدم و به محضر این عالم آوردم.ایشان دستورداد تا برای آن فقیر بردم و فرمودند معنویت اوج گرفته است.

علی (ع) فرمود **بتقوی الله امرتم وللاحسان والطاعة خلقتهم**. به تقوای الهی مامور شدید و به نیکی به خلق مامور شدید.

باید از پرگویی دوری نمود. پیامبر فرمود: **لا تکثروا الکلام بغير ذکر الله فان کثره الکلام بغير ذکر الله قسى القلب ان ابعد الناس من الله القلب القاسی**.. بدون یاد خدا زیاد حرف ننزید که زیاده گویی بدون یاد خدا دل را سخت می کند دورترین دور از خدا سخت دل است

و علی (ع) فرمود: من کثر کلامه کثر خطائه ومن کثر خطائه قل حیائه ومن قلّ حیائه قلّ ورعه و من قلّ ورعه مات قلبه و من مات قلبه دخل النار. هر که زیاد بگوید خطاهایش زیاد شود و هر که خطا کند حیاش کم می شود و هر که از حیا کم کند تقوای او کم می شود و هر که تقوای او کم شود دلش می میرد و هر که دلش بمیرد. وارد آتش می شود

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ »

در محرم 61 حماسه ای در روز عاشورا و در سرزمین کربلا اتفاق افتاد که کم کم تبدیل به فرهنگ شد. این فرهنگ در طول تاریخ عمیق و گسترده شد و از سرزمین های اسلامی به مناطق دیگر دنیا اشاعه پیدا کرد و ماندنی شد بطوری که هیچ فرهنگ و هیچ قدرتی نمی تواند آن را از بین ببرد. علت ماندگاری فرهنگ حسینی را در چند عامل می توانیم بیان کنیم:

1- یکی در زنده ماندن اسلام بخاطر قیام حسینی است. امام حسین ده سال امامت کرد. اما بیش از نه سال آن را در قعود و سکوت گذراند. زیرا بر معاهده امام حسن ع متعهد ماند. از طرفی معاویه سیاست داشت و ظاهر را حفظ می کرد. و علنا با اسلام مخالفت نمی کرد. ولی با روی کار آمدن یزید پلید، امام متوجه خطری که اساس اسلام را تهدید می کرد شد و فرمود **اذا بليت الاسلام براع مثل یزید فعلى الاسلام السلام**. پس حضرت با جان و مال و فرزندان و خانواده و اصحاب قیام کرد و خود و همه را فدا کرد تا دین زنده بماند. اگر حضرت قیام نمی کرد الان از اسلام خبری نبود. اگر اسلام نبود انقلاب اسلامی ایران هم نبود و معلوم نبود ملت ایران الان در چه وضعی بودند. پس امام حسین به گردن همه مسلمین جهان حق دارد. و همه مدیون این امام هستیم.

2- اما دلیل دیگر ماندگاری فرهنگ حسینی این است که در این حماسه همه چیز در اوج خود بود. شهادت طلبی - عدم هراس از مرگ - مسابقه در شهید شدن - زیر بار ظلم نرفتن - شجاعت فوق العاده - ایمان بسیار بالا که بعضی از اصحاب استاد کامل قرآن و در عین حال مبارز در سطح بالایی بودند - دانش و معرفت بالا که نمونه آن حبیب بن مظاهر بوده که علوم غیبی می دانست - اخلاص فوق العاده - ارتباط عاشق و معشوقی بین امام و یارانش - شکست دادن مرگ - بهشت را قبل از مرگ دیدن - حماسه های بینظیر و... می باشد.

سرپرسی سایکس (خاورشناس انگلیسی): حقیقتا آن شجاعت و دلاوری که این عده قلیل از خود بروز دادند، به درجه ای بوده است که در تمام این قرون متمادی هر کسی که آن را

شنید، بی اختیار زبان به تحسین و آفرین گشود. این یک مشت مردم دلیر غیر تمند، مانند مدافعان ترموپیل، نامی بلند غیر قابل زوال برای خود تا ابد باقی گذاشتند

جرج جرداق (دانشمند و ادیب مسیحی): وقتی یزید، مردم را تشویق به قتل حسین و مامور به خونریزی می کرد، آنها می گفتند: «چه مبلغ می دهی؟» اما انصار حسین به او گفتند: ما با تو هستیم. اگر هفتاد بار کشته شویم، باز می خواهیم در رکابت جنگ کنیم و کشته شویم.

سعد بن عبدالله به امام عرض کرد: بخدا قسم! ما دست از یاری تو بر نمی داریم تا در پیشگاه خدا ثابت کنیم که حق پیامبر را در باره تو مراعات نمودیم! بخدا قسم! اگر بدانم که هفتاد بار کشته می شوم و بدنم را آتش زده و خاکسترم را زنده می نمایند، باز هم هرگز دست از یاری تو بر نمی دارم و پس از هربار زنده شدن، به یاریت می شتابم. در صورتی که می دانم، مرگ بیش از یکبار نیست و پس از آن نعمتهای بی پایان خداوند است.

زهیر بن قین چنین گفت: یا بن رسول الله! بخدا قسم! دوست دارم که در راه حمایت، هزار بار کشته باز زنده و دوباره کشته بشوم و باز آرزو دارم که با کشته شدن من، شما یا یکی از این جوانان بنی هاشم، از مرگ نجات می یافتید!

قاسم بن حسن عرض کرد: منهم جزء شهداء هستم؟ امام بر او رقت کرد و فرمود: پسر جانم! مرگ در نظر تو چگونه است؟ گفت: از عسل شیرینتر!

امام فرمود: آری! بخدا قسم! عمویت به قربانت! تو هم یکی از آن مردانی هستی که پس از آنکه سخت گرفتار شوی، به شهادت می رسی.»

عابس ابن ابی شیب که محدث بود و به شیعیان حدیث می آموخت در موقع رفتن به میدان گفت ای ابا عبدالله. در روی زمین هیچ کسی از شما در دل من محبوبتر نیست. من بر دین شما و پدران شما هستم. او آنقدر شجاع بود که وقتی مقابل دشمن قرار گرفت یکنفر از لشکر دشمن به بقیه گفت مواظب این مرد باشید که شیر شیران است و هر که به مبارزه او برود زنده بر نمی گردد لذا هر چه عابس مبارز طلبید کسی جرات نکرد.

در این حماسه فقط مردان نبودند که حماسه ساز بودند بلکه نوجوانان و زنان هم سهم مهمی ایفا نمودند. مخصوصا جناب زینب س که استقامت و شجاعت و صبر او مثال زدنی است و با این همه مصیبتها، در مقابل دشمن با اقتدار می فرماید ما رایت الا جمیلا..

3- سومین عامل ماندگاری فرهنگ حسینی این است که مصیبت حضرت و خانواده و فرزندان بزرگترین مصیبت در تاریخ بشریت است.

4- چهارمین عامل ماندگاری فرهنگ حسینی توصیه و سفارش های پیامبر و ائمه در زنده نگه داشتن نهضت امام حسین است.

گریه بر حسین (ع)، زیارت حرم حسین (ع)، زیارت عاشورای حسین (ع)، برگزاری و شرکت در مجلس عزای حسین (ع)، سینه و زنجیر زدن برای حسین (ع)، برپایی سفره ابوالفضل حسین (ع)، زیارت حرم زینب حسین (ع)، همه اینها مورد تقدیر اهل بیت است.
لذا همه ساله هزاران مجلس حسینی، صدها کتاب منتشر میشود، دهها همایش و دهها سایت درباره این حماسه تشکیل می گردد.

5- تاسوعا و عاشورا: بزرگترین عزادار حسین (ع)، امام زمان است که 1179 سال است برای جدش عزاداری می نماید و وقتی اشکش تمام شود خون می گرید.
این همه عزاداری برای چیست؟ برای این است که راه حسین راه خداست.
مرحوم سید علی قاضی عارف کامل:

محال است انسان بجز از راه سیدالشهدا به مقام توحید برسد. شریان فیوضات و خیرات از مسیر حضرت سیدالشهدا است. پیشکار این فضیلت هم حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس است.

پس با عزاداری صحیح می توانیم معرفت خود را به خدا بیشتر کنیم و این بزرگترین فایده عزاداری حسینی است.

لذا بدنبال الگوی صحیح عزاداری باشیم. بحمدالله مبلغین بزرگوار به منطقه تشریف آورده اند. خوب است که با بیانات خود، الگوی درست عزاداری را به شما معرفی فرمایند.

ائمه ع که خود سفارش برگزاری مراسمات عزاداری حسینی را داده اند الگوی درست راهم ارائه نموده اند. تشکیل مجلس مرثیه خوانی و نوحه خوانی و بیان معارف و فضائل اهل بیت ع توسط شعراء و سخنرانان. زیارت مراقده ائمه ع و لعن بر دشمنان ائمه ع.

«امام رضا (ع): ای پسر شیب! اگر چنان برای حسین (ع) گریه کردی که اشکت بر گونه ات جاری شد، خدا تمام گناهان کوچک و بزرگت را می آمرزد.

ای پسر شیب! اگر می خواهی درحالی با خدا ملاقات کنی که گناهی برگردنت نباشد، حسین(ع) را زیارت کن.

ای پسر شیب! اگر می خواهی در اطاقهای بهشت، با پیامبر(ص) باشی، قاتلین حسین را لعن نما.
ای پسر شیب! اگر می خواهی در ثواب شهیدان کربلا شریک باشی، هرگاه بیاد آنها افتادی بگو: «یالیتنی کنتُ معکم فافوز معکم فوزاً عظیماً» ای کاش منم با آنها بودم و به این رستگاری عظیم میرسیدم.

ای پسر شیب! اگر می خواهی در درجات بالای بهشت با ما باشی، دراندوه ما، غمگین و در خوشحالی ما، خوشحال باش و همیشه با ولایت ما همراه باش که اگر شخصی سنگی راهم دوست بدارد، خدا او را با آن سنگ محشور می نماید.»

از ابزار و وسایل عزاداری امام حسین(ع) که در هیئتها و دسته های مذهبی به کار گرفته می شود. علامت به معنای شباهت آن به صلیب، می رساند که پس از ارتباط ایران با اروپاییها در عصر قاجار، از آیینهای مذهبی نشانه است مسیحیت اقتباس شده است. به هر حال، نمودها و مظاهری است که گاهی عزاداران را از محتوا و اصل عزاداری و اقامه شعائر دینی باز می دارد. و درست نیست که عزاداران حسینی نمود مسیحیت را به عنوان عزاداری حسینی حمل نمایند. یا طبل معلوم نیست این طبل زدن چه طور وارد عزاداری ما شیعیان شده درحالی که روش امامان و علما اینگونه نیست. پس باید تابع رهبران دینی باشیم تا عزاداری ما دارای آثار درستی باشد.
یکی از برنامه های دشمن این است که عزاداری را از مسیر خود منحرف نمایند لذا باید هوشیار باشیم

اهمیت مراسمات حسینی (2)

حماسه حسینی در طول زمان تبدیل به فرهنگ گردید و در انسان سازی نقش مهمی ایفا نمود. اینکه به ما سفارش نموده اند تا در طول سال به نام حسین (ع) مراسم داشته باشیم زیرا این مراسمات و روضه خوانی ها و زیارت عاشوراها انسان ساز است.

پیامبر اسلام (ص) به فاطمه زهرا فرمودند: زنان امت من بر زنان اهل بیت من گریه می کنند و مردان ایشان بر مردان اهل بیت من گریه خواهند کرد و همه ساله دسته به دسته عزادار خواهند نمود.

موقعی که روز قیامت شود تو زنان و من مردان ایشان را شفاعت خواهیم کرد. هر کس در عزای حسینم گریه کند ما دست او را می گیریم و داخل بهشت می نمائیم.

ای فاطمه فردای قیامت هرچشمی گریان است مگر آن چشمی که در مصیبت حسین گریه کند آن چشم است که در آن روز به وسیله نعمت های بهشتی روشن و خوشحال گردد.

اصرار بر برگزاری این مراسمات برای این است که هر که حسینی شد دیگر تسلیم ابرقدرت ها و زورگویان نمی شود البته کسانی مانند دفتر تحکیم وحدت که حماس و مقاومت را محکوم می کنند حسینی نیستند بلکه یزیدی هستند آنها می خواهند ملت ایران مانند زمان طاغوت تسلیم مستکبرین باشد. اینها ستون پنجم دشمن هستند و ما از مسئولین می خواهیم با اینها برخورد نمایند.

— «امام صادق (ع): هر چیزی برای او اجری است غیر از گریه بر سیدالشهداء که اجر او محدود نیست!»

— «امام صادق (ع): هر که در مصیبت حسین، شعری بگوید و بگیرد و بگریاند، خدا او را می آمرزد و بهشت را برای او واجب می کند.»

امام رضا (ع) فرمود: حادثه عاشورا اشک ما را روان ساخت و خون از چشم ما جاری کرد و عزیز ما را در سرزمین کربلا خوار ساخت و تار و زیارت برای ما غم و غصه به میراث گذاشت

در زمان رضاخان که روضه خوانی ممنوع شده بود، در روز تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به مسجد جامع آمدند که که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند و می گفتند باید از وزارت فرهنگ اجازه بگیرید.

در این حال آیت الله شاه آبادی، خطاب به آقای سید علی اصغر آل احمد که صدای خیلی خوبی هم داشت، فرمودند که ((زیارت عاشورا را بخوان!

مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و در اثر آن صدای گریه و ضجه عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد. بعد هم آیت الله شاه آبادی خطاب به مأمورین رضا خان گفتند به آن مرد قلدر چاروادار بگو که مانع عزاداری مردم نشود و به وزیر فرهنگ هم بگوید که در وزارت فرهنگش را ببندد. اینجا وزارت فرهنگ ماست.))

یا اینکه آیه الله حائری یزدی هر روز قبل از درس چند دقیقه روضه خوانی را مأمور کرده بود تا مرثیه بخواند زیرا این برنامه ها انسان سازی می نماید.

ما می بینیم که علماء ما به برگزاری این مراسمات خیلی اهمیت می دادند و در شهرهایی که این برنامه ها فراوان اجرا می شود وضع دینی و فرهنگی آن مناطق بهتر است. در بعضی از مناطق بعد از نماز صبح منبری منبر می رود و مردم به سخنرانی گوش می دهند. در بعضی از شهرها افراد صبح زود روضه می گیرند و بانی خود و خانواده همه زمینه روضه خوانی و سپس دادن صبحانه را مهیا می کنند.

چرا افراد این کار را انجام می دهند و این زحمتهارا متحمل می شوند؟ زیرا سفارش دین است. سفارش امام صادق است. روش علمای بزرگ است. زیرا آثار مثبت دنیوی و اخروی دارد.

مرحوم حسنعلی نخودکی اصفهانی هر سال یک دهه روضه خوانی در منزل خود برگزار می کرد و برای امام حسین خیلی گریه می کرد. وقتی از دنیا رفت. یکی از وارستگان او را در خواب دید و حالش را جویا شد.

گفت وقتی شب اول قبر شد نکیر و منکر برای سوال آمدند و من سوالات آنها را پاسخ می دادم تا اینکه از امامان پرسیدند و من نام آنها را بردم وقتی به نام حسین (ع) رسیدم بی اختیار گریه کردم. آن دو فرشته نیز منقلب شدند و گریه کردند. سپس به هم گفتند او را تنها بگذاریم کار این آقا با حسین است دیگر نیاز به سوال کردن نیست.

مگر می شود کسی حسینی باشد و در دنیا و آخرت عزیز نباشد. کسانی که جزو عاشقان حسینی هستند، اعمالشان نیز خوب می شود.

آنهايي که هر روز زیارت عاشورا می خوانند بعید است که دیگر دنبال کار خلاف بروند. آنهايي که خود را خدمتگزار حسین می دانند دیگر آلودگی پیدا نمی کنند.

همانند اصحاب بزرگوار حسین که در میان آنها افراد آلوده ای وجود نداشت و همه انسانهای والائی بودند. پس باید برای بالابردن فرهنگ دینی شهرستان افراد به برگزاری مراسمات حسینی در طول سال نه فقط دهه اول محرم اهمیت بدهند و در این راه سرمایه گذاری کنند. پول خرج کنند و افتخار کنند که در منزل خود هر سال یک دهه یا کمتر بیشتر مراسم به نام امام حسین (ع) برگزار می شود.

اگر هر خانواده ای در سال یک دهه مراسم برگزار نماید ما شاهد برگزاری صدها مراسم حسینی هستیم که آثار و برکاتش نصیب مردم خوب این شهرستان می شود. آنوقت مردم دین شناس می شوند. منکرات پایین می آید. سطح فرهنگی شهر بالا می رود. آیه الله العظمی نجفی مرعشی: یکشب عاشورا من و امام خمینی تا صبح در حجره سینه می زدیم.

ابو عماره مداح می گوید: روزی به خدمت امام ششم رفتم حضرت فرمود که شعری چند در مرثیه حسین (ع) بخوان چون شروع کردم حضرت فرمود: به آن روشی که پیش خود می خوانید و نوحه می کنید بخوان چون خواندم حضرت بسیار گریست و صدای گریه زنان آن حضرت نیز از پشت پرده بلند شد. چون فارغ شدم حضرت فرمود: هر که شعری در مرثیه حسین (ع) بخواند و پنجاه کس را بگریاند بهشت بر او واجب می گردد و هر کسی سی کس را بگریاند بهشت بر او واجب می گردد تا رسید به اینجا که فرمود هر کس که مرثیه بخواند و خود بگرید بهشت بر او واجب می گردد و هر کس که خود را به گریه زند بهشت بر او واجب است.

امام صادق (ع) به مردی بنام مسمع فرمود: ای مسمع تو از مردم عراقی آیا قبر حسین را زیارت می کنی؟ گفت: نه من در بصره معروفم و دشمنان ما زیادند بیم دارم از من در نزد خلیفه سعایت کنند. حضرت فرمود: آیا مصائب حسین را یاد می کنی؟

گفت: آری فرمود و گریه می کنی؟ گفت: آری به خدا قسم از چشمانم اشک می ریزد اهل خانه ام اثر اندوه را در صورت من مشاهده می کنند و یاد مصائب امام حسین (ع) مرا از طعام خوردن باز می دارد.

حضرت فرمود: خدا اشک چشمت را رحمت کند. بدان تو از جمله شیعیانی هستی که برای ما ناله می کنند در شادی ما شاد و در اندوه ما انده‌گین و در ترس ما ترسان و در ایمن ما ایمن می شوند وقت مردن پدران مرا خوهی دید که حاضر شوند و درباره تو به عزرائیل توصیه فرمایند.

سفارش به تقوا که امام سجاده در جواب شخصی که به امام گفت: نمی‌توانم از گناه کردن خودداری کنم!

امام فرمود: پنج عمل را انجام بده و هر گناهی می‌خواهی بکن!
از رزق خدا نخور و هر گناهی می‌خواهی بکن!
در جایی گناه کن که خدا تورا نبیند و هر گناهی می‌خواهی بکن!
در جایی که ملک خدا نباشد گناه کن و هر گناهی می‌خواهی بکن!
هنگام مردن، عزرائیل را از خود دور کن و هر گناهی می‌خواهی بکن!
هنگام وارد شدن به جهنم، خودداری کن و هر گناهی می‌خواهی بکن!«

«امام چهارم را سجاده (ع) یعنی بسیار سجده کننده گویند زیرا هر گاه به او نعمتی می‌رسید، به سجده شکر می‌رفت و هر گاه بین دو نفر اصلاح می‌کرد، سجده شکر می‌نمود و اگر از مریضی شفا می‌یافت، سجده شکر می‌کرد و اگر خدا به او فرزندی می‌داد سجده شکر می‌نمود.»
آمده است که:

وقتی امام سجاده (ع) در نماز به «مالک یوم الدین» می‌رسید، آنقدر آنرا تکرار می‌کرد که نزدیک بود روح از بدنش خارج شود.

. هرگز شنیده نشد که فقیری در خانه امام بیاید و جواب تحقیرآمیز بشنود بلکه بدستور

حضرت، فقیر را با بهترین نام جواب می‌دادند

عفو در مقابل دشنام! یکی از بستگان امام سجاده (ع) در حضور اصحاب به حضرت اهانت‌هایی نمود. ولی امام به او جوابی نداد. وقتی او رفت، امام به اصحاب فرمود: شنیدید که این شخص چه حرف‌هایی زد. حال برویم تا جواب او را بدهیم. در این حال امام آیات «والکاظمین

الغیظ. والعافین عن الناس. والله یحبّ المحسنین» را تلاوت می نمود. اصحاب فهمیدند که امام با او تندی نخواهد کرد. وقتی بدر خانه او رفتند، امام در خانه او را زدند. او بیرون آمد و امام فرمود: شما آمدید و در حضور اینها این حرفها را زدی! اگر راست گفته باشی، خدا مرا بیامرزد! و اگر دروغ گفته باشی، خدا تو را بیامرزد! او گفت: من به این حرفها سزاوارترم و از امام عذرخواهی نمود

«وقتی امام سجاد(ع) در کوچه حرکت می کرد، اگر سنگی را سر راه می دید آنرا برمی داشت و کنار راه قرار می داد. امام گاهی با کاروانهای ناشناس به سفر حج می رفتند و در طول راه، کارهای خدماتی مسافرین را انجام می دادند و مسافرین هم که امام را نمی شناختند، کارهای خود مثل تهیه غذا و شستن ظرف و ظروف را بعهده حضرت می گذاشتند ثابت بنانی می گوید:

یکسال با عده ای از عبادت کنندگان بصره از قبیل ایوب سجستانی، صالح مرّی، عتبّه الغلام و حبیب بن دینار به مکه رفتیم. در مکه به علت نیامدن باران، آب کمیاب بود. ما تصمیم گرفتیم از خدا بخواهیم که باران بفرستد! لذا کنار کعبه رفتیم و از خدای رؤف درخواست باران کردیم. ولی اثری از اجابت ندیدیم! در این موقع جوانی بطرف ما آمد و فرمود:

ای مال بن دینار! ای ثابت بنانی! ای ایوب سجستانی! ای صالح مرّی! ای...! ما گفتیم: لَبیک! فرمود: آیا در میان شما کسی نیست که خدا او را دوست بدارد؟ گفتیم: از ما دعا کردن و از خدا اجابت نمودن!

فرمود: از کعبه دور شوید! اگر در میان شما یکنفر بود که خدا او را دوست داشت، دعای او را مستجاب می نمود.

آنگاه حضرت وارد کعبه شد و سر به سجده نهاد و فرمود: ای خدای من! بحقّ آن محبتی که بمن داری، این مردم را بوسیله باران سیراب کن!

هنوز دعای امام تمام نشده بود که ابری نمایان شد و باران زیادی آمد.

ثابت می گوید: من از مردم مکه پرسیدم این جوان کیست؟ گفتند که او علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب(ع) است

سخنان:

«با چند کس رفیق نباش! 1- دروغگو که مثل سرابست و با دروغهای خود، تو را فریب می دهد و دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو دور می کند. 2- فاسق که تو را به یک وعده غذا بلکه کمتر، می فروشد! 3- بخیل که تو را در هنگام سختی، رها می کند. 4- احمق که می خواهد بتو سود برساند ولی زیان می رساند.»

«بندگان خدا! بدانید که برای مشرکین، میزان و قلم و دوات محاسبه، گذاشته نمی شود! بلکه آنان گروه گروه بسوی جهنم برده می شوند! میزان و دوات برای مسلمین است

«نشانه مؤمن پنج چیز است 6 ترس از خدا در خلوت، صدقه در تنگدستی، صبر در مصیبت، حلم هنگام غضب، راستگوئی در هنگام ترس»

عزت نفس

بسم الله الرحمن الرحيم

((ولله العزة ولرسوله)).

عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنین است.

و خدا هر چیزی که باعث ذلت و خواری مؤمن بشود را دشمن دانسته و از آن نهی نموده است.

و امام یازدهم (علیه السلام) می فرماید:

((ما اقبح بالمؤمن ان يكون رغبة تذله))

چه زشت است برای مؤمن که به چیزی علاقه دارد که او را ذلیل می کند.

یکی از مسائل مهم در مباحث اخلاقی بحث عزت نفس است. مومن باید همواره سعی کند که عزت خود را حفظ کند و از اعمال و کارهایی که باعث کوچکی و ذلت و خواری او می شود دوری کند که در روایت است: خدا اختیار هر کاری را به انسان داده ولی اختیار ذلیل کردن خود را نداده است

اما چه چیزهایی باعث ذلت انسان می شود؟

1- درخواست کردن از دیگران

ضکرند یا رسول الله آیا بهشت را برای ما عده ای از انصار خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند و عر ضمانت می کنید حضرت فرمود:

شما قول می دهید که از کسی چیزی طلب نکنید.

گفتند: بله یا رسول الله. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بهشت را برای آنها تضمین کرد بعد از این جریان اگر مردی تازیانه اش می افتاد و او سواره بود پیاده می شد و آنرا برمی داشت و خوش نداشت که سؤال کند از کس.

امام پنجم (علیه السلام) می فرماید: به خدا قسم هیچکس در سؤال را بر روی خود باز نمی کند مگر اینکه خداوند در فقر و فلاکت را بروی او باز کند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: شیعیان ما مردمانی هستند که اگر از گرسنگی بمیرند دست نیاز به این و آن دراز نمی کنند

2- برای رسیدن به مال و منال، تملق دیگران را گفتن و انسان هیچوقت به خاطر صعود به درجات کمال نباید از وسایل ذلیل کننده مانند چاپلوسی استفاده نماید.

ای انسان خدا تورا آزاد آفریده پس بنده دیگری مباش. متأسفانه افرادی هستند برای رسیدن به پول و ثروت یا پست و مقام، خود را جلو دیگران خوار می کنند و بله قربان گوی دیگران می شوند این مورد تایید قرآن و عترت نمی باشد.

3- گناه که گاه باعث رسوایی و بی آبرویی می شود.

. علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

((من کرمتم علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه))

کسیکه نفسش در نظر گرامی است آن را با معصیت پست نمی نماید.

4- گرفتاری خود را برای مردم بیان کردن

باید مشکلات خود را پیش کسی که مشکل گشاست مطرح کنیم نه اینکه پیش افرادی که هیچ کاری برای ما نمی توانند بکنند.

علی (علیه السلام) می فرماید:

((رضی بالذل من کشف ضره لغيره))

راضی شده به ذلت کسی که گرفتارش را برای غیر ظاهر کند.

موضوع خطبه اول احیاگران دین در کشورما است

امام حسین (ع) فرمود: **أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ، وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ»**

ای مردم! پیامبر خدا (ص) فرمودند: «هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به ستم رفتار می کند؛ و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت بر نخیزد، سزاوار است خداوند او را «در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بیاندازد».

لذا در هر قرنی شخصیتهای بزرگی بودند که در مقابل دشمنان دین سکوت نکرده و قیام می کردند و به وظیفه خود عمل می نمودند.

از جمله اینها میرزای شیرازی است که وقتی قرار داد رژی بسته شد قیام کرد

دادن امتیاز تنباکو از طرف شاه به کمپانی تالبوت انگلیسی که نتیجه ی بذل و بخشش های شاه در سفر اروپا بود نه تنها به انگلیسی ها امکان داد کلیه ی اختیارات را در زمینه ی کشت، توزیع و فروش توتون و تنباکو به دست گیرند، بلکه براساس متن قرارداد، آنان راه های نفوذ همه جانبه را در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی در اختیار گرفتند.

میرزای شیرازی حکم تحریم تنباکو و مخالفت و مبارزه با طاغوت زمان را صادر کرد و بعد از مجاهدتهای علما و مردم نهضت اسلامی به پیروزی رسید و ناصرالدین شاه قرار داد رژی را ملغی اعلام نمود.

سردار جنگل طلبه جوان مدرسه حاجی حسن صالح آباد رشت بود که وقتی ظلم شاهان از جمله احمدشاه و رضاخان را مشاهده کرد در رشت قیام کرد و مجاهدتهای زیادی نمود او کمیته اتحاد اسلام را در تالش تشکیل داد که در همه جای ایران عضو داشت از جمله مدرس هم عضو این کمیته بود.

هدف کمیته ی انقلابی اتحاد اسلام در گیلان، رهایی از نفوذ خارجی و تأمین استقلال ایران در زیر پرچم و شعائر اسلام بود

قزاق های روسی، نیروهای انگلیسی و قوای دولتی، هر کدام به صورتی جداگانه یا جمعی با گروه های چریکی جنگل درگیر شدند. این نشان دهنده ی آن بود که آرمان های سردار جنگل با منافع هیچ کدام هم خوانی ندارد.

او بارها در برابر مردم گیلان هدف از نهضت خود را زنده کردن قوانین اسلام معرفی کرد و یادآور شد، هرگز اسلحه را از خود دور نخواهد کرد، مگر وقتی مطمئن شود افراد ایرانی از دست اندازی تجاوزگران بیگانه و ستمکاران داخلی، در امنیت قرار گرفته اند.

از این رو از سه طرف و به گونه ای هماهنگ، مورد تهاجم قرار گرفت؛ از یک سو هواپیماهای انگلیسی بسیاری از یاران او را به شهادت رساندند و از سوی دیگر، ارتش دوهزار نفری سرخ، نیروهای میرزا را دچار تفرقه کرد و سرانجام نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان مأمور تارومار کردن اعضای نهضت شدند.

شیخ محمد خیابانی (متوفای 1339 ق.) روحانی مبارزی بود که در مبارزه علیه استبداد صغیر

شرکت داشت. وی در سال 1327 ش. به نمایندگی از سوی مردم تبریز در مجلس دوم انتخاب شد. در جریان اشغال آذربایجان به دست نیروهای عثمانی، دلیرانه مقاومت کرد و به دست آنان تبعید شد.

وی در سال 1298 ش. برای نجات ایران از سلطه ی خارجی قیام کرد و چون حکومت مرکزی را وابسته می دید، تحول اساسی در نظام حکومت و احیای آزادی را گام نخست برای بیرون راندن اشغال گران خارجی می دانست. او برداشتن این گام را از راه مذاکره ی سیاسی امکان پذیر نمی دانست و تنها راه را در قیام دلیرانه در برابر استبداد و دخالت خارجی می دید. وعاقبت بدست مستبدین بشهادت رسید.

قیام شیخ فضل الله نوری

مشروطه بارهبری علما و فقهاء به پیروزی رسید ولی دچار انحراف شد.

مرحوم شیخ فضل الله نوری از علمای بزرگ تهران و از رهبران جنبش تنباکوست. شیخ در ابتدای جنبش مشروطه به هواداری آن برخاست، در مهاجرت علما به قم شرکت کرده و خود بخشی از هزینه آن را پرداخت. اما با آشکار شدن ماهیت و مبنای غربی تفکر مشروطه خواهی و نیز ملاحظه مشروطه خواهان وابسته و حمایت های بیگانه از مشروطه، خواستار تطبیق قوانین مشروطه با اسلام شد. او در جواب کسانی که وی را مستبد می خواندند می گفت: من به هیچوجه منکر مجلس شورای ملی نیستم بلکه مدخلیت خود را در تأسیس این اساس بیش از همه کس می دانم، من [آن] مجلس شورای ملی را می خواهم که اساسش بر اسلامیت باشد و برخلاف شریعت قانونی نگذارد.

سران مشروطه شیخ فضل الله را محاکمه و او را به اعدام محکوم کردند و به دار کشیدند.

امام خمینی

در هنگامه غربت اسلام و سیطره مکاتب شرقی و غربی بر افکار جوانان و دورانی که بیگانگان عرصه را بر اسلام تنگ کرده بودند و به خیال خود همه سنگرها را فتح کرده اند و در دیدگاه غربیان : مارکسیسم تنها خطر موجود بود و در دیدگاه شرق : غرب تنها دشمن محسوب می گشت بار دیگر خورشید فروزانی از افق سرزد و آفتاب روشنایی بخش امامت روح خدا خواب آرام دشمن را بر آشفست .

آن حضرت [رض] با طرح دوباره اسلام در صحنه حیات بشری بویژه در جهان اسلام تازه دمید و کالبد مرده جوامع اسلامی و حوزه های علمی را حیات بخشید. این ندا که از سوی مجتهدی اندیشه ور عارفی راه یافته و نفس کشته و آگاه از جایگاه بلند حوزوی بر می خاست ندایی بود که دشمن با این که کمر به نابودی آن بسته بود نتوانست به اهداف شوم خود نائل آید. علیرغم میل استکبار جهانی، نهضت اسلامی به پیروزی رسید و اثرات خود را بر جهان اسلام بر جای گذاشت .

انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی بزرگترین انقلاب می باشد که توانست بعد از حکومت امیرالمومنین علی علیه السلام اولین نظام شیعی را در کشور بزرگ ایران حاکم نماید و هرچه قدرتهای استکباری تلاش کردند تا آن را شکست بدهند نتوانستند.

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا

اولین اربعین شهدای کربلا

در راه بازگشت اهل بیت به مدینه سر راه به کربلا رفتند و در اربعین طبق قول مشهور بر بالای مزار شهداء کربلا به عزاداری پرداختند و چند روز در کربلا بودند.

جابر بن عبدالله انصاری اولین زائر امام حسین (ع) نیز در کربلا در اربعین حضور داشت و روضه ای به این شرح دارد:

عطیه غلام جابر می گوید: وقتی به کربلا رسیدیم ، جابر که از دو چشم نابینا بود فرمود: مرا به کنار فرات ببر تا غسل کنم. جابر غسل کرد و از بوی خوش استعمال کرد و فرمود: مرا به طرف قبر حسین (ع) ببر. در راه مرتب ذکر و تسبیح می فرمود وقتی بهوش آمد، سه بار فرمود: یا حسین، یا حسین، یا حسین بعد خطاب به امام حسین (ع) گفت : چرا دوست جواب دوست را نمی دهد، سپس با خود گفت: چگونه حسین (ع) جواب بدهد در حالیکه بین سرو بدنش فاصله شده است.

اهل بیت در مدینه

هنگامی که کاروان غم و اندوه اهل بیت به نزدیک مدینه رسید. امام سجاد (ع) دستور دادند که در همان محل اقامت کنند و به بشیر فرمود : ای بشیر خدا رحمت کند پدرت را که شاعر بود. آیا تو هم شعر می گوئی؟ بشیر گفت: بلی یا بن رسول الله. امام فرمود: داخل مدینه شو و خبر شهادت ابا عبدالله را با زبان شعر برای مردم بگو. بشیر میگوید: سوار اسبم شده و با سرعت وارد مدینه گشتم. وقتی به مسجد رسول الله رسیدم، صدایم را به گریه بلند کردم و گفتم:

یا اهل یثرب لا مقام لکم-قتل الحسین فادمعی مدارا را

ای مردم مدینه جان ماندن نیست-زیرا حسین کشته شد و من پی در پی اشک می ریزم

الجسم منه بکربلا مفرج-والرأس منه علی القناه یدار

بدنش بر روی خاک کربلا افتاد-و سر مبارکش بر سر نیزه از این شهر به آن شهر چرخانده می شود.

آنگاه گفتم: این امام سجاد است که با عمه ها و خواهرانش به منطقه مدینه آمده و من فرستاده اویم و جای آنان را به شما نشان می دهم. در مدینه زن پرده نشین باقی نماند مگر آنکه از پرده های خود بیرون آمده و خراشیده روی بر صورتهای خود لطمه می زدند و صدای خود را به واویلا و امصییتاه بلند نمودند و در هیچ روزی مردم را چنین گریان و نالان ندیده بودم.

مردم با شتاب بطرف محل امام سجاد حرکت کردند و قتی که رسیدند دیدند امام از خیمه بیرون آمد و دستمالی در دست داشت که اشکهایش را پاک می نمود و صندلی برای حضرت نهادند و آن بزرگوار بر روی آن نشست در حالی که نمی توانست از گریه کردن خودداری کند. پس صدای شیون و ناله مردم بلند شد همه مردم به حضرت تسلیم می گفتند.

حضرت بسوی مردم اشاره ای کرد که ساکت شوید. جوش و خروش مردم فرو نشست.

آنگاه حضرت پس از حمد الهی فرمود:

((ای مردم بدرستی که خدایی که برای او حمد است ما را امتحان نمود به مصیبتهای بزرگ و شکافی در اسلام که عظیم است. حسین و عترتش کشته شدند و زنانش اسیر گردیدند و سرش را در شهرها بر بالای نیزه چرخاندند. و این مصیبتی است که مثل آن هرگز نیست. ای مردم کدام یک از مردان بعد از قتل حسین شاد می شود و کدام دلی است که به خاطر او غمگین نباشد و کدام چشمی است که برای حسین نگرید. که آسمانها به پایه هایشان و زمین با مناطق خود و درختان با برگهای خود و ماهیان دریا و ملائکه مقربین و اهل آسمانها همه برای حسین گریه کردند. ای مردم کدام دل و قلبی است که برای مصیبت حسین پاره نشود؟

پس انا لله و انا الیه راجعون از مصیبتی که چقدر بزرگ است و دردناک است و دردآمیز است و سختی آورنده و برنده و تلخ و گران است. ما از خدا پاداش خود را می خواهیم برای این مصیبتها که خدا صاحب انتقام بزرگ است)).

در مدینه تا چند روز عزاداری بود. اما بنین مادر ابوالفضل بسوی قبرستان بقیع می رفت و مشغول ناله و زاری می شد و می فرمود:

به من دیگر ام البنین نگوئید- زیرا مرا بیاد شیران بیشه می اندازد- یک زمانی پسرانی داشتم- ولی الان دیگر پسری ندارم که به آنها ادعا کنم- ای کاش می دانستم همانطوریکه بمن گفته اند- دست عباس را قطع کردند؟- و به من رسیده که بر سر عمود آهنین زدند

ای عباس اگر شمشیرت در دستت بود چه کسی میتوانست بتو نزدیک شود؟

قیام مردم مدینه

مجالس عزا ادامه داشت و مردم مدینه همزبان و همدل می گفتند: یزید با فرمان خدا مخالفت کرده و اطاعت او واجب نیست.

وقتی این خبر به یزید رسید نمایندگانی از مدینه طلبیده و بخیال خود نفری پنجاه هزار دینار به آنها بخشید. اما وقتی نمایندگان برگشتند، گفتند: ما از نزد فاسقی می آئیم که شراب می نوشد و نماز نمی خواند و در پی شهوات است و در مجلس او طنبور می زنند و کنیزکان آواز می خوانند. مردم مدینه با شنیدن این مسائل و برهبری عبدالله بن حنظله که او را از کثرت زهد راهب امت می خواندند، شوریدند و حاکم یزید را از شهر بیرون راندند. عبدالله بن حنظله به مردم گفت:

ای مردم از خدا بترسید. بخدا قسم ما بر علیه یزید قیام نکردیم مگر موقعیکه ترسیدیم از آسمان سنگباران شویم. یزید مردی است که از هم بستر شدن با مادران و خواهران و دختران ابا ندارد، شراب می نوشد و نماز نمی خواند. بخدا قسم اگر یکنفر هم مرا یاری نکند باز بر یزید خواهم شورید و از قیام برای خدا دست نخواهم کشید.

جنایات یزید در مدینه

یزید مردی آدمکش و جنایتکار بنام مسلم بن عقبه را برای سرکوب مردم مدینه فرستاد و او مأمور بود که از مردم سوگند بگیرد که با یزید بیعت کنند و پیمان بندند که بنده و برده او باشند تا هر چه دلش می خواهد (در خون و مال ناموس) ایشان انجام دهد والا تا سه روز، قتل و غارت و ناموس مردم مدینه برای سپاهیان او حلال باشد. مردم قبول نمودند و جنگی در گرفت و مردم مدینه شکست خوردند و مسلم بن عقبه به مدینه حمله کرد و تا سه روز شهر را برای سپاهیانش آزاد کرد و در این مدت ده هزار نفر از مردم 1700 نفر از انصار کشته شدند و به صدها زن تجاوز شد..

سال بعد چند هزار کودک نامشروع در مدینه حاصل این جنایات متولد شد.

بعد از مدتی عبدالله بن زبیر برای رسیدن به خلافت در مکه علیه یزید قیام کرد و یزید مسلم بن عقبه را مأمور از بین بردن او کرد ولی در راه قبل از اینکه بمکه برسد به هلاکت رسید یزید شخص دیگری را مأمور محاصره مکه کرد و قصد آتش زدن و ویران کردن مکه را داشت لذا دستور داد که منجنیق در اطراف مکه نصب کنند و مکه را سنگ باران نمایند اما در سال 64 بعد از 4 سال خلافت به هلاکت رسید. لذا محاصره مکه شکسته شد و سپاهیان شام برگشتند.

یزید در سال چهارم خلافت خود، در شکار کشته شد وبا پرونده ای ننگین به هلاکت رسید

شورش در کوفه و قیام توابین

در زندان ابن زیاد در کوفه 4500 نفر که اکثرا از توابین بودند وقتی خبر مرگ یزید را شنیدند مردم به زندانها حمله کردند و این زندانیان را آزاد نمودند. همچنین به خانه ابن زیاد حمله کرده و غلامان او را کشتند و اموالش را غارت کردند. ابن زیاد وقتی خبر قیام مردم کوفه را شنید به طرف شام فرار کرد!

چون معاویه فرزند پرهیزکار یزید پس از چهل روز از خلافت استعفاء داد و عمل پدرش را محکوم می دانست. بزرگان شام مروان بن حکم را به خلافت انتخاب کردند و در این هنگام ابن زیاد به دمشق رسید.

مروان، ابن زیاد را با سیصد هزار شامی بطرف عراق فرستاد و پیش قراولان ابن زیاد با صد هزار نفر با یاران سلیمان بن سرد درگیر شدند و جنگ سختی رخ داد و بعد از کشته شدن عده زیادی از شامیان و یاران سلیمان، همگی توابین در حالیکه می گفتند یا لثارات الحسن ای خونخواهان حسین، بشهادت رسیدند.

قیام مختار بن ابو عبیده ثقفی

مختار در سال 66 بعد از شهادت سلیمان بن سرد خزاعی قیام نمود و بعد از اینکه عده زیادی به او پیوستند حاکم کوفه شد و در جنگ سختی که با ابن زیاد نمود، هشتاد هزار نفر از یاران ابن زیاد را کشتند و ابن زیاد دستگیر شد. و ابراهیم خنجر را بر حلقش گذاشته و سر او را گوش تا گوش برید و صدا می زد یا لثارات الحسین و بعد جسدش را آتش زده و سر او را برای امام سجاد (ع) فرستاد.

وقتی سر را برای حضرت آوردند حضرت سر سفره بودند پس سجده شکری کرده و لباس عزا را از تن خدام و اهل بیت خود در آوردند. مختار به دستگیری قاتلین امام حسین (ع) و یارانش و کلیه کسانی که در لشکر عمر بن سعد بودند پرداخت و عده زیادی از آنها را دستگیر و پس از دستگیری آنها را با شکنجه می کشت

به برکت انقلاب اسلامی ملت ایران، اربعین در ایران احیا شد و بعد از هلاکت صدام ملعون، میلیونها نفر از مردم کشورمان هر سال اربعین به زیارت حرم حسینی می روند و در پیاده روی از کوفه تا کربلا شرکت می نمایند. این حماسه حضور میلیونی در اربعین اثرات بسیار مهمی در شناخت اهل بیت و بویژه نهضت حسینی به جهانیان دارد و باعث شده هزاران نفر خارجی در این حماسه حضور پیدا کنند و تحت تاثیر این زیارت عارفانه قرار بگیرند.

عالم همه قطره و دریاست حسین. خوبان همه بنده و اقااست حسین.

انا ارسلناک شاهدا ومبشرا و نذیرا وداعیا الی الله باذنه وسراجا منیرا

*/**

فضائل پیامبر اعظم

ما که از پیامبر پیروی می کنیم باید بدانیم خصوصیات حضرتش و فضائلش چه بوده است.

اولین فضیلت پیامبر این است که در عالم ذر اولین شخصی بود که در جواب الست بر بکم فرمود بلی. دومین فضیلت آنکه نور حضرتش هزاران سال قبل از آدم خلق شد.

سومین فضیلت آنکه اجدادش همه یکتا پرست بودند.

چهارمین فضیلت آنکه امامان همه از نسل او هستند.

پنجمین فضیلت آنکه همه انبیا به او توسل می جستند.

ششمین فضیلت آنکه کتابی برای بشریت به هدیه آورد که پراز نور و هدایت واعظم واشرف از همه کتب آسمانی.

هفتمین فضیلت آنکه کاملترین دین را به بشریت هدیه داد.

هشتمین فضیلت آنکه علم او از همه انبیا بیشتر بوده است.

نهمین فضیلت آنکه خداوند دو صفت خود روف و رحیم را به او نسبت داده است.

دهمین فضیلت آنکه انسان سازی کرد و هزاران نفر بت پرست را با اخلاق عظیم و با ایمان قوی خود نجات داد و انسان کرد.

یازدهمین فضیلت آنکه رحمت بود برای عالمیان.

دوازدهمین فضیلت آنکه خدا و ملائکه تا روز قیامت بر او صلوات می فرستند.

سیزدهمین فضیلت آنکه نزدیکترین فرد در عالم هستی به خداوند، پیامبر است ثم دنی فتدلی

چهاردهمین فضیلت آنکه در قرآن بارها نام پیامبر در کنار نام خدا آمده: ولله العزه و لرسوله - اطیعوا الله و اطیعوا الرسول - استجبوا لله و للرسول - ینصرون الله و رسوله - والذین یؤذون الله و رسوله -

پانزدهمین فضیلت آنکه خدا بخاطر رضایت پیامبر قبله را از بیت المقدس به مکه تغییر داد قبله ترضاها.
شانزدهمین فضیلت آنکه کوثر به او عطا شد انا اعطیناک الوثر
هفدهمین فضیلت آنکه اراده کردیم اهل بیت تو پاک و مطهر باشند.
هجدهمین فضیلت آنکه دل او معصوم بوده و به خطا نمی رود ماکذب الفوادمارای
نوزدهمین فضیلت آنکه چراغ فروزان هست سراجا منیرا
بیستمین فضیلت آنکه الگوی جهانیان است ولکم فی رسول الله اسوه حسنه

- ما اصابك من حسنه فمن الله وما اصابك من سيئه فمن نفسك {نسا 79}

هرچه از خوبی است از طرف خداست و هرچه بدی است از خودت است.

انسان در طول زندگی با مصیبت‌ها و بلاهای مختلفی روبرو می‌شود. بیماری، مجروح شدن، از دست دادن فرزندان و عزیزان، تلف شدن اموال و خشکسالی، اسارت و غیره.

که این بلاها و مصیبت‌ها برای امتحان و گاه برای مجازات انسان یا بیدار شدن از غفلت است.

اما راههایی وجود دارد که می‌توان از بعضی از بلاها و مصیبت‌ها جلوگیری کرد.

یکی از آنها صدقه روزانه است.

پیامبر (ص): همانا خدایی که یگانه است صدقه، درد و سوختن و غرق و خرابی و دیوانگی و... تا هفتاد بلا را دفع می‌کند.

محمد بن عمر گوید به امام رضا ع گفتم خدا به من سه فرزند داد که دوتا مردند و فقط یک پسر کوچک برایم مانده من می‌ترسم. فرمود از طرفش صدقه بده. صدقه را به دست پسر ت بده تا او به فقیر بدهد.

امام ششم ع: برای مریض مستحب است که با دست خودش به فقیر صدقه بدهد و به فقیر بگوید برایش دعا کند.

دوم پرداخت خمس و زکات {امام ششم قسم خورد که هر مالی که تلف شود بخاطر ندادن خمس و زکات است}

سوم دعا برای سلامتی است مخصوصا شب قدر و سجده آخر نماز {یا ولی العافیه نسئلك العافیه الدنیا والاخره}

و توسل به ائمه و زیارت عاشورا و امثال آن

چهارم دوری از گناه مخصوصا ظلم. امام جواد (ع) فرمود مرگ انسان بر اثر گناه بیشتر است از مرگ طبیعی و اجل.

و زنده ماندنش بخاطر نیکی کردن بیشتر است از زنده ماندن بخاطر عمر طبیعی.

پنجم نماز اول ماه **ششم**: عقیقه نوزاد **هفتم**: ختم صلوات

جایگاه شیعیان در پیشگاه الهی است.

در آیات و روایات از شیعیان تعبیر مهمی یاد شده که نشان از جایگاه مهم شیعیان در نزد پروردگار است از جمله:

- 1- بهترین انسانها {اولئک هم خیر البریه}
- 2- امام صادق (ع) فرمود شما شیعیان، آل محمد هستید.
- 3- امام صادق (ع) فرمود بخدا قسم، شما نور در ظلمات زمین هستید.
- 4- ابن عباس از پیامبر پرسید والسابقون السابقون اولئک المقربون کیا هستند حضرت فرمود علی و شیعیانش.
- 5- امام صادق فرمود ایه والله یضاعف لمن یشاء یعنی خدا برای مومن تا هفتصد برابر ثواب می نویسد.
- 6- پیامبر از جبرئیل نقل کرد که روز قیامت همه عریان محشور می شوند بجز شیعیان علی (ع)
- 7- امام صادق فرمود پیامبر در سفری ناگاه پنج سجده کرد علت را پرسیدند فرمود جبرئیل نازل شد و گفت علی در بهشت است سجده کردم. سپس گفت فاطمه در بهشت است سجده کردم سپس گفت حسین سرور جوانان بهشتند سجده کردم. سپس گفت شیعیانشان در بهشتند سجده کردم سپس گفت دوستان شیعیان هم در بهشتند منهم سجده کردم.

8- پیامبر فرمود عده ای در قیامت بر منابر نشسته صورتهای نورانی و لباسها نورانی است. ابوبکر گفت

اینها کیانند جواب نداد. زبیر گفت کیانند؟ جواب نداد عبدالرحمن پرسید جواب نداد علی (ع) پرسید فرمود اینها ملتی هستند که به شخصی بنام روح الله عشق می ورزند. اینها شیعیان توهستند یا علی.

9- امام (ع) فرمود شیعیان ما با نور الهی نظر می کنند و در رحمت الهی فرو می روند و به کرامت الهی

رستگار می گردند

10- امام صادق (ع) فرمود: هرگاه بنده مؤمنی می میرد، شش صورت به همراه او وارد قبرش می شود که دارای

نورانیت و بوی خوش و پاکیزگی هستند! صورتی در سمت راست مرده و دیگری در سمت چپ و سومی در مقابل

و چهارمی در پشت سر و پنجمی در کنار پایش و آنکه از همه زیباتر است در بالای سر اومی ایستند! آنکه از

همه زیباتر است، از دیگران، می پرسد: شما کیستید؟ صورت سمت راستی، می گوید: من نمازم! سمت چپی می

گوید: من زکاتم! روبرویی می گوید: من روزه ام! پشت سری می گوید: من حج و عمره ام! آنکه نزدپایش ایستاده

است، می گوید: من کارهای خیر تو ام! سپس آنها از او که دارای زیباترین صورت است، می پرسند: تو کیستی که از

همه زیباتری؟

او جواب می دهد: من ولایت آل محمد (ص) هستم.

11- امام باقر (ع) فرمود منظور از اصحاب یمین در آیه **کل نفس بما کسبت رهینه الا اصحاب الیمین** (هرکسی در

گرو اعمالش است جز اصحاب یمین)، شیعیان هستند.

12- امام صادق (ع) به شیعیان فرمود بخدا قسم من مشتاق دیدار شما هستم و می خواهم با شما حرف بزنم.

13- امام صادق (ع) در تفسیر آیه **هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون انما یتذکر اولواالباب (ایا آنان که می**

دانند با آنان که نمی دانند برابرند؟ حقیقتا صاحبان عقل متذکر می شوند) فرمود ما مصداق یعلمون هستیم و دشمنان

ما مصداق لا یعلمون هستند و شیعیان ما مصداق اولواالباب هستند.

14- امام صادق (ع) فرمود حقوق شیعیانمان بر ما بزرگتر است از حقوق ما بر شیعیانمان. سوال شد چگونه؟ فرمود

زیرا آنها بخاطر ما دچار مصیبتها می شوند ولی ما بخاطر آنها دچار مصیبت نشده ایم.

سیره پیامبر اسلام (ص)

وقتی برخی از زنان پیامبر از او درخواست کردند که از غنائم به دست آمده به ما هم بدهید و به او عرض کردند: چرا وضع ما باید این قدر ساده باشد؟ پیامبر ناراحت شد و فرمود: زندگی من زندگی ساده‌ای است اگر می‌خواهید با من زندگی کنید، صبر کنید و اگر نمی‌خواهید، من حاضریم شما را طلاق دهم.

رسول خدا ﷺ در حضور کسی لباس خود را از تن بیرون نمی‌کرد، پیش کسی پای خود را دراز نمی‌کرد، با گشاده‌رویی صحبت می‌کرد و به همه افراد توجه می‌فرمود. گاهی برای فهماندن مطلب، آن را تا سه بار تکرار می‌فرمود.^(۱) صدا زدن و جواب دادن او هر دو همراه با احترام بود، حتی نسبت به زنان و کودکان.^(۲) از بیماران عیادت و دلجویی می‌کرد.^(۳)

هنگام خروج از خانه، خود را آماده و زیست می‌کرد.^(۱)
 نیکوکاران را پاداش می‌داد، روزی شخصی را در حال نماز دید که
 با جمله‌هایی بسیار پر مغز و زیبا با خدای متعال راز و نیاز می‌کند.
 فرمود: نمازش که تمام شد او را نزد من آورید. وقتی به حضور حضرت
 رسید، حضرت سگه طلائی به او هدیه داد و فرمود: «وهبت لک الذهب
 لحسن ثنائک علی الله»^(۲) چون حال خوشی داشتی و خدا را به نیکویی
 حمد و سپاس می‌کردی این سگه را به تو بخشیدم.
 هنگام خوردن آب و غذا، «بسم الله» و بعد از آن «الحمد لله»
 می‌گفت.^(۳)

نبی نشست و هر نمی‌خواست جز با ذکر خدا.
 روزی به کارگری برخورد که بر اثر کار بسیار پینه بر دست داشت،
 دست‌های او را در دست گرفت و بر آنها بوسه زد.^(۴)

به اشخاصی که مورد احترام و اعتماد مردم بودند، احترام
 می‌گذاشت و گاهی مسئولیت امور را به همان شخص مورد نظر واگذار
 می‌کرد.

نسبت به کارهای نیک و بد بی تفاوت نبود بلکه هم اهل تشویق
 بود و هم اهل انتقاد.

در مجلس چنان با یک یک مردم گرم می‌گرفت که هر کدام خیال می‌کردند نزدیک‌ترین افراد به پیامبر ﷺ تنها او است. گاهی بعضی از یاران آن حضرت از ایشان درخواست می‌کردند که به دشمنان خود تضرع کنند. اما او حاضر نمی‌شد و دعای او این بود که خداوند! این مردم را هدایت فرما.

تا آنجا که ممکن بود سائل را رد نمی‌کرد، حتی روزی زنی فرزند خود را نزد پیامبر ﷺ فرستاد و گفت: به حضرت بگو پیراهن خود را به من عطا کن. فرزند خدمت حضرت رفت و تقاضای پیراهن نمود، پیامبر پیراهن خود را به او داد ولی آیه نازل شد که: ﴿لَا تَسْطِطُ الْبَسْطُ﴾^(۲) حق نداری هرچه داری در راه خدا انفاق کنی.

در جلسات، دایره وار می‌نشست که بالا و پائین آن معلوم نباشد. در اجرای قانون، میان هیچ کس فرقی نمی‌گذاشت و لذا وقتی یکی از یارانش واسطه شد که قانون و حد خدا در مورد زنی از قبيله‌های معروف و سرشناس اجرا نشود، فرمود: به خدا سوگند اگر دخترم دزدی کند حد خدا را در مورد او جاری می‌کنم و در اجرای قانون میان انسان‌ها هرگز فرقی نمی‌گذارم.

۳- همین که شنید زنی را در جبهه اسیر کرده‌اند و بعد از اسارت او را از کنار جنازه مردش عبور داده‌اند تا دل زن بیشتر بسوزد به شدت ناراحت شد و فرمود: گرچه زن کافر و دشمن و در جنگ در برابر مسلمانان به پا خاسته و دشمن ماست، ولی اکنون که اسیر شده، ما نباید پیش از رفتار عادلانه با اسیر، دل او را بسوزانیم و عبور دادن این زن اسیر از کنار جنازه کار افراطی و دور از اعتدال است.

با غنی و فقیر یکسان برخورد می نمود. در گفتگوها از جدال و سخنان غیر لازم خودداری می کرد. هرگز دنبال عیبجویی و بدگویی این و آن نبود.

پیامبر جلوی هر افراط و تفریطی را می گرفت.

۱- همین که شنید شخصی با داشتن اطفال تمام اموالش را وقف کرده و چیزی برای فرزندان به ارث نگذاشته، ناراحت شد و فرمود: این افراط کاری درست نیست.

۲- همین که شنید بعضی از یاران خواب و خوراک و همسر را رها و به عبادت پرداخته اند آنان را احضار و توبیخ کرد و مردم را از ستایش زیاد باز می داشت.

پیامبر، نعمت های الهی را گرچه ظریف و کم بود، بزرگ می شمرد و هرگز مذمت نمی کرد.

برای مسائل مادی و دنیوی عصبانی نمی شد.

خنده او تبسم بود، نه قهقهه.

بزرگ هر قومی را احترام می کرد.

هنگامی که وارد جمعیتی می شد محل نشستن خود را آخرین نقطه مجلس قرار می داد (نه از روی دوش مردم پا برمی داشت و نه مردم را آزار می داد).

پیران را احترام می کرد و کودکان را مورد محبت و ترحم قرار می داد.

گشاده رو، نرمخو و خوش برخورد بود.

هنگام خنده، با مردم می‌خندید و هنگام تعجب و تحسین نیز آنان را همراهی می‌کرد.
اگر کسی که ناآشنا و غریب بود، در گفتار و رفتار به حضرت چنوا می‌کرد، حضرت او را تحمل می‌نمود.

از خوف خداوند، اشک فراوان داشت.
به ذکر الهی بسیار مشغول بود.
هر روز هفتاد مرتبه استغفار می‌کرد.
سخی‌ترین، راستگو‌ترین، باوفاترین و نرم‌خوترین مردم بود.
هرچه داشت در راه خدا می‌داد و فقط به اندازه مایحتاج سال خود نگهداری می‌کرد.
با فقرا می‌نشست و با مساکین غذا می‌خورد و نسبت به فرهیختگان عنایت داشت.
نسبت به فامیل صله رحم می‌کرد ولی آنها را بر کسانی که افضل بودند، به خاطر فامیلی ترجیح نمی‌داد.
عذر مقصرین را می‌پذیرفت.
در خوراک و لباس با بردگانش یکسان بود.
لحظه‌ای وقت خود را تلف نمی‌کرد.
(هنگام خستگی) به باغهای اصحاب خود روانه می‌شد.
نه کسی را بخاطر فقرش تحقیر می‌کرد و نه کسی را بخاطر قدرتش تکریم می‌نمود.
دیر عصبانی می‌شد ولی زود راضی می‌گشت.

پیامبر شناسی

شناخت پیامبر اسلام بر همه بشریت واجب و لازم است. لذا طی چند خطبه پیرامون خلقت حضرت و عجایبی که درباره او است مطالبی را عرضه می داریم.

طبق ادله شیعه، خداوند اولین چیزی را که خلق کرد، نور حضرت محمد ص بود. همچنین خداوند، بهشت و ملائکه و نور پیامبران و خورشید و ماه و عقل و علم و قلم را از نور پیامبر خلق فرمود.

و خدا فرمود اگر بخاطر تو نبود، دیگران را خلق نمی کردم یعنی همه ما به یمن نور پیامبر خلق شده ایم.

نور پیامبر دهها هزار سال قبل از خلقت انسانها خدا را تسبیح و تحمید می نمود. در روایتی از امیرمومنان آمده است که وقتی خدا نور محمد ص را خلق کرد هزار سال خدا را به پاکی یاد کرد و حمد و ثنا خدا را می گفت. خداوند خطاب فرمود که: توئی مراد و مقصود من از خلق عالم. توئی برگزیده من از خلق من. بعزت و جلالم قسم اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم. هر که تو را دوست بدارد من او را دوست دارم و هر که با تو دشمنی کند من با او دشمنی کنم.

سپس خدا از نور پیامبر، دوازده حجاب آفرید. سپس خدا دستور داد تا نور پیامبر وارد حجابها شود. نور پیامبر در حجاب قدرت داخل شد و دوازده هزار سال می گفت: سبحان العلی الاعلی.

و در حجاب عظمت یازده هزار سال فرمود سبحان عالم السر والخفیات

و در حجاب عزت ده هزار سال فرمود سبحان الملك المنان

و در حجاب هیبت نه هزار سال فرمود سبحان غنی لایقتقر

و در حجاب جبروت هشت هزار سال فرمود سبحان الکریم الاکرم

و در حجاب رحمت هفت هزار سال فرمود سبحان رب العرش العظیم

و در حجاب نبوت شش هزار سال فرمود سبحان ربک رب العزه عما یصفون

و در حجاب کبریا پنج هزار سال فرمود سبحان العظيم الاعظم
و در حجاب منزلت چهار هزار سال فرمود سبحان العليم الكريم
و در حجاب رفعت سه هزار سال فرمود سبحان ذی الملك والملكوت
و در حجاب سعادت دو هزار سال فرمود سبحان من يزيل الاشياء الملك والملكوت
و در حجاب شفاعت هزار سال فرمود سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم

خداوند متعال آدم(ع) را آفرید و ما را در صُلب او قرار داد و به فرشتگان امر فرمود تا
بخاطر احترام ما که در صلب آدم بودیم، بر او سجده کنند. در واقع سجده آنها بندگی
خداوند بود و احترام و اطاعت آدم بود که مادر پشتش بودیم.
و چگونه از ملائکه برتر نباشیم و حال آنکه در معراج وقتی به آسمانها بالا رفتیم، جبرئیل
برای نماز جماعت بمن گفت که جلو بایست!

گفتم: ای جبرئیل بر تو پیشی بگیرم؟

گفت: آری زیرا خداوند تبارک و تعالی پیامبرانش را بر همه فرشتگان برتری داده و تورا
بخصوص برتری داده است. من جلو ایستادم و برای آنها نماز خواندم. البته فخر فروشی
نیست.

وقتی به حجابهای نور رسیدیم، جبرئیل بمن گفت، پیش برو! ولی خودش ماند.

گفتم: ای جبرئیل! در چنین جائی از من جدا می شوی؟

گفت: خدایم دستور داده که از اینجا فراتر نروم.

من بالا رفتم تا در جائیکه با خدا سخن گفتم.

ندا رسید که: ای محمد! تو بنده من هستی و من پروردگار توام! مرا عبادت کن و بر من
توکل نما که تو نور من در بندگانم و رسول من در مخلوقاتم و حجت من در
آفریدگانم هستی! بهشتم را برای کسیکه از تو پیروی کند آفریدم و دوزخم را برای
کسیکه نافرمانیت کند، قرار دادم و کرامتم را برای اوصیای تو واجب نمودم و ثوابم را
برای شیعیان تو قرار دادم.

گفتم: خدایا! اوصیای من کیانند؟

نداشد که: ای محمد! اوصیای تو همانها هستند که نامشان بر ساق عرش نوشته شده است. که اول آنها علی بن ابیطالب و آخرین آنها مهدی امت من است. (مکیال المکارم ج 1 ص 57)

اجداد پیامبر اعظم (ص)، همگی پاک و بزرگ و حکیم بوده اند. عبد مناف جد بزرگ اجداد پیامبر اعظم (ص) با عاتکه ازدواج کرد و هاشم بزرگ متولد شد. هاشم به هر سنگ و کلوخی می گذشت به قدرت الهی به سخن می آمدند و او را ندا می کردند: بشارت باد تو را ای هاشم که به این زودی از ذریه تو فرزندی ظاهر خواهد شد که گرامی ترین خلق نزد خدا باشد و شریفترین عالمان باشد.

هاشم هر روز به سوی کعبه پیش می آمد و هفت شوط طواف می کرد و به پرده های کعبه می چسبید. او خوش اخلاق و سخاوتمند بود و هر حاجتمندی نزد او می آمد او را می پذیرفت و حاجتش را روا می کرد و گرسنه را سیر می نمود و حاجتمند را به حاجت می رسانید و قرض بدهکاران را ادا می کرد و دیه افراد مبتلا به دیه را ادا می کرد و هرگز در خانه اش را به روی افراد نمی بست و هرگاه مهمانی می داد افراد زیادی را اطعام می نمود. او با سلمی ازدواج کرد و نور پیامبری در سلمی ظاهر شد. سلمی زایمان کرد و شبیه را بدنیا آورد. مطلب عموی شبیه بدلالی او را غلام خود معرفی کرد لذا عبدالمطلب نام گرفت.

عبدالمطلب در میان مردم بسیار بزرگ بود و در حقیقت او پادشاه مکه بود. در روایت است که اجداد پیامبر اعظم (ص) فرمود ای علی! عبدالمطلب در جاهلیت پنج سنت را اجرا کرد که خداوند آنها را در اسلام قرار داد.

اول: زن پدر را بر فرزند حرام کرد خداوند هم در قرآن فرمود: و لاتنکحوا مانکح آباؤکم من النساء
دوم: گنجی یافت و پنج یک آن را در راه خدا داد خدا هم فرمود واعلموا انما غنمتم من شی فان الله خمسہ.
سوم: چونچاه زمزم را حفر کرد آن را سقایت حاج نمود خدا هم فرمود اجعلتم سقایه الحاج
چهارم: دیه انسانرا صدشتر قرار داد و در اسلام هم این تایید شده
پنجم: عدد طواف را هفت شوط قرار داد در اسلام هم این تایید شد.

شخصی نزد امام صادق (ع) آمد و عرض کرد به مردی مال دادم و می ترسم به دست من نیاید.

فرمود چون به مکه رفتی یک طواف بادور کعت نماز به نیابت عبدالمطلب بکن ویکطواف دیگر با دور کعت نماز به نیابت عبدالله بکن واینکار را برای آمنه وفاطمه مادر علی (ع) بجا آور. چون چنین کرد مالش بدستش رسید.

یکی از حوادث مهم زمان عبدالمطلب ،حمله ابرهه برای خراب کردن کعبه است.وقتی ابرهه به حوالی مکه رسید براموال اهل مکه حمله کردند وآنهارا غارت کردند از جمله شتران عبدالمطلب را.عبدالمطلب نزد ابرهه رفت .وقتی چشم ابرهه به عبدالمطلب افتاد از نور وجمال او تعجب کرد وگفت آیا این زیبایی و نور در اجداد تو هم بوده است؟ عبدالمطلب گفت آری همپدران من صاحب نور و زیبایی و عفت و حیا بوده اند.

ابرهه او را اکرام کرد و دستور داد فیل مخصوص او را آورند اما تا چشم فیل به عبدالمطلب افتاد به سجده رفت و با زبان فصیح عربی گفت سلام برتوباد ای بهترین مردم و ای صاحب کعبه وزمزم وای جدبهرترین پیامبر. ابرهه خیال کرد سحر است دستور داد فیل را بردند وعلت آمدن عبدالمطلب را پرسید.او گفت یاران تو شتران مرا غارت کرده اند امر کن آنهارا بمن پس دهند! ابرهه گفت از چشم من افتادی! من خیال کردم آمده ای درخواست کنی تا کعبه را خراب نکنم آنوقت شما برای شتران خود شفاعت می کنی؟ عبدالمطلب گفت من صاحب کعبه نیستم واین خانه صاحبی دارد که از همه قادرتر است او از خانه خود محافظت می کند من صاحب شتران هستم .ابرهه دستور داد شتران او را دادند.ودستور حمله به کعبه را صادر کرد.عبدالمطلب به عبدالله پدر پیامبر گفت بر بالای کوه ابوقییس برو و به طرف دریا نگاه کن و ببین چه اتفاقی می افتد؟عبدالله بالا کوه رفت و دید پرنده هایی مانند سیل بطرف مکه حرکت می کنند خبر را به عبدالمطلب رساند و او گفت بطرف لشگر ابرهه بروید وغنیمتهارا بردارید وقتی اهل مکه بالای سر لشگر ابرهه رسیدند دیند مرغان هر کدام سنگی درمنقار وچنگال دارند که با هر سنگ یکی از سربازها را می کشد.

خداوند درباره این حادثه بزرگ سوره فیل را نازل فرمود الم ترکیف فعل ربک باصحاب الفیل.الم يجعل کیدهم فی تضلیل.وارسل علیهم طیرا ابابیل.ترمیمهم بحجاره من سجیل.فجعلهم کعصف ما کول.صدق الله العلی العظیم.

در کره زمین میلیون ها ازدواج صورت گرفته و می گیرد واین مسئله عادی است.همچنین میلیونها انسان متولد می شوند.اما ولادت پیامبر اعظم همراه با عجایی بوده است که نشان دهنده عظمت و جایگاه حضرتش در نزد خداوند است.

قبل از ازدواج عبدالله با آمنه، یکروز خانمی بنام فاطمه دختر مره که کتابهای آسمانی و تاریخی بسیار خوانده بود چشمش به عبدالله افتاد. از او پرسید تو همان هستی که پدرت صدشتر فدایت کرد؟ گفت بله. زن گفت اگر مرا عقد کنی فقط یک شب مرا در نکاح خود داشته باشی من صدشتر بتو می دهم. عبدالله به او اعتنائی نکرد و رفت. بعد از ازدواج با آمنه، روزی عبدالله آن زن را دید ولی آن زن اعتنائی به عبدالله نکرد. عبدالله پرسید شما قبلاً بمن پیشنهاد ازدواج دادی حالا چطور اعتنا نمی کنی؟ گفت نوری با تو بود می خواستم که آن نور بمن برسد ولی به تقدیر الهی آن نور به دیگری منتقل شده است.

با ازدواج عبدالله با آمنه خدواند نور پیامبر را در رحم آمنه قرار داد. که اینهم مقدماتی دارد. وقتی قرار شد این اتفاق بیافتد خداوند به جبرئیل دستور داد مراسمی در آسمان وزمین بگیرد.

جبرئیل در جنه الماوی ندا داد که آگاه باشید نزدیک شده ظهور پیامبری که بشیر و نذیر و سراج منیر است که امر به خوبیها می کند و نهی از بدیها می نماید. و مردم را به حق فرا می خواند و او صاحب رحمت الهی بر بندگان است و نور او در بلاد ظاهر خواهد شد و هر که او را دوست بدارد به شرف و عطا بشارت می یابد و هر که با او دشمنی کند بدترین عذابها برای اوست. و نام او در آسمان احمد و در زمین محمد و در بهشت ابوالقاسم است.

در این موقع ملائکه صدا به تسبیح و تقدیس الهی بلند کردند و درهای بهشت را باز نمودند و درهای جهنم را بستند. سپس جبرئیل به زمین آمد و به اطراف جهان بشارت نزدیکی تولد پیامبر را داد.

در روز جمعه عبدالله با پدر و برادرانش در عرفات که بیابان خشکی بود بودند که چشمه ای پدیدار شد و به عبدالله دستور داده شد از آن چشمه بنوشد. سپس چشمه ناپدید شد و بعد از این معجزه، نطفه پیامبر در روز جمعه منعقد شد.

بعد از دوماه یا کمتر جناب عیدالله رحلت فرمودند.

علت این که پیامبر در کودکی والدین خود را از دست داد و یتیم شد این بوده که اطاعت احدی غیر از خدا بر پیامبر واجب نباشد. و کسی حقّی بر پیامبر پیدا نکند.

وقتی دوماه از بارداری آمنه گذشت ملکی در آسمانها وزمین ندا می کرد: صلوات بفرستید بر محمد و آل او و استغفار کنید برای امت او. وقتی سه ماه گذشت شخصی بنام ابوقحافه از شام بر می گشت نزدیک مکه بود که

دید شترش به سجده رفت چوبی بر سر شترش زد و گفت مانند تو شتر ندیده بودم. ندا آمد که مگر نمی بینی که کوهها و دریاها و درختان و همه مخلوقات غیر انسان، سجده شکر الهی می کنند بخاطر آنکه سه ماه از انعقاد نطفه پیامبر گذشته است؟ وای بربت پرستان از شمشیر او و شمشیر اصحاب او. چون چهارماه گذشتند شخص زاهدی بنام حبیب در راه طایف دید که کودکی به سجده رفته و هرچه او را باز می دارند باز سجده می کند. حبیب او را بلند کرد ناگاه ندائی شنید که دست از او بردار که سجده شکر می کند که چهارماه از رشد پیامبر گذشته است. چون پنج ماه گذشت حبیب دید که صومعه خود حرکت می کند و بر محراب او نوشته شده ای اهل صومعه ها! به خدا و رسول او محمد ایمان بیاورید که ظهور محمد نزدیک است. خوشا بحال کسی که به او ایمان بیاورد و بدا بحال کسی که به او کافر شود. حبیب گفت قبول کردم و ایمان آوردم. وانکار او نمی کنم.

چون شش ماه گذشت و اهل یمن و مدینه به نزد درختی که آن را می پرستیدند رفتند و مشغول شادی و سرور شدند ناگاه صدای عظیمی از آن درخت شنیدند که: ای اهل یمن وای اهل یمامه وای بت پرستان! جاء الحق وزهق الباطل ان البطل كان زهوقا. وقت هلاکت شما نزدیک است. آنها ترسیدند و سرعت به خانه های خود برگشتند.

چون هفت ماه گذشت سوادبن قارب نزد عبدالمطلب آمد و گفت دیشب میان خواب و بیداری چیز عجیبی دیدم. دیدم که درهای آسمان باز شد و ملائکه بسوی زمین آمدند و گفتند زمین را زینت کن که ظهور پسرزاده عبدالمطلب نزدیک شده که رسول خدا و صاحب شمشیر قاطع است. من گفتم نامش چیست گفت محمدبن عبدالله بن عبدالمطلب. عبدالمطلب گفت این خواب را جایی نقل نکن.

چون هشت ماه گذشت ماهی عظیمی دریاها را به موج درآورد. ملکی به او ندا کرد آرام گیر گفت روزی که خدا مرا خلق کرد گفت هر موقع محمد را خلق کنم تو برای او و امتش دعا کن الان شنیدم که ملائکه بشارت نزدیکی تولد او را می دهند لذا به حرکت درآمدم. ملک گفت آرام گیر و دعا کن.

چون نه ماه گذشت خدا دستور داد ملائکه در حالی که در دست آنها قندیلی بود که نوشته شده بر رویش لا اله الا الله محمد رسول الله بر زمین نازل شوند و دور کعبه بایستند و ندا کنند این نور محمد است.

وقتی پیامبر متولد شد همه بتهای کعبه بر رو افتادند و ندا از آسمان بلند شد که جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا.

و همه دنیا در آن شب روشن شد و هر سنگ و کلوخ درختی بود خندیدند و موجودات زمین و آسمان تسبیح خدا را می گفتند و شیطان فرار می کرد و می گفت: بهترین امتهای و بهترین بنده و بزرگترین اهل عالم، محمد است.

وقتی فاطمه بنت اسد عجایب ولادت پیامبر را به ابوطالب گفت ابوطالب گفت: سی سال صبر کن که فرزندی بدینا می آوری که همه کمالات این کودک را غیر از پیامبری خواهد داشت.

کسی که پیامبر است دارای خصوصیات ویژه ای است و کودکی و بزرگی او با بقیه فرق دارد. درحالی که دهها نفر ادعای پیامبری می کنند درحالی که هم تولدشان وهم رشدشان وهم کارهایشان عادی است و فرقی با دیگران ندارند. و این نشان می دهد که دروغگو هستند علاوه بر اینکه معجزه ای هم ندارند.

حلیمه که تا چهارسالگی یا کمی بیشتر تربیت پیامبر را برعهده داشته درباره حالات خاص حضرت می گوید: هرگز لباس او را نجس ندیدم گویا دیگری او را پاکیزه می کرد و هر وقت خواستم لباسش را دریاورم فریاد واضطراب می کرد و نمی گذاشت به بدنش نگاه کنم. شبها می شنیدم ذکر می گفت: لا اله الا الله قدوسا قدوسا. او با دست چپ کار نمی کرد و چیزی بدست چپ نمی گرفت و هر چیزی برمی داشت بسم الله می گفت و هر که از خوبان او را می دید از محبت حضرت بی تاب می شد.

یکی از راهبان کلیسا بنام بحیرا در راه شام با پیامبر در سن نوجوانی ملاقات کرد و بلافاصله فهمید حضرت چه کسی است لذا به پیامبر گفت:

تو کسی هستی که پیروانت از همه بیشتر خواهد بود و نورهای دنیا همه از نور توست و به نام تو همه مساجد آباد خواهد گردید و گویا می بینم که لشکرها خواهی کشید و عرب و عجم تابع تو خواهند شد. و شجاعان قریش و عرب را بر خاک هلاکت می افکنی و لات و عزی را خواهی شکست و مالک کعبه می شوی. کلید بهشت و جهنم در دست توست و سعادت در پیروی از توست و قیامت برپا نخواهد شد تا زمانی که همه پادشاهان با ذلت و خواری به دین تو در آیند.

در این موقع بحیرا مرتب دست و پای پیامبر را بوسه می زد و می گفت اگر زمان شما زنده باشم در لشکر شما خواهم بود و برای شما شمشیر خواهم زد و با دشمنان تو جهاد خواهم کرد. توئی بهترین فرزند ادم. توئی پیشوای پرهیزکاران و خاتم پیامبران. بخدا قسم وقتی متولد شدی زمین خندان شد و تا روز قیامت بخاطر وجود تو خندان خواهد بود. و بخدا قسم بخاطر ولادت تو کلیساها و بتخانه ها و شیاطین گریان شدند و تا روز قیامت گریان خواهند بود.

جابر از پیامبر نقل می کند که خداوند مرا از عرش به ده نام نامیده و به زبان هر پیامبری بشارت مرا به قوم ایشان داده و در تورات و انجیل مرا بسیار یاد کرده و کلام خود را بمن تعلیم نمود و مرا به آسمان بالا برد و نام مرا از نام بزرگوار خود گرفت که نام او محمود و نام مرا محمد قرار داد و مرا در بهترین قرن ها و نیکوترین امتها مبعوث کرد مرا در تورات احید نامید زیرا امت من بخاطر توحید بر دوزخ حرام شده اند و در انجیل مرا احمد نامید که من در آسمان محمودم و امت من حمد کنندگانند. و در زبور مرا ماحی نامید زیرا بسبب من بت پرستی محو می شود و در قرآن مرا محمد خوانده

زیرا در قیامت مورد ستایش همه امتها خواهم بود چون فقط من وبا اجازه من شفاعت صورت می پذیرد و در قیامت بمن حاشر می گویند زیرا زمان امت من وصل به قیامت است. و مرا عاقب نامید زیرا آخرین پیامبرم. و منم رسول رحمت و رسول توبه و منم قثم یعنی جامع کمالات.

خدا بر من منت گذاشت و گفت ای محمد! من هر پیامبری را به زبان امت او فرستادم و بر اهل یک زبان فرستادم ولی تورا بر هر سرخ و سیاهی مبعوث کردم و تورا یاری کردم به ترسی که در دل دشمنانت انداختم و هیچ پیامبری را این چنین نکردم. و غنیمت کفار را بر تو حلال کردم ولی بر پیامبران دیگر حلال نبود و گنجی از عرش خود را که سوره حمد و آخر بقره است را بتو دادم و همه زمین را محل سجده امت تو قرار دادم در حالی که امتهای دیگر باید در معابد سجده می کردند و خاک را برایت پاک قرار دادم و الله اکبر را به امت تو دادم و یاد تورا بایاد خود همراه کردم که هرگاه مرابه یکتایی یاد کنند تورا هم به رسالت یاد نمایند پس خوشا بحال تو و امت تو.

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر در قرآن ده اسم دارد. ----- محمد که فرمود **وما محمد الا رسول**.

احمد که فرمود **و مبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد** ---- عبدالله که فرمود **لما قام عبدالله یدعوه کادوا یکنونون علیه لبدا**

طه که فرمود **طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی** -- یس که فرمود **یس والقرآن الحکیم**

نون که فرمود **ن والقلم وما یسطرون** --- مزمل که فرمود **یا ایها المزمل** -- مدثر که فرمود **یا ایها المدثر**

ذکر و رسول که فرمود **انا انزلنا الیکم ذکرا رسولا**

یکی از القاب آن جناب امی است. از امام جواد درباره این لقب پیامبر پرسیدند. فرمود مخالفین چه می گویند. گفته شد می گویند یعنی پیامبر نمی توانست چیزی بنویسد. امام ناراحت شدند و این مسئله را رد کردند و فرمودند وقتی خدا فرموده پیامبر بر امتش قرآن تلاوت می کند و آنها را تزکیه می کند و کتاب و حکمت را به آنها

تعلیم می نماید. چگونه کسی که خود چیزی نمی داند می تواند تعلیم دهد. والله که آن حضرت به 73 زبان می خواند و می نوشت. و برای این خدا او را امی نامیده زیرا از اهل مکه است و یک نام مکه ام القری است. که فرمود لتذرا ام القری ومن حولها.

«یهودی نزد حضرت آمد و گفت: چرا شما محمد و احمد و ابوالقاسم و بشیر و نذیر و داعی نامیده شده اید؟

فرمود: اما محمد چون من در زمین پسندیده ام. اما در آسمان احمدم، زیرا در آنجا هم پسندیده هستم. اما ابوالقاسم، زیرا خداوند در قیامت هر که را که مؤمن به من باشد به بهشت و هر که را بمن کافر باشد به جهنم می برد. و اما داعیم زیرا من مردم را به دین پروردگار عزوجل می خوانم و اما نذیرم زیرا کسی را که عصیان من کند از جهنم می ترسانم و اما بشیرم زیرا کسی را که اطاعت من کند، به بهشت بشارت می دهم.» بحارج 16

«خداوند در قرآن، بسیار از پیامبرش یاد کرده از جمله *اخلاقش را (وَأَنْكَ لَعْلَى خُلُقٍ

عظیم) قلم 4 * لباسش را (و ثيابك فطهر) مدثر 4 * علمش را (و علمك مالم تكن تعلم) نساء 113 * نمازش را (فتهجد نافله) اسراء 79 * روزه اش را (ان لك في النهار) مزمل 7 * کتابش را (و انه لكتاب عزيز) فصلت 41 * دینش را (دينهم الذي ارتضى لهم) نور 55 * امتش را (کنتم خیرا) آل عمران 110 * قبله اش را (فلیولینک قبله) بقره 144 * شهرش را (لا اقسم بهذا البلد) بلد 1 * امرش را (اذ قضی الله ورسوله) احزاب 36 * لشکرش را (والعادیات ضحیا) عادیات 1 * عزتش را (ولله العزة ورسوله) منافقون 8 * عصمتش را (والله یعصمک من الناس) مائده 67 * شفاعتش را (فلعلک ترضی) طه 130 * صلابتش را (برائه من الله ورسوله) توبه 1 * وصیتش را (انما ولیکم الله ورسوله) مائده 55 * اهل بیتش را (لیذهب عنکم الرجس اهل البیت) احزاب 133 بحارج 17

امتیازات خاص پیامبر:

حرام بودن همسرانش بر دیگران * ثواب و عقاب همسرانش مضاعف بودند * او خاتم انبیاء بوده است * همه دینها با دین او باطل شدند * کتاب او برخلاف دیگر کتب آسمانی، معجزه است * زمین برای او و امت او مسجد است * او برای اهل کبائر، شفاعت می کند * بسوی همه انس و جن مبعوث شد * اولین شخصی است که محشور می شود و اولین شافع است و اولین شخصی است که وارد بهشت می شود * در قیامت امت او از سایر امم بیشتر هستند * می توانست نماز را نشسته بخواند * دیگران نباید صدایشان را بر او بلند

می کردند* خدا در قرآن انبیاء را با اسم ندا کرده مثل: یاداود! یا موسی! ولی پیامبر اسلام را بالقاب: یا ایها النبی! یا ایها الرسول! یا ایها المزمّل! خطاب کرده است. *فرزندان دخترش، فرزندان او حساب می شوند. پس حسن (ع) و حسین (ع) را می توان پسران پیامبر خواند.

وقتی زندانی شدن یوسف نبی طول کشید جبرئیل نزدش آمد و گفت این دعا را هفت بار در حالی که با دست راست محاسنت را گرفته ای و دست چپ را بطرف آسمان بالا برده ای بگو یارب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و عجل فرج آل محمد.

یکی از ابعاد پیامبر اعظم علم عظیم حضرت بود.

علم پیامبر:

«امام صادق (ع): خداوند به حضرت عیسی (ع) دو اسم اعظم داده بود که بوسیله آنها مردگان را زنده می کرد و معجزات زیادی انجام می داد. به موسی (ع) چهار اسم اعظم و به ابراهیم (ع) هشت اسم اعظم و به نوح (ع) پانزده اسم اعظم و به آدم (ع) بیست و پنج اسم اعظم داد. خداوند دارای هفتاد و سه اسم اعظم است که یک نام، مخصوص خود و هفتاد و دو اسم اعظم را به رسول گرامی اسلام (ص) تعلیم داد.»

«در احادیث آمده است که: خداوند علوم همه انبیاء را به رسول گرامی اسلام (ص) داد و پیامبر نیز آنها را به اوصیای خود منتقل نمود. و همه کتابهای آسمانی از قبیل تورات و انجیل و زبور و صحف آدم (ع) و شیث (ع) و ادیس (ع) و ابراهیم (ع) و کتابهای دیگر را به پیامبر اسلام تعلیم داد و هیچ علمی و کرامتی به پیامبری نداده است الا اینکه به آن حضرت نیز داده است.»

«روزی رسول خدا (ص) در حالیکه کتابی در دست راست و کتابی در دست چپ داشت، دیده شد. کتابی را که در دست راست داشت باز کرد. در آن بعد از نام خدا، اسامی همه بهشتیان نوشته شده بود. و در کتاب دیگر، بعد از نام خدا، اسامی همه جهنمیان آمده بود.» بحارج 17

یکی از علوم حضرت اطلاع از سرنوشت افراد بوده است.

- 1- پیامبر به علی خبر داد که شما شهید می شوی و محاسنت به خون فرقت خضاب می شود. و به علی خبر داد که با سه دسته جنگ خواهی کرد اول ناکثین و پیمان شکنان در راسشان طلحه و زبیر. دوم قاسطین و آنهایی که بتو ظلم می کنند در راسشان معاویه. سوم مارقین که از دین بیرون رفته اند شامل خوارج.
- 2- پیامبر چندبار از شهادت امام حسین خبر داد و کربلا را معرفی کرد و قاتلین حضرت را نام برد و مشتی خاک کربلا را به ام سلمه داد و گفت با شهادت حسین (ع) این خاک خونین خواهد شد. همچنین از شهادت امام رضاع و از محل دفن آن حضرت در خراسان اطلاع داد.
- 3- وقتی معاذ را به مأموریت به یمن فرستاد تاکید کرد که دیگر مرانخواهی دید و همین گونه شد.
- 4- در غزوه بنی المصطلق باد تندی وزید فرمود منافقی در مدینه مرد. وقتی مسلمانان به مدینه برگشتند دیدند رفاعه از سران نفاق بدرک واصل شده است.
- 5- ابوذر نزد پیامبر آمد و گفت اجازه بدهید با برادرزاده ام به غابه محلی در حجاز برویم حضرت فرمود اگر می خواهی برو ولی می ترسم که غارت کنند و برادرزاده ات را بکشند و بیایی در حالی که به عصایت تکیه داده ای بگوئی پسر برادرم را کشتند و اموال را غارت کردند. ابوذر رفت و همانطور شد که پیامبر گفته بود.
- 6- شخصی اعرابی بنام عاصم به پیامبر گفت ای محمد آیا غیب می دانی؟ فرمود غیب را فقط خدا می داند. گفت من شترم را از خدایت بیشتر دوست دارم! پیامبر فرمود خدا بمن خبر داد که در پای تو جراحی پیدا شود که به مغزت برسد و بخاطر آن بمیری! و همانطور شد که پیامبر فرموده بود.
- 7- پیامبر به عباس عموی خود فرمود وای بر فرزندان من از دست فرزندان تو. عباس گفت اگر اجازه دهی خودم را از فرزند شدن بیاندازم. پیامبر فرمود این امری حتمی است که مقدر شده است. پیامبر فرمود بنی امیه هزار ماه خلافت می کنند و از کفر و انحرافات آنها خبر داد.
- 8- روزی حضرت به علی و فاطمه و حسنین فرمود که قبرهای شما پراکنده خواهد بود. امام حسین پرسید آیا کشته خواهیم شد؟ فرمود ای فرزند! تو به ستم کشته خواهی شد و برادرت به ستم کشته خواهد شد و پدرت نیز به ستم کشته خواهد شد و فرزندان شما هم مظلوم و پراکنده در زمین خواهند شد. حسین (ع) پرسید آیا قبر ما با این پراکندگی زائر خواهد داشت؟ پیامبر فرمود آری عده ای از امت من بخاطر محبت به من قبور شما را زیارت می کنند و من هم در قیامت آنها را از گرفتاری قیامت نجات می دهم.
- 9- پیامبر از شهادت حجر بن عدی و یارانش بدست معاویه خبر داد.

- 10- روزی پیامبر به منطقه حره در مدینه رفت و فرمود انا لله وانا اليه راجعون. اصحاب نگران شدند و خیال کردند اتفاق بدی می خواهد بیافتد. اما حضرت فرمود عده ای از خوبان امت من در این منطقه شهید خواهند شد. در سال 63 عده ای از مردم مدینه که فقط 700 نفرشان قاری قرآن بودند بدست لشکر یزید در آنجا شهید شدند
- 11- دشمنان یکی از دوستان پیامبر بنام خبیب را اسیر کردند وقتی می خواستند او را بکشند گفت السلام علیک یا رسول الله. حضرت که در مدینه بین اصحاب نشسته بود فرمود وعلیک السلام و گریست و فرمود خبیب بمن سلام کرد و کفار او را کشتند.

در اسلام قبولی اعمال و عبادات دارای چند شرط است یکی اینکه برای خدا باشد.

در بحارالانوار از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) چنین نقل شده است که فرمود: «**إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ** وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِءٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَرَوَّجُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ» ارزش اعمال بستگی به نیتها دارد و بهره هر کس از عملش مطابق نیت اوست، کسی که به خاطر خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله) هجرت کند، هجرت به سوی خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله) کرده است. و کسی که به خاطر رسیدن به مال دنیا یا به دست آوردن همسری، هجرت کند بهره اش همان چیزی است که به سوی آن هجرت کرده است.»

حدیث «**عَلَى قَدَرِ النِّيَّةِ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَطِيَّةٌ**» عطایای الهی به اندازه نیت انسان است.

در آیه 24 سوره یوسف، هنگامی که سخن از حمایت الهی در برابر وسوسه های خطرناک همسر عزیز مصر به میان می آورد، می فرماید: «**كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ**» اینچنین کردیم، تا بدی و زشتی را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود.»

پس اخلاص در اعمال اولین شرط قبولی می باشد.

دوم اینکه امام عصر (عج) آن را امضا کند پس باید ولایت داشته باشیم.

در حدیث از امام باقر (علیه السلام) است: «**كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَهُ** (غَيْرُ مَقْبُولٍ) (الكافی، ج 1، ص 183) هر کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا هم انجام می دهد ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده است

در حدیث دیگر امام زین العابدین (علیه السلام) در پاسخ کسی که پرسید چه چیزی سبب قبولی نماز است ؟

فرمودند: « وَلَا يَتَنَا وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا » (بحار الأنوار ، ج 81 ، ص . 244) ولایت ما اهل بیت، و برائت از دشمنان ما

سوم تقوا

داستان فرزندان آدم در قرآن آمده است. هر دو قربانی کردند. قربانی یکی پذیرفته شد و دیگری نه. خدا می فرماید: « إِنَّمَا . يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ » (مائده ، آیه . 27)؛ خدا تنها از اهل تقوا می پذیرد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نیز در روایتی فرموده اند: « لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأَوْتَارِ وَ صُمُّنْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِ لَا يَمَّ يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بَوْرَعٌ » (بحار الأنوار ، ج 81 ، ص . 258)؛ اگر آن قدر نماز بخوانید تا همچون زه کمان شوید و آن قدر روزه بگیرید تا همچون کمان خم شوید، خدا از شما قبول نمی کند ، مگر این که انسان باورع و تقوا باشید.

پس مواظب باشیم عمل زشتی انجام ندهیم که همه اعمال خوب مارا باطل نماید. پس مواظب اعمالمان باشیم. همین عبادتهائی که انجام می دهیم گاهی با یک تهمت یا یک ظلم یا یک گناه کبیره از بین می رود. در روایت است عابدی بعد هفتاد سال عبادت مرتکب زنا شد. لذا همه اعمال او باطل گردید.

در نماز: حضور قلب در نماز شرط است.

امام باقر (علیه السلام): « عَلَيكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّمَا يَحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ » (الكافی ، ج 3 ، ص . 299) در نماز توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز آن مقدار قبول می شود که تو به آن توجه داری باز در نماز پرداخت خمس و زکات شرط است

(امام رضا (علیه السلام) می فرماید: « فَمَنْ صَلَّى وَ لَمْ يَزَكْ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ » (وسائل الشیعه ، ج 9 ، ص . 25)

. . هر کس نماز بخواند ولی زکات (و مالیات اسلامی) نپردازد، نمازش قبول نمی شود
همچنین در نماز شرط است والدین از ما ناراحت نباشند.

. نگاه خشم آگین به پدر و مادر مانع قبولی عبادت است

« امام صادق (علیه السلام) فرمود: « مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبَوَيْهِ نَظْرَ مَاقَةٍ وَ هُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً » نماز فرزندی که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می کنند قبول نمی شود، گرچه والدین ، نسبت به آنان کوتاهی و ظلمی کرده باشند

اگر همسر را اذیت کنیم نماز قبول نمیشود:

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرموده است : « مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُوْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لِحَسَنَةٍ مِنْ عَمَلِهَا . . . وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ »

((وسائل الشیعه ، ج 20 ، ص . 163

هر کس زن بد رفتار و اذیت کننده ای داشته باشد ، خداوند نماز و کارهای نیک آن زن را نمی پذیرد . (مرد نیز) (همچنین است

چهارم کارهای خوبمان را برای دیگران نقل نکنیم که در روایت است اگر چندبار آن را نقل کردیم عمل ریائی برایمان ثبت میشود.

پنجم در صدقات منت برسر طرف نگذاریم. که باعث میشود ثواب اعمالمان برباد برود.

استقبال از ماه مبارک رمضان

در مهمانی خدا باید با باطنی آراسته وارد شویم. کینه هارا کنار بگذاریم. وحدت خود را حفظ کنیم. از گناهان توبه کنیم

در دعای کمیل می خوانیم که **اللهم اغفر لی الذنوب الی تهتک العصم. اللهم اغفر لی الذنوب الی تنزل النقم** هر کدام از گناهان ضرر خاصی بر روی انسان می گذارد. بعضی ها باعث می شوند که عذاب نازل گردد. مانند ظلم و اعمال نامشروع و کم فروشی. بعضی باعث می شود دعا مستجاب نگردد مانند لقمه حرام. و ناراحت کردن والدین و شوهر.

بعضی باعث می شود خداوند لطفش را از انسان بگیرد و دیگر نظر لطف نکند از جمله

بعضی باعث می شود خداوند نعمتها را بگیرد مانند کفران نعمت و بی تقوایی

یکی از راههای جلوگیری از ضرر گناهان، توبه فوری است.

خداوند بوسیله توبه از انسان خوشنود می شود و توبه مانند آب کر و فراوانی است که همه چیز را پاک می نماید.

وقتی خداوند از گناهکار راضی شد گناهانش را تبدیل به ثواب و حسنه می کند **فاولئک یدل الله سیئاتهم**

حسنات و کان الله غفورا رحیما {فرقان 70}

قرآن انسان ها را دعوت به حیات طیه کرده است **من عمل صالحا من ذکر و انشی و هو مومن فلیحینه حیا طیه**

{نحل 97}

ما یک زندگی ظاهری داریم که همین خوردن و خوابیدن و امثال آن است و یک زندگی معنوی داریم که انجام اعمالی است که قربه الی الله انجام می گیرد.

ایمان باضافه عمل صالح و دوری از نافرمانی و معصیت همان زندگی طیه و گوارا است که امیدواریم به برکت

ماه مبارک همه ما دارای این نوع زندگی باشیم.

آثار ولایت علی بن ابیطالب و فرزندانش:

ولایت برکات فراوانی دارد از جمله:

1- نجات از انحرافات عقیدتی و اخلاقی

پیامبر: از یتیم، یتیم تر کسی است که از امام قطع شده باشد.

کسی که امام دارد دنبال امام حرکت کرده و مسیر را اشتباهی نمی رود.

2- قبولی اعمال

امام هر عصر باید امضاء کند تا اعمال قبول شود

3- رفع مشکلات بزرگ و کوچک

{همه پیامبران و اولیاء و علماء و اقشار مختلف به اهل بیت متوسل می شوند}

4- عزت و شرافت در دنیا و آخرت

علی علیه السلام فرموده است: از هشت در بهشت، پنج در است که شیعیان و دوستان ما اهل بیت از آن وارد می شوند.

امام صادق علیه السلام در مسجد، گروهی از شیعیان را دید، به آنان نزدیک شد و سلامشان داد و فرمود: به خدا قسم من بوی شما و روح شما را دوست دارم، ما را با تقوا و تلاش، یاری کنید. شما یاران دین خدایید،

شمایشتان به سوی بهشتید، ما بهشت را برای شما تضمین کرده ایم، هر چیزی شرفی دارد، شرافت دین، شیعه است. هر چیزی ستونی دارد، ستون دین، شیعه است. هر چیزی سروری دارد، و بهترین مجالس و سرور آنها، مجالس شیعه است.

امام باقر علیه السلام درباره «شجره طیبه» که در قرآن است، فرمود: آن درخت، حضرت رسول صلی الله علیه و آله است، تنه آن، علی علیه السلام است، شاخه اش فاطمه علیها السلام است، میوه هایش فرزندان فاطمه زهرا و شیعه، برگ های آن درخت اند (و اوراقها شیعتنا) هر گاه یکی از شیعیان ما از دنیا برود، برگی از آن درخت افتاده و هر گاه نوزادی برای شیعه به دنیا آید، به جای آن برگ، برگی می روید.⁽⁶⁶⁾

شیعیان علی علیه السلام در قیامت سیراب، و رستگار و کامیابند. شیطان بر پیروان علی علیه السلام سلطه ندارد. شیعیان علی، شیعه خدایند، شیعیان علی، آمرزیده اند، در قیامت به دست علی علیه السلام از کوثر سیراب می شوند، پیروان او در دنیا و آخرت منصورند و برگه عبور از آتش می گیرند و ایمن اند، اگر شیعه نبود، دین خدا استوار نمی شد، آنان بهترین بندگان و بر صراط حق اند و دین اهل بیت را گرفته اند، شیعیان ما به خدا و به عرش خدا و به مانند یکتا از دیگرانند، پیروان ما گواه و شاهد بر مردم دیگرند، ما و شیعه ما «اصحاب الیمین» هستیم، شیعیان ما هدایت یافته، صابر، گرانقدر، صادق و رها از سلطه و نفوذ شیطانند، پیروان ما هنگام رستاخیز، با چهره های نورانی از قبرها برانگیخته می شوند و سواره به محشر می آیند، با نور خدایی می نگرند، از سرشت ما آفریده شده اند، هم ما برگزیده ایم هم شیعیان ما، آنان از شعاع نور ما خلق شده اند. خداوند در دنیا شیعه ما را از گناهانشان پاک می کند، خداوند از شیعیان ما میثاق ولایت گرفته است، ما گواه بر شیعیانیم و شیعیان شاهد بر دیگرانند، شیعیان ما می توانند نسبت به خانواده خود هم شفاعت کنند، شهید شیعه بر شهدای دیگر برتری دارد، پیروان با ایمان ما با پیامبر خویشاوندند و...

قرآن

1- همه علوم ائمه از قرآن نشأت گرفته و آصف بن برخیا به این خاطر توانست تخت بلقیس را در یک چشم بهم زدن جابجا کند زیرا قسمتی از کتاب الهی را بلد بود. و امام جواد هفت ساله همه دانشمندان را منکوب کرد و به سی هزار سوال جواب داد چون علمش از قرآن بود.

2- قرآن تنها کتابی است که خداوند حفظ او را تضمین کرده است :

انا نحن نزلنا الذکر وانا له احافظون

هرچه دشمنان تلاش کردند با انواع وسایل از جمله نوشتن آیات شیطانی و یا چاپ کتاب قرآن قرن بیست و یک و یا ساختن آیاتی شبیه آیات قرآن و یا نوشتن کتابهای فراوانی علیه قرآن، ضربه و ضرری به این کتاب بزنند نتوانستند و قرآن نوری است که روز بروز فروزان تر شده و همچنان باعث هدایت متقین است.

3- قرآن هم عرض اهل بیت است لذا به امام عصر می گوئیم السلام علیک یا شریک القرآن. پس باید همان احترامی که برای اهل بیت داریم برای قرآن داشته باشیم. قرآن مساوی اهل بیت است و احترام او کمتر از احترام به اهل بیت نباید باشد

4- یادگیری قرآن بر هر مسلمانی واجب است و شایسته است که هر مسلمانی شبانه روز حداقل 50 آیه تلاوت نماید. جوانانی که توانائی روخوانی صحیح قرآن را ندارند می توانند با تلاش و کوشش در مدت کمی قرآن را یاد بگیرند.

خود تلاوت قرآن اصل است و بعضی که فقط ترجمه می خوانند از برکات قرآن محرومند.

5- قرآن معجزات زیادی داشته است

نقل است قبل از انقلاب سادات نجف آباد نزد عالم ربانی مرحوم بیدآبادی می روند و می گویند این چشمه ما خشک شده شما کاری کنید. او آیه **ولو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیه الله** را می نویسد و می گوید آن را بر قله کوه بگذارید. مردم همین کار را می کنند وقتی به منالشان برمی گردند صدای مهیبی شنیده می شود و صبح می بینند چشمه بازو روان شده است.

6- اگر در تلاوت قرآن مجاهدت کنیم بعضی از بواطن قرآن که هفتاد باطن است گاه برما ظاهر می شود لذا ائمه خیلی به تلاوت قرآن اهمیت می داند و امام رضا (ع) هر سه روز یک قرآن ختم می کرد و لباسی به دعبل داد که هزار قرآن در آن ختم کرده بود

شناخت منافقین

- 1- که چرا این همه قرآن روی منافقین تکیه کرده است - مفسرین طرح کرده‌اند و معمولاً چنین پاسخ داده‌اند که: با وجودیکه منافق یکی از اقسام کافر است در عین حال چنانکه از قرآن در بعضی موارد استفاده می‌شود منافق خطرش برای اسلام از کافر بدتر است. زیرا کافریعنی کسیکه قرآن اصطلاحاً او را کافر می‌خواند - کسی است که خدا و پیغمبر را قبول ندارد ولی صداقت دارد یعنی علناً اظهار می‌کند و تکلیف مردم با او روشن است. ولی آنکس که بر روی عقیده قلبی خود روپوش نهاده و بزبان جوری سخن می‌گوید و در دل طوری دیگر است خطرش بسیار زیاد است زیرا مردم مسلمان را گول می‌زند .
- 2- منافقین کسانی هستند که به اسم اصلاحات با قرآن و پیامبر مخالفت می‌کردند(و اءذا قيل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون)
- 3- منافقین کسانی هستند که در جنگهای صدراسلام کارشکنی علیه مسلمین می‌کردند.
- 4- منافقین کسانی هستند که جلسات توطئه علیه حکومت اسلامی دارند
- 5- منافقین کسانی هستند که ظاهرشان گاهی خیلی متدین نشان می‌دهد مانند کشمیری که تا حد دبیر شورای امنیت در زمان رجائی رسید بعد بمب گذاری ساختمان نخست وزیر را انجام داد.

6- منافقین کسانی هستند که مسجد ضرار را ساختند آنها مسجدی پهلوی مسجد قبا ساختند

پس از آنکه از کار آن فارغ شدند نزد رسول خدا (صلی

الله علیه و آله) آمده ، در حالی که آن جناب آماده سفر به تبوک می شد، بعرضش

رساندند: یا رسول الله ! ما برای افراد مریض و کسانی که کارشان زیاد است و نمی توانند راه دوری طی نموده تا

مسجد شما بیایند، و نیز برای شبهای بارانی و شبهای زمستان مسجدی ساخته ایم و میل داریم بدانجا تشریف

آورده ، در آن نماز بگزاری ، و برای ما به برکت دعا فرمائی . حضرت فرمود: من الان سر راه سفرم ، اگر ان شاء

الله برگشتم به محله شما می آیم و در مسجد شما نماز می گزارم ؛ ولی وقتی از سفر تبوک برگشت این آیات

نازل شد، و وضع آن مسجد را روشن نمود

▪

7- منافقین کسانی هستند که مدتی از آیات قرآن برای گول زدن مردم استفاده می کنند. 8- منافقین کسانی

هستند که به مومنین می گویند ما با شما هستیم ولی در جلسات محرمانه می گویند ما با شما هستیم ما

مسلمانهارا گول می زنیم. 9- منافقان سوگندهای شدید یاد می کنند که از پیامبر اطاعت می کنند ولی دروغ

می گویند بر خلاف منافقان ، مؤمنان در برابر حکمت و حکم خدا

و رسول (صلی الله علیه و آله) تسلیم بوده می گویند سمعنا و اطعنا

10- لاتها بهتر از منافقین: شهید حجه الاسلام و المسلمین عبدالله میثمی تعریف می کرد

در زمان طاغوت دو عاشورا را در زندان بودم. سال اول را با منافقین و در زندان

سیاسی بودم. شب عاشورا از ترس سرم را به زیر پتو بردم و تا صبح در عزای آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام

اشک ریختم.

سال بعد من را به زندان عادی و به جمع لاتها منتقل نمودند. شب عاشورا همان لاتها آنچنان نوحه خوانی کردند

و سینه زدند که جگر مرا حال آوردند. من لاتها را از منافقین بهتر می دانم

11- اعتراض منافقین به نصب علی (ع) برای رهبری 12- منافقین برای رسیدن به اهداف خود از سرنیزه کردن

قرآن خود داری نمی کنند 13- منافقین کسانی هستند که می خواستند پیامبر را ترور کنند. 14- منافقین می

خواستند پیامبر را از مدینه بیرون کنند ولی خدا انها را ذلیل کرد. یقولون لئن رجعنا الی المدینه لیخرجن الاعز منها

الاذل 15- خدایچهگاه منافقین را نمی آمرزد سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم ان الله

لا یهدی القوم الفاسقین 16- چطور است که منافقین تا پیغمبر اکرم زنده هستند دفته ها می کنند ولی پیغمبر که

از دنیا می رود و دوره خلافت خلفا می رسد دیگر نامی از این منافقین نیست؟ منافقین کوچکترین تحریک و

دسیسه کاری در دوره خلفان کردند. اینها چطور یکمرتبه مؤمن و عابد شدند؟! تا پیغمبر زنده بود، اینها مؤمن واقعی

نشدند ولی آیا پیغمبر که از دنیا رفت، یکمرتبه اینها مؤمن واقعی شدند و یا اینها در دوره خلافت، منافع خودشان

را تامین یافته دیدند و از این جهت صدایشان خوابید؟ این نشانه این است که در اثر وفات پیغمبر اکرم صلی الله

علیه و آله و برقراری خلافت، جریان شکلی پیدا کرد که منافقین منافع خودشان را تامین یافته دیدند 17-

هم العدو فاحذرهم حذر از اینها خیلی مشکل است. هر مقدار که نفاق شدیدتر و پریچ و خم تر و دقیق تر باشد

احتیاط از آن مشکلتر و دشوارتر است. مرحوم آقا میرزا محمد صادق اصفهانی از علمای خیلی بزرگ و هم

دوره مرحوم آقا سید ابو الحسن بودند. ایشان بعد به اصفهان آمد که اگر در نجف مانده بود خودش مرجع تقلید

بود. ایشان گفته بود از اصفهان برای سفر حج عازم مکه شدم (در آن وقت بیشتر با کشتی می رفتند و از کشورهای

عبور می کردند). در یکی از سفارتخانه های خارجی دنبال گذرنامه رفته بودم. یک وقت دیدم مردی با زبان

فارسی فصیح صدا زد: آقا میرزا صادق! آقا میرزا صادق! بعد مثل یک آدم کاملاً آشنا شروع به صحبت کرد. هرچه

فکر کردم دیدم او را نمی شناسم. آخر گفت: من رانمی شناسی؟ گفتم: نه. گفت: من در زمان مشروطیت در نجف

در فلان حجره بودم، و خودش را معرفی کرد. یادم آمد که او طلبه ای بود از شاگردهای مرحوم آخوند که آنچنان

زاهد و مقدس و متدین بود و آنچنان در سهایش را هم خوب حاضر می کرد که مورد اعتماد همه قرار گرفته بود.

معلوم شد کسی بوده که سی سال ماموریت داشته است. 18- المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض یا مرون

بالمکر {مخالفت با ولایت فقیه-مخالفت با وحدت-مخالفت با آرامش-مخالفت با دولت 19-منافقین همیشه

در تاریخ اسلام حضور دارند.

توبه

گنهکار باید توجه داشته باشد که با ارتکاب هر یک گناه از ارزش و کرامت و شخصیت و والایی او در پیشگاه خداوند کم می شود و تا پایه ی حیوانات ، بلکه پست تر از آنان سقوط می کند ، و در قیامت به صورت غیر انسان وارد محشر می شود .

تمام گناهان را می توان در سه مرحله خلاصه کرد :

1 - گناهانی که به صورت ترک عبادات واجبه و طاعات لازمه صورت گرفته ، مانند : ترک نماز ، روزه ، زکات ، خمس ، جهاد و ...

2 - گناهانی که به صورت تخلف از نواحی حق صورت گرفته و اصطکاک با حق مردم ندارد ، مانند : شرب خمر ، چشم چرانی ، زنا ، قمار ، لواط ، استمناء ، استماع موسیقی حرام و ...

3 - گناهانی که علاوه بر نافرمانی از اوامر حق ، حقوقی از مردم را ضایع نموده ، مانند : قتل نفس ، سرقت ، ربا ، غصب ، خوردن مال یتیم ، رشوه ، ضربه زدن به بدن یا مال مردم و ...

توبه از گناهان دسته ی اول ، انجام ترک شده هاست : خواندن نماز ، گرفتن روزه ، رفتن به حج ، پرداخت خمس و زکات تمام دورانی که خمس و زکات به انسان تعلق گرفته .

توبه از گناهان دسته ی دوم ، استغفار و پشیمانی ، و عزم بر ترک جدی نسبت به آن گناهان است ، به صورتی که انقلاب حال انسان باعث شود که اعضا و جوارح از هوس بازگشتن به گناه باز مانند .

توبه از گناهان دسته ی سوم ، رجوع به مردم و پاک شدن از حقوق آنهاست ، به اینکه قاتل خود را در اختیار خانواده ی مقتول بگذارد ، تا او را قصاص کنند ، یا خونبهای مقتول را از او بگیرند ، یا وی را عفو نمایند ، رباخوار باید تمام رباهای گرفته شده را به مردم باز گرداند ، غاصب باید اشیای غصب شده را به صاحبانش پس بدهد ، مال یتیم و رشوه باید به مالکانش باز گردد ، دیه ی ضربه های بدنی باید پرداخت شود و خسارتهایی که به اموال مردم زده شده باید جبران گردد . برای تحقق توبه ی واقعی باید از نفوذ سه جاذبه آزاد شد .

توبه:

- 1- توبه محدودیتی ندارد و هرچقدر انسان گناه کند باز هم فرصت توبه است و هرچقدر گناه بزرگ باشد باز هم می تواند جبران و توبه کند.
 - 2- توبه کردن در اسلام بسیار ساده است و شرط خاصی ندارد. کسیکه می خواهد توبه کند لازم نیست که بازبان هم چیزی بگوید بلکه همینکه در دلش بگذراند که خدایا! من بخودم ظلم کرده ام و از تو می خواهم که مرا ببخشی! کافی است. همچنین برای توبه مکان معینی در نظر گرفته نشده است بلکه در خانه، مسجد و محل کار و بازار و هر جای دیگر که بخواهد توبه کند، میتواند.
 - 3- در اسلام برخلاف مسیحیت، نباید گناه خود را نزد شخصی حتی روحانی یا نزدیکترین دوستان و فامیل گفت! بلکه گفتن گناه فقط در پیشگاه خدا رواست.
 - 4- توبه هرچه زودتر انجام شود بیشتر امید رهایی می رود. لذا کسیکه گناهی مرتکب میشود، تا هفت ساعت به او مهلت می دهند و گنااهش را نمی نویسند. اگر در این فاصله توبه کرد، که هیچ. والا گنااهش را می نویسند تا پس از توبه پاک شود.
 - 5- اگر گناه انسان حق الناس باشد مثل دزدی یا کلاهبرداری باید شخص صاحب حق را راضی کند
 - 6- باید از اهل گناه که به شدت مورد نفرت و خشم و غضب خداوند و انبیا و اولیای الهی هستند دوری نماید
- حضرت مسیح به حواریون خود هشدار می دهد :

يَا مَعْشَرَ الْخَوَارِجِينَ ، تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِبُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي ، وَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالتَّبَاعِدِ مِنْهُمْ وَالتَّمَسُّوا
رِضَاهُ بِسَخَطِهِمْ

ای یاران ! به دشمنی و کینه نسبت به اهل گناه ، خود را محبوب خدا نمایید ، و به دوری جستن از

آلودگان به خداوند نزدیک شوید ، و خشنودی حق را از خشم و غضب نسبت به گنهکاران بجوید !

7- باید با دل توبه نمود و توبه زبانی بدون قلبی فایده ندارد

امام هشتم (علیه السلام) در روایتی می فرماید :

مَنْ اسْتَغْفَرَ بِلسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ بِقَلْبِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ .

کسی که به زبان استغفار کند ولی به قلب پشیمان نباشد ، خود را مسخره کرده !

شهید

{شهید} یکی از نامهای خداوند است. و به کسانی که در راه پروردگار کشته می شوند، شهید گویند. زیرا شهدا بعد از کشته شدن، زنده بوده و در پیشگاه خداوند روزی می خورند و شاهد اعمال امت هستند و در قیامت شفاعت می نمایند.

شهادت سعادت است که آرزوی مردان و زنان با خدا بوده است وعده ای از پیامبران به این رستگاری عظیم رسیده اند از جمله حضرت زکریا و حضرت یحیی. وروایت شده که بنی اسرائیل در یک روز هفتاد پیامبر را شهید کردند. همچنین رسول خدا بر اثر زهری که در غذا بوسیله زن یهودیه داده شد از دنیا رفت لذا اصحاب می گفتند پیامبر هم شهید شد.

امامان معصوم و دختر محبوب پیامبر هم به وسیله شهادت از دنیا رفتند و در بستر وبه مرگ طبیعی نمرند و این اهمیت مسئله شهادت را نشان می دهد. شهادت باعث زنده بودن دین است و تاکنون اگر از دین و اسلام نامی باقی مانده و این چنین در حال گسترش است مرهون قلم دانشمندان و خون شهیدان است. انقلاب اسلامی نیز با خون هزاران شهید به پیروزی رسید و در راه تداوم خود نیز چه در دفاع مقدس و چه در سنگرهای دیگر شهدای بزرگواری را تقدیم راه اسلام عزیز نموده است

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

امام علی بن موسی الرضا(ع) از امیر مومنان علی (ع) چنین نقل می کند که هنگامی که حضرت، مشغول خطبه بود و مردم را تشویق به جهاد می کرد، جوانی برخاست و عرض کرد: ای امیر مومنان! فضیلت جنگجویان در راه خدا را برای من تشریح کن! امام در پاسخ فرمود: من بر مرکب پیغمبر ص و پشت سر آن حضرت سوار بودم و از غزوه ذات السلاسل برمی گشتم همین سؤالی را که تو از من نمودی من از پیامبر(ص) کردم. پیامبر(ص) فرمود: هنگامی که جنگجویان، تصمیم بر شرکت در میدان جهاد می گیرند. خداوند آزادی از آتش دوزخ را برای آنها مقرر می دارد. وهنگامی که سلاح بر می دارند و آماده میدان می شوند فرشتگان بوجود آنها افتخار می کنند.

و هنگامی که همسر و فرزند و بستگان آنها با آنها خداحافظی می کنند، از گناهان خود خارج می شوند... از این موقع آنها هیچ کاری نمیکنند مگر اینکه پاداش آن، مضاعف می گردد و در برابر هر روز پاداش عبادت هزار عابد برای آنها نوشته می شود...
و هنگامی که با دشمنان روبرو می شوند، مردم جهان، نمیتوانند میزان ثواب آنها را درک کنند.

و هنگامی که گام به میدان برای نبرد بگذارند و نیزه ها و تیرها رد و بدل شود، و جنگ تن بدن شروع گردد، فرشتگان با پر و بال خود اطراف آنها را می گیرند و از خدا تقاضا می کنند که در میدان، ثابت قدم باشند، در این هنگام منادی صدا می زند الجنة تحت ظلال السیوف: بهشت در سایه شمشیرها است، در این هنگام ضربات دشمن بر پیکر شهید، ساده تر و گوارا تر از نوشیدن آب خنک در روز گرم تابستان است.

و هنگامی که شهید از مرکب فرو می غلطد، هنوز به زمین نرسیده، حوریان بهشتی به استقبال او می شتابند و نعمتهای بزرگ معنوی و مادی که خدا برای او فراهم ساخته است، برای او شرح می دهند.

و هنگامی که شهید بروی زمین قرار می گیرد، زمین می گوید: آفرین بر روح پاکیزه ای که از بدن پاکیزه پرواز می کند، بشارت باد بر تو، نعمتهائی در انتظار تو است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است و خداوند می فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم، هر کس آنها را خشنود کند مرا خشنود کرده است و هر کس آنها را بخشم آورد مرا بخشم آورده است...

امام راحل احیاگر فرهنگ شهادت طلبی

از کارهای بزرگی که امام راحل انجام داد این بود که باب شهادت را که بعد از غیبت صغری تقریباً بسته شده بود و جز تک و توکی از اولیاء خدا نصیب کسی نمی شد را افتتاح نمود و شهدای پانزده خرداد و هفده شهریور و هزاران شهید قبل از انقلاب و شهدای بعد از انقلاب و شهدای دفاع مقدس همگی در این دانشگاه تربیت شدند.

باید فرهنگ شهادت طلبی را گسترش داد در این صورت است که مستکبرین از شکست دادن ملت ما ناامید خواهند شد.

یکی از مهمترین دستورات قرآن درباره اطاعت از رهبری است.

خداوند در آیه 56 سوره مائده می فرماید:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ. وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ؛

ولی و سرپرست شما، تنها خدا و پیامبر او است و کسانی که ایمان آورده اند: همان کسانی که نماز بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند؛ و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده اند ولی خود بداند (پیروز است، چرا) که حزب الله همان پیروزمندانند.

اهل بیت (علیهم السلام) مصداق تام و کامل «حزب الله» هستند.

در مقابل «حزب الله»، گروه دیگری هستند که قرآن آنها را «حزب الشیطان» نامیده است. تعبیر «حزب الشیطان» در قرآن فقط در آیه 19 سوره مجادله آمده و قرآن قبل از آن که در همین سوره (آیه 22) از «حزب الله» و اوصاف آنان سخن بگوید، طی چند آیه (آیات 14 تا 19) از «حزب الشیطان» و ویژگی های آنان سخن گفته است. «حزب الله» کسانی هستند که خدا را به «ولایت» پذیرفته اند و او را «ولی» خویش قرار داده اند. پس از پذیرش ولایت الهی نیز هنگامی که برای ایشان پیامبری معرفی گردد،

«ولایت پیامبر» را پذیرا می گردند. آنان هم چنین پس از ولایت پیامبر، ولایت جانشینان آن حضرت، یعنی «ولایت ائمه» را نیز می پذیرند. و در زمان غیبت ولایت فقیه را اطاعت می نهند. در این حالت، آخرین وظیفه خویش را به انجام رسانده اند و خداوند نیز بالاترین پاداش خود را به آنان عطا می کند.

در مقابل، «حزب الشیطان» از ولایت خدا، ولایت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ولایت ائمه (علیهم السلام)

بی بهره اند و خود را تحت ولایت شیطان قرار داده اند و او را فرمان می برند.

انسان برای درآمدن در زمره «حزب الله» و «اهل ولایت» نیازمند دو توفیق از ناحیه خداوند است: یکی

توفیق در کسب معرفت و شناخت، و دیگری توفیق عمل به معرفت کسب شده. یکی از امتحان های دشوار

الهی نیز در «مقام عمل» آن گاه ظاهر می شود که منافع و لذت های زندگی دنیایی یک شخص با

اعتقاداتش هم خوانی و هم سویی نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، چنان چه بخواهد بر طبق اعتقاداتش عمل

کند، مجبور باشد از بعضی لذت ها و خوشی ها صرف نظر کند. در چنین جایی زمینه امتحان برای او فراهم

می شود: آیا منفعت و لذت خویش را مقدم بدارد یا بدان چه ایمان آورده ملتزم شود؟! آیا اگر چنین

امتحانی برای ما پیش بیاید، به پیمان و بیعتی که با اولیای خدا بسته ایم وفادار خواهیم ماند؟!

حضرت امام (رحمه الله) فرمود: «اگر چنان چه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است، یا خدا یا طاغوت، یا خدا است یا طاغوت، اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است، وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است، اطاعت او اطاعت طاغوت است». صحیفه نور، ج 9، ص 250؛

لذا آنچه که حلال همه مشکلات و معضلات پیش آمده است این است که همه اقشار و همه طرفداران کاندیداها
ار دستورات رهبری اطاعت کنند زیرا اطاعت از رهبری مقدم بر اطاعت از کاندیدای انتخاباتی است.
اطاعت از رهبر اطاعت از خداست. و باید در این امتحان الهی ثابت کنیم که همیشه و همه جا مطیع ولی فقیه خواهیم
بود. نکنند خدای ناکرده بعضی ها در این امتحان درمورد اطاعت از رهبری دچار لغزش شوند و دیگران را بر رهبر
مقدم بدارند که در این صورت از حزب الهی خارج شده و داخل حزب شیطان می گردند.

امام سجاد فرموده بهشت را به بهانه می دهند. یعنی خدا می خواهد هر طور شده بندگانش به بهشت بروند. زیرا خدا ارحم الراحمین است.

گویند خدا اسماء زیبا و بزرگی دارد که بر رحمت و وسعه اش دلالت می کند. از جمله اسمهای پروردگار، ارحم الراحمین، غفار الذنوب، حنان، کاشف الکروب و غیره است. بهترین جا برای بیان اسمهای خداوند در مورد رحمانیتش یکی قرآن کریم و دیگری در دعای جوشن کبیر است. در قرآن کریم که 114 سوره دارد همه سوره ها با جمله: بسم الله الرحمن الرحیم آغاز می شود. و سوره حمد هم که روزی ده بار در نمازها خوانده می شود در آیه دوم به رحمانیت و رحیمیت خدا اشاره می کند. همچنین سوره ای بنام الرحمن در قرآن کریم وجود دارد و صدها بار خدا به رحمانیت خود اشاره کرده است. توبه پذیری خدا از جمله جلوه رحمت الهی

انه هو التواب الرحیم (بقره 37)

ان الله غفور رحیم (بقره 173)

قل یا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمہ الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحیم (زمر 53)

یکی از درهای رحمت خداوند رحیم، باز گذاشتن در توبه است. انسانهای گناهکار تا زنده هستند فرصت بازگشت و نجات خود را دارند. چه گناهان بزرگ و چه گناهان کوچک. چه برای کسیکه گناهان کمتری انجام داده است. و چه کسیکه مدتهای زیادی را به گناه مشغول بوده است.

وقتی انسان توبه می کند، خدا از او راضی می شود بیشتر از خوشحالی کسیکه اثاثش را گم کرده سپس بعد از مدتی آنرا پیدا می کند.

«پیامبر (ص) فرمود: هر که یکسال قبل از مردنش توبه کند، توبه اش قبول است. سپس فرمود: یکسال زیاد است. کسیکه یکماه قبل از مردنش توبه کند، توبه اش قبول است. سپس فرمود یکماه زیاد است! اگر یک هفته بلکه یک روز بلکه یک ساعت قبل از مردنش توبه کند، توبه او پذیرفته می شود.»

«از امام صادق (ع) در معنای آیه: لیست التوبة للذين يعملون السيئات حتى اذا حضر احدهم الموت قال اِنِّي تُبْتُ الان.

پرسیدند. فرمود: این آیه از آن حالتی سخن می گوید که چشم انسان - از امور دنیا بسته - به امور آخرت باز می شود. در این هنگام است که دیگر توبه فایده ندارد.»

قبول شفاعت واسطه ها در قیامت

شفاعت یعنی: در پایان حساب و رسیدگی به اعمال در روز قیامت، وقتی نامه های اعمال را به دست راست و یا چپ می دهند، وعده ای بهشتی وعده ای جهنمی می شوند، به وساطت و شفاعت بعضیها که در نزد خداوند، قُرب و مقامی دارند، گروهی از جهنمیان، بخشیده می شوند و از رفتن به جهنم، نجات می یابند.

طه 109:

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُاَلرَّحْمٰنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا.

یعنی: امروز شفاعت احدی سود ندارد، مگر کسیکه خدا به او اجازه داده و به سخن او راضی است.

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق، فرمود: بخدا سوگند! در آنروز، بما اجازه داده می شود و جواب می گوییم! سؤال شد: چه جوابی می دهید؟ فرمود: پروردگار را تمجید می کنیم. بر پیامبر (ص) لوات می فرستیم.

و از شیعیانمان شفاعت می کنیم و خدا، شفاعت ما را رد نمی کند.

نجات عده ای از اهل جهنم بعد از مدتی از حضور آنان در جهنم

امام پنجم (ع): بنده ای را بمدت هفتاد خریف که هر خریفی معادل هفتاد سال است، در جهنم عذاب می کنند. سپس آن شخص دعا می کند که: خدایا! بحق محمد و اهل بیتش، بمن رحم کن! خداوند به جبرئیل وحی می کند که: نزد بنده ام فرود آی و او را از جهنم بیرون بیاور! جبرئیل فرود می آید و آن شخص را در حالیکه بر صورت افتاده است، بیرون می آورد. خداوند به او می فرماید: چند مدت در آتش بودی؟ می گوید: نمی توانم مدت آنرا حساب کنم. خداوند می فرماید: بعزت و جلالم سوگند! اگر دعا نمی کردی، بودن تو را در آتش طولانی می کردم. ولی

من بر خود حتم کرده ام که هر شخصی مرا بحق محمد و اهل بیتش، سوگند دهد، او را بیمارزم. و امروز تو را آمرزیدم.

قرار دادن ثوابهای بزرگ در مقابل کارهای ناچیز

رسول خدا (ص) فرمود: هر که برای نماز جماعت، بسوی مسجد برود، برای هر قدم، هفتاد هزار حسنه دارد. و اگر بر نماز جماعت، مداومت کند، خداوند، هفتاد هزار فرشته می فرستد تا در قبر او عبادت کنند و در تنهایی قبر، مونس او باشند و تا روز قیامت، برایش استغفار کنند. 28

- رسول خدا (ص): خدای تبارک و تعالی فرمود: هر کاری که فرزند آدم می کند، از آن اوست مگر روزه که از من است و پاداش آن را من می دهم.
- امام علی (ع): خواب روزه دار، عبادت است و خاموشی او، تسبیح و دعایش، پذیرفته و عملش، دوچندان.

امام صادق (ع) فرمود: هر که چهار حج بجا آورد، هر گز فشار قبر نبیند! و چون بمیرد، خداوند جهای او را در قبر مجسم کند که تا روز قیامت، نماز می خوانند و ثواب آن نمازها برای او باشد. 29

«علی (ع): جبرئیل به پیامبر گفت: هر که انگشتر را در دست راست نماید و منظورش متابعت از سنت تو باشد، اگر در قیامت او را متحیر ببینم، دستش را بگیرم و بتو و علی (ع) برسانم.» 323
آثار تلاوت بعضی از سوره ها در قیامت

کسیکه سوره یونس را در هر دو یا سه ماه تلاوت کند، روز قیامت از مقربین است * کسیکه سوره هود را در هر جمعه قرائت نماید، در قیامت از زمره پیامبران بوده و خطایش پاک می شود. * کسیکه سوره یوسف را در هر روز یا هر شب، تلاوت کند، در قیامت، جمالش مثل یوسف بوده و دچار فزع اکبر نمی گردد. * کسیکه سوره رعد را تلاوت نماید، بدون حساب، وارد بهشت شده و اجازه شفاعت در مورد خانواده و دوستانش را به او می دهند * کسیکه سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند، شهید می میرد و در قیامت با شهداء محشور می شود * کسیکه بر تلاوت سوره مریم مداومت نماید، رو قیامت جزء اصحاب عیسی (ع) محشور شده و پادشاهی سلیمان را به او می دهند *
و همینطور سوره های دیگر.
ثواب زیارت مشهد

امام جواد(ع): کسیکه قبر پدرم را - در مشهد- زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در قیامت تا پایان حساب، منبری بموازات منبر رسول خدا(ص)، برای او قرار می دهند.

اثر علم

رسول خدا(ص): کسیکه یک مسئله یاد بگیرد، روز قیامت، هزار گردنبد از نور بر گردنش می گذارند. «بحار، ج 1»

خوف خدا

رسول خدا(ص): هر که برای خدا و از خوف خدا، گناه نکند، خدا او را در روز قیامت، راضی می نماید.

عصبانیت

پنجم(ع): کسیکه عصبانیت خود را کنترل کند، در حالیکه قدرت بر اعمال خشونت دارد، روز قیامت خداوند دلش را از اطمینان و ایمان پر نماید.

اذان

رسول خدا(ص): کسیکه 40 سال اذان بگوید، روز قیامت، عمل چهل صدیق را به او بدهند. کسیکه 20 سال اذان بگوید، در قیامت نورش باندازه نور آسمان است. کسیکه 10 سال اذان بگوید، با حضرت ابراهیم(ع) در یکجا می باشد. کسیکه 1 سال اذان بگوید، همه گناهانش آمرزیده می شود.

حفظ احادیث

کسیکه 40 حدیث دینی برای اُمّت حفظ کند، روز قیامت در زمره فقهاء و علماء خواهد بود.

همچنین پرده پوشی در مقابل هزاران گناهی که انسان ها در خفا انجام می دهند. از جلوه های رحمت الهی است.

فلولا فضل الله عليكم ورحمته لتنم من الخاسرين (بقره 64)

ربك الغفور ذو الرحمة لو يؤاخذهم بما كسبوا لعجلّ لهم العذاب بل لهم موعد لن يجدوا من دونه موئلاً (كهف 58) راه فراری نخواهند داشت

سنت‌های پیامبر اعظم و اهل بیت عصمت.

سخنان و عملکرد اهل بیت (ع) را به عنوان سنت و سیره می‌شناسند.

از جمله این سنتها:

«پیامبر اسلام (ص): هر که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است و در نصف دیگر باید تقوا پیشه کند.»
«رسول خدا (ص): زنی که قبل از عروسی، مهرش را ببخشد، خداوند برای هر دیناری، ثواب آزاد کردن یک بنده را به او می‌دهد»

«رسول خدا (ص): پدرم ابراهیم (ع) غیور بود و من از او غیورترم. و خدا بینی بی غیرت را بر خاک می‌مالد!»
«امام ششم (ع): عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند»

«رسول خدا (ص): کسی که خداوند به او چهار پسر بدهد و نام برابر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»
«رسول خدا (ص): روزه بگیرد تا سالم بماند و زکات بدنهار، روزه است»
«رسول خدا (ص): شام را ولو با خوردن خرما می‌اندکی، ترک نکنید. بد رستیکه من می‌ترسم امّتم بخاطر ترک کردن شام زود پیر شوند! زیرا شام برای پیر و جوان، قوّت آور است»
«رسول خدا (ص): میوه هارا در اول بیارنشست نشان بخورید که باعث صحّت بدن و دور شدن غمهاست و در آخرشان نخورید که برای جسم مریضی می‌آورد»
«رسول خدا (ص): ما پیامبران، گوشتخوار و طرفدار گوشت می‌باشیم»
«رسول خدا (ص): هر که از طلوع فجر (اذان صبح) تا طلوع آفتاب در محل نماز خود بنشیند، خداوند او را از آتش جهنم حفظ می‌کند»

«رسول خدا (ص): لباس سفید بپوشید که بهترین رنگ است»

«رسول خدا (ص): انگشتر عقیق در دست کنید که تا زمانی که انسان آنرا با خود دارد، غم و اندوهی به او نمی‌رسد»
«رسول خدا (ص): انگشتر عقیق داشته باش که عقیق اولین کوهی ست که به یگانگی خدا و نبوّت من و وصایت تو یا علی! اقرار کرده است»

«رسول خدا(ص): هر که بسفر می رود، در بازگشت برای خانواده اش، هدیه بیاورد اگر چه آن هدیه تکه سنگی باشد

«رسول خدا(ص): داخل بهشت نمی شود مگر افراد تمیز و نظیف

«شیخ مفید فرموده است: پوشاندن سر در هنگام قضاء حاجت، از سنت های رسول خدا(ص) است

«رسول خدا(ص): دو رکعت نماز با مسواک، از هفتاد نماز بدون مسواک بالاتر است.»

«رسول خدا(ص): هر که شارب خود را نچیند از ما نیست!»

«رسول خدا(ص) از میهمانی که مخصوص ثروتمندان باشد و فقرا را به آنجا دعوت نکنند، نهی فرمود.» 382

«رسول خدا(ص): حدّ میهمانی سه روز است و بعد از سه روز، تصدّق و احسان است که نسبت به مهمان می شود!» 383

«رسول خدا(ص): هر خانه ای که مهمان به آنجا داخل نمی شود، ملائکه نیز به آنجا نمی روند.»

«رسول خدا(ص): هر گاه خداوند برای عده ای خیر بخواهد، به آنان هدیه ای می دهد. سؤال کردند: این هدیه

چیست؟ فرمود: مهمان! که با خود رزقش را می آورد و هنگام رفتن، گناهان اهل خانه را با خود می برد!» 400

«رسول خدا(ص): هر گاه شخصی به محلی وارد شد، مهمان مؤمنین آنجاست و باید تا زمانی که آنجا است، او را

ضیافت نمایند.»

«رسول خدا(ص): از علامت احترام گذاشتن به مسلمان آن است که هدیه او را قبول کند و یا به او هدیه دهد

«رسول خدا(ص): کسی که به غیر حق، همسایه اش را اذیت کند، خداوند سکونت در بهشت و بوی آنرا بر وی

حرام نماید.»

«رسول خدا(ص): کسی که به مؤمنی قرض بدهد و بر او سخت نگیرد، مثل این است که زکات داده است و تا ادای

دین بدهکار، ملائکه بر او درود می فرستند

شعارهای عاشورا

برخی از کلمات سید الشهدا «ع» چه در فاصله مدینه تا کربلا و چه در روز عاشورا، دارای پیامهای مؤثر و دیدگاههای الهام بخش برای جهاد و کرامت است. این سخنان یا درضمن خطبه‌ها آمده است، یا رجزها و اشعار آن حضرت، و حالت شعاری به خود گرفته است. می‌توان هدف حسینی و اندیشه‌ها و روحیه‌های عاشورایی را از آنها دریافت و آن فرازهای فروزان را شعارهای نهضت عاشورا دانست. برخی از این شعارها چنین است:

1- نابودی اسلام در شرایط سلطه یزیدی «علی الاسلام السلام، اذ بلیت الامه براع مثل یزید»⁽²⁵⁾ (این را در پاسخ مروان در مدینه فرمود، که از آن حضرت می‌خواست تا با یزید بیعت کند).

2- حرمت بیعت با کسی چون یزید «و الله لو لم یکن ملجا و لا ماوی لما بایعت یزید بن معاویه»⁽²⁶⁾ (در پاسخ برادرش محمد حنفیه فرمود).

3- شرافت مرگ سرخ بر زندگی ذلت بار «انی لا اری الموت الا سعادة و الحیاء مع الظالمین الا برما»⁽²⁷⁾ (خطاب به یارانش در کربلا).

4- اندک بودن انسانهای راستین در صحنه امتحان «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم یحوطونه مادرت معایشهم فاذا محصوا بالبلاء قل الدیانون»⁽²⁸⁾ (در مسیر رفتن به کربلا در منزلگاه ذی حسم).

5- لزوم شهادت طلبی در عصر حاکمیت باطل «الا ترون ان الحق لا یعمل به و ان الباطل لا یتناهی عنه؟ فلیرغب المؤمن فی لقاء ربه محقا..»⁽²⁹⁾ (در کربلا خطاب به اصحاب خویش فرمود).

6- زینت بودن شهادت برای انسان «خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاه»⁽³⁰⁾ (از سخنرانی امام حسین «ع» در مکه پیش از خروج به سوی کوفه، در میان جمعی از خانواده، یاران و شیعیان خویش).

7- تکلیف مبارزه با سلطه جور و طغیان «من رای سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله، ناکثا عهده مخالفا لسنه رسول الله یعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان فلم ینغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله»⁽³¹⁾ (در منزلگاه بیضه، در مسیر کوفه، خطاب به سپاه حر).

8- اوصاف پیشوای حق «ما الامام، الا العامل بالکتاب و الآخذ بالقسط و الدائن بالحق و الحابس نفسه علی ذات الله»⁽³²⁾ (امام این صفات امام راستین را در پاسخ به دعوتنامه‌های کوفیان نوشت و توسط مسلم بن عقیل به کوفه فرستاد).

9- مردن در راه حق عار نیست. «سامضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا ما نوى حقا و جاهد مسلما»⁽³³⁾ (شعر از دیگری است، اما امام حسین «ع» آن را در پاسخ به تهدیدهای حر، در مسیر کوفه خواند).

10- تسلیم و رضا در برابر خواسته خداوند «رضی الله رضانا اهل البيت، نصبر علی بلائه و یوفینا اجر الصابرين»⁽³⁴⁾ (در خطبه‌ای که هنگام خروج از مکه ایراد نمود، خطاب به اصحاب و یاران فرمود).

(در آستانه خروج)⁽³⁵⁾ از مکه به سوی کوفه فرمود و راه خونین و آمیخته به شهادت را ترسیم فرمود).

12- هدف از قیام اصلاح است نه تخریب! «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی»⁽³⁶⁾ (در وصیت نامه سید الشهدا «ع» به برادرش محمد حنفیه آمده است که قبل از خروج به سوی مدینه نوشت).

13- حرمت ذلت پذیری برای آزادگان و فرزندگان مؤمن «لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا اقر اقرار العبید» [لا افر فرار العبید]⁽³⁷⁾ (درسخنرانی صبح عاشورا، خطاب به نیروهای دشمن فرمود، که خواستار تسلیم شدن آن حضرت بودند).

14- «یهیات منا الذلّة، یابی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون...»⁽³⁸⁾ (در خطاب به سپاه دشمن فرمود، پس از آنکه خود را سر دوراهی ذلت و شهادت محیر دید).

15- «فهل هو الا الموت؟ فمرحبا به»⁽³⁹⁾ (در پاسخ عمر سعد، که نامه‌ای به آن حضرت فرستاد و خواستار تسلیم شدن بود).

16- پل بودن مرگ برای عبور به بهشت برین «صبرا بنی الکرام، فما الموت الا قنطرة تعبر بکم عن البؤس و الضراء الى الجنان الواسعة و النعیم الدائمة»⁽⁴⁰⁾ (خطاب به یاران فداکار خویش در صبح عاشورا، پس از آنکه تعدادی از اصحابش شهید شدند).

(که روز عاشورا هنگام پیکار با⁽⁴¹⁾ سپاه دشمن به عنوان رجز حماسی می‌خواند و شهادت را بر ننگ تسلیم، ترجیح می‌داد).

18- «موت فی عز خیر من حیاة فی ذل»⁽⁴²⁾ (که مرگ سرخ، به از زندگی ننگین است).

19- افراد بی دین می‌توانند لا اقل آزادمرد باشند. «ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احرارا فی دنیاکم»⁽⁴³⁾ (در آخرین لحظات پیش از شهادت، وقتی شنید سپاه کوفه به طرف خیمه‌های حرم او حمله کرده‌اند، خطاب به پیروان ابو سفیان چنان فرمود).

20- یاری خواهی از همه و همیشه در راه احقاق حق «هل من ناصر ینصر ذریته الاطهار؟»⁽⁴⁴⁾ «هل من ذاب ینذب عن حرم رسول الله؟»⁽⁴⁵⁾ (وقتی سید الشهدا «ع» این نصرت خواهی و استغاثة را بر زبان آورد که همه یاران و بستگانش شهید شده بودند).

اولین اربعین شهدای کربلا

در راه بازگشت اهل بیت به مدینه سر راه به کربلا رفتند و در اربعین طبق قول مشهور بر بالای مزار شهداء کربلا به عزاداری پرداختند و چند روز در کربلا بودند.

جابر بن عبدالله انصاری اولین زائر امام حسین (ع) نیز در کربلا در اربعین حضور داشت و روضه ای به این شرح دارد:

عطیه غلام جابر می گوید: وقتی به کربلا رسیدیم، جابر که از دو چشم نابینا بود فرمود: مرا به کنار فرات ببر تا غسل کنم. جابر غسل کرد و از بوی خوش استعمال کرد و فرمود: مرا به طرف قبر حسین (ع) ببر. در راه مرتب ذکر و تسبیح می فرمود وقتی بهوش آمد، سه بار فرمود: یا حسین، یا حسین، یا حسین بعد خطاب به امام حسین (ع) گفت: چرا دوست جواب دوست را نمی دهد، سپس با خود گفت: چگونه حسین (ع) جواب بدهد در حالیکه بین سرو بدنش فاصله شده است.

اهل بیت در مدینه

هنگامی که کاروان غم و اندوه اهل بیت به نزدیک مدینه رسید. امام سجاد (ع) دستور دادند که در همان محل اقامت کنند و به بشیر فرمود: ای بشیر خدا رحمت کند پدرت را که شاعر بود. آیا تو هم شعر می گوئی؟ بشیر گفت: بلی یا بن رسول الله. امام فرمود: داخل مدینه شو و خبر شهادت ابا عبدالله را با زبان شعر برای مردم بگو. بشیر میگوید: سوار اسبم شده و با سرعت وارد مدینه گشتم. وقتی به مسجد رسول الله رسیدم، صدایم را به گریه بلند کردم و گفتم:

یا اهل یثرب لا مقام لكم - قتل الحسین فادمعی مدارا را

ای مردم مدینه جان ماندن نیست - زیرا حسین کشته شد و من پی در پی اشک می ریزم

الجسم منه بکربلا مفرج - والرأس منه علی القناه یدار

بدنش بر روی خاک کربلا افتاد - و سر مبارکش بر سر نیزه از این شهر به آن شهر چرخانده می شود.

آنگاه گفتم: این امام سجاد است که با عمه ها و خواهرانش به منطقه مدینه آمده و من فرستاده اویم و جای آنان را به شما نشان می دهم. در مدینه زن پرده نشین باقی نماند مگر آنکه از پرده های خود بیرون آمده و خراشیده

روی بر صورتهای خود لطمه می زدند و صدای خود را به واویلا و امصیبتاه بلند نمودند و در هیچ روزی مردم را چنین گریان و نالان ندیده بودم.

مردم با شتاب بطرف محل امام سجاد حرکت کردند و قتیکه رسیدند دیدند امام از خیمه بیرون آمد و دستمالی در دست داشت که اشکهایش را پاک می نمود و صندلی برای حضرت نهادند و آن بزرگوار بر روی آن نشست در حالی که نمی توانست از گریه کردن خودداری کند. پس صدای شیون و ناله مردم بلند شد همه مردم به حضرت تسلیت می گفتند.

حضرت بسوی مردم اشاره ای کرد که ساکت شوید. جوش و خروش مردم فرو نشست.

آنگاه حضرت پس از حمد الهی فرمود:

((ای مردم بدرستی که خدایی که برای او حمد است ما را امتحان نمود به مصیبتهای بزرگ و شکافی در اسلام که عظیم است. حسین و عترتش کشته شدند و زنانش اسیر گردیدند و سرش را در شهرها بر بالای نیزه چرخاندند. و این مصیبتی است که مثل آن هرگز نیست. ای مردم کدام یک از مردان بعد از قتل حسین شاد می شود و کدام دلی است که به خاطر او غمگین نباشد و کدام چشمی است که برای حسین نگرید. که آسمانها به پایه هایشان و زمین با مناطق خود و درختان با برگهای خود و ماهیان دریا و ملائکه مقربین و اهل آسمانها همه برای حسین گریه کردند. ای مردم کدام دل و قلبی است که برای مصیبت حسین پاره نشود؟

پس انا لله و انا الیه راجعون از مصیبتی که چقدر بزرگ است و دردناک است و دردآمیز است و سختی آورنده و برنده و تلخ و گران است. ما از خدا پاداش خود را می خواهیم برای این مصیبتها که خدا صاحب انتقام بزرگ است)).

در مدینه تا چند روز عزاداری بود. امالبنین مادر ابوالفضل بسوی قبرستان بقیع می رفت و مشغول ناله و زاری می شد و می فرمود:

به من دیگر ام البنین نگوئید- زیرا مرا بیاد شیران بیشه می اندازد- یک زمانی پسرانی داشتم- ولی الان دیگر پسری ندارم که به آنها ادعا کنم- ای کاش می دانستم همانطوریکه بمن گفته اند- دست عباس را قطع کردند؟- و به من رسیده که بر سر عمود آهنین زدند

ای عباس اگر شمشیرت در دست بود چه کسی میتوانست بتو نزدیک شود؟

قیام مردم مدینه

مجالس عزا ادامه داشت و مردم مدینه همزبان و همدل می گفتند: یزید با فرمان خدا مخالفت کرده و اطاعت او واجب نیست.

وقتی این خبر به یزید رسید نمایندگانی از مدینه طلبیده و بخیال خود نفری پنجاه هزار دینار به آنها بخشید. اما وقتی نمایندگان برگشتند، گفتند: ما از نزد فاسقی می آئیم که شراب می نوشد و نماز نمی خواند و در پی شهوات است و در مجلس او طنبور می زنند و کنیزکان آواز می خوانند. مردم مدینه با شنیدن این مسائل و برهبری عبدالله بن حنظله که او را از کثرت زهد راهب امت می خواندند، شوریدند و حاکم یزید را از شهر بیرون راندند. عبدالله بن حنظله به مردم گفت:

ای مردم از خدا بترسید. بخدا قسم ما بر علیه یزید قیام نکردیم مگر موقعی که ترسیدیم از آسمان سنگباران شویم. یزید مردی است که از هم بستر شدن با مادران و خواهران و دختران ابا ندارد، شراب می نوشد و نماز نمی خواند. بخدا قسم اگر یکنفر هم مرا یاری نکند باز بر یزید خواهم شورید و از قیام برای خدا دست نخواهم کشید.

جنايات یزید در مدینه

یزید مردی آدمکش و جنایتکار بنام مسلم بن عقبه را برای سرکوب مردم مدینه فرستاد و او مأمور بود که از مردم سوگند بگیرد که با یزید بیعت کنند و پیمان بندند که بنده و برده او باشند تا هر چه دلش می خواهد (در خون و مال ناموس) ایشان انجام دهد والا تا سه روز، قتل و غارت و ناموس مردم مدینه برای سپاهیان او حلال باشد. مردم قبول ننمودند و جنگی در گرفت و مردم مدینه شکست خوردند و مسلم بن عقبه به مدینه حمله کرد و تا سه روز شهر را برای سپاهیانش آزاد کرد و در این مدت ده هزار نفر از مردم 1700 نفر از انصار کشته شدند و به صدها زن تجاوز شد..

سال بعد چند هزار کودک نامشروع در مدینه حاصل این جنایات متولد شد.

بعد از مدتی عبدالله بن زبیر برای رسیدن به خلافت در مکه علیه یزید قیام کرد و یزید مسلم بن عقبه را مأمور از بین بردن او کرد ولی در راه قبل از اینکه بمکه برسد به هلاکت رسید یزید شخص دیگری را مأمور محاصره مکه کرد و قصد آتش زدن و ویران کردن مکه را داشت لذا دستور داد که منجنیق در اطراف مکه نصب کنند و مکه را سنگ باران نمایند اما در سال 64 بعد از 4 سال خلافت به هلاکت رسید. لذا محاصره مکه شکسته شد و سپاهیان شام برگشتند.

مرگ یزید

یزید در سال چهارم خلافت خود، در شکار کشته شد و با پرونده ای ننگین به هلاکت رسید

شورش در کوفه و قیام توابین

در زندان ابن زیاد در کوفه 4500 نفر که اکثرا از توابین بودند وقتی خبر مرگ یزید را شنیدند مردم به زندانها حمله کردند و این زندانیان را آزاد نمودند. همچنین به خانه ابن زیاد حمله کرده و غلامان او را کشتند و اموالش را غارت کردند. ابن زیاد وقتی خبر قیام مردم کوفه را شنید به طرف شام فرار کرد!

چون معاویه فرزند پرهیزکار یزید پس از چهل روز از خلافت استعفاء داد و عمل پدرش را محکوم می دانست. بزرگان شام مروان بن حکم را به خلافت انتخاب کردند و در این هنگام ابن زیاد به دمشق رسید.

مروان، ابن زیاد را با سیصد هزار شامی بطرف عراق فرستاد و پیش قراولان ابن زیاد با صد هزار نفر با یاران سلیمان بن صرد درگیر شدند و جنگ سختی رخ داد و بعد از کشته شدن عده زیادی از شامیان و یاران سلیمان، همگی توابین در حالیکه می گفتند یا لثارات الحسن ای خونخواهان حسین، بشهادت رسیدند.

قیام مختار بن ابو عبیده ثقفی

مختار در سال 66 بعد از شهادت سلیمان بن صرد خزاعی قیام نمود و بعد از اینکه عده زیادی به او پیوستند حاکم کوفه شد و در جنگ سختی که با ابن زیاد نمود، هشتاد هزار نفر از یاران ابن زیاد را کشتند و ابن زیاد دستگیر شد. و ابراهیم خنجر را بر حلقش گذاشته و سر او را گوش تا گوش برید و صدا می زد یا لثارات الحسین و بعد جسدش را آتش زده و سر او را برای امام سجاد (ع) فرستاد.

وقتی سر را برای حضرت آوردند حضرت سر سفره بودند پس سجده شکری کرده و لباس عزا را از تن خدام و اهل بیت خود در آوردند. مختار به دستگیری قاتلین امام حسین (ع) و یارانش و کلیه کسانی که در لشکر عمر بن سعد بودند پرداخت و عده زیادی از آنها را دستگیر و پس از دستگیری آنها را با شکنجه می کشت زیارت امام حسین در اربعین همه ساله انجام می شده است ولی بعد از سقوط صدام، این زیارت تبدیل به حماسه شده است و میلیونها نفر در پیاده روی اربعین شرکت می کنند.

:کمال احمدی طی یادداشتی با عنوان «۶ قطره از اقیانوس بی کران حماسه اربعین» در روزنامه کیهان نوشت

1- بی شک مهم ترین نکته درباره حماسه اربعین امسال در عراق حضور اعجاب انگیز و شور آفرین ده ها میلیون

عاشق امام حسین (ع) لیه السلام از اقصی نقاط جهان در مسیر پیاده روی نجف به کربلا بود. در این حضور

معجزه گون که پس از دوسال وقفه کرونایی شکل گرفت زنان و مردان، پیران و جوانان و کودکانی از عراق، ایران، نیجریه، هند، پاکستان، افغانستان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، کویت، لبنان، برخی کشورهای اروپایی و خلاصه جمعیتی پرشمار از حدود ۸۰ کشور دنیا طبق آمارهای رسمی گردهم آمدند. استاندار کربلا، مراسم اربعین امسال را بزرگ‌ترین مراسم در طول تاریخ برپایی اربعین تا به امروز دانست و آستان مقدس حضرت عباس علیه‌السلام نیز شمار زائران اربعین امسال را براساس سامانه شمارش الکترونیک نصب شده در ورودی‌های شهر کربلای معلی، ۲۱ میلیون و ۱۹۸ هزار و ۶۴۰ نفر اعلام کرد که در مقایسه با سال پیش پنج میلیون افزایش داشت.

شکوه این حماسه بی نظیر آن قدر عظیم و رفیع است که هرگز نمی‌توان مشابهی در عالم برای مقایسه با آن پیدا کرد. نگارنده این سطور امسال توفیق زیارت خانه خدا و انجام حج واجب را هم داشته است به عنوان نمونه کافی است بدانیم رژیم سعودی با وجود تجربه ده‌ها ساله در برگزاری مناسک حج هنوز قادر نیست از پس میزبانی ۳ میلیون زائر بریاید و هر ساله با انواع و اقسام بهانه‌ها به دنبال کاهش تعداد حجاج است نظیر بهانه‌ای که امسال علم کرد و میلیون‌ها چشم انتظار بیت‌الله‌الحرام را به جرم اینکه سنشان بالای ۶۵ سال است از رفتن به حج محروم کرد! اما در پیاده‌روی اربعین سن و سال معنا ندارد پیرمرد ۸۰-۹۰- ساله در کنار کودک ۴-۳ ساله یا حسین گویان به سمت حرم ارباب بی کفن طی طریق می‌کنند و رسم عاشقی را به جهانیان می‌آموزند.

2- حماسه اربعین نشان داده امت واحده جهان اسلام به خوبی می‌تواند پروژه غربی‌ها برای تفرقه میان مسلمانان و حتی جدایی میان مسلمانان با غیرمسلمانان را که با پوشش شیک «دولت-ملت» طراحی و اجرا کرده‌اند به حاشیه ببرد. اینکه جمعیتی از ۸۰ کشور جهان یکدل و یکصدآهنگ رسیدن به کربلای معلی را دارند و در این مسیر عاشقانه بدون توجه به رنگ و نژاد و زبان از هیچ محبت و خیری نسبت به هم دریغ نمی‌کنند نمای زیبایی از شکل جهان در عصر ظهور است. علاوه بر این، اتحاد و یکپارچگی همه مشتاقان امام حسین (ع) لیه‌السلام اعم از شیعه و سنی و حتی مسیحیان و ارمنی‌ها که در پیاده‌روی اربعین دوشادوش دیگران حرکت می‌کردند به وضوح نشان داد ملت‌ها ضمن احترام به مرزهای جغرافیایی یکدیگر می‌توانند مشترکات معنوی خویش را افزایش داده و دشمن مشترک را در اجرای طرح‌های تفرقه‌آمیز ناکام سازند. امسال مداحی عربی زیبایی با لهجه عراقی از موکب‌ها پخش می‌شد که بخش‌هایی از آن دقیقاً براین نکته یادداشت اشاره دارد: الی‌الله.. الی‌الله (به سوی خدا، به سوی خدا) اجت کل هویه صابئیه والمسیحین (تمام هویت‌ها آمدند؛ از صائبی تا مسیحی) تشوف الطوائف

بالمواقف تعشک حسین (در موقعیت‌های مختلف طوایف مختلف را که عشاق حسینند می‌بینی) تره الازدیه
والسنه..مشی لحسین تتعنه (ایزدی‌ها و سنی‌ها با وجود مسافت‌های دراز، راهی می‌شوند) تشوف بکربله الجنه یسید
(الجنه) تا در کربلا، آقای بهشت را ببینند

3- گرمای ۵۰ درجه عراق ویژگی خاصی به پیاده‌روی اربعین امسال داده بود. تا پیش از این، تجربه پیاده‌روی‌های
قبل‌ی نجف تا کربلا عمدتاً در فصل پاییز و هوای نسبتاً متعادل انجام می‌شد اما امسال برای اولین بار، پیاده‌روی باید
در فصل گرمای عراق انجام می‌شد و لذا تا قبل از حضور در مراسم، گمان می‌کردم در اواسط روز که گرما به
حد اعلای خود می‌رسد کمتر زائری حاضر به پیاده‌روی در حول و حوش ظهر باشد اما آنچه به عینه دیدم دقیقاً
برخلاف تصورم بود هرچقدر گرمای هوا در مسیر پیاده‌روی شدیدتر می‌شد شور و شوق زوار سیدالشهداء
علیه‌السلام برای حرکت در مثایه افزون‌تر می‌گشت و این معنایی نداشت جز اینکه دلدادگی عاشقان امام حسین
(ع) لیه‌السلام گرما و سرما نمی‌شناسد. به قول شاعر عراقی، مصطفی العیسای که امسال زیبا سرود: الحسین، جنه
الحسین... (حسین؛ حسین ما را مجنون کرد) مجانین، اعقل مجانین بالحسین (دیوانه‌ایم؛ عاقل‌ترین دیوانگانِ
حسین)

4- خدمت خالصانه و بی‌دریغ برادران و خواهران عراقی به میلیون‌ها زائر حسینی (ع) جلوه دیگری از اعجاز الهی
اربعین امسال بود. البته این خدمت مخلصانه در سال‌های قبل هم انجام می‌شد اما شاید امسال همزمان با افزایش
گرمای هوا درجه این خدمت بی‌ریا و شورانگیز نیز به مراتب بیش از گذشته شده بود. از نقطه صفر مرزی و از
زمانی که پا در خاک عراق می‌گذاشتی مواکب عراقی‌ها در خدمت زوار سیدالشهداء بودند و تا اقصی نقاط
عراق این خادمی ادامه می‌یافت. این خوبان هرآنچه در توان داشتند را عاشقانه نثار زائران می‌کردند از انواع واقسام
خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها گرفته تا التماس به زوار برای اینکه شب را در منزلشان استراحت کنند. متأسفانه در
فضای بی‌در و پیکر مجازی کشورمان برخی افراد سعی داشتند موضوع میزبانی عراقی‌ها از زائران اربعین را
به گونه‌ای دور از واقعیت جلوه دهند اما در عراق همه امکانات در مواکب‌ها موجود بود. در این مواکب‌ها سه
شیفته از زوار پذیرایی می‌شد و خادمین به فکر خودشان نبودند. مثلاً اگر زائری نیمه‌شب به موکبی در فلان نقطه
عراق می‌رسید بازهم می‌توانست از نوشیدنی‌ها و خوراکی‌ها بیاشامد و بخورد. خدمات‌دهی آنجا کاملاً مردمی و
هیئتی بود. معروف است که مردم عراق رزق یک ساله خود را از کمک به زوار اربعین می‌گیرند و توفیق خدمت
به زائران حسینی (ع) را بالاترین رزق خود می‌دانند. برای همین هم سعی دارند در خدمت به زائران اربعین از هم

پیشی بگیرند. در هر جایی که زائران اربعین حسینی باشند، عراقی‌ها با جان و دل پای کار می‌آیند. برایشان هم فرقی ندارد این زائر اربعین از کجا آمده و اهل کجاست یا به چه زبانی صحبت می‌کند. مهم این است که زائر اربعین امام حسین (ع) لیه‌السلام است. البته این رفتار عراقی‌ها چندسالی است به الگویی برای مردمان سایر کشورها تبدیل شده و امسال مواکب ایرانی‌ها، هندی‌ها، پاکستانی‌ها، کویتی‌ها و حتی مظلومان شیعه نیجریه دیدنی شده بود.

5- یک ویژگی بارز پیاده‌روی اربعین امسال که شاید در گذشته تا این حد بروز و ظهور نداشت افزایش تصاویر چهره‌های مقاومت و خصوصا فرماندهان شهید، حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در بسیاری از نقاط عراق بود. حتی در برخی مواکب و در طول مسیر پیاده‌روی تعدادی از جوانان با دردست گرفتن تصاویر این دوشهید عزیز شعرهای حماسی را باهم فریاد می‌زدند و رنگ و بوی تازه‌ای به راهپیمایی اربعین می‌دادند. شاید آمریکایی‌ها با ترور این سرداران مقاومت خیال می‌کردند به هدف زده‌اند و دیگر نامی از اینان در عراق نخواهد بود اما اربعین امسال نشان داد واقعا دشمنان مقاومت چقدر احمقند. چراکه تا پیش از شهادت حاج قاسم و ابومهدی شاید بسیاری از مردم عراق و کشورهای دیگر حاضر در پیاده‌روی، اساسا شناخت چندانی از این سرداران نداشتند اما با شهادت این عزیزان، اغراق نیست اگر بگوییم هر مواکب با نصب تصاویر این شهدا به سنگری برای تبلیغ مقاومت تبدیل شد.

6- حضور بالای اربعین اولی‌ها نکته دیگر پیاده‌روی امسال بود. دختران و پسرانی که برای نخستین بار و با وجود همه سختی‌های پیاده‌روی اربعین پای در این مسیر عاشقی گذاشته و با انرژی زائد الوصفی به سمت حرم ارباب می‌شتافتند مهر باطلی بر گزافه‌گویی کسانی زدند که مدام نق می‌زنند جوانان از دین و ارزش‌های دینی فاصله گرفته‌اند! اربعین امسال چه در عراق و چه در ایران نشان داد چقدر جوانان ما عاشق دین و مظهر کاملش امام حسین (ع) لیه‌السلام هستند. علاوه بر این، کودکان و نوجوانان هم تلاش داشتند در پیاده‌روی اربعین به سهم خودشان نقشی ایفا کنند از کشیدن نقاشی‌های معنادار درباره مصایب اهل بیت گرفته تا «لبیک یا حسین» گفتن‌های در طول مسیر و آب دادن به زوار که همگی تصاویر زیبایی از عشق روزافزون آحاد ملت‌ها به دین و ارزش‌های دینی است.

بدیهی است که شرح این عشق شورانگیز از دایره توان زبان و قلم بیرون است و این وجیزه فقط اندکی از بسیارها و قطره‌ای از دریاهاست.

اهمیت مراسمات حسینی

حماسه حسینی در طول زمان تبدیل به فرهنگ گردید و در انسان سازی نقش مهمی ایفا نمود. اینکه به ما سفارش نموده اند تا در طول سال به نام حسین (ع) مراسم داشته باشیم زیرا این مراسمات و روضه خوانی ها و زیارت عاشوراها انسان ساز است. پیامبر اسلام (ص) به فاطمه زهرا فرمودند: زنان امت من بر زنان اهل بیت من گریه می کنند و مردان ایشان بر مردان اهل بیت من گریه خواهند کرد و همه ساله دسته به دسته عزادار خواهند نمود. موقعی که روز قیامت شود تو زنان و من مردان ایشان را شفاعت خواهیم کرد. هر کس در عزای حسینم گریه کند ما دست او را می گیریم و داخل بهشت می نمائیم. ای فاطمه فردای قیامت هرچشمی گریان است مگر آن چشمی که در مصیبت حسین گریه کند آن چشم است که در آن روز به وسیله نعمت های بهشتی روشن و خوشحال گردد. اصرار بر برگزاری این مراسمات برای این است که هر که حسینی شد دیگر تسلیم ابرقدرت ها و زورگویان نمی شود البته کسانی مانند دفتر تحکیم وحدت که حماس و مقاومت را محکوم می کنند حسینی نیستند بلکه یزیدی هستند آنها می خواهند ملت ایران مانند زمان طاغوت تسلیم مستکبرین باشد. اینها ستون پنجم دشمن هستند و ما از مسئولین می خواهیم با اینها برخورد نمایند.

— «امام صادق (ع): هر چیزی برای او اجری است غیر از گریه بر سیدالشهداء که اجر او محدود نیست!»

— «امام صادق (ع): هر که در مصیبت حسین، شعری بگوید و بگرید و بگریاند، خدا او را می آمرزد و بهشت را برای او واجب می کند.»

امام رضا (ع) فرمود: حادثه عاشورا اشک ما را روان ساخت و خون از چشم ما جاری کرد و عزیز ما را در سرزمین کربلا خوار ساخت و تار و زیامت برای ما غم و غصه به میراث گذاشت

در زمان رضاخان که روزه خوانی ممنوع شده بود، در روز تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به مسجد جامع آمدند که که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند و می گفتند باید از وزارت فرهنگ اجازه بگیرید.

در این حال آیت الله شاه آبادی، خطاب به آقای سید علی اصغر آل احمد که صدای خیلی خوبی هم داشت، فرمودند که ((زیارت عاشورا را بخوان!

مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و در اثر آن صدای گریه و ضجه عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد. بعد هم آیت الله شاه آبادی خطاب به مأمورین رضا خان گفتند به آن مرد قلدر چاروادار بگو که مانع عزاداری مردم نشود و به وزیر فرهنگ هم بگوید که در وزارت فرهنگش را ببندد. اینجا وزارت فرهنگ ماست.))

یا اینکه آیه الله حائری یزدی هر روز قبل از درس چند دقیقه روزه خوانی را مأمور کرده بود تا مرثیه بخواند زیرا این برنامه ها انسان سازی می نماید.

ما می بینیم که علماء ما به برگزاری این مراسمات خیلی اهمیت می دادند و در شهرهایی که این برنامه ها فراوان اجرا می شود وضع دینی و فرهنگی آن مناطق بهتر است. در بعضی از مناطق بعد از نماز صبح منبری منبر می رود و مردم به سخنرانی گوش می دهند. در بعضی از شهرها افراد صبح زود روزه می گیرند و بانی خود و خانواده همه زمینه روزه خوانی و سپس دادن صبحانه را مهیا می کنند.

چرا افراد این کار را انجام می دهند و این زحمتهارا متحمل می شوند؟ زیرا سفارش دین است. سفارش امام صادق است. روش علمای بزرگ است. زیرا آثار مثبت دنیوی و اخروی دارد.

مرحوم حسنعلی نخود کی اصفهانی ہر سال یک دہہ روضہ خوانی در منزل خود برگزار می کرد و برای امام حسین خیلی گریہ می کرد. وقتی از دنیا رفت. یکی از وارستگان او را در خواب دید و حالش را جو یا شد.

گفت وقتی شب اول قبر شد نکیر و منکر برای سوال آمدند و من سوالات آنها را پاسخ می دادم تا اینکه از امامان پرسیدند و من نام آنها را بردم وقتی به نام حسین (ع) رسیدم بی اختیار گریہ کردم. آن دوفرشته نیز منقلب شدند و گریہ کردند. سپس به ہم گفتند او را تنها بگذاریم کار این آقا با حسین است دیگر نیاز به سوال کردن نیست.

مگر می شود کسی حسینی باشد و در دنیا و آخرت عزیز نباشد. کسانی کہ جزو عاشقان حسینی هستند، اعمالشان نیز خوب می شود.

آنهائی کہ ہر روز زیارت عاشورا می خوانند بعید است کہ دیگر دنبال کار خلاف بروند. آنهائی کہ خود را خدمتگذار حسین می دانند دیگر آلودگی پیدا نمی کنند.

ہمانند اصحاب بزرگوار حسین کہ در میان آنها افراد آلودہ ای وجود نداشت و ہمہ انسانہای والائی بودند. پس باید برای بالا بردن فرهنگ دینی شهرستان افراد بہ برگزاری مراسمات حسینی در طول سال نہ فقط دہہ اول محرم اہمیت بدهند و در این راہ سرمایہ گذاری کنند. پول خرج کنند و افتخار کنند کہ در منزل خود ہر سال یک دہہ یا کمتر بیشتر مراسم بہ نام امام حسین (ع) برگزار می شود.

اگر ہر خانوادہ ای در سال یک دہہ مراسم برگزار نماید ما شاہد برگزاری صدہا مراسم حسینی ہستیم کہ آثار و برکاتش نصیب مردم خوب این شهرستان می شود. آنوقت مردم دین شناس می شوند. منکرات پایین می آید. سطح فرهنگی شہر بالا می رود.

آیہ اللہ العظمیٰ نجفی مرعشی: یکشب عاشورا من و امام خمینی تا صبح در حجرہ سینہ می زدیم.

ابو عمارہ مداح می گوید: روزی بہ خدمت امام ششم رفتم حضرت فرمود کہ شعری چند در مرثیہ حسین (ع) بخوان چون شروع کردم حضرت فرمود: بہ آن روشی کہ پیش خود می خوانید و نوحہ می کنید بخوان چون خواندم حضرت بسیار گریست و صدای گریہ زنان آن حضرت نیز از پشت پردہ بلند شد. چون فارغ شدم

حضرت فرمود: هر که شعری در مرثیه حسین(ع) بخواند و پنجاه کس را بگریاند بهشت بر او واجب می گردد و هر کسی سی کس را بگریاند بهشت بر او واجب می گردد تا رسید به اینجا که فرمود هر کس که مرثیه بخواند و خود بگرید بهشت بر او واجب می گردد و هر کس که خود را به گریه زند بهشت بر او واجب است.

امام صادق(ع) به مردی بنام مسمع فرمود: ای مسمع تو از مردم عراقی آیا قبر حسین را زیارت می کنی؟ گفت: نه من در بصره معروفم و دشمنان ما زیادند بیم دارم از من در نزد خلیفه سعایت کنند.

حضرت فرمود: آیا مصائب حسین را یاد می کنی؟

گفت: آری فرمود و گریه می کنی؟ گفت: آری به خدا قسم از چشمانم اشک می ریزد اهل خانه ام اثر اندوه را در صورت من مشاهده می کنند و یاد مصائب امام حسین(ع) مرا از طعام خوردن باز می دارد.

حضرت فرمود: خدا اشک چشمت را رحمت کند. بدان تو از جمله شیعیانی هستی که برای ما ناله می کنند در

شادی ما شاد و در اندوه ما انده‌گین و در ترس ما ترسان و در ایمن ما ایمن می شوند وقت مردن پدران مرا

خوهی دید که حاضر شوند و درباره تو به عزرائیل توصیه فرمایند

درباره پیامبر شناسی

خانم مسیحی گفت: همسر من و پدر و مادرش مرا دعوت به اسلام می کنند در حالیکه من از مسیحیت بدی ندیده ام تا دین خود را عوض کنم؛ من زنی پاکدامن و متدین هستم و کتاب مقدس را هم خوانده ام، و به کلیسا هم می رفته ام، خانواده ما همگی متدین و مقید هستند، آیا به نظر شما لازم است که من دین خود را ترک نموده وارد اسلام شوم؟ و چرا باید این کار را انجام دهم؟

سپس گفت: اگر شما منزل زیبایی داشته باشید و عیب و نقصی هم در آن نباشد آیا منزل خودت را تبدیل می کنی؟

به او گفتم: من نمی خواهم که شما دین خودت را ترک کنی؛ بلکه شما را دعوت می کنم که به زیباییهای دینت زیبایی دیگری بیفزایی که آن زیبایی اسلام باشد، همانگونه که من از شما نمی خواهم که خانهات را عوض کنی بلکه من از شما می خواهم که بر خانهات یک طبقه دیگر اضافه کنی تا از استراحت بیشتر و هواخوری و نور بهتری بهره مند شوی.

مثال مسیحیت و اسلام مانند دوره متوسطه و دوره دانشگاه است لذا، من شما را دعوت می کنم که پس از اتمام دوره متوسطه با ورود به دانشگاه تحصیلات خود را کامل کنید.

گفت: چگونه من سخن شما را تصدیق کنم با اینکه من از همان ابتدای کودکی در خانه و در مدرسه و در هر اجتماعی شنیده ام که اسلام دشمن مسیحیت است؛ و محمد دشمن مسیح است، و مسلمین دشمنان مسیحیان می باشند؟

گفتم: آنچه را که از ابتدای کودکی شنیده اید درست برعکس است؛ زیرا اسلام دوست مسیحیت است، به دلیل اینکه قرآن کریم می فرماید: (قولوا آمنا ب الله و ما انزل الینا... و ما اوتی موسی و عیسی بگوئید بخدا ایمان آوردیم، و به آنچه بر ما نازل شده... و آنچه را موسی و عیسی آورده است ایمان داریم) (1) ما المسيح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل و محمد دوست حضرت مسیح است زیرا قرآن مجید

می‌فرماید: (حضرت مسیح بن مریم نبود مگر رسول خدا که پیش از او پیامبران آمده‌اند)(2) و مسلمانان دوستان مسیحیان هستند به دلیل این آیه:

(ولتجدن اقربهم مودة للذين آمنوا الذين قالوا انا نصارى و نزدیکتر از همه مردم بدوستی مؤمنان کسانی را خواهی یافت که گویند ما نصاری هستیم)(3).

آیا بعد از دیدن این آیات صریح قرآنی آنچه را که شنیده‌ای درست است؛ یا آنچه را که هم اکنون می‌شنوی؟

گفت: اینک سخن شما را تصدیق کردم زیرا از خود قرآن برای من شاهد آوردید، اگر از خود قرآن شاهد نداشتید می‌گفتم: این بیانات برای آنستکه مرا به اسلام سوق دهید، و این سخنان در واقع اساسی ندارد، حال برای من روشن کنید تا بفهمم که اسلام پس از مسیحیت چگونه به منزله دوره دانشگاه بعد از دوره متوسطه است؟

گفتم: شما خود مسیحی هستید، و خوب می‌دانید که مسیحیت تنها عبارتست از مجموعه‌ای اخلاقیات.

گفت: آری. گفتم: اما اسلام بر اخلاقیات قسمت‌های مهمی اضافه کرده است همانگونه که دانشگاه بر تحصیلات ما علوم دیگری اضافه می‌نماید. گفت: برای نمونه؟ گفتم: مثلاً اسلام سیاست آورده، اقتصاد آورده، تربیت آورده، و...

در حالیکه بسیار تعجب می‌کرد گفت: آیا از این مطالب هم در اسلام خبری هست؟ گفتم: بله چرا نباشد؟!

گفت: آخر من قبلاً می‌شنیدم که اسلام مجموعه‌ای از خرافات و تحریفات یهودیت و مسیحیت است.

گفتم: نه خیر بلکه برعکس، اسلام مسیحیت و یهودیت را از خرافات و تحریفات پاک نموده است؛ و لذا در قرآن مجید وارد شده است: (و انزلنا الیک الكتاب مصدقا لما بین یدیه من الكتاب و مهیمنا علیه ما قرآن را بحق بر تو نازل ساختیم که کتب آسمانی موجود را تصدیق می‌کند، و آنها را از تحریف حفظ می‌کند)(4).

گفت: اینک دو پرسش برای من پیش آمد؟ گفتم: آن دو پرسش چیست؟ گفت: اول اینکه در یهودیت و مسیحیت چه خرافاتی هست؟ مگر می شود در مسیحیت خرافات باشد؟ گفتم: من میل ندارم که وارد این قسمت شوم، زیرا نمی خواهم عاطفه شما را جریحه دار کنم، و از نتیجه بحث باز بمانیم؛ اما از باب نمونه برای شما به یک مسئله اشاره می کنم: مسیحیان معتقد به تثلیث هستند، و می گویند: سه، یک است در عین حال که سه است آیا این ممکن است؟ گفت: چه مانعی دارد؟ گفتم: (در حالیکه سه عدد کتاب در دست گرفته بودم) این کتابها سه عدد است یا یک عدد؟ گفت: سه عدد است. گفتم: اگر شخصی آمد و به شما گفت: این کتابها هم سه عدد است، و هم یک عدد می باشد، شما به او چه خواهید گفت؟ آیا به او نخواهید گفت: نمی شود سه عدد یک عدد باشد؟

دختر مسیحی چنان در فکر و حیرت فرو رفت مانند آنکه برای اولین بار است که این تذکر را می شنود!

گفت: مسیحیان چگونه به این مسئله عقیده دارند؟ گفتم: نمی دانم از خودشان پرس، من نمی دانم، تنها من همین را می دانم که این سخن حرف باطلی است. گفت: اما پرسش دوم: شما یاد آور شدید که در اسلام همه چیز هست، مگر اسلام دین نیست؟ چه رابطه ای میان دین و سیاست و اقتصاد است؟

گفتم: دین همه چیز را در بردارد، و مسیحیت چون تحریف شده است جز تنها مقداری تعلیمات اخلاقی چیزی از آن بر جا نمانده است. گفت: آیا می توانید تنها برای نمونه از اقتصاد اسلام برای من بیان کنید، اگر اینطور باشد من حتما باسلام ایمان خواهم آورد. گفتم: بفرمائید همه را از قرآن مجید برایت نقل می کنم:

(واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ بدانید آنچه را که سود می برید یک پنجم آن سهم خدا است)(5).

(انما الصدقات للفقراء...). بدانید که صدقات برای بینوایان است)(6). (احل الله البیع و حرم الربا خداوند ربا را حرام فرموده و داد و ستد را حلال نموده است)(7). ((یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود). ای کسانی که ایمان آورده اید به قراردادهای بازرگانی وفا کنید)(8).

گفت: من از اولی که وارد عراق شده‌ام این خانواده به من می‌گویند: عبا بپوشم اگر عبا (چادر) از اسلام باشد من بهیچ وجه حاضر نیستم اسلام بیاورم. گفتم: شما دیده‌اید که جواهر فروشان چگونه جواهرات گرانقیمت خود را در گاو صندوق‌ها و تیرین پنهان می‌کنند؟

گفت: آری دیده‌ام. گفتم: چرا این عمل را انجام می‌دهند؟ گفت: از ترس دزدان. گفتم: فلسفه حجاب نزد ما مسلمانان همین است، شما خانمی جوان هستی. و بخوبی می‌دانی که در هر اجتماعی دزدان نوامیس و عفت یافت می‌شود، همانگونه که جواهرات دزد دارد، اسلام بخاطر حفظ ناموس و شرافت و آبرویت بتو فرمان حجاب (و پوشیدن عبا و چادر) می‌دهد. گفت: این پاسخ برای من قانع کننده بود؛ اینجا بود که خانم مسیحی اسلام آورد و شهادتین را بضمیمه شهادت به ولایت بر زبان جاری نمود و خانواده و شوهرش از اسلام آوردن او بسیار شاد شدند.

خطبه اول: حکیمه عمه امام عسکری: روز هفتم ولادت مهدی عج به خدمت امام عسکری شرفیاب شدم. سلام کردم و در محضرش نشستم. فرمود: «فرزندم را نزد من بیاور!»

سرورم را در قنداقه ای نزد حضرت (علیه السلام) آوردم، و آن بزرگوار زبان در دهان او چرخاند؛ گویی که به او شیر یا عسل می خورانید. آنگاه فرمود: «پسرم! سخن بگو»

فرمود: «أشهد أن لا إله إلا الله» و حضرت پیامبر محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) را درود و ثنا گفت، و بر علی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و یک یک ائمه (علیهم السلام) درود فرستاد تا به پدر بزرگوار خود رسید، آنگاه این آیه را تلاوت نمود:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَثَرَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ)

1189 سال است از ولادت آقا می گذرد و هنوز زمان ظهورش فرا نرسیده است. ولی در این مدت برکات وجودش نصیب شیعیان و محبانش گردیده است.

از جمله برکات وجودش، حفظ شیعه با این همه دشمنان در طول تاریخ بوده است.

هر از چندگاهی دشمنان اهل بیت برنامه ای را درست می کردند تا شیعیان را نابود کنند ولی با عنایت حضرت این توطئه ها همه خنثی شد.

از جمله 1- توطئه از بین بردن شیعیان بحرین است که توسط وزیر ناصبی و ضد اهل بیت انجام گرفت و اناری آوردند که نام عمر و ابوبکر و عثمان بر روی آن افتاده بود و می خواستند با نیرنگی شیعیان را از بین ببرند ولی امام خود را به یکی از شیعیان نشان داد و توطئه وزیر را افشا نمود.

2- همچنین در واقعه تنباکو که انگلیس می خواست از راه قرار داد رژی بر ملت ایران مسلط شود با توفیعی که امام برای میرزای شیرازی فرستاد و او هم برای ملت ایران ارسال کرد، مردم قیام کردند و انگلیس و ناصرالدین شاه شکست خورد.

3- در مورد 21 بهمن 57 نیز امام امت با وسیله ای خبردار شد که امام عصر دستور داده اند مردم در خانه ها ننشینند که دشمن تصمیم به کشتار وسیع شیعیان و علمارا گرفته است، لذا به مردم اطلاع دادند حکومت نظامی را بشکنند و دشمن شکست خورد و طاغوت سرنگون گردید.

ولی در ترکیه آتاترک همین نقشه را پیاده کرد و علمارا کشتار کرد و حکومت غیر دینی ولایتک بر سر کار آورد.

4- در سال 67 که جنگ به اوج خود رسیده بود آیه الله گلپایگانی با همراهان به مسجد جمکران مشرف شده و طی نامه ای که در چاه انداختند از امام عصر درخواست کمک کردند. بعد از سه روز صدام آتش بس یکطرفه اعلام کرد.

و دهها مورد از این عنایتهای حضرت به علمای شیعه و محبان خود را در تاریخ سراغ داریم.
در کشف کودتاهای متعدد و در خنثی شدن توطئه های بزرگ علیه ملت ایران نیز، حضرتش کمک و عنایت فرموده اند.

می توانیم بگوئیم در مورد تیر 81 و در کودتای مخملی اخیر نیز، امام عصر عنایتها کرده اند که خود مقام معظم رهبری فرمودند هرگاه کار برایم مشکل می شود و راه حلی پیدا نمی کنم به مسجد جمکران می روم و به حضرتش متوسل می شوم و می بینم بطرز معجزه آسایی مشکل مرتفع گردید.

وظایف شوهر نمونه

شوهر با داشتن بار مسئولیت سرپرستی خانواده، در عین حال شریک و یاور همسرش نیز می باشد. لذا باید برای تداوم و استحکام خانواده خود به مسئولیتهای زیر عمل کند.

1- تهیه نیازهای روزانه غذایی و پوشاکی و مسکن همسر

2- خوش اخلاقی با همسر. {سعد بن معاذ} {«عاشروهنّ بالمعروف» «نساء 19» یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید}

3- اشتباهات همسر را نادیده بگیرد.

«اسحاق بن عمار از امام ششم (ع) پرسید: حق زن بر شوهر چیست؟

امام فرمود: مرد باید شکم همسرش را سیر کند. بدنش را پیوشاند. اگر نادانی کرد از او بگذرد. ابراهیم خلیل از تند خوئی ساره به خداوند شکایت کرد! خدا به او وحی کرد: زن همانند استخوان دنده است! اگر بخواهی راستش بکنی، می شکند و اگر با او همچنان مدارا کنی، از او بهره مند می شوی!»

4- شبها وی را رها نکند

5- بر اخلاق بد زنش صبر کند.

6- به همسرش ظلم نکند.

7- به فامیل زنش اهانت نکند.

8- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد و هفت جزئش کسب درآمد حلال است»

«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی دهد از چه جایی درآمد کسب کند، منهم اهمیت نمی دهم که او را از چه دری وارد جهنم نمایم!»

9- خانواده را در مسیر صحیح زندگی قرار دهد

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره» تحریم 6

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

10- نظارت بر خانواده اش داشته باشد.

«علی (ع) خطاب به اهل بصره! آیا حیا ندارید؟ آیا غیرت ندارید درحالیکه زنانتان به بازارها رفته
وجوانان خوش قیافه
مزاحم آنان می شوند؟»

خط امام تمیز دهنده بین حق و باطل

امام امت همه کارهای خود را بر طبق قوانین اسلام انجام می دادند و یک سر سوزن از اسلام تخلف نمی کردند. اندیشه های امام و کارهای ایشان بنام خط امام معروف شد. و این خط امام، معیار خوبی برای شناخت افراد می باشد. خیلی ها ادعا دارند که در خط امام حرکت می کنند ولی وقتی با معیارهای خط امام سنجیده می شوند معلوم می شود که راست نمی گویند و خط آنها با خط امام که خط اسلام است فرق دارد. لذا در این خطبه به بعضی از شاخصه ها و خصوصیات خط امام اشاره می کنم.

شاخصه اول دعوت به وحدت و دوری از هر گونه تفرقه است. امام وحدت را رمز پیروزی می دانستند و هر کس را که باعث تفرقه بین مردم شود را از جنود شیطان می دانستند. و این همان کلام الهی است که واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا

شاخصه دوم ارزش قائل شدن برای مردم است. میزان رای مردم است. هر چه داریم از این ملت داریم. اگر مردم کنار بروند شکست می خوریم.

شاخصه سوم حفظ نظام از اوجب واجبات است و همه باید برای حفظ نظام تلاش کنیم .

شاخصه چهارم دوری از تفکر ملی گرایی و لبرالسم است. ملی گرایی اساس بدبختی مسلمین است. تازنده هستم نخواهم گذاشت انقلاب اسلامی بدست لیبرال ها بیافتد و ملی گراها لشکر شیطان هستند.

شاخصه پنجم ظلم ستیزی و حمایت از محرومان عالم است. نباید نسبت به استکبار جهانی بی تفاوت باشیم و امریکا دشمن شماره یک ملت محروم است. آنهایی که خواب امریکارا می بینند خدا بیدارشان کند. آن روزی که امریکا از ما تعریف کند باید عزا گرفت.

شاخصه ششم باید قیام برای خدا باشد. کسی که می خواهد مجاهدت کند و تلاش کند یا کاندیدا می شود باید برای خدا باشد نه برای خوشنودی حزب و گروه و هوای نفس.

موضوع مهدویت

اولین کسی که موضوع مهدویت را طرح کرده شخص پیامبر اسلام است. حضرت معمولاً از مهدی سخن می گفتند از جمله حضرت فرمودند نهمین جانشین حسین پس از غیبت طولانی و سرگردانی گمراه کننده ظاهر خواهد شد و امر خدا را آشکار و دین او را پیروز خواهد گرداند. او که فاصله های طبقاتی را در سطح جوامع بشری بر هم خواهد زد. و هیچ انسان گرسنه ای در سراسر زمین پیدا نخواهد شد. امنیت و سلامتی این دو نعمتی که در اکثر کره زمین مفقود شده بصورت کامل به بشریت اهدا می گردد.

نکته دیگر: امام مهدی یک چهره بین المللی است

حضرت از یک جهت ایرانی است زیرا ما در امام سجاد ایرانی بوده و نامش شهربانو. از طرفی رومی است زیرا مادرش نرجس رومی بوده از یک طرف عرب است زیرا نسبش به هاشم می رسد. از طرفی بنی اسرائیلی است زیرا بنی هاشم و بنی اسرائیل از نسل ابراهیم خلیل هستند.

نکته دیگر: هیچ کس باندازه شیعه راجع به جامعه اخرالزمان و انقلاب بزرگ شفاف صحبت نکرده است. شیعه، نام و مشخصات ظاهری و خصوصیات حضرت و شعارها و نحوه حکومتش صحبت کرده درحالی که در سایر ادیان فقط بشارتهائی مطرح شده است.

نکته دیگر: وجود امام مهدی در پس پرده غیبت، از عجایب خلقت است. زیرا نوع زندگی حضرت در این مدت طولانی و اینکه هیچ کسی به اندازه او خدا را عبادت نکرده زیرا نزدیک به 1169 سال است که خدا را عبادت می

نماید.. هیچ کس به اندازه او زاهد نبوده. هیچ کسی به اندازه او بر حسین (ع) گریه نکرده. مسکن و ازدواج و دیگر مسائل جزئی حضرت را کسی جز خدا نمی داند.

پیامبر که معمار اسلام بوده برای پر کردن خلا امام در زمان غیبت و آماده سازی و حفظ روحیه ولایت پذیری مردم طرحی درافکنده و آن طرح «انتظار فرج» است که فرمود «انتظار الفرج عباد» اینک پیامبر این انتظار را عبادت می داند زیرا انتظار فرج حلقه رابط میان گذشته و آینده امامت است. زیرا مشعل هدایت در صراط مستقیم الهی است. زیرا تداوم بخش نهضت انبیاست. زیرا خط بطلان بر همه حکومت‌های طاغوتی است.

علامه طباطبائی می فرماید: امام باطنا مراقب شخص و با روح و جسم او در ارتباط است اگرچه از چشم وی غایب است. وجود او همواره ضروری است هرچند زمان ظهور و بازسازی جهانی به دست او فرا نرسیده است.

امام سجاد (ع) فرمود: مردم روزگار غیبت که به امامت آن حضرت اعتراف می کنند و ایمان می آورند از مردم هر عصر و زمانی برترند. زیرا خداوند آن گروه فرزانه را بدان پایه از خرد و دانش می رساند که غیبت را شهود می دانند.

اینکه انتظار را عبادت و گاهی برترین عمل معرفی می کنند زیرا انتظار فرج یعنی ایمان به غیب. **الذین یومنون بالغیب.**

زیرا انتظار فرج یعنی مبارزه با ظلم. زیرا انتظار فرج یعنی امید به ظهور منجی. عامل مهدویت می تواند اسلام ناب را زنده نگه دارد همانطور که پرفسور کربن گفت همه ادیان مرده اند جز شیعه. زیرا همه می گویند پیامبر ما یا امام ما مرده است ولی شیعه می گوید امام ما زنده است و دارد زندگی می کند و بر کار ما نظارت دارد.

در یک مجله تونس‌ی آمده است که:

پیامبر (ص) ایرانیان را جهت رهبری امت اسلامی بر می گزیند.

در روایتی است هرگاه دیدید پرچمهای سیاه از خراسان آمدند خود را به آن پرچمها برسانید اگرچه خویشان را روی زمین بکشید زیرا مهدی (عج) خلیفه الله در میان آنان است

امام صادق (ع) فرمود مردم قم یاور قائم و خواهان حق ما هستند. آنگاه حضرت سر مبارک را بسوی آسمان بلند کرد و عرض کرد خدایا این مردم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده. و فرمود پیش از ظهور مهدی (عج) قم مرکز علم و دانش می گردد و از آنجا به تمام شهرها از شرق و غرب علم منتشر می شود.

مردم ایران بعد از اسلام آوردن بخاطر هوش و کیاست خود متوجه برتری اهل بیت (ع) شدند و راه آنان را انتخاب کردند و همیشه مورد عنایت اهل بیت بخصوص امام عصر بوده اند. لذا مسجد جمکران به فرمان حضرت ولی عصر در قم احداث می گردد. لذا ارتباط معنوی اقشار مردم ایران با حضرت ولی عصر در دعاهای ندبه و زیارت مسجد جمکران و تشکیل صدها موسسه مهدویت و دهها همایش و سمینار و سخنرانی و امثال آن تجلی یافت. و با این شوق قدرت مردم ایران چند برابر شد. و این باعث شد که استقامت مردم در مقابل توطئه های استکبار، باعث شگفتی دشمنان گردد.

درباره امام امت ونهضت بزرگ ملت ایران حضرت امام حکومت اسلامی تشکیل دادند.

خلاصه مبانی تفکر تفکر امام امت جهت لزوم تشکیل حکومت اسلامی به شرح زیر است:

الف: دلیل قرآنی وروایی و عقلی حکم می کنند که مسلمین همیشه نیاز به حکومت و قانون دارند.

ب: تنها متابعت از حاکمی صحیح است که مالک همه چیز بشر است که او منحصر در خداوند عالمیان است. پس

حاکم حقیقی که واجب المتابعه است خالق جهان هستی است و حکم غیر خدا باطل است.

ج: اگر خدا به کسی حکومت داد بر بشر لازم است که از او اطاعت کند و غیر از حکم خدا یا مامور از طرف

خدا، هیچ حکمی را نباید پذیرفت.

د: در زمان پیغمبر و امام حکومت با خود آنان است که خدا با نص قرآن، اطاعت آنها را بر همه بشر واجب کرده

است. پس برای هیچ کس جز امام معصوم یا کسی که امام او را منصوب نموده، جایز نیست سرپرستی امور سیاسی

مانند اجرای حدود، امور قضایی و امور مالی مانند خراج و مالیات شرعی را به عهده گیرد.

ذ: در عصر غیبت امام، نواب عام که همان فقهای جامع الشرایط فتوا و قضا هستند در اعمال سیاست و سایر

مسئولیت ها، جانشین حضرت ولی عصر هستند و تنها جهاد ابتدائی از مختصات امام معصوم است.

ر: بر نایبان عام واجب کفایی است در صورت توان، قیام به امور سیاسی و قضایی و مالی کنند. اگر نتوانستند و

قدرت ها اجازه ندادند، باید باندازه امکان، اعمال قدرت نمایند و بر مردم نیز واجب است تا فقها را در اعمال

سیاست و امور حسبه یاری کنند. در صورت نتوانستن، باندازه امکان باید فقها را در اعمال قدرت یاری کنند.

ز: هر کس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالا دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را تصور کند بی

درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت.

س: اسلام برنامه حکومت دارد. اسلام قریب پانصدسال تقریباً حکومت کرده است. با این که احکام اسلام در آن

وقت باز آن طور اجرا نشده است، لکن همان نیمه اجرا شده، ممالک بزرگی را، وسیعی را، اداره کرده است.

ش: هر نظام سیاسی غیر اسلامی، شرک آمیز است چون حاکمش طاغوت است.

ص: یکی از اقدامات انبیاء، مبارزه با نظام شاهنشاهی بوده است و فرمودند: خدای تعالی موسی را می فرستد که این

شاهنشاه را از بین ببر. و پیامبر فرموده است: منفورترین کلمات پیش من، شاهنشاه است.

ض: امام خمینی رض به شاگردانش می فرمود: شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تاسیس کنید. اعتماد به نفس

داشته باشید و بدانید از عهده این کار بر می آید.

و می فرمودند: شرع و عقل حکم می کند که نگذاریم وضع حکومت ها به همین صورت ضداسلامی یا غیراسلامی ادامه پیدا کند... ما چاره ای نداریم جز اینکه دستگاههای حکومتی فاسد و فاسد کننده را از بین ببریم و هیئت های حاکمه خائن و فاسد و ظالم را سرنگون کنیم.

این وظیفه ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام دهند و انقلاب سیاسی را به پیروزی برسانند.

ط: فرق اساسی حکومت اسلامی با سایر حکومت ها از قبیل مشروطه سلطنتی و جمهوری در چند چیز است. یکی در قانون گذاری است که در اسلام قانون گذاری مخصوص خداوند است نه اکثریت. دیگری در حاکم است که باید حاکم اسلامی، عادل و عالم به فقه و قوانین اسلامی باشد.

ظ: امام خمینی رض در سخنرانی 4 آبان 43 در مورد کاپیتولاسیون فرمودند: وکلای مجلس شورا، آنهایی که به این امر رأی دادند، به کشور خیانت کردند. اینها وکیل نیستند! دنیا بداند اینها وکیل ایران نیستند. اگر هم بودند، من عزلشان کردم! از وکالت معزولند و تمام تصویبنامه هایی که تاکنون گذرانده اند: بی اعتبار است... (نهضت امام خمینی ج 1 ص 726)

ع: امام خمینی رض درباره نقش روحانیت در اسلام فرمودند: ما می بینیم که این اسلام را با همه ابعادش، روحانیون حفظ کرده اند. یعنی معارفش را روحانی حفظ کرده، فلسفه اش را روحانی حفظ کرده، اخلاقش را روحانی حفظ کرده، فقهش را روحانی حفظ کرده، احکام سیاسیش را روحانی حفظ کرده است.

غ: اسلام بی روحانی مانند اسلامی است که سیاست نداشته باشد. اسلام و آخوند این طور توی هم هستند. اسلام بی آخوند اصلا نمی شود. پیامبر هم آخوند بوده. یکی از آخوندهای بزرگ، پیامبر است. حضرت امام جعفر صادق هم یکی از علمای اسلام است.

ف: اگر شخصیهایی چون علامه مجلسی و بهائی و محقق ثانی با درباریان زمان خود روابط داشتند و سراغ شاهان می رفتند برای این بوده که این مذهب را بوسیله آن ها، به دست آنها ترویج کنند.

من هم اگر چنانچه می توانستم یک سلطان جائری را به راه بیاورم، می رفتم درباری می شدم. شما هم تکلیفتان این بود.

چهار رکن اساسی قیام 15 خرداد

رکن اول قیام، رکن زمانی است که حضرت امام خمینی (رض) با سخنرانی خود در عصر «عاشورا»، زمینه قیام 12 محرم سال 1383 ه.ق (15 خرداد 1342 ه.ش) را فراهم نمود.

رکن دوم قیام، رکن مکانی است که این قیام، از مهد فقاقت آغاز شد و آن سخنرانی تاریخ‌ساز امام در «مدرسه فیضیه» صورت گرفت.

رکن سوم و چهارم قیام، مربوط به قیام‌کنندگان است که آنان چه کسانی بودند. حضرت امام (رض) در این باره فرمود: بنگرید که شهدای 15 خرداد از چه گروهی بودند²⁾

اکنون که سالیان متمادی از آن روز گذشته است و بسیاری نوسالان، از نزدیک شاهد آن صحنه نبودند، باید در احوال آن مردم جستجو کرد و بر لوح قبور شهدای 15 خرداد نظر نمود تا روشن شود که اولاً قیام‌کنندگان، مسلمان و ارادتمند عترت طاهره (علیهم‌السلام) بودند و ثانیاً از نظر زندگی، نه از قشر مسرف و مترف، که از طبقه محروم و مستضعف بودند.

با بررسی این اضلاع چهارگانه، به خوبی روشن می‌شود که چرا حضرت امام خمینی (رض)، 15 خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام فرمودند؛ چرا که در این قیام، عاشورا جلوه کرد، فیضیه ظهور نمود، و مسلمانان و محرومان بپاخواستند و از اینرو، ما وامدار چهار چیز هستیم؛ «مکتب»، «مدرس»، «مسلمانان»، و «محرومان ولایتمدار».

دستورات نجاتبخش قرآن کریم

- پیامبر اعظم هدیه بزرگی بنام قرآن برای بشریت آورد که به بعضی از دستورات نجاتبخش آن اشاره می‌نمائیم:
- 1- سیستم اقتصادی جامعه باید به گونه‌ای باشد که مال و ثروت تنها در دست اغنیا نباشد و امکان رسیدن به یک زندگی معمولی و رفاه نسبی برای همگان فراهم باشد: «کی لا یكون دولة بین الاغنیاء» (234)
 - 2- جامعه باید نه زیر بار ظلم رود و نه به کسی ظلم کند بلکه بر اساس عدالت اجتماعی و مبارزه با ابرقدرت‌ها حرکت کند: «لا تَظلمون و لا تُظلمون» (235)
 - 3- کارها بر اساس مشورت و انتخاب احسن حل شود: «وامرهم شوری بینهم» (236)
 - 4- در انتخاب راه و روش در زمینه‌های گوناگون طوری حرکت کنید که دیگران بر شما غالب نگردند و منت نگذارند و مجبور به ذلت و ناز کشیدن این و آن نباشید: «لئلا یكون للناس علیکم حجة» (237)
 - 5- همان گونه که عفو در برخوردهای اجتماعی مطرح است، انتقام و قصاص هم در جای خود مطرح است: «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی‌الالباب» (238) قصاص نشانه زنده بودن جامعه است ای انسان‌های عاقل و متفکر!
- ترحم بر پلنگ تیز دندان
ستمکاری بود بر گوسفندان
- 6- در سیاست خارجی باید هرگونه سلطه و سرپرستی و دخالت دیگران ممنوع شود که این صریح قرآن است: «ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سیلاً» (239)
 - 7- بودجه مملکت و اموالتان را در اختیار افراد سفیه و فرومایه و کسانی که به گفته امام علیه السلام عیاش و اهل خمر و قمارند نگذارید که آنان نیز از دیدگاه قرآن و امامان معصوم سفیه هستند: «و لا تؤتوا السفهاء اموالکم» (240)
 - 8- خوداتکایی و روی پای خود ایستادن نشانه یک جامعه ایده‌آل اسلامی است. قرآن جامعه اسلامی را به گیاهی تشبیه کرده که روی پای خود بایستد و با جمله: «فاستوی علی سوقه» (241) به مردم اعلام کرده که باید مستقل باشید.

9- مقام‌ها و مسئولیت‌ها را به افراد لایق و مکتبی و به اهلش واگذار کنید زیرا که این مقام‌ها امانت است: «انّ الله یامرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها» (242)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«ایّها النّاس انّ احقّ النّاس بهذا الامر اقواهم علیه و اعلمهم بامر الله» (243)

سزاوارترین مردم به مقام حکومت قوی‌ترین آنان بر حکومت و عالم‌ترین مردم به احکام خدایی است.

10- از نظر نظامی و فنون آن باید بقدری مجهّز و آماده باشید که دشمنان خدا را به وحشت آورید و از هرگونه آمادگی رزمی قوی برخوردار و به امکانات و فنون مجهّز باشید: «واعدّوا لهم ما استطعتم... ترهبون به عدوّ الله و عدوکم» (244)

11- در رفتار مکتبی و قاطع خود از بلندگوهای ابرقدرت‌ها و از مهره‌های دست‌نشانده آنان و از روزنامه‌ها و مجلات و مصاحبه‌های آنان وحشت نکنید و از برچسب‌های تازه و نونت رسید که مردان خدا در راه انجام وظیفه از احدی نمی‌هراسند: «ولایخافون لومۀ لائم» (245)

12- از آرزوی دشمنان آگاه باشید که آنان چند آرزو دارند.

الف: آرزوی سازش دارند. «ودّوا لوتدهن فیدهنون» (246) دشمنان تو دوست دارند که با آنها سازش کنی و آنها هم با تو کنار آیند.

ب: دوست دارند که شما در سختی باشید: «ودّوا ما عنتم» (247)

ج: آرزو می‌کنند که شما از اسلحه‌ها و سرمایه‌های خود غافل شوید. «ودّ الذّین کفروا لوتغفلون عن اسلحتکم وامتعتکم» (248)

13- جامعه اسلامی باید چنان هشیار باشد که هرگاه شخص یا گروهی از داخل یا خارج به راه افتادند و چیزهایی را در اجتماعات با هر لحن و شعاری گفتند، نقشه و هدف آنان را درک و خنثی کند. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

«انّ الذّین اتّقوا اذا مسّهم طائف من الشیطان تذکّروا فاذا هم مبصرون» (249)

همین که شیطان‌های دوره‌گرد با مردان خدا تماس می‌گیرند آنان با بصیرت کامل نقشه را درک و خود را حفظ می‌کنند.

14- امت اسلامی نباید به افرادی با نام مستشار و کارشناس اجازه دهد که بر کوچک و بزرگ کار و اسرار او آشنا شوند. راستی چه زیباست که قرآن می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا بطانه من دونکم» (250)

ای مسلمانان! دیگران را همراز خود قرار ندهید.

15- از نقل هر امری که دشمنان را حساس می کند خودداری کنید. از معادن زیرزمینی و عتیقه ها و آثار هنری و کتاب های خطی گرفته تا مغزهای نابغه و اسرار نظامی و غیره از نقل هرچه که اگر بازگو شود دشمن را حساس می کند باید جلوگیری به عمل آید. حضرت یوسف که خوابی پر از اسرار دیده بود همین که آن را به پدرش گفت، پدر چنین سفارش نمود:

«قال یابنی لاتقصص رویاک علی اخوتک فیکیدوا لک کیداً» (251)

ای فرزند عزیز! این خواب و رؤیا را بر برادران حسود بازگو مکن زیرا برای تو نقشه ها خواهند کشید.

وقتی نقل خوابی که دشمن را حساس کند ممنوع است نقل و افشا کردن این همه سرمایه های علمی و مالی و ... حتماً ممنوع است.

نخست وزیر انگلستان بهتر از ما قرآن را شناخته بود که گفت: تا قرآن در میان مسلمانان باشد حکومت ما بر آنان ممکن نیست

اهمیت مهرورزی مسلمانان نسبت به هم

اسلام دین محبت و رحمت است و پیامبر هم پیامبر رحمت بوده و بارها و بارها سفارش فرموده که مومنین نسبت به هم رفت و مهربانی داشته باشند و از تفرقه و جدایی و گروه گروه شدن منع نموده و حضرتش در اقدامات عملی خود علاوه بر ایجاد برادری بین مسلمانان مدینه، بین اوس و خزرج که سالیان سال باهم جنگ داشتند صلح ایجاد فرمود.

قرآن کریم از اختلاف بین مومنین نهی فرموده و مهمترین اثر اختلاف را، ضعیف شدن مسلمین از بین رفتن ابهت مسلمانان دانسته است

ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم» انفال 46»

با هم نزاع نکنید که سست می شوید و قدرت و ابهت شما از بین می رود.

1- خداوند در سوره فتح در وصف مسلمانان می فرماید **محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء**

بينهم {29}

اصحاب پیامبر مکرم باهم مهربان و نسبت به دشمن سختگیر هستند.

2- پیامبر اعظم فرمود: دل‌های بندگان ظرف‌هایی است که خدا در زمین قرار داده. که محبوبترین این ظرف‌ها رقیق

ترین و صاف ترین و سخت ترین است. اما رقیق و مهربان نسبت به هم. اما صاف و پاک از گناهان. و اما سخت و

ریشه دار نسبت به معرفت الهی.

3- پیامبر اعظم فرمود: **والذی نفسی بیده لا یدخل الجنة الا رحیم. قالوا کلنا رحیم! قال ص: لا حتی ترحم**

العامه {کنز العمال 5986}

پیامبر قسم خورد که فقط افراد رحیم و مهربان وارد بهشت می شوند. وقتی اصحاب ادعا کردند همه ما مهربان

هستیم! فرمود تا نسبت به عموم مردم مهربان نباشید، رحیم نیستید.

4- خداوند در سوره بلد می فرماید: **ثم کان من الذین آمنوا وتواصوا بالصبر وتواصوا بالمرحمه {17}** یکدیگر را به

صبر و مهرورزی سفارش نمائید.

5- امام کاظم (ع) خطاب به هشام بن حکم: **یا هشام! مکتوب فی النجیل: طوبی للمتراحمین. اولئک هم المرحومون**

یوم القیامه {تحف العقول 392}

در انجیل نوشته شده خوشحال مهرورزان. که آنان در قیامت در رحمت الهی قرار دارند.

6- سفارش شده که در دعا اول برای دیگران دعا کنیم بعد برای خودمان

نزدیکترین دعا به پیشگاه خدا و سریعترین به اجابت، دعای انسان پشت سر برادر ایمانی اوست.

7- سفارش شده در قنوت نماز وتر به چهل مومن دعا کنیم.

8- خداوند در قرآن می فرماید: **وما ارسلناک الا رحمه للعالمین** {انبیاء 107}

ما تو را رحمت برای جهانیان فرستادیم

9- خداوند در قرآن می فرماید: **لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتکم حریص بالمومنین روف**

رحیم {توبه 128}

قطعا برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است

10- پیامبر اعظم فرمود: **ابغض خلیقه الله الی الله یوم القیامه الکذابون والمستکبرون والذین یکثرون البغضاء**

لاخوانهم فی صدورهم {کنز العمال 43975}

منفورترین خلق خدا نزد خدا در قیامت دروغگویان و متکبرین و کسانی که کینه برادرانشان را در سینه دارند هستند

گناه بزرگ غیبت

آیات و روایات این گناه کبیره را مذمت نموده است. از جمله

(وقوله تعالى: * (إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تُشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) * (النور: 19):

که غیبت کننده را اشاعه دهنده گناه در بین مومنین خوانده. که عذاب دردناکی دارند

و آیه: **وَلِكُلِّ هَمَزَةٍ لَذْمَةٌ**

وای بر هر عیب جوی طعنه زننده

همچنین روایات زیادی است از جمله:

عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم: **غیبت از زنا بزرگتر است**

بعد پیامبر علت آن را چنین دانسته که اگر کسی نعوذا بالله زنا کرد با توبه پاک میشود ولی در غیبت تا فرد غیبت شده راضی نشود غیبت کننده بخشیده نمی شود.

باز حضرت در روایت دیگری فرمودند گناه یکدرهم ربامعادل 36 زنا است و گناه غیبت از ربابالاتراست. زیرا مسئله آبروی مومندر نزد خدا بسیار بزرگ است.

درسخنی دیگر فرمودند:

هر که غیبت زن یا مردی را بکند تا چهل شبانه روز نماز و روزه اش قبول نمی شود.

درسخنی دیگر فرمودند:

هر که غیبت مومنی را به عیبی که در او است بکند خدا این آندورا در بهشت جمع نمی کند و اگر در عیبی که دراو نیست غیبت کند یعنی به او تهمت هم بزند در این صورت غیبت کننده در جهنم ابدی می ماند.

یکروایت تکان دهنده ای از پیامبر است که انسان را می لرزاند و باید خیلی مواظب باشیم. حضرت درسخنی دیگر

فرمودند: **دروغ گفته کسی که بگوید من حلال زاده ام! آنوقت غیبت مردم را بکند. از غیبت پرهیزید که**

خورشت سگهای جهنم است.

درسخنی دیگر فرمودند:

هر که حرکت کند تا غیبت کند در جهنم قدم برمی دارد اگرچه فعلا نمی فهمد.

درسخنی دیگر فرمودند:

غیبت کننده اگر توبه کند آخرین شخصی است که به بهشت می رود و اگر نکند اولین شخصی است که وارد جهنم می شود.

درس‌خنی دیگر فرمودند:

غیبت بر هر مسلمانی حرام بوده و اعمال خوب را می‌خورد همانطور که آتش هیزم‌ها را می‌خورد. یعنی زحمتی کشیدیم و کارهای خوب انجام دادیم اما بایک غیبت ازین می‌رود.

درس‌خنی دیگر فرمودند:

روز قیامت شخص را در دادگاه الهی حاضر کرده و نامه عملش را بدستش می‌دهند می‌بیند عمل خوب ندارد. اعتراض می‌کند که خدایا! من کارهای خوب زیاد کردم پس کجا هستند؟ جواب می‌آید به کسانی که غیبتشان را کردی دادیم!

شخص دیگری را در دادگاه الهی حاضر کرده و نامه عملش را بدستش می‌دهند می‌بیند عمل خوب زیاد دارد. اعتراض می‌کند که خدایا! من این کارهای خوب را نکردم؟ جواب می‌آید اینها اعمال کسانی است که غیبت تو را نمودند که ثوابهای آنها را بتو دادیم.

روایت تکان دهنده دیگری است که نزدیکترین مرحله کفر آنست که با گوش خود کلمه ای را بشنوی و در حافظه بگذاری تا روزی علیه مومن استفاده کنی!

البته بعضی از جاها غیبت لازم است مثل روشنگری مخصوصا در فتنه های بعد از انتخابات که شخصی که هم تلویزیون هم روزنامه ها و هم اینترنت صحبت‌های او را می‌آورد برای روشنگری مردم لازم است که چهره او افشا شود. علی (ع) فرمود کسی که هرچه با چشم می‌بیند یا با گوش می‌شنود از عیبهای مرد نقل می‌کند و آبروی شخص را می‌برد جزو کسانی است که خدا درباره او فرموده: **(إِنَّ الدِّينَ يَحْبُونُ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الدِّينِ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) ***

اهمیت مسجد و ارزش نماز جماعت در اسلام

— إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ (توبه / 18)

منحصراً تعمیر مساجد خدا به دست کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز به پا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا نترسند، پس امید است که از هدایت‌یافتگان راه خدا باشند.

تشویق برای ساختن مسجد

از آنجا که مسجد نقش مهمی در حیات دینی و حتی در شؤون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و علمی مسلمانان دارد، اولیاء اسلام همواره مردم را به ساختن مسجد تشویق کرده اند و پادشاهای بزرگی برای این کار ذکر نموده اند.

امام صادق(ع) فرمود: هر کس مسجدی را بنا کند، خدا برای او در بهشت خانه ای بنا کند.

امام صادق(ع) از پدران خود نقل می کند که فرمود: وقتی خداوند بخواهد اهل زمین را عذابی برساند، می گوید: اگر نبود کسانی که برای من همدیگر را دوست دارند و مساجد را آباد می کنند و سحرگاهان استغفار می کنند، اگر آنها نبودند عذاب خود را نازل می کردم.

امیر مؤمنان (ع) فرمود: ای اباذر! بیشتر اوقات در مسجد باش. همانا اهل مسجد اهل الله هستند

مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند، و همسایه او نشود، و از او زن نگیرد و به او زن ندهد. {مسئله 897}

چهار کلمه ای که بر درب ششم بهشت نوشته شده

1- کسی که می خواهد قبرش وسیع باشد مسجد بسازد. 2- کسی که نمی خواهد کرمها او را بخورند ساکن مسجد شود. 3- کسی که نمی خواهد بدنش پیوسد ساکن مسجد شود. 4- کسی که می خواهد جایش را در بهشت ببیند برای مسجد فرش بیاندازد.

پیامبر(ص) فرمود: وقتی مومن بطرف مسجد می رود با هر قدمی که برمی دارد گناهانش پاک و ثوابهایش زیاد می گردد.

و فرمود: همه روزه ملائکه از مرده ها می پرسند به چه غبطه می خورید؟ می گویند به اهل مساجد که نماز می خوانند و روزه می گیرند.

و فرمود: مسجد بازار آخرت و کالایش بهشت است و فرمود اگر درباره کسی که در نماز جماعت مسلمین حاضر نمی شود از تو پرسیدند بگو من او را نمی شناسم. و فرمود یکرکعت نماز در مسجد بهتر از چهل سال نماز در خانه است.

و فرمود: روزی جبرئیل با تعداد زیادی از ملک نزد من آمد و گفت از طرف خداوند برایت دوهديه آورده ام. یکی نماز شب و یکی نماز جماعت.

از او پرسیدم چه پاداشی برای انجام نماز شب و نماز جماعت به امت می دهند؟ فرمود اگر نماز جماعت از ده نفر بیشتر باشد آنقدر پاداش می دهند که کسی غیر از خدا نمی تواند ثواب یکرکعت آن را حساب نماید.

و فرمود: اگر مسلمانی در جماعت مسلمین حاضر نشود غیبتش جایز است و عدالتش از بین می رود.

امام صادق (ع) فرمود: نماز پشت سر عالم برابر هزار رکعت است.

مسجد مشکل گشاست. گناهان را پاک می کند. حاجتها را روا می نماید. معضلات علمی را حل می کند. عقده دل را می گشاید. انحرافات اخلاقی را اصلاح می کند. معرفت الهی را به حد اعلی بالا می برد. و در آخر باید بگوئیم معضلات بزرگ بشریت همانند اعتیاد، افسردگی و خودکشی و... را می توان با استفاده درست از مسجد، حل نمود

حج

(وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ) توبه 3
اعلامی از طرف خدا و رسول در روز حج عظیم است که خدا و رسول از مشرکین بیزار هستند.

راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم روز حج اکبر چه روزی است؟ حضرت فرمود: روز حج اکبر روز عید قربان است و حج اصغر عمره است.

امام صادق علیه السلام فرمود: حاجی و عمره گزار مهمان خدایند. اگر چیزی بخواهند به ایشان دهد. اگر او را بخوانند، پاسخ می گوید. اگر شفاعت کنند. شفاعت ایشان را می پذیرد، اگر سکوت کنند، با آنان آغاز سخن می کند و در برابر هر دره‌می که خرج کرده‌اند، یک میلیون درهم به آنان می پردازد.

امام صادق -علیه السلام- فرمود: خدای عزوجل سه ناموس محترم و مقدس دارد که هیچ چیز به حرمت آن نرسد. کتابش که فرمان او و نور اوست و خانه‌اش که آنرا قبله مردم قرار داده و توجه به جایی غیر آن از هیچ کس پذیرفته نیست و عترت پیامبر شما.

امام باقر -علیه السلام- فرمود: خداوند عز و جل، حج و عمره از مال حرام را قبول نمی کند.

امام باقر -علیه السلام- فرمود: یک نماز در مسجد الحرام از صد هزار نماز در مساجد دیگر برتر است
امام رضا -علیه السلام- فرمود: هیچ نیکوکاری و بدکاری در کوههای عرفات دعا نمی کند مگر اینکه خدا دعایش را می پذیرد. دعای نیکوکاران را در حوائج دنیا و آخرت و دعای بدکاران را در کار دنیا می پذیرد.

امام صادق -علیه السلام- درباره رمی جمرات فرمود: با هر سنگریزه‌ای که حاجی می‌زند یک گناه کبیره هلاکت بار از وی فرو می‌ریزد.

امام سجاد -علیه السلام- در ضمن یک حدیث فرمود: وقتی حاجی قربانی را ذبح کند در برابر آتش جهنم فدیة او خواهد بود.

پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله- فرمود: هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعت من برای او روا گردد. و هر کس پس از مرگ به زیارت من بیاید گویا در زندگی مرا دیدار کرده است.

امام صادق -علیه السلام- فرمود: هر کس با حاجی دیدار کند و با او مصافحه نماید گویا بر حجر الاسود دست کشیده است.

حضرت صادق (ع) فرمود آگاه باشید اگر مردم حج خانه خدا را ترک کنند هر آینه عذاب بر آنها نازل می‌شود و مهلت داده نخواهند شد حضرت صادق (ع) فرمود حج کننده همیشه نور حج در او هست تا وقتی که بطرف گناه است. نرفته

ابراهیم (ع) بالای کوه ابوقیس رفت و صدازد: هلمّ الی الحج. یک عده لبیک گفتند. جبرئیل نیز ندا ندای شیطان: کرد. هلمّ الی الحج. باز یک عده جواب دادند. شیطان هم ندا کرد هلمّ الی الحج. یک عده هم به شیطان لبیک گفتند. آنها که به ابراهیم (ع) لبیک گفتند موقع مراجعت از حج خوب می‌شوند و دیگر واجبات را ترک نمی‌کنند و حرام را ترک می‌نمایند. آنها که به جبرئیل لبیک گفتند کسانی هستند که می‌روند ولی بر نمی‌گردند و بسیار خوش سعادت هستند. اما آنها که به شیطان لبیک گفتند، وقتی از حج برمی‌گردند، لاابالی و بی‌دین می‌شوند!

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: ثروتمندان امت من برای تفریح و مردم عادی برای تجارت و فقرا برای خودنمایی به این سفر می‌روند.

کسیکه پول دارد ولی به حج نمی‌رود، روز قیامت، کور محشور می‌شود: امام صادق (ع)

برائت از مشرکین از مهمترین برنامه های حج

(وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ) توبه 3

اعلامی از طرف خدا و رسول در روز حج عظیم است که خدا و رسول از مشرکین بیزار هستند. برائت از مشرکین یکی مهمترین برنامه حج است که خداوند در ابتدای سوره توبه فرموده و باید حجاج فریاد علیه مشرکین که نمود آن امریکا و اسرائیل و مستکبرین را سربدهند و مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل بگویند.

(ره) احیاگر حج ابراهیمی می فرماید: فریاد برائت ما، فریاد دردمندانه ملت هایی است که خنجر کفر و نفاق امام خمینی

را دریده است، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرنه هاست که حاصل عرق جبین و زحمات قلب آنان

آنان را زراندوزان و دزدان بین المللی به یغما برده اند. فریاد مظلومانه مردم لبنان و فلسطین و بوسنی و شبانه روزی

و عراق و... است فریاد همه مردمانی که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه طلبانه آن را ندارند». (۱۰)

کشمیر و افغان

عذاب جهنم:

کسانی که به خدا ایمان نیاوردند و از روی عمد و آگاهی، به دستورات او عمل نکردند، عذاب ابدی است! که در مقابل

معصیتها و لذات زود گذر این افراد، بسیار عظیم است. در مقابل چندین سال کفر ورزیدن، تا ابد در جهنم خواهند

بود. و معلوم است که افراد عاقبت اندیش، هرگز برای چند روزه دنیا خود را گرفتار خشم الهی نخواهند

نمود. بعضی از عذابهایی که در قرآن و روایات آمده بشرح زیر است.

آنانکه به آیات ما کافر شدند، بزودی آنها را به آتش می اندازیم. هر زمان که در جهنم ترجمه آیه 55 نساء:

پوستشان می سوزد و از بین می رود، پوست جدیدی می رویانیم تا عذاب را بچشند!

گویند جهنم هفت طبقه است. اول دوزخ. طبقه دوم حطمه که محل فرعونیان است. سوم سقر. چهارم لظی

محل یهود. «كَلَّا أَنهَا لَظَى نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى» پنجم غی است. «فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا» طبقه ششم سعیر است. «يَصْلَوْنَ سَعِيرًا» طبقه

هفتم جهنم است که محل گناهکاران امت اسلام است.

بر درب اول جهنم نوشته است: من رَجَى الله سعد ومن خاف الله امن والهالك المغرور من رَجَى غير الله

یعنی هر که بخدا امید داشته باشد، رستگار است و هر که از خدا بترسد ایمن است و آنکه بغیر خدا مغرور و فریفته

شد، هلاک می گردد و از غیر خدا در ترس و لرز است. بر درب دوم نوشته شده: هر که می خواهد در قیامت

عریان محشور نشود، در دنیا بدنهای بی لباس را لباس بپوشاند و هر که می خواهد در آخرت تشنه نباشد، تشنگان دنیا

را سیراب نماید و هر که می خواهد در قیامت گرسنه نباشد، گرسنگان دنیا را سیر کند. بر درب سوم نوشته بود. لعن الله

الکاذبین. لعن الله الباطلین. خدا لعنت کند دروغگویان را. لعنت کند خدا اهل باطل را. بر درب چهارم

نوشته است. متابعت نکنید از نفستان که ایمان شمارا ضعیف می کند. و زبان را در کاری که فایده

ندارد، بکار مبرید. بر درب پنجم نوشته است که من حرام شده ام بر عبادت کنندگان. من حرام شده ام بر کسی که

بر خدا شهادت می دهد. من حرام هستم بر روزه داران. بر درب هفتم نوشته است حاسبوا انفسکم قبل ان

تُحاسبوا و توبخوا و انفسکم قبل ان توبخوا و ادعوا لله عز و جل قبل ان تردّوا علیه و لا تقدر و اعلیه. حساب خود را برسید قبل از اینکه حساب شما را برسند. خودتان را توبیخ کنید قبل از اینکه شما را توبیخ نمایند. در پیش خداوند تضرع کنید قبل از اینکه بر او وارد شوید.

فریاد جهنمیان مانند سگان و گرگان!

امام باقر (ع): جهنمیان از شدت درد و عذاب مانند سگان و گرگان فریاد می کشند. در دوزخ برای آنان مرگ نیست و عذابشان هرگز کم نشود. آنها در آتش، گرسنه و تشنه و کمر و گنگ و کور و روسیاه و پشیمان و مغضوب پروردگارند! بر آنان رحم نشود و عذابشان کم نگردد. به عوض آب از حمیم جوشان و به عوض غذا از زقوم به آنان بدهند. با قلابهایی از آتش بدنهای آنان را پاره می کنند و با گرزهای آهنین بر سرشان می کوبند. مأموران بسیار خشن آنان را عذاب می کنند که اهل ترحم نمی باشند. این مأمورین صورت جهنمیان را آتش می زنند و آنان را با شیاطین در غل و زنجیرها می بندند. اگر دعا کنند، مستجاب نمی شود و اگر حاجتی بطلبند، برآورده نمی شود. در روایت است که وقتی صدید را برای جهنمی می برند، صورتش بریان شود و پوست و گوشت صورت بریان! صورتش بریزد. و چون از آن می خورد - از شدت تشنگی - جمیع امعاء و احشائش پاره می شود! از هر جهنمی مانند رودخانه ای چرک روان می شود و آنقدر می گریند که از اشک چشمشان مانند نهر جاری می گردد و هنگامیک اشکشان تمام شود، خون می گریند!

1- آتش دنیا یک جزء از هفتاد جزء آتش دوزخ است! 2- راحت ترین عذاب سه حدیث از امام صادق (ع): جهنم عبارتست از انداخته شدن در دریای آتش و پوشاندن دو کفش که حتی بندهای آن از آتش است! بطوریکه از شدت حرارت مغزش بجوش می آید و او خیال می کند که عذابش از همه سخت تر است.

مذمت ریاست طلبی -

در آیات و روایات اسلامی از این صفت رذیله نکوهش شدید شده گاه تحت عنوان «حب جاه»، گاه تحت عنوان «حب ریاست»

1- تأثیر مخرب این رذیله اخلاقی در دین انسان به قدری شدید است که در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «دو گرگ درنده که در آغل گوسفندان رها شوند فساد و خرابی آنها بیشتر از حب مال و مقام در دین انسان مسلمان نیست». مطابق این بیان، افراد ریاست طلب برای رسیدن به ریاست بجان مردم می افتند و گاهی دست به کشتار می زنند تا به مقصد برسند.

2- در حدیث دیگری از همان حضرت می خوانیم: «حُبُّ الْجَاهِ وَالْمَالِ يُنْبِتَانِ النُّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْبَقْلَ؛ علاقه شدید به مقام و مال، نفاق را در قلب انسان می رویند همان گونه که آب سبزه را می رویند».

3- در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: «مَنْ طَلَبَ الرَّئَاسَةَ هَلَكَ؛ کسی که طالب مقام باشد (و دلباخته آن گردد) هلاک می شود».

نشانه های جاه طلبی

افراد جاه طلب را غالباً می توان از حرکات و کلمات و رفتارشان شناخت؛ آنها تمایل دارند تمام کارهای نیکی را که انجام می دهند تابلو کنند و همه از آن آگاه شوند تا در نزد مردم مقام و منزلتی پیدا کنند.

به همین دلیل جاه طلبان غالباً به ریاکاری نیز کشیده می شوند چرا که بدون ریاکاری حس جاه طلبی آنها اشباع نمی شود لذا بعضی از بزرگان اخلاق جاه طلبی و ریاکاری را همراه یکدیگر در کتابهای خود عنوان کرده اند

بسیاری از جاه طلبان حتی علاقه دارند کارهایی را هم که انجام نداده اند به حساب آنها بگذارند و به مضموت آیه شریفه: «وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا؛ دوست دارند نسبت به کار نیکی که انجام نداده اند مورد ستایش قرار گیرند!»

جاه طلبان توقع و انتظار دارند دائماً مدح آنها شود، کمترین نقد و نکوهش از آنها به عمل نیاید، انتظار دارند در مجالس همه آنها را احترام کنند و کسی بالاتر از آنها ننشیند، در اثناء سخنان آنها سخن نگوید و به اصطلاح سخن آخر، سخن آنها باشد. افرادی که آنها را تکریم و تعظیم می کنند در نظر آنها افراد با معرفتی هستند و افرادی که نسبت به آنها اعتنایی ندارند، افرادی بی معرفت و نمک نشناسند؛ به همین دلیل این افراد غالباً مورد تنقیرند و اگر نیازمندانی به آنها مراجعه کنند از روی اجبار و ناچاری است.

در حدیث دیگر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می خوانیم: کسی که دوست دارد مردم دست به سینه در مقابل او بایستند خود را مهبای آتش دوزخ کند!

اما متقین اینگونه نیستند و بدنبال ریاست نمی گردند. درباره آقا حسین قمی آمده پس از رحلت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، که مرجعیت عامه شیعه به آیه الله العظمی حاج آقا حسین قمی سپرده شد، ایشان از پذیرش و قبول این مسؤ ولیت سنگین بسیار ناراحت و غمگین گردید. لذا با خواندن نمازهای حاجت و نماز جعفر طیار از خداوند متعال درخواست می کرد که مرگش زود فرا رسد. (آیه الله سید محمد هادی میلانی (ره) که ارتباط نزدیکی با آن فقیه زاهد داشت در این باره می گوید: ((به حرم سیدالشهداء علیه السلام مشرف شدم، آقا بالای سر مطهر نشسته بودند؛ به من اشاره نموده، نزد ایشان رفتم و آقا اظهار داشتند: ریاست به من روی آورده و من می ترسم به دینم لطمه بخورد! من دعا می کنم شما آمین بگویید (یا بالعکس) (سپس فرمودند: خدایا! اگر این ریاست به دین من مضر است، جان مرا بگیر! و آن قدر گریه کردند که زمین از آب دیده ایشان تر شد.

پس از آن، بیماری سختی بر آقا عارض شد و ایشان احساس کرد که خداوند دعایش را اجابت کرده و لحظه ترک این دنیای فانی فرا رسیده است. سرانجام ایشان دقایقی پس از طلوع آفتاب روز پنجشنبه 14 ربیع الاول 1366 ق. در 84 سالگی به دیار باقی شتافت

امام امت هیچگاه بدنبال ریاست نرفت. مقام رهبری هیچگاه بدنبال ریاست نبودند. علماء ربانی هیچگاه ریاست طلب نبودند اگر شما می بینید روحانی نمایانی هستند که حاضرند برای ریاست، کشور را دچار مشکل کنند اینها عالم ربانی نیست اینها عالم مادی هستند. اینها دزد لباس هستند که لباس پیامبر را برتن کرده و کاسبی می کنند.

فضائل امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

تولد حضرت در یازدهم ذیقعدہ سال 148 در مدینہ بودہ است. مادرش نجمہ و پدرش موسی بن جعفر (ع) می باشد. نامش علی والقابش، رضا، صابر، رضی و وفیّ بوده و کنیہ اش ابولحسن چہارم می باشد. در سن 34 بہ امامت رسید و بعد از 21 امامت، در سن 55 در آخر ماہ صفر سال 203 ہجری بدست مأمون بشہادت رسید.

امام صادق (ع) چندین بار بہ فرزندش امام کاظم (ع) گفتہ بود کہ: عالم آل محمد در صلب توسست. ای کاش او را در ک می کردم. او ہمنام امیر المؤمنین علی (ع) است.

بہ امام جواد (ع) گفتند کہ چرا بہ پدرتان رضا گویند؟ فرمود: زیرا همانطور کہ دوستان و یاورانش از او راضی بودند، دشمنانش نیز از او راضی بودند.

عبادت امام رضا (ع)

حضرت مشغول مباحثہ با عالم صابئی بودند کہ صدای اذان بلند شد امام برای نماز بلند شد. عالم مذکور گفت دلم نرم شدہ ادامہ دهید. امام فرمود بعد از نماز

ہمچنین حضرت مشغول نوشتن بودند کہ صدای اذان بلند شد امام نوشتن را کنار گذاشت و بہ نماز پرداخت.

در محلی حضرت برای نماز توقف کردند. شخصی گفت دست نگہ دارید تا بقیہ بیایند. امام فرمود برای ملحق شدن دیگران نماز را از اول وقت تاخیر نمی اندازیم.

اکثر شبہارا احیاء می داشت و ہر شب نماز جعفر طیار را می خواند. و اکثر روزہا روزہ بود.

وقتی یک پارچہ بہ دعبل خزاعی ہدیہ داد، فرمود:

در این لباس ہزار شب، شبی ہزار رکعت نماز خواندہ ام و در این عبا ہزار ختم قرآن کردہ ام.

بعد از نماز ظہر سر بہ سجده گذاشتہ صدبار می فرمود «شکر اللہ» و بعد از نماز عصر سر بہ سجده گذاشتہ صدبار می فرمود «حمد اللہ»

«ہر گاہ برای امام رضا (ع) سفرہ می انداختند، امام ابتدا ظرف غذایی برای فقرا می فرستادند و می فرمودند: «فلا اقتحم العقبۃ» یعنی کسانی از قیامت نجات می یابند کہ بردہ آزاد کنند یا بہ یتیم اکرام نمایند. «منتہی الامال ج 2 ص 463»

امام فرمود از سفره عروسی بوی بهشت استشمام می شود. آن عروسی که رحمانی باشد نه شیطانی. آن عروسی که شادی اسلمی داشته باشند. نه اینکه نوازنده های بی نماز را بیاورند و رقص مختلط داشته و گناهان مختلف می کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم - قال الله تعالى - «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»

وعدۀ خداست ، خدا هرگز از وعدۀ خود تخلف نمی کند ، ولی بیشتر مردم نمی دانند (که خدا کیست و خلف وعدۀ درباره او محال است) .
آنها ظاهری از زندگی دنیا را می دانند (آنچه حس می کنند و از آن برخوردارند در نزد آنها هدف است و اصالت دارد) و از (زندگانی) آخرت (که نتیجه واقعی زندگی دنیاست) سخت غافلند

غفلت اکثر انسانها:

انسانهای مؤمن کسانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنها را از یاد خدا مشغول نمی کند.⁽¹⁾

«آنان که در حالت ایستاده و نشسته و خوابیده به ذکر خدا مشغول بوده و در خلقت آسمانها و زمین تفکر کرده و می گویند: ای خدای ما ! اینها را باطل و بیهوده نیافریده ای . تو از هر نقصی منزهی . پس ما را از جهنم دور نگه دار .»

خصوصیات افراد غافل:

دلشان خاشع نمی گردد (به خاطر توجه به دنیا از خدایشان غافل شده و در خود احساس خشوع و ترس از ذات اقدس الهی نمی کنند) دلش سیاه و دچار قساوت می شود: «خدا به موسی گفت: ای موسی ! مرا در هیچ حالی فراموش نکن که فراموشی من دلها را قسی می کند .

{چه اشکال دارد که هر کسی در هر شغلی که هست همیشه بیاد خدا باشد.مغازۀ دار ، کارمند پشت میز

نشین، رئیس اداره،مسافر }

با فامیل قطع رابطه می کنند (به خاطر این که فامیل ها از مال آن ها بهره ای نبرند با فامیل هایشان

مخصوصا فامیل های فقیر قطع رابطه می نمایند)

حرص را علنی می کنند (برای رسیدن به دنیای بیشتر از تظاهر به دنیاطلبی ابایی ندارند)

حسد را ظاهر می کنند (برای از بین بردن رقبا و کوچک کردن آنها در سر راه دنیاطلبی از تظاهر به

حسادت نسبت به رقبایشان واهمه ای ندارند)

از خیر دوری می کنند (آدم دنیا طلب نمی تواند به دنبال کارهای خیر باشد بلکه از خیر فرار می نماید تا

مالش محفوظ بماند) «رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای اباذر ! همت کن تا کار خوب بکنی اگر چه به آن

موفق نشوی تا جزو غافلین نباشی !»

مشغول به جمع آوری مال هستند

«روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به بازار رفت و وقتی دید که مردم مشغول کسب و کاسبی هستند به

گریه افتاد . وقتی علت گریه را از حضرت پرسیدند، فرمود: روز که به دنبال دنیا هستید و شب هم به

استراحت می پردازید . پس کی به یاد خدا هستید؟»

«ثروت اندوزی مایه سرگرم شدن و از خدا غافل گردیدن است أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»⁽³⁾

ای مؤمنین ! مال و اولاد شمارا از یاد خدا باز ندارد که در این صورت ضرر غافلین کرده اند . «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ

تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»⁽⁴⁾

«آمده است که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله غفلتی از اصحابشان می دیدند، با صدای بلند

می فرمود: مرگ سراغتان آمد . یا با شقاوت می روید یا با سعادت !»

امام حسن علیه السلام: ای فرزند آدم! تو از زمانی که متولد شده‌ای دائماً عمر خود را تلف کنی! پس از آنچه در دست داری، برای سفر آخرت خود توشه بردار! زیرا که مؤمن، زاد و توشه بر می‌دارد ولی کافر لذت می‌برد و خوشگذرانی می‌کند.

نمونه‌ای از غافلین

انسان‌هایی هستند که سال‌ها با خوش نامی زندگی می‌کنند، مانند عده‌ای از هر پیشه‌ای اکثر هنرپیشه‌های سینما! تئاتر! ورزشکاران مشهور! پرفسورها و دانشمندان کشور! که متأسفانه عده زیادی از آنها را غفلت گرفته و چنان به دنیا و زرق و برق آن مشغول شده‌اند که توجهی به معنویات و آخرت و عاقبت خود ندارند جوانانی هستند که زنجیرهای طلا در گردن آویخته و لباس غربی بر تن و گاه علامت صلیب بر پشت پیراهن! و مست غرور جوانی در هنگام نماز مخصوصاً نماز مغرب در پاساژها و بازارها و خیابان‌ها به دنبال چشم‌چرانی و هرزه‌طلبی و دنبال جنس مخالف رفتن می‌باشند!

قارون غافل

پسر خاله موسی علیه السلام شخص پولداری به نام قارون بوده است. به حضرت موسی علیه السلام خطاب شد که نزد قارون برو و او را پند و اندرز داده و بگو حقوق الهی ثروت و مالت را بده. قارون مردی بسیار ثروتمند بود. حضرت موسی علیه السلام به قارون دستور خدا را رساند. قارون گفت چقدر باید بدهم؟ حضرت موسی علیه السلام گفت چهل به یک. قارون گفت به خدایت بگو که گنج‌های من آنقدر زیاد است که کسی نمی‌تواند حساب آنها را بکند. کمی به من تخفیف بدهد. وقتی حضرت موسی علیه السلام به کوه طور رفت عرض کرد خدایا کمی به قارون تخفیف بده! خطاب شد: هزار به یک بدهد. حضرت موسی علیه السلام پیام الهی را به قارون رساند. قارون گفت کمی به من مهلت بده. حضرت موسی علیه السلام به قارون مهلت داد. وقتی قارون به منزل رفت، شیطان به صورت پیری نزد او آمد و گفت چرا

مالت را بدهی؟ مگر غصب کرده‌ای؟ خلاصه شیطان وادارش کرد تا برای فرار از زکات، نسبت زنا به حضرت موسی علیه‌السلام بدهد. قارون هم زن فاسدی را خواست و یک کیسه طلا به او داد و گفت فردا در حضور جمع ادعا کن حضرت موسی علیه‌السلام با من عمل نامشروع نموده است. روز بعد قارون و زن کذائی با عده‌ای در مجلس حضرت موسی علیه‌السلام حاضر شدند. حضرت موسی علیه‌السلام سر منبر بود که زن گفت ای موسی! تو با من زنا کرده‌ای! حضرت موسی علیه‌السلام تورات را حاضر کرد و فرمود ای زن! تو را به این تورات قسم! آیا من با تو زنا کرده‌ام؟ زن گفت خیر بلکه قارون کیسه‌ای طلا بمن داده تا این نسبت را به تو بدهم. حضرت موسی علیه‌السلام در حق قارون نفرین کرد ناگاه قارون با همه ثروتش به زمین فرو رفت!^۱

چه کنیم تا دچار غفلت نشویم؟:

1- پرهیز از گناه کبیره

روزی که انسان کارهای خیر خود را می‌بیند و وقتی کارهای بدش را می‌بیند، آرزو می‌کند ای کاش بین او اعمال بدش فاصله زیادی بود.

امیرمؤمنان (علیه السلام) درباره پیروی از شهوات هشدار داده و می‌فرماید: «از شهوات سرکش پرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان می‌کشاند».

از همان حضرت نیز به این نکته اشاره شد که: «هواپرستی عقل انسان را فاسد می‌کند» و در حدیث دیگر فرمودند (اگر شهوت پرستی تشدید شود): «دین انسان را برباد می‌دهد و حتی انسان را به بت پرستی می‌کشاند».

2- دوست داشتن لقاء خدا و توجه به آخرت.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر که لقاء خدا دوست داشته باشد خدا هم لقاء او را دوست دارد و هر که لقاء خدا را بد بداند خدا هم لقاء او را بد می داند

3- تقسیم شبانه روز به سه قسمت 1- کار و تلاش 2- استراحت و تفریح 3- عبادت

بعضی افراد همه روزها را کار می کنند اینها اگر در قیامت از شان سوال شود چرا نماز جمعه نرفتید و بگویند ما کار می کردیم از آنها قبول نمی کنند.

4- دوری از مجالس لهو و لعب: والذینهم عن اللغو معرضون

و در تعبیر دیگری از حضرت (علیه السلام) آمده است: «و برای «غفلت» انسان، همین بس که عمر خود را در چیزی که مربوط به او نیست، صرف کند»

مصدق لهو و لعب، موسیقی است که حتی حلال آنهم باعث غفلت می شود. زیرا هر آنچه که انسان را از یاد خدا غافل کند ممنوع است. همچنین نشستن پای برنامه های ماهواره هم مصداق لهو است مخصوصا با توجه به تاثیر بد بر روی اذهان و بدبین کردن افراد به نظام با دروغ پراکنی هایی که می کنند استفاده از ماهواره به صلاح نیست.

5- دوری از خنده زیاد، خواب زیاد، و خوردن زیاد!

امام صادق علیه السلام : قهقهه و خنده با صدا از شیطان است!

حسینی بودن

چه کنیم که در زندگی حسینی باشیم و یزیدی نگردیم؟

ما افراد زیادی را می شناسیم که باینکه قسمتی از عمر آنها با خوبی و در ظاهر در صراط مستقیم سپری شد ولی عاقبت یزیدی شدند. نمونه آنها شمر است که روزی از اصحاب علی (ع) بود. یا عمر سعد که سالیان سال از دوستان حسین (ع) بود. یا تعدادی از لشکریان عمر سعد که از مسلمانان نماز خوان و قرآن خوان بودند. و همراه علی (ع) در جنگها شرکت کردند و زنانشان شاگرد زینب س بودند. در انقلاب اسلامی ما هم از این نمونه ها زیاد است. افرادی که سوابق درخشان مبارزه با طاغوت را داشتند ولی در پایان یزیدی شدند!

لذا این خطر بزرگی است که در کمین خوبان است. برای نجات از بدعاقبتی، باید چند اصل را رعایت کنیم:

1- همیشه با ولایت باشیم نه جلو بزنیم و نه عقب بمانیم.

فَالرَّغْبُ: رضای او گام برداشتید و تسلیم قضا و قدر او شدید و پیمبران گذشته او را تصدیق کردید پس آنکه از شما رو گرداند

عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّائِمُ لَكُمْ لَا حِقٌّ، وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ: از دین خارج گشته و آنکه ملازم شما بود به حق رسیده و آنکه کوتاهی کرد در حق شما نابود گردید، و حق

مَعَكُمْ، وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَالْيَكُمُ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ النَّبَوَّةِ: همراه شما و در میان شما خاندان و از جانب شما است و بسوی شما باز گردد و شما اهل حق و معدن آن، و میراث نبوت

عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصْلُ الْخِطَابِ: نزد شما است و بازگشت خلق خدا بسوی شما است و حسابشان با شما است و سخنی که حق و باطل را جدا کند

عِنْدَكُمْ، وَأَيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَتَوْرُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ: نزد شما است و آیات خدا پیش شما است و تصمیمات قطعی او (یا دستورات لازم) درباره شما است و نور و دلیل روشنش

وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ: وَنَزَدَ شِمَا اسْتِ وَا مَرَامَتَشْ مَحُولَ بَهْ شِمَا

است، هر که شما را دوست دارد خدای را دوست داشته و هر که شما را دشمن دارد خدای را

مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ: دشمن داشته و هر کس به شما محبت داشته

باشد به خدا محبت داشته و هر کس با شما کینه توزد با خدا کینه توزی کرده و هر که به شما

فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ

2- از لقمه حرام دوری کنیم.

وقتی موعظه ها و هشدارهای امام در لشکر عمر سعد اثر نکرد حضرت فرمود شکمهایشان از حرام پر شده است.

3- داشتن بینش سیاسی صحیح: مرتب بیانات امام و رهبری و مراجع تقلید را گوش بدهیم و رسانه های غربی را رها کنیم.

4- افراد را با حق بسنجیم نه اینکه حق را با افراد. کاری به سوابق خوب افراد نداشته باشیم بلکه ببینیم در مسیر حق هست یا خیر.

ولایت

امام پنجم: شگفت از این مردم که آبهای اندک در میان گودالهای صحرا را می لیسند ولی نهر بزرگ را رها می کنند!

سؤال شد: نهر بزرگ کدامست؟ فرمود: علم پیامبر که همه آن را به علی (ع) منتقل ساخت. علی (ع): آگاه باشید! برای هر چیزی دستگیره ای است و دستگیره دین شیعه است. آگاه باشید! برای هر چیزی شرافتی است و شرافت دین، شیعه است. آگاه باشید! برای هر چیزی امامی است و امام زمین آزمینی است که شیعه در آن ساکن است.

علامه طباطبایی روزه خود را با بوسه زدن بر ضریح حضرت معصومه علیها السلام افطار می کرد، و هنگامی که تابستانها به مشهد مشرف می شد، وقتی از او تقاضا می کردند در اطراف مشهد، جای خوش آب و هواتری اقامت کند، قبول نمی کرد و می فرمود: ما از پناه امام هشتم جای دیگر نمی رویم.

بیان این که حضرت امام قدس سره وقتی قم بود، پیوسته هر غروب حضرت معصومه علیها السلام را زیارت می کرد و در ایام اقامت در نجف، هر شب به زیارت حرم مولا مشرف می شد.

بیان حالتهای خاص علامه امینی در هنگام زیارت و حالت شوقی که به اهل بیت علیهم السلام و علی علیه السلام داشت و با چشمی اشکبار و شور و حالی تماشایی حضرت امیر علیه السلام را زیارت می کرد.

یا اشاره به اینکه آیه الله بروجردی به آستانه حضرت معصومه سفارش کرد که اسم مرا هم جزو خدام افتخاری حضرت معصومه علیها السلام بنویسید، (هم اکنون نیز برخی از مراجع تقلید در قم، جزو خدام افتخاری این آستانه اند و در جلسات خدام افتخاری شرکت می کنند). یا اینکه به شیخ انصاری گفتند شما آستان حضرت ابوالفضل را ببوسید، تا مردم به کار شما نگاه کنند و ادای احترام بیشتر به آن حضرت کنند و تشویق شوند، فرمود: من آستان حضرت ابوالفضل را نه به خاطر اینکه آستان اوست، بلکه به خاطر اینکه جای

پای زوار آن حضرت است می‌بوسم و افتخار می‌کنم... ذکر اینگونه نمونه‌ها در دل افراد دیگر هم اثر می‌گذارد و محبت می‌آفریند.

حضرت امام خمینی قدس سره که محبوب دلها و الگوی همه است، در مقدمه وصیتنامه خویش، با تعبیر مکرر «ما مفتخریم که...» به پیروی از مذهب شیعه، به داشتن نهج البلاغه، ادعیه حیات بخش ائمه، مناجات شعبانیه، دعای عرفه، صحیفه سجادیه، صحیفه فاطمیه، امامت ائمه دوازده گانه، وجود امام باقر، جعفری بودن مذهب و... مباحثات و افتخار می‌کند. وقتی شخصیت عظیمی همچون امام، با افتخار از ائمه و مذهب و ادعیه و صراط شیعه و... یاد می‌کند، در ذهن شیفتگان او نیز تاثیر می‌گذارد و این محبت به دل آنان نیز نفوذ می‌کند (ما مفتخریم که باقرالعلوم، بالاترین شخصیت تاریخ... از ماست، ما مفتخریم که ائمه معصومین... ائمه ما هستند، ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است...).

نسناس! روزی مردی از امیرمؤمنان پرسید که: ناس کیست؟ اشباه الناس کیست؟ نسناس کیست؟ امام به فرزندش حسین (ع) فرمود: تو جواب او را بده. امام حسین (ع) فرمود: ناس ما اهل بیت هستیم. اشباه الناس هم شیعیان ما هستند که از ما پیروی می‌کنند. اما نسناس بقیه مردم هستند (که از ولایت بویی نبرده اند). در این موقع اشاره به مردمی که در خارج از آن محل بودند کرد.

آثار ولایت

- 4-3- نجات از مهلکات-2- حاضر شدن ائمه (ع) بر بالین او و محشور شدن با بهترین حالت-1- پاک شدن گناهان
رواشدن حاجات
- 8- قوی-7- آرامش روح و روان-6- حفظ پاکدامنی و دوری از مفاسد اخلاقی-5- دوری از انحرافات عقیدتی
شدن حزب الله
- 12- آب حیات-11- اکسیر اعظم است-10- هدایت و رستگاری در دنیا و آخرت-9- ضعیف شدن حزب شیطان
13- موفقیت است-است

امام باقر (ع) فرمود: بنده‌ای را به مدت هفتاد «خریف» که هر «خریفی» مطابق هفتاد سال است، در جهنم عذاب می‌کنند. سپس آن شخص دعا می‌کند که: خدایا! بحق محمد و آل محمد بر من رحم نما! خدا به جبرئیل دستور می‌دهد که او را از جهنم نجات دهد و به آن شخص می‌گوید: اگر دعا نمی‌کردی، زیاد در آتش می‌ماندی! اولی من بر خود حتم کرده‌ام که هر که مرا بحق محمد و آل محمد سوگند دهد، او را بیمارزم و امروز تو را آمرزیدم. «بحارج 94»

عید غدیر عید ولایت

روز هیجدهم روز عید غدیر و عید الله الاکبر و عید آل محمد است و عظیمترین اعیاد است و مبعوث نفرموده حق تعالی پیغمبری را مگر آنکه عید کرده است این روز را و حرمت آن را دانسته است و نامش در آسمان روز عهد معهود است و نامش در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است و روایت است که از حضرت صادق پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر از جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزی است که نصب کرد حضرت رسول (ص) امیرالمؤمنین (ع) را به خلافت خود و فرمود که هر که من مولی و آقای اویم پس علی مولی و آقا و پیشوای او است و آن روز هیجدهم ذی الحجه است راوی گفت که چه کار در آن روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا (ص) امیرالمؤمنین (ع) را که این روز را عید گرداند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت می‌کرد که این روز را عید گردانند

غدیر روز قبولی اعمال شیعیان و روز برطرف شدن غمهای ایشان است و این روزیست که حضرت موسی ع بر ساحران غلبه کرده و خداوند آتش را بر ابراهیم خلیل ع سرد و سلامت کرده و حضرت موسی (ع) یوشع بن نون را وصی خود گردانیده و حضرت عیسی (ع) شمعون الصفا را وصی خود قرار داده و حضرت سلیمان (ع) رعیت خود را بر استخلاف اصف بن برخیا اِشهاد کرده و جناب رسول خدا ص ما بین اصحاب خود برادری افکنده در سال دهم هجرت، پیامبر گرامی اسلام، آخرین حج خود را موسوم به «حجه الوداع» انجام داد و در حالیکه هزاران نفر از مسلمانان همراه آن حضرت بودند، بطرف مدینه باز می‌گشت. چون به محل «غدیر خم» رسیدند، حضرت دستور توقف دادند. زیرا طبق آیه شریفه «یا ایها الرسول بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ

رِسَالَتُهُ. «67 مائده» ای رسول! آنچه خدایت بر تو نازل کرد را ابلاغ نما! که اگر ابلاغ نمایی، رسالت را به انجام نرسانده‌ای. «پیامبر خدا (ص) موظف شدند، جانشین خود را رسماً به مردم معرفی کنند. وقتی همه در آنجا جمع شدند، برای پیامبر بوسیله کجاوه‌ها، منبری درست کردند و حضرت بر بالای آن رفته و خطبه مفصلی ایراد کردند و خبر رحلت خود را به مردم دادند و فرمودند: وقت آن شده که دارفانی را وداع کنم. بدرستیکه من در میان شما دو چیز پربها، امانت می‌گذارم که اگر به آن متمسک شدید، هرگز بعد از من گمراه نشوید! و آن کتاب خدا و عترت من است. در این موقع حضرت فرمود: السُّتُ أُولَىٰ 'بأنفسكم؟ قالوا: اللّٰهُمَّ بلىٰ'. آیا من از خوتان بر شما سزاوارتر نیستم؟ گفتند: بخدا آری. پس بازوهای علی (ع) را گرفت و بلند کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ، فَهَذَا عَلِيُّ مُوَلَّاهُ. اللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهَ وَعَادِ مَنْ عَاداهُ. هر که من مولای او هستم، این علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار دوستدار علی را و دشمن بدار دشمن علی را.»

حضرت در حالیکه ظهر شده بود، از منبر پایین آمد. بلال اذان گفت و پیامبر نماز ظهر را بجای آورد و داخل خیمه خود شد و دستور داد: در مقابل خیمه خود، خیمه‌ای برای علی (ع) بر پا کنند و علی (ع) در آن بنشیند و مردم با او بیعت نمایند.

اصحاب دسته دسته خدمت علی (ع) رفته و به او مبارکباد می‌گفتند و با عبارت: السلام علیک یا امیر المؤمنین بر او سلام می‌نمودند.

تعداد کسانی که این حادثه را دیده و با علی (ع) بیعت کردند را تا هفتاد هزار نفر نوشته‌اند. در این هنگام آیه نازل شد: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.» (30 مائده) امروز! دین شما را کامل و نعمت را بر شما تمام نموده و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم. این امر شیطان و اتباع او را خیلی عصبانی کرد لذا بعد از این واقعه تصمیم به کشتن پیامبر گرفتند. و در هنگام برگشت از جنگ تبوک به حضرت سوء قصد نمودند که ناکام مانندند. زیرا ولایت همه امیدهای منافقین را برای برچیدن اسلام بعد از رحلت پیامبر، برباد داد. ولایت تنها راه مستقیم است و همه راههای دیگر انحرافی است

امانت الهی

– قال الله تعالى – «واذ ابنتی ابراهیم ربّه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک اماما قال ومن ذریتی قال لاینال عهدی الظالمین..»

سخن از امانت الهی است امانتی بزرگ و گسترده که آسمان ها و زمین و کوه ها از نگهداری موضوع خطبه اول: آن عاجز بودند و انسان یک تنه آن را بر دوش کشید می فرماید: «ما امانت را به آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم آنها از حمل آن ایا کردند و از آن هراس داشتند اما انسان آن را بر دوش کشید و او بسیار ظالم و نادان بود. (چرا که قدر این مقام والا را نشناخت و به خود ستم کرد) (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا).

این چه امانتی بود که آسمان با آن عظمت و زمین با این وسعت، و کوه ها با آن صلابت از حمل آن ناتوان بودند در حالی که این انسان خاکی با این جثّه کوچکش آن را بر دوش کشید. انسان ظالم و جاهل است!

اینکه چرا انسان ظالم و جاهل است، ظلم و جهول بودن انسان به خاطر پذیرش این امانت نبود، چرا که پذیرش آن نشانه عقل و سبب افتخار او است، زیرا بدون آن هرگز به مقام خلیفه الهی نمی رسید، بلکه ظلم و جهول بودنش به خاطر عدم حفظ این امانت، و خیانت در آن بود. از آنجا که گروه عظیمی از انسان ها حق این امانت الهی را ادا نکردند، و در حفظ آن نکوشیدند و از این رو مستحق عنوان ظلم و جهول شدند، زیرا بزرگترین ظلم را به خویشان کردند و از افتخار عظیمی که خدا به آنها داده بود غافل ماندند.

آری امانتی که حفظ آن می توانست او را به اوج آسمان سعادت برساند خیانت در آن سبب شد که به پست ترین ذلّت ها کشانده شود و حتی به مصداق «بَلْ هُمْ أَضَلُّ» از چهار پایان هم پست تر شود.

منظور از این انسان ظلم و جهول، افراد کافر بی ایمان و یا مؤمنان ضعیف و بی تقوا و منافقین است و گرنه اولیاء الله و نیکان و پاکانی که در مسیر آنها گام برداشتند همواره حق این امانت را ادا کرده و می کنند و در واقع همان ها هدف آفرینش نوع انسانند...:

در حدیثی می خوانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که خداوند ارواح پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و فاطمه زهرا (علیها السلام) و ائمه معصومین (علیهم السلام) را آفرید، سخنانی فرمود: از جمله این که: «وَلَا يَتَّهِمُ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِي؛ ولایت آنها امانتی است در نزد خلق من»

در طول تاریخ تشیع عده زیادی ولایت را که امانت الهی است پاس داشتند. شخصیهایی چون مالک اشتر، حنظل بن عدی، ابن سکیت، حبیب بن مظاهر، قنبر، و هزاران عاشق دیگر. گه تا آخر با ولایت بودند. اینها در کنار علی (ع) بودند. بعد از علی (ع) در کنار امام حسن (ع) و بعد از او در کنار امام حسین (ع).

قنبر سالها در خانه علی (ع) خدمت نمود و از شیعیان مخلص بود. روزی حجاج خونخوار به اطرافیانش گفت: امروز دوست دارم که یکی از شیعیان ابو تراب را بیاورم و خورش را قربۀ الی الله! بریزم! به او گفتند: غیر از قنبر کسی را سراغ نداریم! بدستور حجاج، قنبر را آوردند. حجاج به او گفت: از علی بیزاری بجو! قنبر امتناع کرد. حجاج او را در نحوه مردن مخیر کرد. قنبر گفت: مولایم بمن خبر داد که من مظلومانه ذبح می شوم! حجاج دستور داد سر او را ببردند.

72 تن شهادت کربلا هم خوب از ولایت پاسداری کردند.

ولی عده ای هم بودند که به ولایت خیانت کردند. از جمله اینها شخصی بنام شلمغانی است که وکیل امام عصر (ع) بود و دانشمندی بود که رساله او در همه خانه های شیعیان وجود داشت. اما وقتی قرار شد حسین بن روح نوبختی نایب خاص حضرت شود. شلمغانی دچار حسادت شد و نتوانست این مسئله را تحمل کند و شروع به توطئه کرد تا اینکه از طرف حضرت مهدی علیه السلام توقیعی صادر شد و حضرت او را لعن کردند. و عاقبت هم شلمغانی به طرز فجیعی کشته شد.

یا احمد بن هلال کرخی که وکیل امام هادی و امام عسکری بود و 54 بار به سفر حج رفت که بیست بار آن پیاده بود. ولی بخاطر ادعای دروغین نیابت، مورد لعن امام زمان عجل قرار گرفت.

در زمان ابتدای انقلاب اسلامی عده ای در کنار امام بودند و عده ای هم با حضرت امام مخالفت کردند از جمله منتظری! بعد از رحلت امام، اکثر یاران امام با رهبری بیعت کردند و حامی نظام هستند. صدها مجتهد و انسانهای مخلص. ولی در این بین افرادی بودند که از یاران امام بودند اما بعد از رحلت حضرت امام، به مخالفت با رهبری پرداختند. آقای موسوی خوئینی ها می گوید من زمان امام هم ولایت فقیه را قبول نداشتم ولی از ابهت امام جرات

مخالفت نداشتم! اینها کسانی هستند که مورد لعن خدا و پیامبر و امام زمان هستند زیرا همانطور که دولت مصر و امثال آن که دولت یک کشور اسلامی است به جهان اسلام خیانت کرده و همراه اسرائیل و آمریکا و جنایتکارها شده و حامی ظالم و علیه مظلومین فلسطین عمل می کند، افرادی در کشور ما هستند که این چنین هستند و همگام با دشمن و حامی استکبار جهانی و دشمن ملت مظلوم ایران هستند که اینها همان ظلوما جهولا هستند که نتوانستند امانت الهی را پاس بدارند. و این خسران و بدبختی است که کشاورز و بازاری و کارمند و بسیجی نیشابور و ورامین کفن پوش به تهران برود و از ولایت حمایت کند اما شخصیکه چند سال در کنار امام بوده ناگاه علیه ولایت توطئه نماید. راه اینها راه منافقین و شیاطین می باشد.

اصلاح طلب ها مصداق ظلوما جهولا هستند! اینها بجای خدمت به نظام اسلامی، به استکبار جهانی خدمت می کنند و همواره تلاش داشته اند چوب لای چرخ نظام اسلامی بگذارند.

دولت خاتمی و دولت روحانی که اصلاح طلب بودند چقدر به اقتصاد کشور و از همه مهم تر به فرهنگ کشور عزیز ما ضربه زدند. که حتما اینها در دادگاه الهی گرفتار خواهند شد و شهدا و امام عزیز از اینها نخواهند گذشت.

ولایت: ولایت از نماز هم مهم تر است زیرا ولایت جزو اصول دین است و نماز جزو فروع دین است. همانطور که اگر نماز در اعمال انسان قبول شود بقیه راهم قبول می کنند در اصول دین اگر ولایت درست باشد بقیه اصلها را هم قبول می نمایند و اگر ولایت درست نباشد بقیه اصلها قبول نیست. یعنی توحید بشرط ولایت است. که امام رضاع در حدیث سلسله الذهب از قول خداوند عزوجل فرمود: کلمه لا اله الا الله حصنی ومن دخل حصنی امن من عذابی... بشرطها و شروطها و انا من شروطها. ولایت شرط است.

یعنی همه اعمال صالحی که ما انجام می دهیم مانند نماز و روزه و صدقات و صله ارحام و تلاوت قرآن غیره بشرطی قبول می شود که همراه با ولایت باشد.

در سفر معراج خداوند به پیامبرش فرمود:

ای محمد! من نظری بسوی زمین کردم و تورا از آن اختیار کردم و پیغمبر ساختم و اسم تو را از نام خود برگرفتم که من محمودم و تو محمدی! دوباره بر زمین نظری افکندم و علی را از آن برگزیدم و او را جانشین و داماد تو قرار دادم و نام او را از نام خودم برگرفتم که من علیّ اعلی هستم و او علی است.

سپس فاطمه و حسن و حسین را از نور شما خلق کردم. آنگاه ولایت شما را بر فرشتگان عرضه کردم، تا هر که پذیرفت در پیشگاه من از مقربین شود.

ای محمد! اگر بنده ای آنقدر عبادتم کند تا خسته شود و بدنش مانند مشک پوسیده گردد ولی در حالی از دنیا برود که منکر ولایت شما باشد، او را در بهشتم جای نخواهم داد و در زیر عرشم سایه نخواهم بخشید.

ای محمد می خواهی آنان را ببینی؟

عرض کردم: آری پروردگارا!

فرمود: سرت را بلند کن.

وقتی سرم را بلند کردم ناگاه انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و محمد بن علی و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی را دیدم و محمد بن الحسن القائم رادر وسط آنان مانند ستاره درخشانی دیدم.

عرض کردم: اینها کیانند؟

فرمود: اینها امامان هستند و این قائم است. آنکه حلال مرا حلال و حرام مرا حرام کند و بوسیله او از دشمنانم انتقام کشم و او برای دوستانم، مایه راحتی است و او ست که دل شیعیان و پیروان تورا از ظالمین و کافرین شفا

می‌بخشد و دُوبُت لات و عَزّی را ترو تازه بیرون می‌آورد و آنها را می‌سوزاند. البته فتنه و امتحان مردم در آنروز بوسیله این دُوبُت، سخت‌تر از فتنه گوساله سامری خواهد بود! «مکیال المکارم ج 1 ص 75»

پیامبر اسلام (ص) فرمود: بهشت بر پیامبران حرام است تا زمانی که من داخل آن شوم و برامت‌ها نیز حرام است تا شیعیان ما اهل بیت وارد شوند. «بحار ج 8

زیرا اهل بیت عالم‌ترین و عادل‌ترین و باتقواترین و شجاع‌ترین و با سخاوت‌ترین انسان‌ها بوده‌اند.

امام علی (ع) فرمود: ما اهل بیت هستیم که خدا بما علم مرگها و بلاها و نسبها را داده است. و بخدا سوگند! اگر مردی از ما بر سر پلی باشد و مردم از زیر آن پل عبور کنند، او نسب تک تک افراد را تا اسم همه اجدادش بلد است. «اهل البیت ص 204

بسم الله الرحمن الرحيم - قال الله تعالى - «وما اصابکم من مصیبه فبما کسبت ایدیکم ویعفو عن کثیر.

مقصر در مصیبت‌های انسان چه کسی است؟

به نظر قرآن کریم، مقصر اصلی در بلاها و مصیبت‌های انسان‌های عادی، خود انسان است. وما اصابکم من مصیبه فبما کسبت ایدیکم ویعفو عن کثیر.

انسان بواسطه گناه یا جهالت و نادانی یا عجله در کارها یا بی توجهی به تذکرات خیرخواهان دچار گرفتاری می شود.

در این خطبه فقط پیرامون گناه که از عوامل اصلی مصیبت‌ها هستند مطالبی را عرضه می نمائیم.

علی (ع): از گناهان اجتناب کنید که تمام بلاها و کمبود روزی بواسطه گناه است حتی خراش بدن، زمین خوردن و مصیبت‌های دیگر.

جهان، جهان علت و معلول است و خداوند برای هر معلولی یک علت ظاهری و مادی و یک علت باطنی و معنوی قرار داده است و گناه را معلول باطنی و معنوی برای مصیبت‌ها قرار داده است.

در زمان طاغوت به روایت آیه الله محمدی ری شهری، مردم به یکی از افرادی که در ریاضت و تقوا به جایی رسیده بود که پشت پرده راهم می دید، مراجعه می کردند و رفع مشکلات خود را از ایشان چاره جوئی می کردند. 1- از جمله مغازه داری از کم شدن مشتری هایش شکوه کرد. ایشان فرمود چرا فلان سید فقیری که نسیه برده بود از مغازه بیرون کردی؟

2- یکی از کارمندان مراجعه کرد که پرونده ای گم شده و اگر پیدا نشود جانم در خطر می افتد. ایشان فرمود بیش از یکسال است به خواهر شوهر مرده اش سر نزدی! او هم مقداری میوه و گوشت گرفت و نزد خواهرش رفت و عذرخواهی کرد و از دلش درآورد. فردا وقتی سرکار رفت و در کمد بایگانی جستجو کرد پرونده را پیدا نمود. 3- خانمی تب کرد و چند روز او را بستری کردند ولی تب پایین نمی آمد. ایشان فرمود بچه شما که نجس کرد آنقدر او را زدی که نزدیک بود نفسش بند بیاید. باید او را راضی کنی!

4- ایشان فرمود که در مکاشفه فلان شخص را دیدم که چون زنش را اذیت کرده بود در عالم برزخ در عذاب بود.

5- ایشان فرمود زنی را دیدم که بخاطر اینکه شوهرش را اذیت کرده بود اعمالش بصورت سگی شده و همراهش در قبر شد!

6- مردی مریضی سختی گرفت و درمان نمی شد ایشان فرمود خواهرت و بچه های یتیمش را محبت کن خوب می شوی.

7- شخصی از کارمندان بدنش دچار خارش شده بود و خوب نمی شد ایشان فرمود در اداره خانم سیده ای است چون در نامه تایپی اشکال داشته شما سراوداد کشیدید و او را به گریه انداختید باید از او حلالیت بطلبید!

8- مردی دچار پادرد شده و خوب نمی شد. ایشان فرمود همکارش را اذیت کرده. باید حلالیت بطلبد.

9- قصابی گفت پسر دچار سانحه شده و در حال مردن است ایشان فرمود چون گوساله را نزد مادرش ذبح کردی فرزندت خواهد مرد و راهی برای نجاتش نیست!

10- پسری تصادف کرد و در بیمارستان بستری شد و حالش وخیم بود ایشان فرمود گوسفندی سربریده و 40 نفر کارگر را به منزل دعوت کرده و آبگوشتی درست کرده بخورند و روضه خوانی روضه خوانده و دعا برای شفا کند و اینها آمین بگویند.

11- در شهری خشکسالی شد. ایشان فرمود گاوی در آن شهر سربریده و به فقرا تصدق نمائید.

موفقیت‌های حضرت محمد (ص)

در میان صدوبیست و چهار هزار پیامبر الهی، آخرین پیامبر از همه در انجام ماموریتش و در تربیت انسانها موفق تربودند

از جمله مهمترین توفیقات آن حضرت در مدت نبوتشان :

- 1- قرآن را بصورت کامل برای بشریت بجانهادند. در حالی که کتب دیگر الهی از بین رفتند و آنچه باقی مانده تحریف شده و پراز دروغ است. آن کتابی که در آن نسبت زنا به پیامبری الهی داده شود یا نسبت شرابخواری داده شود کتاب الهی نیست.
- 2- اسلام را بعنوان کامل ترین دین که برای همه نیازهای بشر تأقیامت برنامه دارد، به بشریت اهداء فرمودند. در حالی که دیگر ادیان الهی منقرض شدند و آنچه به اسم دین الهی است غیر واقعی است. آن دینی که در مقابل جنایات صهیونیسم ساکت باشد دین الهی نیست. آن کلیسایی که مرکز تجاوز کشیشها به کودکان باشد خانه خدا نیست بلکه خانه شیطان است.
- 3- هزاران نفر را در زمان حیات خود و میلیونها نفر را بعد از رحلت خود به دین اسلام مشرف کردند که تعدادی از آنها به درجات بالای معرفت دست پیدانمودند.
- 4- الگوی موفق برای بشریت شدند که همگان می توانند با تاسی به آن نور الهی، به سعادت برسند.
- 5- از نظر علم، به چنان سطح علمی دست یافتند که علوم همه پیامبران در ایشان وجود داشت و بعلاوه علوم جدیدی نیز دارا بودند که همه را به علی (ع) منتقل نمودند و از علی (ع) به سایر ائمه ع منتقل شد. که نتیجه آن پیدایش هزاران عالم و دانشمند مسلمان است که در هیچ امتی این همه دانشمند و عالم وجود نداشته است.
- 6- نسل ایشان که همان سادات هستند هنوز ادامه دارد و تأقیامت ادامه پیدا خواهد کرد. در حالی که نسل دیگر انبیا منقرض شده و اثری از آنها نیست.
- 7- دین اسلام عاقبت عالمگیر خواهد شد {در زمان حکومت امام مهدی عج} و مسلمانان در قیامت از همه امت ها بیشتر خواهند بود.
- 8- نام حضرتش هیچگاه فراموش نمی شود زیرا باید در اذان و اقامه و در تشهد نماز، شهادت بر نبوت حضرت محمد ص در کنار شهادت بر یگانگی خداوند آورده شود. {ماجرای بوعلی سینا و بهمنیار: گویند بهمنیار به استادش

بوعلی پیشنهاد کرد ادعای نبوت کند. بوعلی چیزی نگفت تا شبی برفی ویخندان درهمدان در اطاقی استراحت می کردند که نزدیک اذان صبح، بوعلی از بهمنیار درخواست آب خوردن کرد. بهمنیار گفت چه وقت خوردن آب است؟ و انجام نداد. بوعلی دوباره درخواست کرد و بهمنیار باز حاضر نشد از بستر گرم بلند شود و آب بیاورد. ناگاه صدای موزن بلند شد. بوعلی به بهمنیار گفت این پیامبر است که بعد از این همه سال موزن در این سرما بلند شده و بر بالای بام بر نبوتش شهادت می دهد در حالی که تو که نزدیکترین فرد به من هستی حاضر نشدی برایم آب بیاوری!}

9- همه معجزاتی که پیامبران قبل داشتند بهتر از آن را پیامبر اکرم (ص) داشته اند که معجزات آن حضرت را بیش از چهار هزار معجزه ذکر کرده اند. از جمله زنده کردن مردهگان- شفای بیماران- دونیم کردن ما- سخن گفتن با حیوانات- آمدن باران به دعای حضرت- سرسبز شدن منطقه بی آب و علف و غیره.

10- آن حضرت هم پیامبر اهل زمین و هم پیامبر اهل آسمان و هم پیامبر زمان خود و هم پیامبر بشریت تا روز قیامت هستند. در حالی که باقی پیامبران محدودیت زمانی و مکانی داشتند. مثلاً حضرت شعیب پیامبر یک روستا بودند. بعضی پیامبر یک شهر و بعضی یک استان. اما تنها پیامبر اسلام است که پیامبر کل اهل زمین تا روز قیامت بوده و الان بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون نفر مسلمان در کره زمین زندگی می کنند.

11- اسلام در دوران تمدن اسلامی پیش قراول علم و تمدن بود که این موفقیت تا پنج قرن ادامه داشت. که در این دوره، اسلام از نظر نظامی نیز توانست تا قلب اروپا رخنه کند و قدرتهای بزرگ جهان را همانند ایران و روم شکست دهد.

12- آن حضرت به معراج رفت و به مقام قاب قوسین او ادنی رسید که هیچ پیامبری این توفیق را نداشت.

13- آن حضرت در عالم ذر اولین شخصی بود که در جواب الست بر بکم فرمود بلی.

14- خدا و ملائکه تا روز قیامت بر او صلوات می فرستند.

15- کوثر به او عطا شد انا اعطیناک الوثر.

و...

تربیت اسلامی

دو دسته در تربیت انسان نقش اساسی دارند والدین و معلم و مربی تربیتی.

در این خطبه به نقش مهم و حیاتی والدین و وظایف آنان اشاره میشود. از زمانی که نطفه منعقد می گردد تا ولادت و دوران نوجوانی، نقش مادر از پدر بیشتر است. مادر فقط وظیفه تهیه نیازهای مادی کودک را ندارد بلکه باید به نیازهای معنوی او هم پاسخ مثبت دهد. لذا لازم است مادران، ارزش و اهمیت خود را بشناسد. یعنی جایگاه بسیار مهم مادر بودن و اینکه چقدر مادر در سعادت یا شقاوت فرزند نقش دارد بشناسد. مادران باید اهل کتاب و مطالعه باشند. در جامعه ما، مادران باسواد و اهل مطالعه کم هستند و خانمها در ساعات فراغت، بیشتر دوست دارند تا با هم جنسان خود در محلی گرد هم آمده و از هر دوی سخن بگویند و خود را این چنین سرگرم کنند غافل از اینکه چون همجنسان آنها هم اکثراً اهل مطالعه نیستند، بیشتر سخنان پیرامون لباس و ازدواج و جهیزیه و مسائل کم اهمیت و گاهی غیبتها پشت سر افراد دور می زنند و کمتر از مسائل مهم تربیتی و تجارب بزرگ کردن فرزندان سخن به میان می آید. و این نیاز به یک تغییر در خانواده های ایرانی دارد تا بتوانند نقش مهمتری در خانه و اجتماع خودشان ایفا نمایند.

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است. وقتی پس از سالها تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و زعامت نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است. آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام پیامبری هم می رسید، تعجب نمی کردم، چه رسد به مقام اجتهاد! مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده ای که دیگران نکرده اند؟»

مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او کشیده ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه می گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم.

این کجا و مادرانی که اصلاً اهل وضو و نماز نیستند و به مساجد رفت و آمد نمی کنند و به غسلهای خود اهمیت نمی دهند و در مراسمات عروسی رقاصی می کنند و محرم و نامحرم را رعایت نمی کنند و گاهی کارهای زشت انجام می دهند کجا؟

وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زار زار می گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست بر بالین پیرزنی این گونه اشک بریزید! شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر پی نبرده اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان مادر بود که مرا به اینجا رسانید!»

همچنین پدران که نقششان کمتر از مادران نیست و ناخدای خانواده هستند که باید جهت خانواده را در مسیر درست قرار دهند و فقط نقششان در حد آوردن نان و آب برای خانواده نباشد. بعضی از وظایف والدین مخصوصاً مادران:

والدین باید: - خود نماز بخوانند و فرزندش را هم به نماز سفارش کنند. مخصوصاً مادرها نقش مهمی در نماز فرزند دارند.

«رسول خدا (ص): نخستین چیزی که در قیامت از زن می پرسند، نماز است و سپس درباره شوهرش (اگر ازدواج کرده بوده) که چگونه باشوهرش رفتار می نموده است.»

- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبتهای مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود.

«از جمله بیعتهایی که پیامبر (ص) از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند

- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند. کم هستند خانواده هایی که برای آموزش قرآن فرزندشان معلم بگیرند و اهمیت بدهند در حالی که تلاوت آیات بر نوجوان اثر بسیار مهمی در تربیت صحیح او دارد.

- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد و نظارت با آزادی در تضاد نیست زیرا نظارت یعنی مواظب خطراتی که سر راه نوجوان است باشند.

- به فرزندان محبت کند تا گول محبت های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!

محبت‌ها و تنبیه‌ها و تشویق‌ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید و الا آثار خطرناکی بر روحیات فرزند وارد می‌کند. به نامه یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه‌ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دونفر از دوستانم در یکی از خانه‌های نارمک تهران سرگرم دزدی اثاث خانه‌ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می‌خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می‌خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی‌های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کورکورانه مرا به روز سیاه نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می‌خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دویدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفתי: این پسر کوچولوی من است! او هر دفعه این صحنه تکرار شد! مادر! من شبها دیر به خانه می‌آمدم، اما تو چیزی از من نمی‌پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می‌کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می‌کنم، مانع من نشدی و فقط گفתי: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می‌بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر کوچکم نکن! «حال اگر والدین وظایف خود را بنحو احسن انجام دادند چنانچه فرزند ناباب از کار در آمد. دیگر والدین مقصر و مسئول نیستند. همانند فرزند نوح نبی و فرزند امام صادق (ع) بنام عبدالله افطح و فرزند امام هادی بنام جعفر کذاب.

آثار گناهان

امام صادق علیه السلام: پیروان حقیقی جعفر بن محمد، کسانی هستند که

- 1- در برابر شکم پرستی و بی بند و باری جنسی، عفت دارند 2- (در راه بندگی خدا) تلاش و کوشش فراوان دارند، 3- به ثواب او امیدوارند و از عقاب او بیمناکی باشند.

اینکه قرآن و اهل بیت، ما را به پاکدامنی فرا می خوانند بخاطر این است که گرفتار آثار زیانبار ناپاکی نشویم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله: «سه چیز است که بر اتم از آن سه بیمناکم» سومین آنها را «شکم پرستی و شهوت پرستی جنسی» می دانند.

در روزهای قبل در برنامه آثریر جوانی را نشان دادند که نزدیک ده زن را کشته بود. و کارشناسان درباره علل این کار او صحبت می کردند. اما چون این را از دید اسلام بررسی نکردند لذا به دلیل اصلی پی نبردند. اما اسلام عزیز به ما هشدار داده که یکی از آثار زنا و اعمال نامشروع، جنایت و آدمکشی است.

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْا اِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً وَّ سَاءَ سَبِيْلًا».

«به زنا نزدیک نشوید زیرا زنا فحشاء و بد راهی است».

«امام رضا (ع): زنا برای این حرام شده است که در آن فساد است. فسادهایی چون قتل انسان، ازبین رفتن نسبها، ترک تربیت کودکان، فساد در ارث و امثال این مفسد».

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند، از شهوات سرکش پرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان و هجوم بر معاصی می کشاند

آن حضرت در تعبیر دیگری می‌فرمایند، هوا پرستی عقل انسان را فاسد می‌کند

ظهور جنایات و ظلم بوسیله فرزندان حرام و بخاطر زنا!

یکی از نکات مهم مه اسلام بیان کرده درباره، فرزندان غیرقانون و باصطلاح مردم حرام زاده‌ها! هستند. اینان در آینده بزرگ شده و وارد اجتماع می‌گردند. بخاطر طبیعت ناسالمی که در فرد زنازاده وجود دارد و میل به ناپاکی و بدیها دارد نباید در مناصب حساس وارد شود. او نمی‌تواند مرجع تقلید و مجتهد شود. او نمی‌تواند امام جماعت گردد. او نمی‌تواند شاهد دادگاه باشد. او نمی‌تواند قاضی باشد و...

معمولا میل به جنایت در افراد غیر حلال زاده وجود دارد

«پیامبر (ص) به امام حسن (ع) فرمود: آن کسیکه تو را می‌کشد، فرزند زنا و فرزند پسر زنا کار است!» «امام صادق (ع): کسیکه امام حسین (ع) را کشت، ولد الزنا بود و کسیکه حضرت یحیی (ع) را کشت نیز ولد الزنا بود.»

الان هم در کشورهایی که بی بندوباری است مسئله قتل و جنایت هم هست. هر کجا زنا است جنایت

هم هست.

واشنگتن پست: «کنترل واشنگتن پایتخت آمریکا خارج از قدرت پلیس است و این شهر با 489 فقره قتل در میان

پایتخت‌های دنیا مقام اول را داشته است و خیابان‌های آن به کشتارگاه تبدیل شده‌اند

در نتیجه علت قتل و جنایات سریالی که اگر دستگیر نمی‌شد جنایات او ادامه پیدا می‌کرد بخاطر رابطه نامشروع

و بخاطر حرام زادگی است. ولی کسانی که در مسیر الهی حرکت می‌کنند اینها از این آسیبها در امانند.

عظمت پیامبر اعظم

چه بگوئیم در باره شخصیتی که همه پیامبران قبل از او از مقام او سخن گفته اند و به او توسل جسته اند. او شخصیتی است که در حقیقت مردم دنیا به خاطر خلقت او، خلق شده اند. لولاک لما خلقت الافلاک.

حضرت محمد (ص) در سال عام الفیل در شهر مکه متولد شدند. پدر آن حضرت عبدالله بن عبدالمطلب و مادر آن حضرت آمنه دختر وهب بن عبدمناف بوده است. از نظر علماء شیعه، اجداد پیامبر اسلام تا حضرت آدم همه موحد بوده و صُلب پیامبر در پشت هیچ مشرکی قرار نگرفته است

در میان چهارده معصوم، سه نفر با کمک مامورین الهی متولد شدند. رسول اعظم. امیرالمؤمنین و فاطمه زهراء (س). {در هنگام وضع حمل آمنه مادر رسول خدا، چهار زن موحد و مؤمن در حالیکه در دستشان جامهای بلورین شربت بود، به کمک او آمدند.

یکی گفت: من آسیه خداپرست، همسر فرعون هستم. دیگری گفت: من مریم عذراء مادر عیسی هستم. سومی که عقب تر از آن دو بانوی جمیل بود، گفت: من هاجر مادر اسماعیل ذبیح الله هستم و چهارمی گفت: من کلثوم خواهر موسی بن عمران هستم. {
و بدین صورت، پیامبر اعظم با کمک مامورین الهی متولد شد.

او پاک و مطهر متولد شد و پاک و مطهر زندگی کرد و هرگز به گناهی آلوده نشد و مبارک بود برای بشریت.

اگر پیامبر نبود، ما هم مسلمان نبودیم و معلوم نبود جزو مغضوبین علیهم هستیم یا ضالین هستیم.

اگر بخواهیم عظمت پیامبر رادرک کنیم باید نگاهی به عظمت کسانی که تربیت شده او هستند نظر کنیم. علی (ع) تربیت شده پیامبر است. و پیامبر مربی او بوده است. علم علی از علم پیامبر بوده و نزد پیامبر خداشناس شده است.

فاطمه زهرا با آن عظمتش تربیت شده پیامبر است. وقتی راه می رفت مانند پیامبر راه می رفت. مانند پیامبر حرف می زد.

همچنین 11 امام دیگر همگی فرزندان پیامبر هستند. لذا به آنها خطاب می کنیم: یا بن رسول الله. همین هزاران دانشمند بزرگ مانند شیخ طوسی و مفید و انصاری و علامه حلی و مجلسی و همه شاگردان مکتب اسلام هستند. از همه مهم تر امام امت و مقام رهبری اینها از ذریه رسول الله هستند. نه تنها مردان بزرگ بلکه زنان بزرگ هم تربیت شده او هستند. زینب-فاطمه معصومه-ام کلثوم-حکیمه-مادران ائمه. مادران علما و دانشمندان. مادران شهدا. زنان مفسر. زنان عفیفه و باحجاب. و این تربیت ادامه دارد و الان هم هر روز در کشورهای غربی روزی نیست مگر اینکه مرد یا زنی اسلام می آورد. یا رسول الله! چقدر عظیم بودی که خداوند دنیا را با این عظمت کوچک خطاب کرده متاع الدنیا قلیل ولی اخلاق پیامبر را عظیم شمرده انک لعلی خلق عظیم. پیامبر نزدیک ترین فرد به خدا بوده که فرمودم دنی فتدلی یعنی نزدیک و نزدیکتر شد. خداوند بارها نام پیامبر را کنار نام خدا برده است. والله العزه و لرسوله. اطیعوا الله و اطیعوا الرسول. استجیبوا لله و للرسول. ینصرون الله و رسوله. و من یعص الله و رسوله. الذین یؤذون الله و رسوله. خدا فرمود در آینده آنقدر بتو می دهم تا راضی شوی. فرمود بتو کوثر دادیم. فرمود خداتورا از شر مردم حفظ می کند. ماتورا رحمت برای عالمیان قرار دادیم. و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین. و فرمود خداوند و ملائکه بر پیامبر (ص) لوآت می فرستند. ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما

ثمرات اطاعت از ولایت و آثار زیانبار مخالفت با ولایت

چرا حادثه کربلا و شهادت سالار شهیدان و یارانش و اسارت خاندانش پیش آمد همچنین چرا این پیروزی عظیم برای ملت ایران در سال 57 حاصل شد؟

علت مصیبت بزرگ کربلا، مخالفت اکثریت مردم با ولایت بود. هم خواص و هم عوام بخاطر ترس و دنیا طلبی و نفس اماره و لقمه حرام و عدم بصیرت، چنان ظلمی در حق اهل بیت کردند که تا روز قیامت خود را مستحق لعن و نفرین خدا و ملائکه و مومنین کردند و در زیارت عاشورا صد لعن باید بر ظالمین به اهل بیت ع مخصوصا قاتلین امام حسین بنمائیم.

اللهم العن اول ظالم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين و شايعة و بايعة و تابعت على قتله.

دوری از ولایت مردم عراق بود که باعث شد دشمنان ولایت آنقدر بی حیا شوند که جسارت های بزرگی نسبت به اهل بیت مرتکب شوند

اما در انقلاب اسلامی خونبار ملت ایران، وقتی امام امت که نایب امام زمان عج بود پرچم انقلاب را بلند کرد ملت ایران بخاطر مجاهدتها و تلاشهای علماء بلاد و روحانیت، دارای بصیرت بودند. در هر استانی و در اکثر شهرها روحانیت پیام امام را به مردم می رساندند و مردم را به انقلاب فرامی خواندند. در اینجا یاد شهید آیه الله مدنی و شهدای رحیمی و علمائی که چقدر مجاهدت کردند تا مردم بصیرت داشته باشند، را گرامی می داریم.

در بین سالهای 1343 تا 1356 مساجد در ایران کانون دروس ایدئولوژی اسلامی بود. کلاسهای اصول عقاید، مبانی ایدئولوژی اسلام، تدریس و تفسیر قرآن از پرجاذبه ترین برنامه ها برای جوانان مخالف رژیم بود.

روحانیون منبری و خطیب در مساجد شهرهای مختلف ایران مردم را جمع کرده و علیه رژیم افشاگری می نمودند. روحانیت مبارز توانستند که مساجد را بعنوان پر قدرت ترین، پرتحرک ترین و پرتجمع ترین مرکز مبارزه علیه طاغوت دریاورند. بعنوان مثال طبق گزارش ساواک در ماه رمضان هر شب بیش از دوازده هزار نفر در سخنرانی های مسجد قبا تهران شرکت می نمودند.

در آن موقع آمار مساجد ایران بین سی تا سی و پنج هزار باب بوده است. که دوهزار و صد مسجد در تهران قرار داشته است. بخاطر دخالت شبکه مساجد در انقلاب اسلامی، انقلاب ملت ایران در تمامی کشور گسترش یافت بر عکس دیگر انقلابات که منحصر در چند شهر بود.

لذا ملت از امام پیروی کردند. هر چه گفت انجام دادند. شهید دادند. زندانی شدند. شکنجه ها را تحمل کردند. محاصره ها را تحمل کردند. سختی های زیادی را در راه پیروی از ولایت تحمل کردند حتی بعضی از خواص خیانت کردند اما دست از ولایت برنداشتند. در نتیجه این پیروی خداوند اولاً طاغوت را سرنگون کرد. ثانیاً نظام جمهوری اسلامی در ایران حاکم نمود. ثالثاً همه توطئه های دشمنان را در طول 31 سال گذشته خنثی نمود. رابعاً عزت و عظمتی به ایران داده که سابقه نداشته است. و تازمانی که ملت ایران پیرو ولی فقیه است. از ولایت پیروی می کند خداوند هم پیروزی و عزت را نصیب آنها خواهد کرد هر چند دهها سال طول بکشد تا امام عصر ظهور نماید.

ضرورت عمل به وظیفه

پروردگار عالمان از مسلمانان تلاش و مجاهدت خواسته است. و دستور داده تا زنده هستید کار و تلاش نمائید بطوری که حق مطلب را انجام داده باشید.

مراد از مجاهدت در راه خدا، انجام وظایفی است که هر انسان مسلمانی برعهده اش می باشد. وظایف هر مسلمانی در طول زندگی به شرح زیر است:

الف: تلاش در راه خداشناسی، پیامبرشناسی، امام شناسی و معادشناسی

ما اگر دین شاسی مان قوی باشد هیچگاه به دام درویش و وهابیون و منافقین و امثال آن نمی افتیم.

ب: اختصاص قسمتی از اوقات شبانه روزی به عبادت و بندگی

حتما باید برنامه عبادت یعنی شرکت در نماز جماعت و جمعه و اقامه نمازهای یومیه و انجام غسلهای واجب و تلاوت قرآن و خواندن دعا و اذکار شبانه روز داشته باشیم.

ج: اختصاص قسمتی از اوقات شبانه روزی به کار و تلاش شغلی

د: انجام وظایفی که نسبت به جامعه مسلمین برعهده دارد مانند دیدار با مومنین - شرکت در مجالس مومنین -

دید و بازدید فامیلی - خدمت و احسان به والدین و همسر و فرزندان - تلاش در رفع مشکل افرادی که به او مراجعه می کنند و انتظار دارند که او حاجتشان را برآورده نماید.

همه وظایف فوق دارای ارزش الهی بوده و مورد تشویق پیامبران و امامان ع بوده است. چه افرادی که برای معاش تلاش می کنند که ثواب مجاهد فی سبیل الله دارند و چه کسانی که تلاش علمی می کنند و چه کسانی که کارهای خیر می نمایند. و چه کسانی که در کنار خانواده خویش اوقات استراحت خود را سپری می کنند، همه اینها دارای پاداش دنیوی و اخروی می باشد.

تدابیری که باید برای چگونگی اداره خانواده اندیشیده شود.

1- تلاش و مجاهدت برای تامین یک زندگی مناسب

شنیدید که کسی که برای تامین معاش حلال تلاش می کند کارش مثل رزمنده مسلمان است

- «مردی از کنار رسول خدا (ص) عبور می کرد. اصحاب او را شخصی با نشاط و فعال یافتند، به حضرت عرض کردند: چه خوب بود این فرد، نیرو و نشاطش را در راه خدا مصرف می کرد.

حضرت رسول (ص) فرمودند: اگر سعی و عمل او برای کودکان صغیرش باشد، کار او در راه خداست. و اگر تلاش او برای پدر و مادر پیرش باشد، کار او در راه خداست. اگر تلاش او برای زندگی شرافتمندانه خودش باشد، کارش در راه خداست. اما اگر کار و تلاشش برای ریاکاری و فخر فروشی به دیگران باشد، کارش در راه شیطان است.» اینک خانمهای زیادی صبح از خانه بیرون آمده و به کمیته امداد و بهزیستی و دفتر امام جمعه و فرمانداری و هلال احمر سومی زنند و درخواست کمک می کنند درحالی که شوهر دارند و باید شوهر نیازها را تامین کند خلاف اسلام است.

2- وسعت دادن به مخارج زندگی به شرط میانه روی

معنای دستور قرآنی *عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ*، استحباب وسعت در خوردنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب در برگشت از سفر و در اعیاد می باشد.

پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند. و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته شود.. امام کاظم ع فرمود: اسراف و سخت گیری در خرج نسبت به خانواده هر دو مکروه هستند. و امام رضا (ع) فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند هر مردی که با خانواده خود خوب تا کند خدا عمرش را زیاد می کند.

مردی که به زنش نیکی می کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم است.

هر مردی که موفق شد خانم محرم خودش را دلشاد کند و اندوه او را برطرف کند، خداوند روز قیامت او را شاد می گرداند.

3- ذخیره نکردن ثروت و استفاده درست از درآمدها

امام حسین (ع): «قبل از مردن مالت را انفاق کن که در غیر این صورت مالت برای دیگری می ماند ولی حساب و کتابش را از تو می کشند! پس مالت را بخور قبل از اینکه مال تو را بخورد.»

ما افرادی را می شناسیم که اگر سرمایه هایی که مانند زمین و مغازه و خانه و امثال آن را دارند حساب کنیم آدم پولداری حساب می آیند ولی بخاطر بی تدبیری زندگی سختی دارند و خانواده آنها تحت فشار مالی هستند. روستائی هائی هستند که چقدر زمین و سرمایه دارند ولی از نظر غذائی به خودشان و خانواده نمی رسند گاه ماه می گذرد و میوه و گوشت نمی خورند. وسایل خانه آنها فقیرانه است. درحالی که می توانند با تدبیر بهترین زندگی را داشته باشند. متأسفانه آنها با سختی زندگی را گذرانده ولی اموالشان به وراثت می رسد.

همچنین افرادی هستند که طبق رسم اموالشان را بین فرزندان تقسیم می کنند بخیال اینکه از اختلاف بعد از مردنشان جلوگیری نمایند ولی همه می دانید که خودهمین تقسیم اموال باعث نزاعها می شود و چه بسا کار به قتل و جنایت هم بکشد لذا پیشنهاد اسلام این است که مرد تا زمانی که زنده است از اموالش بخوبی استفاده کند. به فرزندان کمک کند و از آنها حمایت کند ولی نه با تقسیم اموال. قسمتی از اموال را صرف وسعت در زندگی کند. قسمتی را صرف ازدواج و تحصیل فرزندان کند.

قسمتی را صرف امور خیر کند. الان مسجد تنگ علی در حال احداث است و نیاز به کمک دارد. مسجد کیان آباد منتظر رسیدن کمک برای تهیه ستون ها است متأسفانه شرکت نفت سرکان هم حاضر است لوله های ضایعات که بدرشان نمی خورد زیر خاکها از بین برود ولی حاضر نیستند چندشاخه آن را برای کمک به مسجد روستای همجوارشان بدهند که انتظار است افرادی را مسئول کنند که متدین باشند و اهل نماز جمعه باشند.

ارزش و فضیلت سعی و تلاش

کار و تلاش برای هر مسلمانی واجب و لازم است و در این رابطه روایتی است که رسول اکرم فرموده است: طلب رزق حلال و گذران کردن از درآمد حلال وظیفه واجب هر مرد و زن مسلمان است.

در دین اسلام دستور داده شده است که مسلمانان صبح هر چه زودتر از خانه خارج شوند و به دنبال تلاش برای زندگی بروند و از جمله کسانی که دعایشان هرگز به استجاب نمی رسد، کسانی هستند که تنی سالم دارند و گوشه خانه نشسته و تنها برای گشایش روزی دعا می کنند.

اینکه مسلمانان تلاشگر باشند و کار کنند و دنبال رزق و روزی باشند، دنیا طلبی نیست بلکه همین هم عبادت است اگر انگیزه کار به دست آوردن مال، تاءمین معاش خود و خانواده و بستگان یا بالا بردن سطح زندگی عائله خویش و دگران باشد، آن کار مقدس و آن مال ممدوح و صاحبش مورد تکریم و احترام است، مردی با نگرانی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به خدا قسم ما سخت گرفتار دنیا شده ایم و دوست داریم که بر مال و ذخایر آن دست یابیم. وضع ما چگونه خواهد بود؟ حضرت از او سؤال کرد:

- دوست داری با مال دنیا چه کنی و درآمدت را در چه راه صرف نمایی؟ جواب داد: قسمتی را در بهبود زندگی خود عائله ام صرف نمایم. 2: صله رحم کنم و به بستگان تهی دستم کمک نمایم. 3: در راه خدا به فقر و مستمندان بدهم. 4: و به سفر عبادت حج و عمر بروم.

حضرت فرمود: نگران نباش. کار تو دنیا طلبی مذموم نیست، بلکه این کار خود آخرت طلبی است پیغمبر اکرم فرموده است: ما اکل احدکم طعاماً قطّ خیراً من عمل یده (هیچ کس از شما هرگز طعامی بهتر از کار دست خویش نخورده است).

(حسن بن علی بن حمزه از پدرش نقل می کند که ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم که در زمینی که داشت کار می کرد و پاهایش عرق کرده بود.

به او عرض کردم: فدایت شوم، کجا هستند مردانی که به شما کمک کنند؟

فرمود ، بهتر از من و پدرم افرادی بودند ، که با دست خود کار می کرد .

عرض کردم :چه کسی بود ؟فرمود :رسول خدا (ص) و أمير المؤمنين و پدرانم عليهم السلام ، همه آنان با دستشان کار کرده اند . کار سیرت پیامبران و مرسلین و اوصیاء و نیکوکاران بوده است .

عمرو شیبانی می گوید :امام صادق (ع) را دیدم در حالیکه وسیله صاف کننده زمین به دست و لنگ ضخیمی به کمر ، در باغی که داشت ، کار می کرد و عرق از پشتش می ریخت ،

عرض کردم :فدایت شوم ، وسیله را به من بدهید تا کار شما را انجام به دهم .

به من فرمود :من دوست دارم مرد در گرمای آفتاب در تحصیل معاش ، به مشقت بیافتد

تنبلی و کسل بودن مورد مذمت بزرگان دین قرار گرفته است. زیرا نتیجه آن از بین رفتن سرمایه انسان که همان

عمر اوست می باشد و گاه نتیجه آن فقر است و نتیجه فقر گاه شرک و بی دینی و آلودگی های اخلاقی است.

در حدیثی که از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده می خوانیم که فرمود: ان الاشياء لما ازدوجت ازدوج

الكسل والعجز فتتجا بينهما الفقر: (هنگامی که موجودات در آغاز با هم ازدواج کردند، تنبلی و ناتوانی با هم

پیمان زوجیت بستند و فرزندى از آنها بنام (فقر) متولد شد!).

از امام موسى بن جعفر (عليه السلام) نقل شده است که فرمود: ان الله تعالى ليغض العبد النوام ، ان الله ليغض العبد

الفارغ : (خداوند بنده پر خواب را مبعوض می شمرد، خداوند انسان بیکار را دشمن می دارد) لذا تکدی گری

مخصوصا برای افرادی که سالمند مورد مذمت بوده و باید همه افراد قادر به کار بشدت از گدائی کردن و تکدی

گری پرهیزند.

در روایتی از امام صادق (ع) آمده که شیعیان ما کسانی هستند که اگر از گرسنگی بمیرند دست گدائی به کسی

دراز نمی کنند.

رسم پیغمبر اکرم این بود که وقتی با مردی برخورد می کرد که نیرو و قوتش مایه شگفتی آن حضرت می شد،

سؤال می کرد آیا حرفه ای دارد و به کاری مشغول است ؟ اگر جواب منفی بود، می فرمود از چشم من افتاد.

عمرانسان بزرگترین سرمایه انسان است که باید از آن بهترین استفاده بنماید و در قیامت از مهمترین سوالاتی که از

هر انسانی می کنند این سوال است که عمرت و جوانیت را در چه کاری گذراندی؟. یکی از بیماری های جامعه

ما، بیماری تنبلی اجتماعی است. یعنی اکثر امیل دارند که شغل راحت و کم زحمت داشته باشند. اکثر فارغ

التحصیلهای کشور بدنبال استخدام دولتی هستند و بعضی از آنها حاضرند نگهبان یا سرایدار اداره باشند زیرا

کارشان کم زحمت و درآمدشان تضمین شده است.

آیا در کشورهای پیشرفته هم این چنین است و افراد تحصیل کرده فقط جذب دولت می شوند؟ یا اینکه خود کارآفرین می شوند و با تاسیس شرکت ها و کارخانجات عده ای را سرکار می برند.

در کشور ما تعدادی از سرمایه دارها هستند که حاضر نیستند این سرمایه را در کارهای تولیدی و مورد نیاز کشور بکاربندند بلکه یا در بانکها می گذارند و یا خرج تجملات برای خود اضافه کردن املاک و ویلاها می نمایند. باید فرهنگ ارش تلاش و همت را بین نوجوانان و جوانان جامعه ایران اسلامی نهادینه نمائیم. باید به افراد فارغ التحصیل بگوئیم که تلاش و کار هر چه قدر بیشتر و سخت تر باشد ارزشش بیشتر است.

عبادت و بندگی اولیاء خداوند

در میان بندگان خدا عده کمی هستند که روش عبادت آنها با ما فرق دارد. اگر ما به نمازهای شبانه روز قانع هستیم و گاهی از این هفده رکعت خسته می شویم. ولی آنها عاشق عبادت هستند و از نماز و ذکر و عبادت خسته نمی شوند. علت آن هم معرفت بالای آنها نسبت به پروردگار است. لذا در این خطبه نگاهی به کیفیت عبادت آنها می اندازیم با این امید که ما هم بتوانیم در عبودیت قدمهای بزرگی برداریم.

عایشه همسر پیامبر گفت:

رسول خدا (ص) شبها آنقدر برای نماز بلند می شد و می ایستاد که ساق پایش آسیب دید. من به حضرت گفتم: چرا اینطور می کنید؟ در حالیکه خدا گناهان گذشته و آینده شما را آمرزید!

فرمود: آیا بنده شکر گزار نباشم؟ عایشه گفت: پیامبر یکشب طولانی تا صبح ایستاده نماز می خواند و یکشب طولانی تا صبح نشسته نماز می خواند.

امیر مؤمنان شبی هزار رکعت نماز می خواند و از کثرت سجده، پیشانی پینه می بست. هفتادبار از خوف خدا، غش کرد و بیهوش شد

امام حسن مجتبی (ع) فرمود: مادرم را دیدم که شب جمعه در محراب عبادت ایستاده و پیوسته تا هنگامیکه خورشید، پهنه افق را فرا گرفت، مشغول رکوع و سجود بود.

«و قتیکه عبدالله بن زبیر خبر شهادت امام حسین (ع) را شنید، گفت:

بخدا سوگند! شخصی را کشتند که شبهای طولانی را تا به صبح در نماز بود و روزهای زیادی را به روزه می گذراند

امام سجاد (ع) شبها را تا به صبح به عبادت مشغول بود و گاهی آنقدر نماز می خواند که وقتی می خواست به بستر برود، نمی توانست ایستاده برود، بلکه مانند کودکی که تازه راه افتاده است، حرکت می کرد و خود را به بستر می رساند.

سیده نفیسه

«سیده نفیسه، عروس امام صادق (ع) بود. او روزها را روزه و شبها را به عبادت بسر می برد. دختر برادر او گفت: چهل سال خدمت عمه ام نفیسه بسر بردم. هرگز ندیدم شب بخوابد یا روز افطار کند.

در منزلش، قبری کنده بود و در آن قبر بسیار نماز می خواند و یکصد و نودبار در آن قبر قرآن ختم نمود

سید باقر شفتی

«در باره عبادت او نوشته‌اند: از نیمه شب تا صبح مشغول گریه وزاری و تضرع بوده و در صحن کتابخانه‌اش مانند دیوانگان می‌گردید و دعا و مناجات می‌خواند و بر سر و سینه‌اش می‌زد. و چنان بی اختیار ناله وزاری او بلند می‌شد که اگر همسایگان بیدار بودند، می‌شنیدند.

در اواخر عمر، آن قدر گریه کرده بود و ناله و بی‌قراری نموده بود که به بادفتق مبتلا شده بود و پزشکان هر چه معالجه می‌نمودند، فایده‌ای نداشت. به همین جهت او را از گریه منع کرده و گفتند: گریه بر تو حرام است زیرا باعث زیادی بادفتق می‌شود. پس هر گاه به مسجد می‌رفت تا او نشسته بود، روضه خوانان بالای منبر نمی‌رفتند. مگر زمانی که از مسجد خارج می‌شد و اگر روضه خوانی بالای منبر می‌رفت و او حضور داشت، سید بر نمی‌خواست و باز گریه می‌کرد.

یکی از نزدیکان او می‌گوید: با آن مرحوم به یکی از روستاها رفتم. شب رادر راه گذرانیدیم. سید بمن فرمود: نمی‌خواهی؟ من رفتم تا بخوابم. سید وقتی خیال کرد که من خواب هستم، برخاست و مشغول نماز شد. به خدا قسم دیدم که بندهای شانه و اعضایش می‌لرزید به طوری که کلمات را از شدت حرکت فکین و اعضا، تکرار می‌نمود تا آن را صحیح ادا کند.»

میرداماد

«او مدت چهل سال پای خود را برای خوابیدن دراز ننمود و می‌گفت: چگونه در حضور خدا پایم را دراز نمایم و بیست سال عمل مباح از او صادر نشد و در هر شب 15 جزء قرآن تلاوت می‌نمود

توقف هواپیما برای نماز

وقتی عمل جراحی چشم علامه طباطبایی در انگلیس با موفقیت انجام شد، دکتر جراح به ایشان گفت: خوشبختانه جراحی چشم شما موفقیت‌آمیز بود. ایشان گفت ولی من بسیار ناراحتم. گفت چرا؟ فرمود: چون وقتی می‌آمدیم نماز را در هواپیما خواندم و نتوانستم آن را آن طور که شایسته بود انجام دهم. ناراحتم که در بازگشت چه کنم. نماز از دستم می‌رود. دکتر با شرکت هواپیمائی صحبت کرد که اگر ممکن است در بازگشت در فرودگاهی بایستند تا ایشان نمازشان را بخوانند. ولی شرکت قبول نکرد. تا اینکه با یک شرکت خصوصی صحبت کردند و آنها قبول کردند و علامه توانست در بین راه در فرودگاهی نماز خود را با شرایطش انجام دهد.

آیه الله شاهرودی

زمانیکه شاه سابق پسرش را بعنوان ولیعهد انتخاب کرد، آقای عباس آرام وزیر امور خارجه به نجف آمد که از طرف علماء، یک تلگراف تبریک به تهران مخابره شود و تبریک بگویند!

آنها خدمت آیه الله شاهرودی آمدند. یکمرتبه وبدون مقدمه آقای شاهرودی فرمودند: اسم شما چیست؟ وبه آقای آرام اشاره کردند. عرضکرد: عباس آرام! ایشان فرمودند: درمقابل اوامر خداوند، رام هستید؟ عرضکرد: فامیل بنده آرام است. فرمودند: رام، رام. درمقابل اوامر خداوند رامی یانه؟ سپس آقای شاهرودی فرمودند: اگر شب اول قبر از من پرسیدند که به این آقایان که اینجا آمده اند، نصیحت نمودی یانه؟ آیا قرائت نماز اینهارا درست نمودی یانه؟ آیا در مقابل اوامر خداوند، رام می باشند یا سرکش؟ عرضکردند: ما مسلمان هستیم ونمازخوان می باشیم.

ایشان فرمود: بلی! اما اعمال شما چگونه است؟ سپس مقداری از قبر و قیامت وحالاتش را بیان کرد که همه شروع به گریه کردن نمودند! واصل موضوع که برای آن از تهران به عراق آمده بودند، فراموش شد وپس از شنیدن فرمایشات حضرت آیه الله شاهرودی از خدمت ایشان مرخص شدند ورفتند

ارزش نماز شب

۲. ((لَيْسَ مِنْ شَيْعَتِنَا مَنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَوَةَ اللَّيْلِ))^(۱)

امام صادق (ع) فرمود: کسی که نماز شب نمی خواند، از شیعیان ما نیست -

مرحوم ملکی می فرماید: استادم [ملاحسینقلی همدانی] به من فرمود: ((فقط متعجّدین هستند که به مقاماتی نائل^{3۱} می گردند و غیر آنان به هیچ جایی نخواهند رسید)).^(۲)

علامه طباطبائی رحمه الله علیه می فرماید:

چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم ، تا یک روز در مدرسه ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کردند، چون به من رسیدند دست خود را روی شانه من گذاردند و گفتند: ((ای فرزند! دنیا می خواهی نماز شب بخوان و آخرت می خواهی نماز شب بخوان)).

در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین می خوانیم :

((أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ جِيفَةً بِاللَّيْلِ، بَطَالُ النَّهَارِ)). مبعوض ترین و ناپسندترین مردمنزد خداوند، کسی است که [شب را سراسر به خواب و] بسان مرداری گندیده و در روز بیکار و تنبل باشد.

از امام صادق علیه السلام نقل می که فرمود:

خدای تعالی به بنده ای که نماز شب را در روز قضا بکند مباحثات می کند و می فرماید:

((ای فرشتگان من ، این بنده من چیزی را که به او واجب نکرده ام قضا می کند گواه باشید که من او را

آمرزیدم)). امام صادق علیه السلام فرمود: صلوة اللیل تذهب بذنوب النهار - نماز شب گناهان روز را پاک می کند
سفارش جبرئیل به نماز شب: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱۴. برترین نمازها (ی مستحب) نماز نیمه شب است و چه اندک است به جا آورنده آن .^(۳)

و باز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

جبرئیل آن قدر مرا به نماز شب سفارش کرد تا این که گمان کردم نیکان اتم شب را نمی خوابند مگر اندکی از¹⁵ آن .^(۴)

و باز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند حضرت ابراهیم را دوست خود انتخاب نکرد مگر برای دو کارش: 1-

اطعام به مستمندان 2 - نماز شب ، هنگامی که مردم در خواب بودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند رحمت کند مردی را که از خواب شب برخیزد و نماز شب بخواند و همسرش را نیز بیدار کند و او هم نماز بگذارد. و خداوند رحمت کند زنی را که شب هنگام از خواب بیدار شود و نماز بخواند و همسرش را نیز بیدار کند و او هم نماز به جا آورد

آیت الله شیخ جعفر نجفی (ره) شب زفافِ دختر و دامادش ، هنگام سحر به در خانه آنان رفت و فرمود: برخیزید که آبی برای شما گرم کرده ام ، غسل کنید و نماز شب بخوانید! امام صادق علیه السلام فرمود:

نماز شب ، چراغ خانه قبر، حجابی در میان انسان و آتش دوزخ و گذرنامه صراط و کلید بهشت است امام رضا (ع) پیراهنی به ((دعبل)) هدیه داد ...

روایت شده است که امام رضا علیه السلام پیراهنی به ((دعبل)) هدیه داد و به او سفارش کرد: این پیراهن را خوب نگهداری کن (و قدر آن را بدان) که من با آن ، هزار شب و هر شبی هزار رکعت نماز خوانده ام و هزار ختم قرآن کرده ام رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

در قیامت پس از آن که خداوند همه انسانها را جمع کند، منادی ندا می کند و می گوید:

پیش آیند کسانی که در نیمه های شب از بستر خواب دور می شدند و خدا را می خواندند و از خشم و غضبش بیمناک و به رحمتش امیدوار بودند.

آن گاه جمعی پیشروند و قبل از دیگران به جایگاههای خود (در بهشت) وارد شوند و بعد از آنان به حساب مردم دیگر رسیدگی نمایند.

امام حسین علیه السلام درباره دختر بزرگوارش ((فاطمه)) فرمود:

او در امر دین چنان بود که تمام شب رابه نماز می ایستاد و روز را روزه می گرفت .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

جبرئیل نزد من آمد و گفت : ای محمد!... بدان که شرف مؤمن ، نماز شب اوست و عزّتش بی نیازی او از مردم است

کیفیت نماز شب به صورت مختصر:

- نماز شب مجموعاً یازده رکعت است که ده رکعت آن هر دو رکعت به یک سلام خوانده می شود و یک رکعت به یک سلام.
- هشت رکعت از یازده رکعت را باید به نیت نماز شب خواند و دو رکعت آن رابه نیت نماز (شفع) و یک رکعت آن را به نیت نماز (وتر).
- فضیلت نمازهای شفع و وتر بیش از هشت رکعتی است که به نیت نماز شب خوانده می شود.
- انسان می تواند فقط به نماز شفع و وتر اکتفا کند و هشت رکعت را نخواند.
- اگر وقت برای ادای نماز شب تنگ باشد می تواند فقط به نماز وتر اکتفا کند.
- جایز است انسان نماز شب را نشسته بخواند حتی در حال اختیار
- خواندن سوره در رکعتهای نماز شب لازم نیست و می تواند فقط به خواندن سوره (حمد) اکتفا کند و همچنین قنوت در رکعتهای دوّم مستحب است و می تواند بدون قنوت بخواند.
- (¹¹) - نماز وتر یک رکعت است ، و کافی است در قنوت سه بار تسبیح گفتن^۱
- لازم نیست همه یازده رکعت را در یک مجلس بخواند بلکه می تواند در دو سه نوبت بخواند بلکه با فاصله خواندن افضل است . همانطور که رسول خدا تهجد می کرد.
- مستحب است که نماز شب را بلند بخواند تا اگر از خانواده اش کسی می خواهد به نماز شب برخیزد بیدار شود.
- چنانچه در روایت است و علماء نیز تصریح به استحباب بلند خواندن کرده اند.

منابع طبیعی در آیات و روایات

در دین مبین اسلام توجه زیادی به محیط زیست و منابع طبیعی و حفاظت از آن و تاءکید زیادی بر آباد کردن زمینهای بایر، درختکاری، پاکیزه نگه داشتن نه‌رها و آلوده نکردن آبها شده است. خداوند فرموده است:

فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ: ماباغ‌های نشاط آور و بهجت آفرین رویاندیم

بسیاری از پیامبران و امامان معصوم (ع) ما کشاورز و باغدار بودند و خود با دست خود به کاشت و برداشت درختان اقدام می کردند و به این وسیله در عمران و آبادانی زمینی که خداوند به آن امر فرموده، اهتمام می ورزیدند،

پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) نیز علاوه بر دامداری و تجارت، به کشت درختان و زراعت اقدام می فرمود و در حفظ درختان، حتی در جنگ با دشمنان و اشغال سرزمین آنها، به سربازان اسلام تاکید می فرمود

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله توصیه به درختکاری نموده اند و درخت را به عنوان یک باقی صالحات برای انسان دانسته اند که هر کس از ثمره آن درخت استفاده کند برای کسی که درخت را کاشته است صدقه ای محسوب می شود. هر مسلمانی درختی بنشانند یا کشته‌ای بکارند و انسان یا پرنده یا چارپایی از آن بخورد، برای او صدقه محسوب می شود.

یا در جای دیگر می .

فرمایند

هر که درختی بنشانند خدا به اندازه میوه ای که از آن درخت برون می شود پاداش برای وی ثبت کند در رابطه با اهمیت درختکاری و گسترش فضای سبز حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا بدانجا سفارش نموده اند که اگر رستاخیز به پا شود و در دست شما نهالی باشد باید اگر می توانید آن را بکارید. این فرمایش نشان دهنده این مطلب است که چقدر ما باید محیط زیست توجه داشته باشیم و در این رابطه کوشش کنیم

حضرت علی (ع) چندین نخلستان را با دست مبارک خود احداث کرد

امام علی علیه السلام: بنگاه کردن به سبزه موجب شادابی است

امام صادق علیه السلام: شادابی در ده چیز است: پیاده روی، (اسب) سواری، آب تنی (شنا) و نگاه کردن به .-

...سبزه

امام صادق علیه السلام: درختان میوه را قطع نکنید که خداوند بر شما عذاب فرو می ریزد.
امام صادق علیه السلام: زراعت کنید و درخت بکارید که بخدا قسم هیچ عملی بزرگتر و پاک تر از آن نیست .
علی ع: از جمله عوامل زیاد شدن عمر آدمی، دوری کردن از قطع درختان خرما است مگر ضرورتی پیش بیاید
امام صادق (ع) فرمود: خداوند درخت را برای انسان آفرید لذا باید انسان درخت بکارد و آن را آبیاری کند و در
حفظ آن بکوشد

نتیجه می گیریم که در اسلام درختکاری و حفظ آن عبادت است و کاری مورد رضای خدا و رسول است
و معروف است و از بین بردن درخت و ضرر زدن به منابع طبیعی مخصوصا درختان گناه بشمار می
رود و منکر است

چگونگی همکاری با دیگران

یکی از مهمترین دستورات اسلام درباره چگونگی همکاری با دیگران است که عمل به آن ضامن موفقیت و سعادت می باشد. کارهایی که انسانها بصورت گروهی و باهمکاری یکدیگر انجام می دهند بر دودسته تقسیم شده است:

1- کارهایی که مورد تایید اسلام است که شامل کارهای نیک و کارهایی که بر مبنای ترک محرمات و انجام واجبات است.

2- کارهایی که اسلام، انسانها را از کمک به آنها و همکاری با آنها بر حذر داشته است، کارهایی است که جزو گناهان و وجو کمک به ایجاد دشمنی بین افراد است می باشد.

مثلا قرار است مسجدی ساخته شود اینجا جای همکاری است. قرار است مهدیه یا حسینیه احداث گردد. اینجا جای همکاری است. قرار است به افراد نیازمندی کمک شود اینجا مصداق تعاونوا علی البر والتقوی است. ماشین گیر کرده یا در جوب آب افتاده، اینجا جای همکاری است. خدای نکرده زلزله یا سیل آمده وعده ای گرفتار شده اند. اینجا جای همکاری است. بهترین مصداق تعاون و همکاری رادر انقلاب اسلامی مشاهده کردیم که همه کمک کردند تا انقلاب پیروز شد. همه کمک کردند تا ایران اسلامی در جنگ حق علیه باطل سربلند بیرون آمد. اما مواردی که حق نداریم همکاری کنیم. مثلا دونفر دارند باهم دعوا می کنند ما نباید بعنوان کمک به افراد دعوا کننده وارد شویم. و دعوی دونفره را صدنفره کنیم. اینجا مصداق ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان است.

آخر سال است دانش آموزان می گویند بیائید دیگر سر کلاس نرویم! اینجا نباید همکاری کنیم و باید به قانون عمل کنیم. یا شخصی پیشنهاد می کند بیائید علیه فلان مسئول طومار امضاء کنیم و در آن طومار مطالب کذب و غیر واقعی آمده اینجا نباید قبول کنیم و اگر امضاء کردیم خلاف دستور خدا عمل کرده در قیامت باید پاسخگو باشیم. در فرانسه چهار نفر دختر دور هم نشستند و چهار تا تکه کاغذ برداشته بر روی یکی نوشتند خود کشی! دیگری را نوشتند خود فروشی! سومی را نوشتند دزدی! چهارمی را نوشتند پاکدامنی! بعد قرعه کشی کردند. آنکه کاغذ خود کشی گیرش آمد خود کشی و مرد. آنکه کاغذ دزدی گیرش آمد رفت و دزد شد! آنکه

کاغذ خود فروشی نصیصش شد این شغل را پیشه کرد. و چهارمی هم توبه کرد و آدم خوبی شد! آیا باید با این برنامه های خلاف عقل و عامل بدبختی همکاری کرد؟ خیر.

یک نفر می آید و پیشنهاد می کند بیائید فلانی را بزنیم؟ اینجا نباید حرف او را قبول کرد و نباید همکاری کنیم. چون خدا فرموده: ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان

فردی می آید پیشنهاد می کند بیائید اموال دولتی را از بین ببریم مثلاً خودپردازها را خراب کنیم! نباید قبول کنیم. یا مثلاً شخصی می آید و پیشنهاد می کند بیاییم و قیمت‌ها را بالا ببریم مثلاً راننده تاکسی‌ها یا قیمت ویزیت دکترها یا قیمت فلان کالا مثلاً برنج پاکستانی. نباید قبول کنیم و همکاری اینجا خلاف است.

پس هر موقع از ما درخواست همکاری کردند اول ببینیم چه نوع همکاری می خواهند. اگر از نوع اول است یعنی کارهای خیر و نیک و عبادی و براساس تقوا قبول کنیم. و اگر آن همکاری در مورد یک عمل خلاف است. یک عمل گناه است. یک عملی است که باعث دشمنی بین مسلمانان می شود نباید همکاری کنیم. حتی اگر قسم خوردیم و امضاء هم کردیم که همکاری کنیم آن قسم و امضاء باطل است. در زمان جاهلیت می گفتند انصر اخاک ظالما و مظلوما. ولی اسلام آمد و این را رد کرد.

همکاری با ظالم و ستمکار و گناهکار و خیانتکار و جاسوس و دشمن مسلمین و امثال آن بسیار مذمت شده و برای آن عذابهای سختی ذکر شده است.

پیامبر فرمود روز قیامت ندا می شود: این الظلمه؟ این اعوان الظلمه؟ این اشباه الظلمه؟ بعد اینها را در تابوتی از آهن می گذارند و به قعر جهنم رها می کنند. پیامبر فرمود مسلمانانی که به دشمنان اسلام که در حال جنگ با اسلامند سلاح بفروشد کافر است.

نهضت امام خمینی

در روز بیستم جمادی الثانی 1320 هجری قمری مطابق با 30 شهریور 1281 هجری شمسی (21 سپتامبر 1902 میلادی) در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر سلام الله علیها، روح الله الموسوی الخمینی پای بر خاکدان طبیعت نهاد

او وارث سجایای آباء و اجدادی بود که نسل در نسل در کار هدایت مردم و کسب معارف الهی کوشیده اند. پدر بزرگوار امام خمینی مرحوم آیه الله سید مصطفی در خمین ملجاء مردم و هادی آنان در امور دینی بود. در حالیکه بیش از 5 ماه ولادت روح الله نمی گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت ندای حق طلبی پدر را که در برابر زورگوئیهایشان به مقاومت بر خاسته بود، با گلوله پاسخ گفتند و در مسیر خمین به اراک وی را به شهادت رساندند. بستگان شهید برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دار الحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید

بدین ترتیب امام خمینی از اوان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبرو گردید. وی دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مومنه اش (بانو هاجر) که خود از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیه الله خوانساری (صاحب زبده التصانیف) بوده است. همچنین نزد عمه مکرمه اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و حقجو بود سپری کرد اما در سن 15 سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید

حضرت امام طی سالهای طولانی در حوزه علمیه قم به تدریس چندین دوره فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی در فیضیه، مسجد اعظم، مسجد محمدیه، مدرسه حاج ملاصادق، مسجد سلماسی، و ... همت گماشت و در هنگام تبعید در عراق در حوزه علمیه نجف نیز قریب 14 سال در مسجد شیخ اعظم معارف اهل بیت و فقه را در عالیترین سطوح تدریس نمود و در نجف بود که برای (انصاری) ره نخستین بار مبانی نظری حکومت اسلامی را در سلسله درسهای ولایت فقیه بازگو نمود.

در سال 1340 و 41 ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی فرصتی پدید آورد تا ایشان در رهبریت قیام و روحانیت ایفای نقش کند و انقلاب سفید شاه باعث شد تا امام و علما در مقابل آن موضع گیری کنند.

چهارم بهمن شاه به قم رفت ولی بدستور امام بازار بسته و تعطیل شد و هیچ کس در خیابانها دیده نمی شد. کسی برای استقبال شاه نیود حتی تولیت آستان حضرت معصومه (س) نیز در مراسم نبود. شاه با دیدن این مطلب در سخنانی خود اهانتها را زیادی به روحانیت نمود.

امام و علماء، مراسم نماز جماعت و منبر را در رمضان سال 41 را تحریم نمودند!

در عید نوروز 42 امام این روز را عزای اعلام کردند! مردم از امامشان پیروی کرده و در نوروز بجای تبریک، بهم تسلیت گفته آیه (اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ) را می خواندند.

در روز دوم عید 42 ناگاه دهها کامیون نظامی که مجهز به مسلسل سنگین بود و مملو از سربازان مسلح، وارد قم شدند و در بعد از ظهر، هنگامیکه بمناسبت شهادت امام صادق (ع) 9 مجلسی در فیضیه بود، آنجا را محاصره نمودند و به مردم حمله نمودند. با فرار مردم، دژ خیمان که بیش از هزار نفر بودند، به طلاب و روحانیون حمله ور شدند و با تیراندازی به طلاب، مدرسه را تصرف نموده و شروع به زدن و کشتن و خراب کردن و پاره کردن قرآنها و لباس طلاب نمودند. در این حمله، دهها نفر شهید و صدها نفر زخمی شدند. که موقع خاتمه حمله، اجساد بی جان و نیمه جان را با خود بردند و معلوم نشد چه بر سر آنها آمد. مانند همین حمله در تبریز به مدرسه طالبیه شد و آنجا را به حمام خون تبدیل کردند.

روز بعد امام دستور داد تا مردم و علماء برای دیدار از آثار جنایات رژیم از مدرسه بازدید کنند.

بعد از این فاجعه، امام پیام خود را که لرزه بر کاخ نشینان انداخت، صادر کرد: شاه دوستی یعنی غارتگری.. شاه دوستی یعنی ضربه زدن به پیکر قرآن و اسلام.. شاه دوستی یعنی تجاوز به احکام اسلام.. شاه دوستی یعنی کوبیدن روحانیت...

شاه بعد از این حادثه و پیام امام، دستور دستگیری طلاب و اعزام آنان به سربازی صادر کرد!

صبح عاشورای 42 که امام خود را برای سخنرانی مهمی آماده کرده‌اند. امام در قسمتی از سخنرانی خود در آن روز فرمودند: بدبخت! بیچاره! چهل و پنج سال از عمرت میره! یک کمی تأمل کن! یک کمی تدبّر کن!.. عبرت از قدرت بگیر!

امروز بمن خبر دادند که عده‌ای از وعاظ و خطبای تهران را برده‌اند سازمان امنیت. و تهدید کرده‌اند که از سه موضوع حرف نزنند. از شاه بدگوئی نکنند. به اسرائیل حمله نکنند. نگویند اسلام در خطر است و دیگر هر چه بگویند آزادند.

تمام گرفتاریها و اختلافات ما در همین سه موضوع نهفته است.

دو روز بعد شب پانزده خرداد 42 نیمه‌های شب کماندوها بمنزل امام حمله کردند و ابتدا چند نفر از علاقه‌مندان به امام را اذیت کردند که ناگاه امام در حالیکه لباس پوشیده و عبای خود را زیر بغل گرفته بود ظاهر شدند و فریاد کشیدند: روح الله خمینی منم! چرا این بیچاره اراکتک می‌زنید؟ این چه رفتار و حشیانه‌ای است که با مردم می‌کنید؟ چرا به اصول انسانی پایبند نیستید؟ این چه وحشیگری است که از شما سر می‌زند؟ مزدوران شاه در حالیکه سعی می‌کردند بر خود مسلط باشند، با صدای لرزان، مرتب پاسخ می‌دادند: همه ارادت داریم! همه مؤمنیم! کسی رانمی‌زنیم!

سپس امام را سوار ماشین فولکس واگن کرده به تهران بردند

بعد آن قیام سراسری روحانیت و ملت ایران در 15 خرداد سال 1342 با دو ویژگی برجسته یعنی رهبری واحد امام خمینی و اسلامی بودن انگیزه‌ها، و شعارها و هدفهای قیام، سرآغازی شد بر فصل نوین مبارزات ملت ایران که بعد ها تحت نام انقلاب اسلامی در جهان شناخته و معرفی شد امام خمینی در عصر عاشورای سال 1383 هجری قمری (13 خرداد 1342 شمسی) در مدرسه فیضیه نطق تاریخی خویش را که آغازی بر قیام 15 خرداد بود ایراد کرد.

. صبحگاه پانزده خرداد خبر دستگیری رهبر انقلاب به تهران، مشهد، شیراز و دیگر شهرها رسید و وضعیتی مشابه قم پدید آورد.

وقتی خبر توقیف امام به مردم قم و تهران رسید، مردم در حالیکه اشک می‌ریختند و بر سر می‌زدند، به خیابانها ریختند و حماسه پانزده خرداد 42 را بوجود آوردند.

در این روز، در قم صدها نفر شهید و زخمی و دستگیر شدند. در تهران نیز مردم تهران بطرف کاخ مرمر تظاهرات کردند که مورد حمله مأمورین شاه قرار گرفته و چندین هزار نفر بشهادت رسیدند. دهقانان پیشوای ورامین کفن پوش بطرف تهران در حرکت بودند که مورد حمله قرار گرفته و بطور دسته جمعی قتل عام شدند....

در شانزده خرداد هم این حادثه تکرار شد و رقم شهداء تهران را تا پانزده هزار نفر تخمین زده‌اند.

با دستگیری رهبر نهضت و کشتار وحشیانه مردم در روز 15 خرداد 42، قیام ظاهراً سرکوب شد اما غافل از اینکه 15 خرداد مبدا بیداری ملت ایران شد. امام فرمودند که 15 خرداد از یک جهت مصیبت است که عده زیادی از مردم شهید شدند ولی از یک جهت مبارک است که باعث بیداری همه اقشار و تبعیت ملت از روحانیت شد.

امام فرمودند: در عین حالی که 15 خرداد برای ما مصیبت بود، لکن این موهبت هم خدای تبارک و تعالی به ما عطا کرد که مردم بیدار شدند و به صدای روحانیون لبیک گفتند و در همه جا، در همه مملکت این نهضت شروع کرد و مبدأش از همان 15 خرداد بود و بعد کم کم تدریجاً ریشه گرفت. بنابراین، 15 خرداد در عین حالی که مصیبت بود، لکن مبارک بود برای ملت که منتهی شد به یک امر بزرگی و آن، استقلال کشور و آزادی برای همه مملکت (بود).

: بهترین شاخصها انقلاب، خود امام (ره) و خط امام (ره) است.

- خط امام یعنی قیام و حرکت برای خدا و به دست آوردن رضایت حضرت حق

الف - قیام ما لله بود. ب - همه ما در محضر خدا هستیم. ج - در اسلام، معیار رضایت خدا است، نه شخصیت‌ها. د - ما شخصیت‌ها را با حق بسنجیم و نه حق را با شخصیت‌ها. معیار حق و حقیقت است. ه - مقصد را مقصد الهی کنید، برای خدا قدم بردارید.

2- خط امام یعنی اسلام را جامع و کامل دانستن

الف - حقوق اسلام یک حقوق کامل و مترقی است. ب - اسلام برای نجات بشر آمده است. ج - اسلام دین سیاست است، حکومت دارد. د - والله اسلام تمامش سیاست است.

3- خط امام یعنی تلاش برای حفظ اسلام

الف - دفاع از اسلام بزرگترین عبادت است. ب - اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. ج - اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد.

4- خط امام یعنی تلاش برای پیاده کردن اسلام

الف- امروز روزی است که اسلام باید تحقق پیدا کند. ب- ما برای آن نهضت کردیم که اسلام و قوانین اسلام و قرآن در کشور ما حکومت کند. ج- ما عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم.

5- خط امام یعنی داشتن روحیه ایثار، فداکاری و شهادت‌طلبی

الف- شهادت فخر اولیا بوده است و فخر ما. ب- ملتی که شهادت را آرزو دارد پیروز است. ج- مرگ سرخ به مراتب بهتر از زندگی سیاه است. د- گریه کردن بر شهید، زنده نگه داشتن نهضت است.

6- خط امام یعنی دعوت مسلمانان و مستضعفان به قیام در برابر ستمگران

ج- ای مستضعفان جهان! برخیزید و هم‌پیمان شوید و ستمگران را از صحنه برانید که زمین از آن خدا است و وارث آن مستضعفانند. د- هان ای مستضعفان جهان! بر مستکبران آدم‌خوار بشورید و حق خود را از آنان بگیرید.

- خط امام یعنی دعوت به وحدت و پرهیز از تفرقه

الف- مسلمین باید یک واحد باشند بر ضد همه ستمگران. ب- کوشش کنید که این وحدت کلمه از بین نرود. ج- تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است. د- آن که صدمه بیشتر به ما می‌زند همین اختلافات داخلی است.

8- خط امام یعنی آزادی را در چارچوب اسلام خواستن

ب- اسلام هم آزادی دارد، اما آزادی بی‌بند و باری نه، ما آزادی غربی نمی‌خواهیم. ج- از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود. د- آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است.

9- خط امام یعنی ولایت فقیه را حجت خدا دانستن

ب- پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکتان آسیب نرسد. ج- ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه‌ای است که خداوند تبارک و تعالی داده است.

10- خط امام یعنی برای مردم ارزش قایل بودن

ب- میزان رأی ملت است. ج- مردم نباید کنار بروند، اگر مردم کنار بروند همه شکست می‌خوریم.

11- خط امام یعنی تلاش برای حفظ جمهوری اسلامی و نظام دینی

الف- حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. ب- حفظ نظام از واجبات شرعی و عقلیه است.

12- خط امام یعنی بیزاری جستن از تفکر ملی‌گرایی و لیبرالی

الف- این ملی گرایی، اساس بدبختی مسلمین است. ب- من تا زنده هستم نخواهم گذاشت انقلاب به دست لیبرال‌ها بیفتد. ج- این‌هایی که به اسم ملیت و گروه گرایی و ملی گرایی بین مسلمین تفرقه می‌اندازند، این‌ها لشکرهای شیطان و کمک کارهای به ابرقدرت‌های بزرگ و مخالفین با قرآن کریم هستند.

13- خط امام یعنی در سیاست خارجی مخالف ظالم و یاور محرومان و مظلومین بودن

الف- ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. ب- ما با هر نوع معامله‌ای که مصالح مسلمین را آسیب برساند مخالفیم. ج- اهتمام به امور مسلمین از اوجب واجبات است.

14- خط امام یعنی اسرائیل را غاصب دانستن و تلاش کردن برای محو آن

الف- اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود. ب- ایران دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست. ج- باید همه به پاخیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آنان گردانیم.

15- خط امام یعنی حمایت از ملت مظلوم فلسطین

الف- اصولاً این تکلیف همه مسلمین است که قدس را آزاد کنند و شر این جرثومه فساد را از سر بلاد اسلامی قطع کنند. ب- ما از مبارزات برادران فلسطینی و مردم جنوب لبنان در مقابل اسرائیل غاصب کاملاً پشتیبانی می‌کنیم.

16- خط امام یعنی مقابله با مستکبران

الف- ما اگر چنانچه قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد. ب- وظیفه ما است که در مقابل ابرقدرت‌ها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم.

17- خط امام یعنی آمریکا را دشمن دانستن و با آن مبارزه کردن

الف- آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. ب- هر چه فریاد دارید سر آمریکا بکشید.

فهرست کتاب خطبه ها:

احسان 3

برکات الهی 5

رمضان 7

عهد الهی 12

معاشرت 13

دنیا 15

معاشرت 19

رحمت الهی 22

گناهان کبیره 26

زهرا سلام الله علیها 28

حرص 30

ایمان 32

امام خمینی 33

معنویت 36

حیا 38

سیرالی الله 41

مهدویت 47

مناظره امام صادق (ع) با دروایش 49

- امام خمینی 54
نترسیدناز غیر خدا 59
خدا ترسی 62
جهاد 67
پیامبر اسلام 74
قلب سلیم 78
فرهنگ حسینی 79
امام سجاده 89
عزت نفس 92
احیاگران 94
لربعین 99
پیامبر 105
جلوگیری از بلا 107
جایگاه شیعیان 109
پیامبر ص 111
قولی اعمال 132
ماه رمضان 134
ولایت 135 قران 138
توبه 145
شهید 149
اطاعت از رهبری 151
سنن نبوی 158
شعارهای عاشورا 160
اربعین 164
مراسمات حسینی 168

پیامبر ص	173
امام زمان عج	178
شوهر نمونه	181
امامت	182
مهدویت	183
مبانی فکری امام خمینی	187
توصیه های قران	191
مهرورزی	194
غیبت	196
مسجد و نماز جماعت	198
حج	201
جهنم	204
ریاست طلبی	207
امام رضاع	209
غفلت	202
حسینی بودن	218
ولایت	221
امانت الهی	226
ولایت	229
علل مصیبت ها	231
پیامبر اسلام	233
تربیت اسلامی	236
اثار گناه	240
عظمت پیامبر ص	242
حادثه کربلا	245

مجاهدت در راه خدا 247

کار و تلاش 251

عبادت اولیا خدا 254

نماز شب 27

منابع طبیعی 261

همکاری و تعاون 264

پیامبر اسلام 266

تربیت 269

نهیضت امام خمینی 272